



حقوق شهروندی

تالیف:

دکتر حسن خسروی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار.....
۹.....	فصل اول: کلیات و مفاهیم حقوق شهروندی.....
۹.....	هدف کلی.....
۹.....	هدف‌های یادگیری.....
۹.....	مقدمه.....
۱۰.....	۱-۱ بشر و شهروند.....
۱۴.....	۲-۱ حق و حقوق.....
۱۸.....	۳-۱ حقوق طبیعی.....
۲۰.....	۴-۱ حقوق اساسی یا بنیادین.....
۲۱.....	۵-۱ حقوق عامه.....
۲۵.....	۶-۱ حقوق شهروندی.....
۳۰.....	۷-۱ حقوق بشر.....
۳۲.....	۸-۱ حقوق بشردوستانه.....
۳۵.....	۹-۱ تفاوت حقوق شهروندی با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه.....
۳۷.....	خلاصه فصل اول.....
۳۸.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول.....
۴۰.....	فصل دوم: انواع و ویژگی‌های حقوق شهروندی.....
۴۰.....	هدف کلی.....
۴۰.....	هدف‌های یادگیری.....
۴۰.....	مقدمه.....
۴۱.....	۱-۲ حقوق مدنی و سیاسی.....
۴۱.....	۱-۱-۲ حق‌ها و آزادی‌های فردی و شخصی.....
۴۴.....	۲-۱-۲ حق‌ها و آزادی‌های فکری.....
۴۶.....	۳-۱-۲ آزادی‌های سیاسی.....
۴۸.....	۲-۲ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....
۴۸.....	۱-۲-۲ آزادی کار و حق شغل.....
۴۹.....	۲-۲-۲ آزادی سندیکایی.....
۴۹.....	۳-۲-۲ حق بر رفاه و تأمین اجتماعی.....

۴۹	۴-۲-۲ آزادی و حق آموزش و پرورش
۵۰	۵-۲-۲ حقوق برابر اجتماعی
۵۰	۶-۲-۲ حق بر خانواده شایسته
۵۱	۷-۲-۲ آزادی تشکل ها و اجتماعات
۵۲	۸-۲-۲ حق تابعیت
۵۲	۳-۲ حقوق قضایی
۵۲	۱-۳-۲ حق دادخواهی
۵۳	۲-۳-۲ حق دادرسی منصفانه
۵۵	خلاصه فصل دوم
۵۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۵۷	فصل سوم: حقوق شهروندی در عمل
۵۷	هدف کلی
۵۷	هدف‌های یادگیری
۵۷	مقدمه
۵۸	۱-۳ نهادهای فعال حقوق شهروندی
۵۸	۱-۱-۳ نهادهای حاکمیتی یا حکومتی
۵۸	۱-۱-۱-۳ نهاد رهبری
۶۱	۲-۱-۱-۳ قوه مقننه
۶۵	۳-۱-۱-۳ قوه مجریه
۶۶	۱-۳-۱-۱-۳ نهاد ریاست جمهوری
۶۷	۲-۳-۱-۱-۳ وزرا
۶۸	۳-۳-۱-۲-۳ ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی
۶۹	۴-۳-۱-۲-۳ کمیته سلامت اداری و صیانت از حقوق مردم
۷۰	۵-۳-۱-۲-۳ اداره حقوق بشر و زنان وزارت امور خارجه
۷۰	۶-۳-۱-۲-۳ کمیته حقوق بشردوستانه
۷۱	۷-۳-۱-۲-۳ شورا یا کمیسیون تحول اداری
۷۱	۴-۱-۱-۳ قوه قضائیه
۷۲	۱-۴-۱-۱-۳ رئیس قوه قضائیه
۷۳	۲-۴-۱-۱-۳ دادستان کل کشور و دادستان‌های دادرها
۷۴	۳-۴-۱-۱-۳ ستاد حقوق بشر
۷۶	۴-۴-۱-۱-۳ هیأت نظارت بر حفظ حقوق شهروندی قوه قضائیه
۷۷	۵-۴-۱-۱-۳ دادگاه‌ها
۷۷	۶-۴-۱-۱-۳ سازمان بازرسی کل کشور
۷۹	۵-۱-۱-۳ پلیس

۸۱	۲-۱-۳ نهادهای خاص حکومتی یا ملی
۸۱	۱-۲-۱-۳ کمیسیون
۸۲	۲-۲-۱-۳ کمیته‌های تخصصی
۸۳	۳-۲-۱-۳ کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
۸۴	۴-۲-۱-۳ دفاتر بازرسی کل یا بازرسان معتمد و متخصص
۸۵	۳-۱-۳ نهادهای غیر حکومتی یا مردم-نهاد
۸۷	۱-۳-۱-۳ نهاد ملی حقوق شهروندی و حقوق بشر
۹۰	۲-۳-۱-۳ انجمن حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان
۹۲	۴-۱-۳ سایر نهادها
۹۲	۱-۴-۱-۳ شوراهای اسلامی محلی و شهرداری
۹۳	۲-۴-۱-۳ نهادهای آموزشی و پژوهشی
۹۳	۲-۳ فرایندهای شکلی، نظام دادرسی و چگونگی احیاء و احقاق حقوق شهروندی
۹۵	۱-۲-۳ اصول دادرسی منصفانه و عادلانه
۹۵	۱-۱-۲-۳ حق دادخواهی
۹۶	۲-۱-۲-۳ حق دادرسی منصفانه
۹۶	۱-۲-۱-۲-۳ اصول و ضوابط قانون اساسی
۹۸	۲-۲-۱-۲-۳ اصول و قواعد دادرسی قبل از جلسه دادرسی
۹۸	۳-۲-۱-۲-۳ اصول و قواعد دادرسی در فرایند جلسه دادرسی
۹۹	۲-۲-۳ نظام دادرسی شبه قضایی یا اداری
۱۰۰	۱-۲-۲-۳ شیوه شکایت اداری
۱۰۱	۲-۲-۲-۳ دادگاه‌های اداری
۱۰۲	۳-۲-۳ نظام دادرسی قضایی
۱۰۳	۱-۳-۲-۳ شیوه شکایت قضایی در دادگاه‌های دادگستری
۱۰۴	۲-۳-۲-۳ مراحل طرح دعوای حقوقی و کیفری
۱۰۵	۳-۳-۲-۳ طرح دعوی در مراجع قضایی خاص
۱۰۷	۳-۳ ارتقاء و توسعه حقوق شهروندی
۱۰۸	۱-۳-۳ اخلاق شهروندی
۱۱۰	۲-۳-۳ آموزش و فرهنگ‌سازی شهروندی
۱۱۲	۳-۳-۳ حکمرانی مطلوب
۱۱۹	۴-۳-۳ توسعه رفاه اجتماعی شهروندی
۱۲۱	۵-۳-۳ تسهیل خدمات قضایی
۱۲۲	خلاصه فصل سوم
۱۲۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم

فصل چهارم: اسناد و متون قانونی حقوق شهروندی ۱۲۵

هدف کلی.....	۱۲۵
هدف‌های یادگیری.....	۱۲۵
مقدمه.....	۱۲۵
۱-۴ اصول قانونی اساسی پیرامون حقوق شهروندی و حقوق بشر.....	۱۲۶
۲-۴ طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب رجوع در نظام اداری.....	۱۳۰
۳-۴ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی.....	۱۳۷
۴-۴ دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی.....	۱۴۰
۵-۴ تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری.....	۱۴۳
۶-۴ دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه.....	۱۵۸
۷-۴ مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری.....	۱۶۲
۸-۴ دستورالعمل اجرایی مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری.....	۱۶۳
۹-۴ منشور حقوق شهروندی.....	۱۷۱
خلاصه فصل چهارم.....	۱۸۷
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم.....	۱۸۸
پاسخنامه.....	۱۸۹
کتابنامه.....	۱۹۰

پیشگفتار

کتاب *آشنایی با کلیات حقوق شهروندی* به منظور آشنایی دانشجویان با مباحث و موضوعات مهم حقوق شهروندی، درک مفاهیم اولیه شهروندی در حوزه خصوصی و عمومی، حق‌ها و تکالیف شهروندان در برابر یکدیگر و مسوولیتها و تکالیف دولت در برابر شهروندان، مبانی و سرچشمه‌های فکری و نظری حقوق شهروندی، نظام حقوقی حاکم بر تامین و تضمین حقوق شهروندی در بستر نظام حقوق بشری و نظام جمهوری اسلامی ایران، سازمان‌ها، ساختارها و نهادهای ملی و عمومی مسئول و پاسخگو، شیوه‌های جبران خسارت و نظام دادرسی تضمین حقوق شهروندی و چگونگی احیاء و توسعه آن در چهار فصل، بر اساس سرفصل مصوب شده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (سال ۱۳۹۷) طراحی شده است. هدف کلی این کتاب آموزش و ارتقاء سطح آگاهی دانشجویان و آشنایی آن‌ها با مفاهیم، مبانی، منابع، ماهیت، انواع حقوق شهروندی در زندگی خصوصی و اجتماعی و همچنین در کلیه نهادهای سیاسی، اداری، قضایی و غیره است. بر این اساس، دانشجو با مطالعه مفاهیم حقوق شهروندی می‌تواند در پیگیری حقوق فردی و اجتماعی خود توانمند شود و با درک درستی از حقوق و تکالیف شهروندی، سطح مطالبات خود را در جامعه تنظیم نموده و رفتار و عملکرد دولت را در تامین و تضمین انواع حقوق شهروندی مورد ارزیابی و نظارت قرار دهد تا موجبات تحقق جامعه حق‌مدار و قانونمندار را فراهم نماید.

از دانشجویان محترم انتظار می‌رود پس از طی مراحل ذیل مطالب و موضوعات مندرج در فصول مختلف را درک و تحلیل نمایند.

۱- هر فصل دربردارنده اهداف کلی و رفتاری است که مطالعه آن‌ها نقش مهمی در فهم مطالب و سازماندهی فکری دارد.

۲- پس از پایان هر فصل خلاصه مطالب و پرسش‌هایی تحت عنوان خودآزمایی آمده است که هم می‌تواند آزمون خوبی برای فراگیری مطالب باشد و هم موجب آشنایی شما با شیوه آزمون پایان هر نیمسال خواهد شد و پاسخ آزمون‌ها در انتهای کتاب اشاره شده است.

۳- جهت یادگیری بهتر، ابتدا کل مطالب فصل به‌طور گذرا خوانده شود، سپس مطالب هر بند در ارتباط با مطالب بندهای بعدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۴- در فصل اول، به کلیات و مفاهیم مهم و کلیدی موثر در فهم و درک حقوق شهروندی پرداخته شده است. مفاهیم مهمی همچون: بشر، شهروند، حق، حقوق، حقوق طبیعی، حقوق اساسی و بنیادین، حقوق عامه، حقوق شهروندی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و تفاوت آن‌ها با یکدیگر بررسی می‌شوند.

۵- مطالب فصل دوم که پیرامون انواع و مصادیق حقوق شهروندی است، در قالب سه بند بررسی شده است. در بند اول، حقوق مدنی و سیاسی، در بند دوم، حقوق اقتصادی و اجتماعی، در بند سوم، مصادیق حقوق قضایی مورد اشاره و تحلیل قرار گرفته است.

۶- مباحث فصل سوم، در سه بند تبیین شده است. در بند اول سازمان‌ها و نهادهای فعال در زمینه تامین و تضمین حقوق شهروندی بررسی می‌شوند. در بند دوم، به فرایندهای شکلی، نظام دادرسی و چگونگی احیاء و احقاق حقوق شهروندی پرداخته می‌شود. در بند سوم، مباحث چگونگی ارتقاء و توسعه حقوق شهروندی در اجتماع بررسی می‌شوند.

۷- فصل چهارم، به تشریح و توصیف اهم متون و اسناد قانونی مرتبط با انواع و مصادیق حقوق شهروندی مصوب نهادهای قوای سه‌گانه جهت آشنایی با نظام حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است.

دکتر حسن خسروی

عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور

تابستان ۱۳۹۸

فصل اول

کلیات و مفاهیم حقوق شهروندی

اهداف کلی

عمده‌ترین اهداف کلی این فصل، توانمند نمودن دانشجو در درک مفاهیم و کلیات حقوق شهروندی در بستر زیست جمعی و روابط و تعاملات اجتماعی در یک رابطه دو سویه‌ای حق‌ها و تکالیف شهروندی افراد با یکدیگر و در تعامل با دولت می‌باشد.

هدف‌های یادگیری

- در پایان این فصل انتظار می‌رود دانشجو در مباحث ذیل توانمند شود:
۱. واژه‌های بشر و شهروند را تعریف و تبیین نماید.
 ۲. مفهوم حق، حقوق و رابطه حق و تکلیف شهروندی را درک نماید.
 ۳. مفاهیم اساسی مرتبط با حقوق شهروندی را شناسایی نماید.
 ۴. با مفاهیم حقوق طبیعی، حقوق عامه و حقوق بنیادین آشنا شود.
 ۵. حقوق شهروندی، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را تحلیل نماید.
 ۶. به تفاوت‌های حقوق شهروندی با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه پی ببرد.

مقدمه

انسان موجودی است که به جهات مختلف با سایر موجودات متفاوت بوده و دارای امتیازات و برتری‌هایی نسبت به سایر ذات‌های خردمند و موجودات دیگر می‌باشد. پذیرش و درک چنین برتری، ذهن را به سوی مخلوق بودن انسان و فلسفه خلقت آن توسط خداوند متعال با اهداف و غایات متعالی رهنمون می‌سازد. انسان در نظام خلقت، اشرف مخلوقات نام گرفته است و از کرامت ذاتی و ارزش والای بشری و مقام رفیعی برخوردار شده است. اما ضمن داشتن چنین جایگاه عظیمی و در سایه داشتن عقل، احساس، شعور، فهم، اراده، درک و قدرت و توانایی تامل و اعمال اراده آزاد و مستقل، در قبال نیات و اعمال خود در برابر خدوند و سایر افراد مسئول و پاسخگو می‌باشد.

زندگی در زیست جمعی و در تعامل با سایر افراد، اقتضات و نیازهای زیادی را ایجاب می‌نماید و به جهت اجتناب از تعارض منافع و اراده‌ها، تدوین نظامات اجتماعی بسیار ضروری می‌شود. زندگی جمعی و به‌سامانی اجتماعی جهت رسیدن به سعادت و خوشبختی و کمال انسانی، مستلزم طراحی

نظامی از هنجارها، ارزش‌ها، الزامات و تعهدات است تا در سایه آنها نظم، امنیت، عدالت، آرامش، صلح و ثبات برای بشر تامین شود. بی شک، تحقق چنین جامعه آرمانی منوط به داشتن نظام اجتماعی است که در آن روابط شهروندان با یکدیگر و با دولت در تعاملاتی از نوع حقوق و تکالیف طرفینی چارچوب‌بندی شود تا ضمن تامین حق‌های بشری، تکالیف در برابر دیگران ایفاء گردد و دولت هم در چارچوبه‌ای از قوانین و مقررات در مسیر خدمت به بشریت وظایف و تکالیف قانونی خود را انجام دهد.

با تصور چنین جامعه‌ای است که می‌توان نظام حقوق شهروندی را طراحی نمود و با نهادین‌سازی نظامی از ارزش‌ها، هنجارها، رویه‌ها و سازوکارهای سازمانی و ساختاری، نظام حقوقی حاکم بر حقوق شهروندی را ساماندهی نمود. لذا در این فصل به عناصر و مفاهیم اولیه‌ای که نقش سازنده و کلیدی در بسترسازی نظام حقوقی حاکم بر حقوق شهروندی ایفاء می‌نمایند، می‌پردازیم و در این راستا، مفاهیمی همچون شهروند، بشر، حق، حقوق، حقوق طبیعی، حقوق بنیادین، حقوق عامه، حقوق شهروندی، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و تفاوت‌های برخی از این مفاهیم با یکدیگر بررسی می‌شوند.

۱-۱ بشر و شهروند

بشر مفهومی است مرتبط با ماهیت وجودی انسان و تجلی‌بخش ساختار و ابعادی جسمی و روحی انسان می‌باشد. این مفهوم برای به فعلیت رساندن خصایص و ویژگی‌های موجودی به نام «آدم» در مقایسه با سایر موجودات و ذات‌های خردمندی است که خداوند متعال خلق نموده است. «قبل از خلقت انسان، خداوند موجودات بسیاری را آفریده بود. این موجودات به دو دسته تقسیم می‌شدند: موجودات مجرد مانند فرشتگان و جنیان و موجودات مادی مانند حیوانات و دیگر موجودات دنیای ماده. آفرینش انسان، امری عظیم بود که قرآن حتی فرشتگان را از درک آن ناتوان می‌داند. انسان موجودی مرکب از ماده و معناست. جسم خاکی او از عالم ماده و روح او که به فرموده قرآن از روح خدا نشأت گرفته، به عالم مجردات مربوط است.» (نوروزی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۰۲)

واژه بشر ارتباط مفهومی و منطقی با واژه‌های دیگر دارد. از جمله: «آدم»، «انسان»، «انس»، «انسی» که در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است. ابتدا تصور می‌شود که تکرار آن‌ها در آیات الهی موید تفاوت معنایی بین این واژه‌ها است و هر کدام ناظر به موجودات یا معانی متفاوتی است، اما «در حقیقت چنین نیست، یعنی بدین صورت نیست که مثلاً انسان به معنای والای بشر، و بشر به جنبه پست و حقیر او دلالت کند، بلکه در حقیقت انس، انسان، انسی، بشر و آدم همه به یک معنی است و اختلاف در لفظ است و به تعبیر دیگر این الفاظ مترادف‌اند و معنی همه آنها یکی است. (حلبی، ۱۳۸۴: ۲۶)

در فرهنگ دهخدا در خصوص واژه بشر آمده است: «انسان و از آن جهت انسان را بشر گویند که دیده می‌شود و نمایان می‌باشد؛ بالبشره بظاهر الجلد» (دهخدا، ذیل واژه بشر، ۱۳۹۳) «واژه «بشر» چون از مشتقات «بشره» یعنی «پوست» گرفته شده است، به این موجود «بشر» می‌گویند. واژه «بشر» زمانی به این موجود اطلاق می‌شود که قصد بیان ابعاد حیوانی و ابعاد پایینی مطرح است، یعنی همان حیوان ناطق. چون بشر مانند گیاهان مو به بدن ندارد و پوست دارد از این جنبه به او بشر می‌گویند، یعنی موجودی بدون مو؛ و وقتی بخواهند این موجود را در درجات بالاتر معرفی کنند به او «انسان» می‌گویند». (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۸: ۱)

واژه «آدم»، در لغت به معنای گندم‌گونه و سیه‌چره و در کتب دینی «ابوالبشر»، «ابوالانس» یعنی «پدر آدمیان» و نیز پیامبر، برگزیده خدا است. (حلبی، ۱۳۸۴: ۲۸) آدم از ریشه «آدم» گرفته شده است که به معنای: ۱. چیزهایی است که به غذا و نان اضافه می‌شود تا مطبوع و لذیذ شوند ۲. اسوه و رئیس قوم یا خانواده ۳. مشهور و معروف ۴. باطن اشیاء است (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۸: ۲) به نظر می‌رسد هر دو واژه بیان همان مفهوم ذات خردمند و مخلوق بودن موجودی به نام آدم است، اما واژه انسان بیشتر برای درجه کمالات آدم و جنبه تکامل یافته بشر به کار می‌رود.

انسان از ریشه «نسیان» به معنای فراموشی است. انسان مصدر «أنس» و «انس» و به معنای رام بودن و خو گرفتن و الفت و ملاطفت داشتن و ضد توحش است. (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۸: ۲) انسان از ماده «انس»، اسم جنس است. وجه نام گذاری انسان به خاطر زیادی أنس او، و به جهت آن است که آفرینش او به گونه‌ای است که قوام زندگی او با انس با انسان‌های دیگر است. از این رو، انسان مدنی بالطبع می‌باشد. (المفردات فی غریب القرآن، ذیل واژه «انس»)

در مجموع، بشر واژه‌ای برای تبیین ابعاد جسمی و روحی آدم و انسان است و اشاره به موجودی دارد که توسط خداوند با صفات و ویژگی‌های الهی خلق شده و دارای کرامت و ارزش والای الهی است و در واقع، پرتوی از خداوند متعال می‌باشد. خداوند در قرآن فرموده است: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»؛^۱ یعنی «از روح خود در آدم دمیدم»، البته مقصود این نیست که خداوند تکه‌ای از وجود خود را در وجود آدم قرار داده؛ لذا خداوند از روحی که خود خلق کرده و مالک آن بوده در آدم دمیده و از آن جهت که خالق و مالکش بوده و آن را از میان سایر ارواح برگزیده درباره‌اش فرموده: «روح من». از این منظر بشر موجودی الهی و مقدس است و «دارای دو بُعد وجودی؛ ترکیبی از روح ملکوتی و الهی، و جسمی طبیعی و مادی که دارای تطوّرهایی در مسیر آفرینش خود می‌باشد. از ویژگی‌های منحصر به فرد این مخلوق، غیر از دو بُعدی بودن وجود او، داشتن فطرت الهی و وجود قدرت، اختیار می‌باشد» (نوروزی و کوهی‌اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۲۹) لذا برای تکامل و سعادت خود نیاز به احترام و داشتن حقوق و تکالیفی

^۱ سوره حجر، آیه ۲۹.

است که در جامعه بشری با توسل به زندگی اجتماعی و اجرای دستورات الهی به کمال بشری و فلسفه زندگی دست می‌یابد و در این راستا، مستحق ارزشمندی و حق‌های انسانی است.

انسان از آن جهت که دارای زیست فردی و جمعی است، ملزم به رعایت حق‌های فردی و اجتماعی خود و دیگران می‌باشد، اما رعایت و تضمین نظم، عدالت و صلح در جامعه ایجاب می‌نماید انسان در زندگی اجتماعی تابع نظامی از حقوق و تکالیف در پرتو قوانینی کارآمد باشد. طبعاً صیانت از حیات بشری مستلزم وجود سازوکارهای موثر در قالب جامعه سیاسی، زمامداری و حکمرانی مطلوبی است. در واقع، رابطه‌ای دو سویه با وصف حق‌محوری و تکلیف‌مداری بین دولت و انسان در قالب مفهوم «شهروندی» در جامعه سیاسی باید برقرار شود تا دولت و شهروندان در تعامل طرفینی حقوق و تکالیف، نسبت به یکدیگر قرار گیرند و موجبات زیست جمعی در کمال صلح، امنیت و عدالت فراهم شود و انسان بتواند با تامین حقوق انسانی، خود را به کمال و سعادت بشری برساند. از این منظر، مفهوم حقوق شهروندی و شهروند واجد اهمیت و واکاوی می‌شود.

مفهوم شهروند و شهروندی در حوزه‌های مختلف فلسفی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی به کار می‌رود و متناسب با هر کدام معانی و تعابیر متفاوتی را دارد، اما در مفهوم‌پردازی این واژه تلاش می‌شود به مفهوم کلی و عامی فرای این حوزه‌ها اشاره شود.

شهروند^۲ مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به این جامعه است. (kymlicka, 2000: 8-20) «مفهوم شهروند از «شهر» ریشه می‌گیرد و «City» از واژه لاتینی لوتیاس «divitas» مشتق شده است. لوتیاس معادل واژه پلیس «Polis یا Polites» در زبان و فرهنگ یونانی است؛ بنابراین، شهر تنها مجمعی از ساکنین یک منطقه معین نیست؛ بلکه مفهوم واحد سیاسی مستقلی را می‌رساند. از همین‌جا تفاوت عمیق دو مفهوم شهروند و رعیت آشکار می‌شود. در حالی‌که شهروندان به همان میزان که در شهر حضور فیزیکی دارند، حضور سیاسی نیز دارند، اما رعایا فقط حضور فیزیکی دارند. رعیت فقط از قانون و اراده حاکم اطاعت می‌کند، اما شهروند در تنظیم قانون و خلق اراده حاکم سهم‌خواهی می‌کند و سپس از آن اطاعت می‌کند؛ زیرا اطاعت از آن را به سود خود می‌داند. مفاهیم، اصول و نهادهای مربوط به شهروندی طی قرون متمادی گسترش یافته و دارای پیشینه طولانی است. پیشینه مفهوم شهروندی به دولت-شهرهای یونان باستان بازمی‌گردد». (نوری، ۱۳۹۶: ۲ و نوابخش ۱۳۸۵: ۱۶)

شهروندی و دولت-شهر یکسان بودند و تعهدات شهروندی در همه جنبه‌های زندگی جاری و ساری بود (فالكس، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۹) اما خاستگاه مفهوم شهروند به خلق رابطه دولت و افراد در یک جامعه سیاسی و زیست جمعی بازمی‌گردد. از زمانی که بشر تصمیم گرفته که از حال بدوی و اولیه خارج شود

²Citizen

و در حالت جمعی تحت لوای قانون و قدرت سیاسی زندگی کند، مفهوم شهروند موضوعیت یافته است. بر این اساس، «شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی، برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۷۲۸) و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد، این رابطه را شهروندی گویند. چگونگی رابطه شهروندی را قانون اساسی و قانون مدنی کشور معین می‌کنند. (کامیار، ۱۳۹۵: ۴۳) در واقع، اصطلاح شهروند در تقابل با دولت معنی می‌یابد و بدون وجود دولت، از شهروندی بحثی مطرح نمی‌شود. (پیرهادی، ۱۳۸۵: ۴۸)

شهروندی خاص افراد انسانی است. شهروندی را با اقامت دائمی و شهروند را با مقیم نباید اشتباه کرد. کسی چه بسا شهروند کشوری می‌باشد، بی‌آنکه در آن کشور اقامت داشته یا مقیم کشوری باشد، بی‌آنکه مقیم کشوری باشد. (آشوری، ۱۳۸۹: ۲۲۲) پس انسان‌های ساکن و مقیم در یک کشور، اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت-کشور و تحت حاکمیت آن هستند، شهروند خوانده می‌شوند. شهروندی در جامعه سیاسی رشد می‌کند و مفهومی است که با نظم عمومی و حقوق انسانی پیوند خورده است. اما در جامعه‌ای مردم‌سالار می‌تواند رشد کند؛ چرا که شهروند انسانی فعال و مشارکت‌جو و در همسویی با سایرین زندگی می‌کند و خواسته‌های مشروع و پذیرفته شده فردی و جمعی خود را می‌شناسد، از آن دفاع می‌کند و برای مطالبه آن می‌کوشد. امروزه «شهروند، هویتی جهانی پیدا کرده است». (همتی، ۱۳۹۶: ۱۱۷)

نظام شهروندی به معنای واقعی آن، برخورداری عمومی اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است. به گونه‌ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. در باب مسئولیت شهروندان اسلامی، پیامبر اکرم (ص) در بیان گهرباری می‌فرمایند: «کلکم راعٍ، و کلکم مسئولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ یعنی هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد. در همین زمینه در اسلام هر جا صحبت از رعیت شده، مراد همان حقوق شهروندی امروزی است». (وردی نژاد، ۱۳۷۷: ۳۲۳ به نقل از باقری، ۱۳۹۳: ۱۰۰)

مفهوم شهروندی که ناظر بر حق‌مداری انسان مدرن می‌باشد، ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شد و در عصر جدید هم‌زمان با فراگیر شدنش، انتشار یافت. قبول حقوق و وظایف قانونی و سیاسی ناشی از جایگاه شهروندی بنیاد اصلی و ایده اساسی این مفهوم است. مقوله شهروندی به ضرورت، حاصل سیاست مدرن و پیامد اجتماعی-سیاسی انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی است. به این معنی، شهروندی تمامی دگرگونی‌های حاصل از تبدیل جامعه سنتی به جامعه صنعتی را دربرمی‌گیرد. در جهان معاصر موضوع شهروندی از جذابیت بسیار زیادی در سایر جوامع برخوردار شده است و به تدریج در قرون ۱۸ و ۱۹ با توسعه تفکر لیبرالی و مدرن، پایه‌های شکل‌گیری حقوق شهروندی گسترش یافت.

مارشال، شهروندی را این‌گونه تعریف می‌کند: «شهروند وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل یک فرد در اجتماع سیاسی است و کسانی که در این وضعیت قرار می‌گیرند، حقوق و وظایف یکسان و برابری دارند» (Marchal, 1998: 61) آنچه در این تعریف مهم است، حقوق یکسان و برابری همه افراد در آن موقعیت است. پس، شهروندی رابطه‌ای است دو سویه مابین فرد و دولت و بیانگر حقوق و وظایف متقابلی است که هر کدام از طرفین نسبت به هم مقید و ملزم خواهند شد. لذا شهروند فردی است که برای مشارکت در اداره عمومی و جامعه و در چارچوب قوانین کشور، شرایط لازم را دارد. عینیت بخشیدن به مفهوم شهروندی مستلزم ایجاد زمینه‌هایی است. این زمینه‌ها عبارتند از: وجود جامعه مدنی، نظام سیاسی یا دموکراتیک، حکومت قانون و فرهنگ سیاسی مدنی. این عناصر و زمینه‌ها گرچه در تحلیل از یکدیگر تفکیک می‌شوند، اما در نهایت تمامی آن‌ها وجوه مختلف یک مفهوم واحد یعنی شهروندی‌اند. (جهانگیری، ۱۳۵: ۴ و کاستلز و آلیستر، ۱۳۸۲: ۳۱۲) در واقع، ارکان متشکله شهروندی عبارت‌است‌از: «حقوق، تکالیف، مشارکت و هویت». (عیوضی و باب‌گوره، ۱۳۹۱: ۱۸۸) روابط میان جامعه سیاسی و شهروندان و نیز روابط میان خود شهروندان، روابطی متقابل و وابسته به یکدیگرند، حتی اگر این موضوع همیشه به وسیله افراد درک نشود. این بدان معناست که حقوق و مسئولیت‌های شهروندی منطقاً به‌طور نزدیکی با هم مرتبط‌اند. حقوق بر مسئولیت‌ها دلالت دارند، چرا که حقوق در خلاء وجود ندارند. برای اینکه حقوق موثر باشند دیگران باید حقوق ما را به رسمیت شناخته و محترم شمرند و ما نیز مسئولیم که متقابلاً به حقوق آنها احترام بگذاریم. (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۴۱) در دولت-ملت‌های دموکراتیک مدرن، نقش شهروند، ایجاد مدل اصلی شهروندی یعنی تعلق به یک کشور خاص است. (کیویستو، ۱۳۹۵: ۳۷)

در مجموع، شهروندی در جامعه‌ای قانونمندار و مردم‌سالار هویت می‌یابد و همه افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، به‌طور برابر با هم انگاشته می‌شوند و از حقوق و تکالیفی در برابر هم برخوردارند و دولت در تامین حقوق همه افراد مسئولیت دارد.

۱-۲ حق و حقوق^۳

حق واژه‌ای است که محور مطالعه شاخه‌های مختلف علوم انسانی قرار می‌گیرد. حق، اساس و پایه حیات فردی و اجتماعی هر فردی است که در نظام سیاسی و حقوقی، موجبات ثبات و امنیت انسانی شهروندان را فراهم می‌نماید و آن‌ها را در برابر خودسری‌های و تجاوزات مصون نگه می‌دارد.

³ Rights and Law

انسان به دلیل برخورداری از کرامت ذاتی از حق‌های بنیادینی بهره‌مند می‌باشد. (Edwardson, 2004: 3)

از این رو، حق‌های بشری امروزه مبتنی یا ناشی از کرامت انسانی است و انسان‌ها به آن دلیل صاحب حق می‌شوند که دارای کرامت ذاتی می‌باشند. (Meyer and Parent, 1992: 10) کرامت ذاتی یعنی، انسان «غایت» (کانت، ۱۳۹۳ الف: ۴۵) است و این غایت‌بودن در خویش‌شن از نظر کانت «ارزش» (کانت، ۱۳۹۳ ب: ۱۰۰ و ر.ک. صانعی، ۱۳۹۴: ۱۵-۲۵) است. بر اساس چنین ارزشی، انسان نباید وسیله و ابزار اهداف و منافع دیگران واقع شود و دیگران مکلف به رعایت حرمت و شرافت وی هستند. همچنین انسان با دیگران دارای برابری ارزشی است. برابری ارزشی ناشی از کرامت ذاتی و «ممنوعیت ابزار قرار دادن انسان» (راسخ، ۱۳۸۴: ۲۷) منتج می‌شود.

حال باید دید حق چیست و چه ماهیتی دارد؟ «واژه حق به معنای نقیض باطل، خلاف باطل و ضد باطل آمده و در عین حال برای آن معنای وجوب، ثبوت امر یقینی و بدون شکست و تصدیق نیز گفته شده است» (موسویان، ۱۳۸۳: ۱۷ و ر.ک. موسی‌زاده، ۱۳۸۳). لغت نامه دهخدا معانی متعددی برای این واژه ذکر می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است: راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، ثابت شدن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت و نامی از اسامی خداوند متعال (دهخدا، ج ۶: ۹۱۴۲) و فرهنگ المنجد نیز برای واژه «حق» چند کاربرد و معنا ذکر می‌کند که برخی از آن از این قرار است: ضد باطل، عدل، مال و ملک، حظ و نصیب، موجود ثابت، امر مقضی، حزم، سزاوار. (معلوف، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۴۴) «حق» واژه‌ای عربی است که به معنای «ثبوت» و «تحقق» است و وقتی می‌گوییم: چیزی تحقق دارد، یعنی ثبوت دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۰) و گاه معادل آن در زبان فارسی «هستی پایدار» به کار برده می‌شود؛ یعنی هر چیزی که از ثبات و پایداری بهره‌مند باشد، حق است. (جوادی-آملی، ۱۳۷۵: ۷۴)

در اصطلاح، تعاریف مختلفی از حق شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. حق اختیاری است که قانون برای فرد شناخته که بتواند عملی را انجام دهد و یا آن را ترک کنند. (امامی، ۱۳۹۱: ۲) «حق، امتیازی است که فرد از آن برخوردار است و از این امتیاز در زبان حقوقی به «سلطه و اختیار» تعبیر می‌شود». (موحد، ۱۳۹۲: ۲۲) در تعریف دیگر آمده است: «حق قدرتی است که متکی به قانون که دارنده آن می‌تواند با استعانت از قانون دیگری را به انجام عمل وادار یا او را از انجام عملی مانع شود». (موحد، ۱۳۹۲: ۲۵) اما از منظر فلسفی و ارزشی «در تحلیل مفهوم حق، تفکیک بین دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» به نظر ضروری است. «حق بودن» را با فعل ربطی بودن (to be right) و «حق داشتن» را با فعل (to have right) به کار می‌بریم». (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۹۰: ۱۸) حق به معنای اول که در مقابل باطل قرار می‌گیرد، همیشه در عرصه فکری به‌ویژه سیاسی و اخلاقی حضور داشته است، اما حق به معنای دوم که می‌تواند در مقابل تکلیف قرار گیرد، محصول فکری جدیدی است که در پی

کوشش‌های نظری و عملی آزادی‌خواهانه و برابری‌خواهانه انسان در دوران مدرن تولد یافته است. (راسخ، ۱۳۸۷: ۱۸۶) در واقع، «حق بودن» به معنای ارزشی، همان «خوب بودن» است. بدین معنا که اگر عملی «حق» است، یعنی از منظر اخلاقی و بر اساس اصول محتوایی یک نظام اخلاقی خاصی، مورد تأیید و قبول می‌باشد، اما مفهوم «حق داشتن» ضرورتاً به معنای انجام عملی خوب و اخلاقی نیست، بلکه دربردارنده این مفهوم است که فرد توانایی اتخاذ تصمیم و گزینش از میان شقوق مختلف را داشته باشد، صرف‌نظر از محتوای تصمیم چه خوب باشد چه بد. (راسخ، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

از آنچه گفته شد در نظام حقوقی، حق، فی‌النفسه اصالت ندارد، بلکه یک تأسیس و ابزاری است در جهت حمایت و صیانت از کرامت ذاتی انسان از طریق نظام حقوقی. لذا «حق یک ادعای تضمین شده است». یعنی ادعای به انسان بودن و حرمت داشتن که از طریق نظام حق به کمال و خودشکوفایی می‌رسد. مفاهیم جدیدی از حق (ر.ک. طالبی، ۱۳۹۳: ۱۰-۶۵) در فلسفه حقوق و اخلاق امروزی به‌ویژه توسط «دورکین و هوفلد» (Kramer and Simmonds, 1998: 148, Jones, 1994: 12-13) مطرح شده‌است.

مفهوم حق با اصطلاح «حقوق» گره خورده است. حقوق در نگرش اولیه، جمع «حق» است و گویای مجموعه‌ای از قواعد و مقررات حاکم در یک جامعه قانونمند برای تضمین حق‌های انسانی است. اما در نگرش کلی، علم حقوق «یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول و زندگی آن می‌پردازد». (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۴) در این علم تلاش می‌شود تا بهترین قواعد و نظامات حاکم بر روابط اجتماعی کشف و مقرر شوند، به جهت اینکه جامعه در مسیر نظم، صلح، امنیت، عدالت و حق محوری قرار گیرد. وظیفه حقوقدان این است تا با مطالعه و تحقیق در زندگی اجتماعی، فلسفه خلقت، انسان‌شناسی، فطرت و ماهیت انسان و شناخت ابعاد وجودی و نیازهای انسانی، هنجارها و ارزش‌های غایی و عینی موجود در جامعه را کشف و نهادینه و سپس آن‌ها را در قالب نظام حقوقی و حق‌ها سازماندهی نماید. به بیانی دیگر، «بایدها و نبایدها، الزامات و هست‌های در جامعه را شناسایی و به صورت قوانین و مقررات، حاکم بر روابط اجتماعی نماید». (ر.ک. صانعی، ۱۳۸۰: ۳۳-۷۳ و تروپه، ۱۳۸۶: ۴۰-۷۵)

در نظام حقوقی اسلام، در مقام وضع قواعد حقوقی، به دلیل وحیانی بودن آن‌ها، به سایر علوم نیاز چندانی نیست و بیش‌تر در عرصه مقررات ثانوی، احکام حکومتی، در مراحل دادرسی و اجرا از این علوم استفاده می‌گردد. (ر.ک. امین، ۱۳۸۶) در این نظام، حقوق اینگونه تعریف می‌شود: «مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تامین سازد. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۷۵)

واژه و مفهوم «حقوق»، با مفهوم «قانون» نباید یکی انگاشته شود. قانون به معنای باید، الزام، دستوری، اجبار و حکمی است که برای افراد لازم‌الرعايه است و از سوی دولت وضع و با سازوکارهای اجرایی

تضمین شده است و در صورت نقض آن الزامات، جبران خسارت یا مجازاتی را برای افراد به همراه دارد. در حالی که حقوق، دانش و علمی است که محتوای آن قوانین الزامی را تأمین می‌نماید و به طور عام، مجموعه‌ای از قواعد و مقررات الزامی است.

در یک تقسیم‌بندی کلی از علم حقوق، از نگرش دولت و فرد، به دو شاخه اصلی حقوق عمومی و حقوق خصوصی و از نگرش مرز حاکمیت‌ها و دولت‌ها، به دو شاخه حقوق ملی یا داخلی و حقوق بین‌الملل یا خارجی قابل دسته‌بندی می‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۸۱ و مدنی، ۱۳۹۲: ۸۱) در تعریف حقوق عمومی می‌توان گفت که مرتبط با نظامات حاکم بر روابط دولت و شهروندان می‌باشد، به نوعی که انتظام‌بخش قدرت سیاسی و مجموعه حق‌های شهروندان در جامعه است. در بیانی ساده، «قواعدی مربوط به حقوق عمومی است که روابط میان دولت‌ها... یا روابط میان افراد و جوامعی را که دربرگیرنده افرادند... تنظیم می‌کنند». (لوی‌برول، ۱۳۸۶: ۲۳) در عمل، حقوق عمومی «روابط اجتماعی مربوط به اقتدار و اجبار را تنظیم می‌کند». (دومیشل و لالومی‌یر، ۱۳۷۶: ۶۱) حقوق خصوصی تنظیم‌بخش روابط شهروندان با یکدیگر می‌باشد. به بیان دیگر، «قواعد حاکم بر روابط افراد است». (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۸۱) محور قواعد حقوق خصوصی، اراده و رضایت اشخاص می‌باشد و هدف اصلی آن‌ها حمایت و تضمین منافع اشخاص در اجتماع است.

حقوق داخلی یا ملی «مجموع قواعدی است که بر دولت معین حکومت می‌کند، و در آن از روابطی گفتگو می‌شود که هیچ عامل خارجی در آنها نیست». (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۰۰) یعنی صرفاً در خصوص قواعد و نظامات حاکم در یک جامعه و کشور خاص بحث می‌نماید. حقوق خارجی یا بین‌الملل نیز «قواعدی است که روابط بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و روابط اتباع دولت‌ها را با هم تنظیم می‌کند». (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۰۰) در واقع، مسائل و موضوعات مرتبط با دولت‌ها با یکدیگر و سازمان‌های بین‌المللی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

آنچه از مفهوم «حقوق» در حوزه حقوق شهروندی مستفاد می‌شود، هم دانش و علم حقوق است که بنیادهای نظری و فکری اصول و قواعد کلی حقوق شهروندی را پایه‌ریزی و موجه‌سازی می‌نماید و هم مجموعه‌ای از حق‌ها که شهروندان به موجب اسناد و متون قانونی در اجتماع از آن‌ها برخوردار هستند و دولت و نهادهای عمومی و متولی، مسئول تأمین و تضمین آن حقوق می‌باشند و هم نظام حقوقی حاکم بر حقوق شهروندی در کشوری خاص که مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، رویه‌ها، ساختارها و سازمان‌ها می‌باشد، را شامل می‌شود.

۱-۳ حقوق طبیعی^۴

اعتقاد عمومی بشر و جامعه انسانی بر این است که طبیعت امری ثابت و لایتغیر است و بسیاری از امور در جهان و عالم بشری به طور طبیعی وجود دارد و عامل انسانی نقشی در ایجاد، تحول و تغییر آنها ندارد و می تواند منشا الهی یا طبیعت گرایی داشته باشد. در واقع، طبیعت موجد این است که برخی امور در دنیا، تاسیسی یا تولیدی نیستند و به خودی خود وجود دارند و صرفاً باید آنها را کشف، درک یا مشاهده نمود و برای ساماندهی زندگی اجتماعی و برقراری صلح و امنیت از آنها بهره برد. لذا با اندکی تأمل و تعقل قابل درک می باشند.

اصطلاح طبیعت در این ترکیب (حقوق طبیعی) به دو مفهومی که با یکدیگر مرتبطاند دلالت می کند: نخست این که، قواعد و اصولی هستند که صرفاً قوانین و عادات جوامع محلی نیستند، بلکه قواعد و اصولی اند که اعتبار اخلاق جهان شمول دارند. دوم این که، اعتبار این قواعد مانند قوانین طبیعت، قراردادی و تابع وضع و فرهنگ بشری نیست، بلکه قوانینی است که طبیعت عقلانی انسان به وجود این قواعد و اصول، مقدم بر هرگونه وضع و قرارداد بشری اذعان می کند. اما این که این اصول و قواعد چگونه در طبیعت عقلانی انسان نهاده شده، یک نظریه این است که خداوند آنها را در نهاد انسان جای داده است و خود انسان به این اصول از طریق کتاب آسمانی یا از طریق تلاش عقلی خود آگاه می گردد. دیدگاه دیگر این است که چنین اصولی فارغ و مستقل از اراده خداوند وجود دارند و شهود عقلانی انسان به وجود آنها گواهی می دهد. (احمدی، ۱۳۹۲: ۶)

اندیشه حقوق طبیعی به یونان باستان و اندیشمندانی همچون سقراط، افلاطون، سقراط و ارسطو باز می گردد. (پارساپور، ۱۳۸۹: ۱۴۳) در اندیشه مسیحیت و فلسفه سیاسی غرب افرادی همچون سن توماداکن، سیسرون، لاک، کانت بدان پرداخته اند. (ر.ک. اشتراوس، ۱۳۹۳ و شهوری، ۱۳۹۲) اندیشه حقوق طبیعی در مقابل مکتب حقوق موضوعه قرار می گیرد و بیانگر قواعدی است که ساخته دست بشر می باشد و جنبه قراردادی دارد و تابع شرایط زمانی و مکانی است و محتوای آن از مطالبات و خواسته های بشری در هر فرهنگی تبعیت می نماید. با درک طبیعی و غیروضعی بودن قواعد حقوق طبیعی می توان ویژگی های آن را به شرح ذیل خلاصه نمود:

۱. «عقلانی است؛ یعنی انسان به کمک عقل و فهم خود می تواند این حقوق را بشناسد و تفسیر نماید.
۲. فطری و طبیعی است؛ یعنی با طبیعت و فطرت عقلانی انسان منطبق است. به دلیل عقلانی بودن فراتر از وضع و قرارداد بشر است.

۳. این حقوق فرا زمانی و فرا مکانی و جهان شمول است.

۴. ثابت و لایتغیر است؛ یعنی با گذشت زمان تغییر نمی کند.

⁴ Natural rights or Natural law

۵. میزان و معیار است و هر گونه مقررات بشری که با آن در تعارض باشد، فاقد اعتبار است.

۶. با طبیعت انسانی منطبق است و منشا فرا قراردادی و فرا وضعی دارد». (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۴۷)

در واقع، از منظر نظام حقوق شهروندی، حقوق طبیعی عبارت است از حق‌هایی نظیر حق حیات و حق آزادی که به حکم قانون طبیعت به هر فرد انسانی تعلق دارد و نمی‌توان از او سلب کرد، گفته می‌شود. این نوع حقوق را به اعتبار این که از سرشت و فطرت انسان جدایی ناپذیر است، حقوق فطری دانسته‌اند و به اعتبار این که عادی‌ترین حقوق است، آن را حقوق طبیعی نامیده‌اند. حق طبیعی که لازمه شخصیت بشر و احترام به وی می‌باشد حداقل حقوقی است که انسان برای برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه به آن نیازمند است. (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۱۱۶) حقوق طبیعی محدود به زمان و مکان خاصی نیست و قوانین آن جنبه ابدی و ازلی دارد و مختص انسان به‌ماهو انسان بوده و کل عالم هستی را در برمی‌گیرد. لذا «اعتبار این حقوق توسط انسان وضع نمی‌گردد. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۷۵) حقوق طبیعی در تعارض با هرگونه تبعیض است و حقوق یکسان و برابری را برای بشر به ارمغان می‌آورد. رنگ، نژاد، زبان، قومیت و جنسیت، این خصیصه برابری را خدشه‌دار نمی‌کند. بنابراین، «در مکتب حقوق طبیعی، اصالت با قانون است نه با حقوق. به عبارت دیگر، تمامی حقوق انسانی باید مبتنی بر قوانین انسانی باشد که همگی آن‌ها نیز ریشه در حقوق و در نتیجه در قوانین طبیعی خلقت انسان دارند». (جاوید، ۱۳۸۸: ۱۶)

حقوق طبیعی در پرتو حقوق فطری نیز مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد. برخی آن‌ها را معادل هم می‌گیرند. فطرت در لغت به معنی ابتدا و اختراع است. (معین، ۱۳۹۰: ذیل واژه فطرت). مقصود از فطرت امری درونی و الهی است. مقصود از فطرت انسان وضع طبیعی جسمی و روانی و حیات ناب سالم دست‌نخورده حین تولد او است که در اثر محیط خارج و عوامل مختلف از وضع طبیعی‌اش منحرف نشود و پیشرفت و تمایل‌اش در جهت مقتضیات فطری باشد. پس، حقوق و قوانینی که انسان را در مسیر فطرت رهبری و یاری می‌کنند و با توجه به شرایط و قیود اجتماعی حداکثر آزادی را برایش فراهم می‌سازد، قوانین یا حقوق فطری نامیده می‌شود. (مدرس، ۱۳۷۵: ۴۷) براین اساس، حقوق فطری، حقوقی هستند تعینی و نفسانی و درونی ذاتی، ناشی از نظام جهان و بدیهی عقل و طبیعت انسان که قواعد زندگی و خط سیر حیات را معین می‌کنند و قوانین موضوعه را جهت‌دار می‌نمایند. (مدرس، ۱۳۷۵: ۴۷)

حقوق طبیعی نقش مهمی برای عقل و آزادی قائل است؛ چرا که «با خداشناسی و جهان‌بینی دینی خود به بسط بنیان‌های حق طبیعی، یعنی توجه به آزای انسان و عقلانیت پرداخت». (قاری‌سیدفاطمی و نیکویی، ۱۳۹۶: ۷۶۵) امروزه بیشتر از چنین حقوقی که از عقل و آزادی بشر نشأت می‌گیرد، به عنوان حقوق بشر یا همان حقوق طبیعی یاد می‌شود. (ر.ک. طالبی، ۱۳۹۷: ۱۹۹-۲۲۱) در سایه این آزای و

عقلانیت است که انسان‌ها آزاد و مستقل زندگی نموده و در اجتماع دارای حقوقی می‌شوند که حیات و ممانت آنها در ید دیگران قرار نمی‌گیرد و حکومت‌ها ملزم به رعایت آن‌ها هستند.

۱-۴ حقوق اساسی یا بنیادین^۵

حقوق اساسی، موید اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین ارزش‌های انسانی است که معادل تار و پود و هویت بشری است که بدون وجود آن‌ها نمی‌توان تصویری از انسان داشت. این حق‌ها آن قدر برای حیات انسان مهم و ضروری هستند که لازمه وجودی انسان در اجتماع می‌باشند از این منظر، به این دسته از حقوق، «اساسی» یا «بنیادین» گفته می‌شوند. «اساسی»، یعنی، مهم و صفتی است منسوب به اساس و آنچه به اساس و پی و بنیان پیوسته است. در فرهنگ دهخدا به معنای «بنیادین و اصولی» آمده است. «بنیادین»، هم به معنای «اساسی، اصلی، بنیادی» می‌باشد. (دهخدا، ذیل واژه اساسی)

حقوق بنیادین عموماً مجموعه حفاظت‌های حقوقی در چارچوب یک نظام حقوقی است که در چنین نظامی خود بر پایه همان مجموعه حق/تبدایی، بنیادی، یا حقوق طبیعی تخطی‌ناپذیر است. بدین ترتیب، چنین حقوقی بدون ملاحظه یا هزینه‌ای متعلق به همه انسان تحت چنان حوزه قضایی است. مفهوم حقوق بشر بیشتر به این دلیل که افراد دارای چنین حقوق «بنیادی» هستند، که ورای همه حوزه‌های قضایی هستند، ترویج شده است، ولی نوعاً در نظامات حقوقی متفاوت به شیوه‌های متفاوت و با تأکید متفاوت اعمال می‌شود. (دانشنامه ویکی پدیا، ۱۳۹۸)

اساسی و بنیادین بودن برخی حقوق، بدان خاطر است که وجود آن حقوق مایه قوام و نبود آن‌ها موجب زوال شخصیت یا شخصیت انسان می‌شود. حقوق بنیادین ترجمان واقعی دسته‌ای از هنجارهای اخلاقی، سیاسی و فلسفی است که از آبشخور آزادی، برابری، مردم‌سالاری و دولت قانونمندار سیراب می‌شود. از آنجا که فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مربوط به مقوله‌های آزادی، برابری، مردم‌سالاری و دولت قانونمندار از کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌کند، سیاهه حقوق و آزادی‌های بنیادین نیز بالتبع در کشورهای مختلف دارای تفاوت‌های چشمگیری خواهد بود. (گرجی، ۱۳۸۳: ۹) وقتی به آثار برجسته در حوزه حقوق بشر مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که آن‌ها حق حیات، حق کرامت و حیثیت انسانی، حق آزادی و برابری و برادری را از جمله حقوقی می‌دانند که در بنیادی بودن آن اتفاق نظر دارند. (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۳)

در اصل، حقوق اساسی و بنیادین به منظور مقابله با تعدی دولت وضع شده‌اند و اعمال این حقوق اساساً بر روابط عمودی دولت و اشخاص مدنظر بوده است و نه روابط افقی مابین اشخاص. دلیل این تفاوت غالباً به این امر برمی‌گردد که رابطه دولت و شخص برابر نیست و به علاوه، دولت در استفاده مشروع از قدرت در چارچوب حاکمیت خود از موقعیت انحصاری برخوردار است و در صورتی که

⁵ Fundamental rights

اشخاص از طریق حقوق بنیادین در برابر سوءاستفاده دولت از اقتدار خود محافظت نشوند، در موقعیت آسیب‌پذیری خواهند بود. (حاجی پور، ۱۳۹۶: ۳۷) در واقع، حقوق اساسی و بنیادین به عنوان لباس فولادین و غیر قابل نفوذ در برابر خطرات بیرونی است و از انسان در برابر سایر افراد و اقتدار دولت محافظت می‌نماید. همچنین حقوق بنیادین سنگر مستحکمی در برابر اراده عظیم دولت محسوب می‌شود و دارای چنان قدرتی می‌شود که حتی قوی‌ترین دولت‌ها هم نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند و در نظامی قانونمندار مکلف به تامین و تضمین آن می‌شوند. چنین حقوقی معمولاً در منشورها و قوانین اساسی‌ها بیان می‌شوند تا دولت‌ها در مقابل آن تکلیف‌مدار شوند.

حقوق اساسی و بنیادین در سه رویکرد قابل توصیف می‌باشند:

«الف. حقوق برتر: حقوق بنیادین مصرح در قانون اساسی به عنوان یک حق برتر تلقی شده، به طوری که کل نظام حقوقی در پرتو آن قرار می‌گیرد، لذا قوای عادی توانایی مقابله با این حقوق را ندارند. ب. یک اصل بنیادین: مطابق این رویکرد، حقوق بنیادین همچون اصول غیرقابل نقض بوده و تعرض به آنها امکان‌ناپذیر می‌باشد.

ج. ابزار اهداف: در این رویکرد، حقوق بنیادین نقش مهمی در تحقق اهداف غایی اجتماعی دارد و اصولاً وسیله‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه محسوب می‌شود». (حاجی پور، ۱۳۹۶: ۴۳) در مجموع، حقوق اساسی و بنیادین به عنوان حقوق برتر و نماد ارزش‌های والای بشری در راس سایر حق‌های بشری قرار می‌گیرند و تغییرناپذیر و غیرقابل نقض توسط افراد و دولت می‌باشد. در واقع، همچون نقش مرگ و زندگی را برای بشر در جامعه ایفا می‌نمایند که بدون وجود آنها ادامه حیات ممکن نیست و هویت بشری و شخصیت و کرامت انسانی در معرض نابودی قرار می‌گیرد. لذا همه دولت‌های مردم‌سالار و انسان‌دوست چنین حقوقی را در قانون اساسی مندرج می‌نمایند.

۱-۵ حقوق عامه^۶

همواره در جامعه برخی منافع و منابع مشترک وجود دارد که به طور مستقیم تحت مالکیت یا تصرف شهروندان نیست و اما تحت مالکیت مشترک همه مردم قرار دارد و تصدی و مدیریت آن به عهده دولت یا نهادهای ماذون از دولت و مردم می‌باشند. از این منظر مردم در بهره‌برداری و استفاده از این منافع از موقعیت برابر و حق مساوی برخوردارند و دولت ضمن مدیریت آنها باید زمینه استفاه معقول در جهت همگانی را فراهم کند و از آنها باید به نحو احسن صیانت نماید. در یک تعبیر، چنین منافع همگانی و مشترک، حقوق عامه گفته می‌شود.

^۶ Public rights

در فرهنگ دهخدا واژه «عامه» به معنای «همه، همگان و عموم مردم» آمده است. یعنی در جامعه حقوق و منافی وجود دارد که مالکیت خاص ندارد و تحت مالکیت مشاع و همگانی قرار دارد و همه به یکسان حق استفاده از آن را دارند، اما چگونگی استفاده از آن باید تحت لوای قوانین و مدیریت عمومی قرار گیرد و عموم مردم می‌توانند بر این فرایند قانونی نظارت نمایند و بر اساس نظام عادلانه و منصفانه و با رعایت اولویت‌ها اقدام به بهره‌برداری کنند.

اصطلاح «حقوق عامه» در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است. اصل مذکور مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می‌کند.

۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.

۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

عبارت «حقوق عامه» در این بند قانون اساسی نیز مانند «حقوق ملت» مفهوم مشخصی ندارد. از یک سو، می‌توان حقوق عامه را معطوف به حق‌های فرد فرد انسان‌ها شامل همه حق‌های متعلق به افراد انسانی دانست و از سوی دیگر، می‌توان حقوق عامه را در معنای حق جمعی عامه مردم به کار گرفت. در معنای اخیر، حقوق عامه فقط دربرگیرنده حق‌هایی مانند بهره‌مندی از میراث مشترک بشریت، بهره‌مندی از کمک‌های بشردوستانه، بهره‌مندی از محیط زیست سالم و موارد مشابه دانست که ویژگی آن‌ها بهره‌مندی و مسئولیت همگانی در قبال تحقق آن‌ها است. در حقیقت، این تلقی از مفهوم حقوق عامه، ما را به مفهوم حقوق همبستگی یا همان نسل سوم حقوق بشر بسیار نزدیک می‌سازد. به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان قانون اساسی با استفاده از عبارت احیای حقوق عامه بر این باور بوده‌اند که احیاء حقوق عامه مردم در نظام سیاسی ضرورت دارد. بی‌گمان منظور از این حق‌ها، مواردی مانند حق‌های مدنی و سیاسی است (کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۲۵)

در این اصل، وظیفه صیانت و تامین حقوق عامه به عهده دستگاه قضایی سپرده شده است. در این راستا، دادستان به عنوان «مدعی العموم» با سازوکارهای نظارتی و قضایی باید در مقام تعقیب و پیگیری ناقضین و متجاوزین به حقوق عامه برآید. در واقع، دادستان نماینده عمومی مردم و از طرف همه مامور در نظارت بر حقوق عامه و تعقیب مجرمین مرتبط با این دسته از حقوق می‌شود و با طرح شکایت علیه متهمین در دادگاه‌ها و تقاضای اعمال مجازات و جبران خسارت و اعاده وضع سابق، زمینه احیاء و اعاده

حقوق عامه را فراهم می‌نماید. در سال ۱۳۹۵ و در راستای احیای حقوق عامه، رئیس قوه قضائیه دستورالعمل اجرایی چگونگی صیانت از حقوق عامه را ابلاغ نمود.

در مقدمه توجیهی این دستورالعمل اینگونه بیان شده است: «با توجه به بند (۲) اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی که به موجب آن احیاء حقوق عامه یکی از وظایف مهم قوه قضائیه می باشد و در اجرای ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) که پیگیری و نظارت بر دعاوی مربوط به جرایم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و بین‌الملل به دادستان کل محول شده است، لذا دادستان‌های سراسر کشور جهت صیانت از حقوق عامه تحت نظارت دادستان کل به شرح زیر انجام وظیفه می‌نمایند». بر اساس ماده ۱: «در هر موردی که اقدام ادارات، سازمان‌ها، واحدهای تجاری و دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، و به‌طور کلی اشخاص حقوقی موجب تضییع حقوق عامه گردد، دادستان حوزه قضایی مربوط ابتدا موضوع را به صورت کتبی با ذکر مستندات قانونی و یادآوری آثار و عواقب آن به واحدهای یاد شده تذکر می‌دهد.

در ماده ۲ عنوان شده است: «هرگاه سازمان‌ها و مراجع مذکور در ماده (۱) علی‌رغم تذکر دادستان به اقدامات خود استمرار بخشند، دادستان مربوط ضمن اقدام قانونی، مراتب را به دادستان کل کشور اعلام خواهد کرد».

حقوق عامه مصادیق مختلفی دارد. هر منفعت و مالکیت مشترکی در جامعه می‌تواند یکی از انواع حقوق عامه باشد و هر یک از شهروندان به‌طور مشاعی و برابر با دیگران در آن سهم داشته باشد. به طور مثال: معادن، ذخائر نفتی و گازی، جنگل‌ها، مراتع، رودخانه‌ها، دریاها، راه‌های عمومی، خیابان‌ها، کوچه‌ها، کلیه معابر، پارک‌ها، محیط زیست، منابع آبی، زمین‌های بایر، ساختمان‌ها و مکان‌های عمومی، وسایل نقلیه عمومی، بنادر، اسکله‌ها، برقراری نظم عمومی، اخلاق حسنه، بهداشت عمومی، صلح، آرامش، امنیت عمومی، داخلی و خارجی و غیره.

استفاده و صیانت از حقوق عامه تحت اصول و قواعد کلی است که به قرار ذیل می باشند:

الف. منع استفاده انحصاری: هیچ کسی حق ندارد حقوق عامه را تحت تملک و مالکیت انحصاری خود قرار دهد و اجازه استفاده به دیگران را ندهد.

ب. مالکیت مشاعی و اشتراکی: همه شهروندان در جزء جزء حقوق عامه به‌طور مشاع با همه شریک هستند و مالک خاص ندارد و مالکیت مشاعی باعث می‌شود تا همه افراد به نحو اشاعه و مشترک در آن دخل و تصرف نمایند، البته چنین تصرفی باید بر اساس قانون و با مدیریت، نظارت و هدایت دولت صورت گیرد.

ج. نظارت: نحوه استفاده، بهره‌برداری و توزیع حقوق عامه باید بر اساس قانون و تحت نظارت مستقیم و غیرمستقیم مردم باشد که معمولاً دولت و نهادهای ماذون از طرف دولت چنین کنترل و نظارتی را انجام می‌دهند تا سوءاستفاده از آن‌ها صورت نگیرد.

د. اصل برابری: استفاده از حقوق عامه مختص همه شهروندان و بدون تبعیض خواهد بود. همه افراد صرفاً به حکم اینکه شهروند جامعه هستند از حقوق عامه سهم هستند و در تساوی با سایرین می‌توانند بر اساس قانون از حقوق عامه استفاده نمایند و در این راستا، هیچ امتیاز اختصاصی برای کسی وجود ندارد. عواملی چون رنگ، نژاد، زبان، جنسیت، قومیت، طبقه، مذهب و غیره منشا برتری و نابرابری موضوعیت ندارد.

ه. عدم انتقال و خرید و فروش: اموال و مشترکات عمومی را نمی‌توان از راه معامله تصرف و تملک کرد، مگر با اجازه قانون این منع از میان برداشته شود. (طباطبایی‌موتمنی، ۱۳۹۰: ۳۰۷) جزئیات این موضوع در قانون مدنی اشاره شده است.^۷

در تفاوت حقوق شهروندی با حقوق عامه می‌توان عنوان نمود که هر آنچه حقوق عامه است، الزاماً حقوق شهروندی نیست، اما آنچه حقوق شهروندی است، قطعاً حقوق عامه خواهد بود. تعریف حقوق شهروندی بر مبنای حقوق ناشی از قانون اساسی هر کشور که مجموعه وسیعی از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، حاکی از این است که حقوق شهروندی به صورت مصداقی‌تر وارد می‌شود و در اصل، حقوق عامه و دسترسی به آن را قابل وصول‌تر می‌کند، اما در اینجا یک اختلاف وجود دارد و آن هم استفاده از لفظ «احیاء» در بحث «حقوق عامه» و «حفظ» در «حقوق عامه» است. در بحث حقوق عامه از آنجایی که این حقوق نقض می‌شود، قانونگذار از لفظ احیاء استفاده کرده است،

^۷ ماده ۲۳- استفاده از اموالی که مالک خاص ندارد مطابق قوانین مربوطه به آن‌ها خواهد بود.

ماده ۲۴- هیچ کس نمی‌تواند طرق و شوارع عامه و کوچه‌هایی را که آخر آن‌ها مسدود نیست تملک نماید.

ماده ۲۵- هیچ کس نمی‌تواند اموالی را که مورد استفاده‌ی عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پل‌ها و کاروانسراها و آب‌انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان‌گاه‌های عمومی، تملک کند. و همچنین است قنوات و چاه‌هایی که مورد استفاده عموم است.

ماده ۲۶- اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی، مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آن‌ها و بالجملة آن چه که از اموال منقوله و غیرمنقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

ماده ۲۷- اموالی که ملک اشخاص نمی‌باشد و افراد مردم می‌توانند آن‌ها را مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه به هر یک از اقسام مختلفه‌ی آن‌ها تملک کرده و یا از آن‌ها استفاده کنند مباحثات نامیده می‌شود مثل اراضی موات یعنی زمین‌هایی که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آن‌ها نباشد.

ماده ۲۸- اموال مجهول‌المالک با اذن حاکم یا مأذون از قبل او به مصارف فقرا می‌رسد.

یعنی جایی که این حق نقض می‌شود، مدعی‌العموم برای احیای آن ورود پیدا می‌کند، اما در بحث حقوق شهروندی تا قدر ممکن این حقوق حفظ خواهد شد.

۱-۶ حقوق شهروندی^۸

همه افرادی که در یک کشور زندگی می‌کنند از حق‌ها و مزایای فردی و اجتماعی بهره‌مند هستند، چرا که آن‌ها عضو اجتماع بوده و به حکم انسان بودن، مستحق احترام و داشتن حق‌هایی هستند و از طرفی چون در زیست جمعی و در تعامل با سایرین قرار دارند، باید تحت قوانین مشترک جهت برقراری صلح و آرامش باشند، لذا از این منظر، ضمن داشتن حق‌هایی، از تکالیفی نیز در برابر اجتماع و دولت برخوردار هستند و مجموع این حقوق و تکالیف، «حقوق شهروندی» نامیده می‌شود. از منظر موازین اسلامی نیز شهروندان در نظامی از حقوق و تکالیف قرار دارند. (قوه قضائیه، ۱۳۸۸: ۸) این حقوق و تکالیف ضمن داشتن بعد عبادی، جنبه اجتماعی و حقوقی نیز دارا می‌باشند.

حقوق شهروندی در جوامع مردم‌سالار و قانونمند و پایبند کرامت و حرمت انسانی رشد و توسعه می‌یابد که در آن شهروند دارای ارزش و حرمت انسانی است و از حالت بردگی و بندگی خارج شده است و در موقعیت حقوقی برابر با سایرین قرار گرفته است. چنین شهروندی در رابطه‌ای دوسویه و متقابل از حقوق و تکالیف با افراد دیگر و دولت قرار گرفته است و چنین رابطه‌ای موجبات تعادل و زندگی مسالمت آمیز در مسیر صلح و آرامش را فراهم می‌نماید، چرا که همه افراد با تأمین و اجرای حق‌ها و آزادی‌های خود باید در مدار تکلیف‌محوری، پاسخگوی اعمال و رفتار خود نیز باشند و چنین مسئولیتی موجب صیانت از حقوق دیگران و حفظ نظم عمومی خواهد شود و جامعه در مسیر به‌سامانی گام بر می‌دارد.

در جامعه مبتنی بر حقوق شهروندی، «شهروند دارای پیوند و وفاداری به یک جامعه سیاسی و مستحق برخورداری از همه حقوق مدنی و حمایت‌های قانونی است. حقوق شهروندی، همه حقوقی است که یک شهروند بر پایه قوانین، مقررات و ارزش‌های مشترک در یک کشور از آن برخوردار است. حقوق یک شهروند در ارتباط با وظایف دولت و نیز دیگر شهروندان جامعه مورد نظر است و باید از سوی آنان مورد رعایت و احترام قرار گیرد». (ر.ک. جاوید و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۳-۱۱۶)

لازمه رسیدن به جامعه مبتنی بر حقوق شهروندی، نهادینه‌شدن حس مسئولیت اجتماعی و تکلیف‌محوری در هر فرد و اولویت منافع عمومی بر منافع شخصی است. از نظر «ژان ژاک روسو»، متفکر فرانسوی سده هجدهم میلادی، مفهوم شهروندی در معنای ایده‌آلیستی (آرمان‌گرایانه) آن به معنای ترجیح خیر و صلاح عمومی بر منافع خصوصی است و بر این پایه، شهروند آرمانی کسی است که

^۸ Citizenship Rights

بتواند مصلحت عمومی را اراده کند و در تضاد منافع فردی خویش با منافع عمومی، منافع عمومی را ترجیح دهد تا بدین‌سان دارای اراده عمومی و فضیلت مدنی باشد. (ر.ک. روسو، ۱۳۹۴)

تامین حقوق شهروندان فقط منوط به شناسایی و حمایت دولت‌ها نیست، زیرا در کنار وظایف و مسئولیت‌های متقابل دولت و شهروند، حقوق شهروندی بسیاری وجود دارد که باید از سوی دیگر شهروندان رعایت شود؛ مانند حقوق همسایگی، حقوق مربوط به رفت‌وآمد و حضور در مکان‌های عمومی، حقوق فعالیت‌های اقتصادی در فضای آزاد و رقابتی. البته دولت در این زمینه نیز دارای نقشی غیرمستقیم اما تعیین‌کننده است، زیرا دولت به عنوان یک نهاد برتر اجتماعی-سیاسی در کنار مسئولیت آگاهی‌بخشی در مورد وظایف و تکالیف شهروندی، تنظیم قانونی روابط شهروندان با یکدیگر (وضع قوانین خصوصی) را بر عهده دارد. پس، حقوق شهروندی، حقوقی نیستند که باید درصدد تاسیس و یا ایجاد آنها باشیم. حقوق شهروندی، غالباً حقوقی ثابت نزد انسان‌هایی شناخته می‌شود که عنوان شهروند را با خود دارند. در این میان وظیفه جامعه، دولت و قانونگذار این است که ابتدا این حقوق را به خوبی بشناسند و سپس خود را ملزم به رعایت این حقوق و رفع موانع موجود بر سر راه احقاق و نهادینه‌شدن آنها دانسته و در نهایت در متون قانونی آنها را درج کنند.

حقوق شهروندی انواع و مصادیق متعددی دارد که کلیه زندگی شخصی و اجتماعی شهروند را پوشش می‌دهند و شامل حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی می‌شود. به‌طور کلی، حقوق شهروندی و حقوقی که اهالی یک کشور باید از آن برخوردار شوند بر دو دسته است: «دسته اول: حقوقی که تک تک شهروندان نسبت به یکدیگر دارند و باید رعایت نمایند که نماد اجتماعی این بخش از حقوق شهروندی در مصادیق حقوق خصوصی است.

دسته دوم: بخش اعظمی از حقوق شهروندی که در حقوق عمومی و برخی قواعد آمره نمایان می‌گردد، حقوقی است که باید توسط دولت و حکومت نسبت به شهروند رعایت گردد و اهمیت بالای این بخش از حقوق شهروندی از آن جهت است که دو طرف این معادله قدرتی نابرابر دارند، چرا که در یک طرف، افراد و شهروندان هستند با توانایی بسیار کم و بدون قدرت و اقتدار و در سوی دیگر این معادله، دولت و حاکمیت است که اختیارات و اقتدار بی‌حد و حصر دارد و دقیقاً همین بخش از حقوق شهروندی که تکلیف دولت‌ها نسبت به شهروند محسوب می‌شود، است که با اهمیت جلوه می‌کند و برای جامعه مترقی مهم است که دولت تمام و کمال به تکالیف خود عمل نموده و در یک توازن منطقی حقوق شهروندان و حدود خود را رعایت نماید». (مدنیان، ۱۳۹۰: ۴)

تامین و تضمین حقوق شهروندی منوط به پوشش قانونی آن است. لذا حقوق شهروندی، باید از طرف دولت به رسمیت شناخته شود و در قوانین اساسی و مقررات خاص درج شود و ضمانت اجرای قانونی برای آنها نیز در نظر گرفته شود و خود شهروند هم به وجود آنها اعتقاد راسخ داشته باشد و

برای آن‌ها احترام قایل شود. در واقع، در نظام حقوقی مطلوب انسانی، حقوق شهروندی در پی تضمین سرنوشت هر شخص در اجتماع خود (زندگی اجتماعی) و تعیین حقوق و منافع برای او به واسطه شهروندی است، آن‌گاه شهروندی و تحقق حقوق مربوط به آن، پیوند وثیقی با مشارکت شهروندان برای تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود خواهد داشت. (فلاح زاده، ۱۳۸۶: ۵۸) حوزه حقوق شهروندی محدود به سرزمین یک دولت-ملت است، زیرا رکن اساسی شهروندی، مفهوم عضویت است. (فلاح زاده، ۱۳۸۶: ۶۰) از این جهت، هر جامعه متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای خود، حقوق شهروندی مختص به خود را دارد.

از منظر مسئول بودن شهروند در جامعه و داشتن حس مشترک اجتماعی، حقوق شهروندی نظامی است مبتنی بر مجموعه‌ای از حق‌ها و تکالیف. شهروند ضمن بهره‌مندی از مزایا و حق‌های متعدد در جامعه باید تکالیفی را نیز برای صیانت از صلح، نظم، امنیت، آسایش، بهداشت، فرهنگ و اخلاق عمومی انجام دهد. در بیانی مختصر، تکالیف شهروندی عبارتند از: «۱. تکالیف الزام‌آور حقوقی نظیر: احترام و رعایت قانون، رعایت نظم و انضباط اجتماعی و عدم اخلال در نظم و امنیت عمومی، پرداخت مالیات، خدمت سربازی، حضور در هیات منصفه، مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر، حفاظت از محیط زیست و تاسیسات و اماکن عمومی ۲. تکالیف اخلاقی نظیر: انتقاد از وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تلاش در حل مشکلات اجتماعی، احترام به شخصیت و حقوق دیگران، رعایت بهداشت عمومی مانند برداشتن زباله از روی زمین، کمک به کهنسالان و نیازمندان، رفتار صحیح ترافیکی». (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۴۰)

در مجموع، در خصوص مفهوم حقوق شهروندی می‌توان گفت: «حقوق شهروندی آمیخته‌ای از حقوق، وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق به عهده دولت یا به‌طور کلی قوای حاکم می‌باشد». (انصاری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۴) در نظام حقوق شهروندی، شهروند در رابطه‌ای دوسویه با خصلت حق و تکلیف‌محور قرار می‌گیرد که بر اساس آن شهروند متعهد به وفاداری به قوانین و دولت می‌شود و دولت نیز متعهد به تامین و تضمین حقوق شهروندی می‌شود.

در نظام حقوقی ایران، متأثر از اصالت فرد و اجتماع در اسلام، شهروند دارای حقوق و تکالیف است. در این چارچوب است که اصل لاضرر در فرهنگ حقوقی اسلام مفهوم خودش را نشان می‌دهد، که تبلور عینی آن در اصل چهلم قانون اساسی به این شرح آمده است که: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». بنابراین، تکالیف محدودکننده حقوق نیستند، بلکه تکالیف تضمین‌کننده حقوق تلقی می‌شوند (ر.ک. جاوید، ۱۳۸۸: ۳۵-۱۲۳).

حقوق شهروندی در کشور جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد قانون اساسی بویژه در فصل «حقوق ملت» از اصل ۱۹ الی ۴۲ و برخی اصول دیگر همچون اصل سوم و چهل و سوم اشاره و همچنین در اسناد جداگانه‌ای ساماندهی شده است نظیر: ۱. صدور فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی (ره) خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرایی مبنی بر صیانت از حقوق مردم به‌عنوان وظیفه اصلی انقلاب اسلامی؛ بی‌طرفی مسئولان امر در مناصب مختلف، به ویژه مناصب قضایی؛ تدوین قوانین برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق مردم؛ تعمیم رعایت اجرای عدالت به همه نهادها و ارگان‌ها، مراعات اخلاق اسلامی در ارتباط با مردم، قانون‌گرایی صریح و تخطی نکردن از آن؛ احترام به مالکیت خصوصی شهروندان و رعایت حریم‌های خصوصی مردم و شهروندان؛ تلاش برای ایجاد احساس آرامش و امنیت در میان مردم. ۲. تصویب «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب مجلس شورای اسلامی، در سال ۱۳۸۳. ۳. «بخشنامه رعایت حقوق شهروندی» در سال ۱۳۸۳ توسط رئیس قوه قضائیه. ۴. دستورالعمل نحوه نظارت و پیگیری حقوق عامه» در سال ۱۳۹۵ توسط قوه قضائیه. ۵. «منشور حقوق شهروندی» که در سال ۱۳۹۵ توسط ریاست جمهوری به مردم ابلاغ شده است.

به‌طور مثال، در مقدمه بخشنامه ۱۴ بندی رعایت حقوق شهروندی، خطاب به مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور اینگونه به حقوق شهروندی اشاره شده است:

«از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور می‌باشد، توجه کلیه قضات شریف، ضابطین و بازجویان و ناظران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های سراسر کشور را به نکات ذیل جلب می‌نماید».

مفاد بخشنامه مذکور ناظر به رعایت برخی از حقوق شهروندان در بعد قضایی است. امتیاز مهم دیگر بخشنامه در این است که به رعایت جزئیات حقوق شهروندان در مرحله‌های مختلف قضایی از تعقیب تا صدور حکم تأکید شده است: «عدم اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی بدون ضرورت، فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهمان، رعایت اخلاق و موازین اسلامی در مورد اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم، در جریان قرار گرفتن خانواده دستگیرشدگان، اجتناب از ایزدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان در جریان دستگیری و بازجویی، منع از بردن متهمان به اماکن نامعلوم، عدم تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد، ممنوعیت افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و پرهیز از هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار، احتراز از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و اجتناب از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توفیقی متهمان» را نام برد.

پس از این بخشنامه بود که مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۵، بخشنامه مذکور را عیناً به عنوان قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» تصویب کرد.

در توجیه تدوین «منشور حقوق شهروندی» توسط نهاد ریاست جمهوری آمده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت ایران این حق را از طریق اصول قانون اساسی اعمال کرده؛ و به موجب اصول ۱۱۳ و ۱۲۱، مسئولیت اجرا و پاسداری از قانون اساسی را بر عهده رئیس‌جمهور نهاده است. رئیس‌جمهور که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران بر پشتیبانی از حق، گسترش عدالت و حمایت از آزادی و کرامت انسانی افراد و حقوق ملت در قانون اساسی به خداوند سوگند یاد کرده است، «منشور حقوق شهروندی» را به مثابه برنامه و خط‌مشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی ملت ایران اعلام می‌کند.

این منشور با هدف استیفاء و ارتقاء حقوق شهروندی و به منظور تدوین «برنامه و خط‌مشی دولت»، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آن‌ها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و فراگیر خود را معمول خواهد داشت. برای دستیابی به این هدف همکاری سایر قوا و نهادها و مشارکت مردم، تشکله‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی ضروری است. مواد مختلف این منشور باید در هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در چارچوب نظام حقوقی موجود تفسیر و اجرا شود و نباید موجب کاهش حقوق شهروندان ایرانی و حقوق اتباع سایر کشورها که در قوانین و یا تعهدات بین‌المللی کشور شناسایی شده است، گردد».

آنچه تاکنون در خصوص حقوق شهروندی در این بند گفته شد، بیشتر بر حق‌های شهروندی و پذیرش آن‌ها در قوانین و مقررات تمرکز داشت، اما بعد دیگر حقوق شهروندی در نظام حقوقی، تاکید بر تعهدات و تکالیف شهروندی در جامعه سیاسی است. تکالیف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال جامعه، سایر افراد و دولت به شرح ذیل خلاصه می‌شود:

«الف. مسئولیت رعایت و احترام به قوانین و مقررات: در جامعه، قوانین و مقررات زیادی برای برقراری نظم، امنیت و مدیریت جامعه وضع شده است و ساماندهی اجتماع و صیانت از حقوق افراد مستلزم تعهد و تکلیف شهروند به رعایت قانون است و در صورت نقض هر یک از مقررات، مستوجب مجازات و جبران خسارت خواهد شد. در این راستا، شهروند ملکف است از کلیه نظامات و دستورات قانونی دولت در مدیریت اجتماعی و ارائه خدمات عمومی تبعیت نماید.

ب. مسئولیت مدنی: هرگونه رفتار و عملکرد شهروندان چنانچه موجبات خسارت و صدمه به سایر افراد یا منافع عمومی یا دولت وارد کند، مکلف به جبران خسارت می‌شود. در این خصوص، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

مسئولیت مدنی شامل تمامی اشخاصی است که در رابطه با فعالیت‌های روزمره به‌نحو مستقیم یا غیرمستقیم وظایفی را بر عهده دارند و ممکن است در صورت نقض وظیفه و لطمه به دیگران بر حسب مورد، مسئول شناخته شوند.

ج. مسئولیت کیفری: بر اساس قانون مجازات، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم نامیده می‌شود. لذا چنانچه شهروند چنین رفتار مجرمانه‌ای را انجام دهد و موجب تضییع حقوق سایر افراد یا جامعه شود، مستوجب مسئولیت کیفری و مجازات خواهد شد.

د. مسئولیت اخلاقی: رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی از سوی شهروندان امری الزامی است. هرچند ممکن است بر خلاف مقررات و قواعد حقوقی ضمانت اجرای مادی برای قواعد اخلاقی وضع نشده باشد، اما دارای ضمانت‌های عرفی و عمومی است و قطعاً شهروندان مکلف به رعایت موازین اخلاقی هستند و در صورت نقض قواعد اخلاقی با ضمانت اجرای اجتماعی و عرفی مواجه خواهند شد.

ه. مسئولیت فردی: ناظر به مواردی است که شهروند باید برخی وظایف فردی را در اجتماع و به خاطر منافع عمومی به‌طور فردی انجام دهد. مثل: پرداخت عوارض و مالیات، شرکت در انتخابات، انجام خدمت سربازی.

ز. مسئولیت اجتماعی: عضویت در اجتماع به عنوان شهروند موجبات مسئولیت در ارتباط با سرنوشت دیگران را فراهم می‌آورد. لذا هر شهروند باید در همسویی با سایرین زندگی کند و به مناسبت‌های مختلف در مقام همیاری، مساعدت و کمک به دیگران برآید. مثل: انجام امور خیریه و کمک به نیازمندان، مشارکت در امور این افراد، شرکت در انجمن‌ها و تشکلهای اجتماعی، حضور در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی.

۱-۷ حقوق بشر

بشر موجودی است عقلانی، فطری، احساسی، ارادی، روحانی و اشرف مخلوقات است، لذا مستحق شایسته‌ترین کرامات و احترامات است. نظام‌های سیاسی و حقوقی مدرن امروزی و جامعه جهانی از

طریق وضع قواعد و مقررات ارزشی و هنجاری در قالب قوانین اساسی‌ها و مقررات حمایتی در صدد صیانت از این ارزشمندی و کرامت انسانی هستند که در گفتمان فلسفی و حقوقی نظام حاکم بر حمایت از بشر در سطح عام و جهانی، «حقوق بشر» نامیده می‌شود.

برای برخوردار شدن از حقوق بشر به هیچ چیزی غیر از انسان بودن نیازی نیست. تنها کافی است کسی انسان متولد شده باشد. (Donnelly, 1989: 144 به نقل از: هکی، ۱۳۸۹: ۲۷) بشر به اعتبار انسان بودن و مقام والای انسانی و طبیعت و غایتی که دارد از حق‌های طبیعی برخوردار می‌شود و صرف‌نظر از هرگونه موقعیت اجتماعی و طبقاتی مستحق حق‌ها می‌باشد. «حقوق بشر نه به مثابه آرمانی ناکجاآبادی، مدینه فاضله‌ای، بلکه به مثابه ضرورتی هنجاری، آمیخته با ارزش‌ها و اخلاقیات ریشه‌دار در مکاتبات مذهبی و انسانی امروزه به یکی از محورهای اساسی تاثیرگذار در سیاست بین‌الملل تبدیل شده است». (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۷)

حقوق بشر، مجموع حق‌ها و آزادی‌هایی است (Rosenbourn, 1980: 137) که بشر در حیات فردی و اجتماعی جهت صیانت از کرامت ذاتی از آن‌ها برخوردار می‌باشد و «مستلزم این مفهوم است که هر فرد به سبب انسان بودن، حائز چه حقوقی است». (شریفی طرازکوهی، ۱۳۸۰: ۳۱) «حقوق بشر، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد حقوقی بین‌المللی و سازوکارهایی است که در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها از مقام، منزلت و کرامت انسانی همهٔ افراد و یا گروه‌ها صرفاً بدلیل، اینکه انسانند در مقابل همهٔ دولت‌ها حمایت می‌کند». (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۸)

در حقیقت، حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر همچون سد محکمی است در برابر قدرت مطلقه حاکمه و نماد محدودیت قدرت سیاسی در روابط دولت با شهروندان تلقی می‌گردد. لذا دولت مکلف به اعتراف، شناسایی و تضمین آن‌ها می‌باشد. از این جهت، مفهوم حقوق بشر، متشکل از دو عنصر «حق» و «آزادی» است.

اوصاف بارز حقوق بشر عبارتند از: طبیعی، عام، جهانی، برابر، همگانی، بدون تبعیض، فرا مکانی، فرا زمانی. حقوق بشر، حقوقی است مختص همه نسل بشر و همه افراد بدون تبعیض می‌توانند از حقوق بنیادین بشر استفاده نمایند. حقوق بشر به موجب تلاش‌های انسان‌ها و قدرت‌های بشردوست با گذر زمان و به تدریج مورد رسمیت قرار گرفته است و دولت‌ها به وجود آن‌ها احترام گذاشته‌اند. از نظر تاریخی می‌توان به برخی از این تلاش‌ها در قالب تعهدات دولتی و بین‌المللی اشاره نمود:

۱. منشور کبیر (Magna Charta) انگلستان در سال ۱۲۱۵ میلادی ۲. اعلامیه استقلال آمریکا (به‌عنوان نخستین اعلامیه حقوق به معنای مدون) در سال ۱۷۷۶ ۳. اعلامیه حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹ فرانسه ۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ ۵. میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶. (خسروی،

۱۳۹۷: ۹) کشورهای اسلامی نیز به جهت تفاوت‌های ارزشی و مکتبی که با حقوق بشر جهانی دارند، به طور مجزا «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» را وضع نموده‌اند که محتوای آن با بسیاری از اسناد حقوق بشر جهانی همپوشانی دارد، اما دارای اختلافاتی هم هست. «در سال ۱۹۹۰ سازمان کنفرانس اسلامی «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» را تصویب نمود و به عنوان یکی از اسناد منطقه‌ای از سوی سازمان ملل متحد پذیرفته شد. (مظفری، ۱۳۸۹، ۱۴)

لازم به ذکر است کشور جمهوری اسلامی ایران به اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و بسیاری دیگر از موازین بین‌المللی حقوق بشری ملحق شده است و متعهد به رعایت آن‌ها با رعایت موازین اسلامی و مقتضیات، منافع و مصالح عمومی مردم می‌باشد.

بر اساس بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، توافق‌نامه‌ها و تعهدات بین‌المللی، میثاق‌ها و منشورهای بین‌المللی و قوانین اساسی‌ها و مقررات حقوقی داخلی کشورهای مختلف، می‌توان به انواع و مصادیق حقوق بشر اشاره نمود. در یک دسته‌بندی کلی به «۱. حقوق مدنی و سیاسی (نسل اول حقوق بشر) ۲. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم حقوق بشر) ۳. حقوق همبستگی (نسل سوم حقوق بشر)، قابل تقسیم می‌باشند». (ذاکریان، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۸ و ر.ک. اسمیت، ۱۳۸۸) برخی به دسته چهارمی از نسل حقوق بشر تحت عنوان اخلاق زیستی و بیوئیتیک اشاره نموده‌اند. (ر.ک. عباسی، ۱۳۹۰: ۴۰)

حقوق مدنی و سیاسی به عنوان نسل اول حقوق بشر، در عرصه زندگی فردی و اجتماعی مصداق پیدا می‌کند و مجموعه‌ای است از آزادی‌هایی که انسان در حوزه فردی طبیعتاً از آن‌ها برخوردار بوده و آزادی‌هایی که در حوزه زندگی اجتماعی و سیاسی معنا پیدا می‌کند؛ به‌طوری که از طریق آن‌ها می‌تواند در نظام سیاسی، شکل‌گیری قدرت، ساختار سیاسی، اداره امور عمومی کشور، تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و نظارت مؤثر بر عملکرد حاکمان مشارکت داشته باشد. مصادیق این نسل از حقوق بشر عبارتند از: حق حیات، حق رفت‌وآمد آزاد، حق رای، حق امنیت، حق آزادی عقیده و بیان، حق دسترسی به اطلاعات، حق مشارکت سیاسی، حق آموزش، حق تجمعات و اجتماعات.

نسل دوم حقوق بشر، یعنی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مرتبط با فعالیت‌های اجتماعی و حضور فرد در اجتماع است. در یک معنی محدود «به حقوقی گفته می‌شود که فرد آن را به‌عنوان اینکه عضو جامعه است و با فعالیت شخصی و حرفه‌ای خود و یا به کارگیری دارایی خود در اجتماع تأثیر می‌گذارد، دارا می‌باشد. مانند حق مالکیت، حق کسب و کار، صنعت و بازرگانی، آزادی کار و شغل و غیره» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴: ۱۳۵ و همتی، ۱۳۸۶: ۳۱۹-۳۳۷). مصادیق نسل دوم عبارتند از: حق کار و شغل، حق مسکن، حق فرهنگی، حق تشکلات و احزاب، آزادی‌های گروهی، حق مالکیت، حق

صنعت و حرفه بازرگانی، حق رفاه اجتماعی، حق تشکیل خانواده، حق سندیکایی، حق علمی و فرهنگی، حق میراث فرهنگی.

نسل سوم حقوق بشر، یعنی حقوق همبستگی که مبتنی بر یک نگرش و زیست جهانی است، از آن جهت که کره زمین محل زیست انسان قرار گرفته است، باید مورد حفاظت قرار گیرد و از طرفی، بشر امروزی علاوه بر نیازهای فردی و اجتماعی، دارای نیازهای جهانی و فراگیر شده است و تأمین آن‌ها نیازمند صلح و ثبات جهانی و یک نوع همکاری و اشتراک مساعی ملت‌ها و دولت‌ها در این خصوص ضروری است. چنین ضرورتی تحت‌عنوان «حقوق همبستگی» (وکیل و عسگری، ۱۳۸۳: ۲۸) در نظم نوین جهانی پذیرفته شده است. مصادیق حقوق همبستگی شامل: حق توسعه، حق صلح، حق محیط زیست سالم، حق تعیین سرنوشت جمعی، حق به میراث مشترک بشریت، حق برخورداری از کمک‌های بشردوستانه و حق ارتباطات می‌باشد.

۸-۱ حقوق بشردوستانه

تعارض منافع و اراده‌های دولت‌ها با یکدیگر در طول تاریخ زندگی بشری و خودکامگی و اقتدارگرایی منجر به بروز جنگ‌ها و تنش‌های بین دولت‌ها شده است. رخداد جنگ موجب تخریب و نابودی دستاوردهای بشری، محیط زیست، حیات انسان، طبیعت و غیره می‌شود. اما ناگوارترین صحنه‌های جنگ، شیوه وحشیانه رفتار متجاوزین علیه افراد بیگناه است که نقشی در جنگ‌آوری ندارند و حقوق انسانی آن‌ها نقض می‌شود و صدمات جانی، روحی و جسمی می‌بینند.

جامعه بشری بعد از دوران جنگ‌های سنگین جهانی اول و دوم تلاش‌های جمعی و مقتدرانه‌ای در خصوص عدم وقوع جنگ و کاهش آثار حملات جنگی یا محدود نمودن استفاده از ابزارها و سلاح‌های جنگی و مراعات اخلاقیات و صیانت از افراد و مکان‌های خاصی را در قالب کنوانسیون‌ها و معاهدات و ایجاد سازوکارهای بین‌المللی انجام دادند که ماحصل این اقدامات جمعی و جهانی، شکل‌گیری دانش جدیدی در حوزه حقوق بشر به نام «حقوق بشردوستانه» بود. پس، حقوق بشردوستانه به عنوان شاخه‌ای از نظام حقوق بشر و حقوق بین‌الملل عمومی، در دوران جنگ موضوعیت دارد و قواعدی در خصوص رعایت اصول اخلاقی، انسانی و بشری را تجویز می‌نماید.

حقوق بشردوستانه در زمره هنجارهای حقوقی است که اعتبار عام و جهانی دارد و مورد تایید همه ملت‌ها و رای اختلافات فرهنگی و هنجاری است. (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۳) حقوق بین‌الملل بشردوستانه به تعریف کمیته بین‌الملل صلیب سرخ: «مجموعه قواعد مربوط به زمان جنگ است که هدف از این قواعد، یکی، حمایت از افرادی است که در زمان جنگ در محاصره شرکت نکرده‌اند یا آن را ترک کرده‌اند و دیگری، محدود کردن روش و وسایلی است که در جنگ به کار گرفته می‌شود». در واقع،

هدف اصلی این حقوق، «پیگیری و محدود کردن آلام بشری در طول درگیری‌های مسلحانه است».^۱ (باقرزاده و رنجبریان، ۱۳۹۴: ۱۲۶ و دلخوش، ۱۳۸۷: ۹۸۲) باید توجه داشت که اجرای واقعی و موثر حقوق بشر بیش از هر چیز مستلزم آن است که یکایک افراد به حقوق خود و دیگران آگاهی یابند و بدین ترتیب بتوانند حفظ و رعایت آن‌ها را خواستار شوند. بنابراین شناساندن حقوق بشر و راه‌های حمایت از آن‌ها، یکی از پیش شرط‌های ضروری برای جلوگیری از زیر پا گذاشتن این حقوق است.

پیدایش نظام حقوق بشردوستانه به شکل جهانی و بین‌المللی به کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران در سال ۱۹۶۸ باز می‌گردد (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۸) و همچنین در اندیشه سربازی بود به نام «هنری دوان» که از جنگ جهانی صدمه دیده بود، نهفته شده است. وی در کتاب خاطرات جنگ سولفرینو که در سال ۱۸۶۲ منتشر شد، پیشنهاد تشکیل انجمن‌های ملی برای مراقبت از بیماران و زخمی‌های جنگ بدون توجه به نژاد، ملیت و یا مذهب آنان را داد. وی همچنین خواستار تدوین معاهده‌ای شد که دولت‌ها با امضای آن، این انجمن را به رسمیت بشناسند. دوان توانست در ادامه تلاش‌های خود کمیته بین‌المللی کمک به مجروحان را تأسیس کند که نام آن به «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ» تغییر یافت. این نکته را نباید از نظر دور داشت که وقوع برخی درگیری‌های مسلحانه بر توسعه و تکامل حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأثیر بسیار داشت. مثلاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی و گازهای سمی و بدرفتاری با اسراء در اولین جنگ جهانی زمینه تصویب معاهدات ۱۹۲۵ راجع به منع کاربرد گازهای خفه‌کننده و سمی و کنوانسیون ۱۹۲۹ راجع به رفتار با اسرای جنگی را فراهم آورد و بالاخره تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ پاسخی به فجایع دومین جنگ جهانی بود. در سال ۱۸۶۴ کنوانسیون ژنو، حقوق بشردوستانه معاصر را پایه‌گذاری کرد. با گذشت زمان درگیری‌های مسلحانه اثرات گسترده‌ای بر توسعه حقوق بشردوستانه داشتند. جنگ‌های اول و دوم جهانی هر دو سبب تصویب معاهدات جدید شدند تا سرانجام در سال ۱۹۴۹ چهار کنوانسیون به تصویب رسید که به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو معروف شدند. در واقع، امروز این چهار کنوانسیون به علاوه پروتکل الحاقی که در سال ۱۹۷۷ به تصویب رسید، اسناد و منابع اصلی حقوق بشردوستانه را تشکیل می‌دهند. (ر.ک. کنعانی و همکاران، ۱۳۸۳ و کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، ۱۳۸۳ و گروه نویسندگان، ۱۳۸۶)

قواعد حقوق بشردوستانه عمدتاً در دوران جنگ، درگیری‌های نظامی داخلی و بین‌المللی به کار می‌رود و قواعدی است که از جان انسان‌های غیرنظامی و کسانی که در جنگ درگیر نیستند و نقشی ندارند، حمایت می‌نماید و همچنین برای هدایت و راهنمایی از سلاح‌هایی است که کمترین آسیب را برای بشر داشته باشد، مثل عدم استفاد از سلاح‌های شیمیایی یا هسته‌ای. هرچند قواعد حقوق بشردوستانه آمیخته با قواعد حقوقی بشری و قواعد حقوق جنگ است، اما در دوران جنگ ضمن تعهد دولت‌های درگیر جنگ به رعایت قواعد جنگ و چگونگی استفاده از سلاح یا دفاع مشروع خود، باید موازین حمایتی

نسبت به شهروندان بیگانه، افراد و مکان‌های غیرنظامی را رعایت نمایند. لذا، حقوق بشردوستانه بیان-کننده قواعد و مقرراتی است تا از شدت و حدت تجاوز دولت‌ها علیه یکدیگر در جنگ‌ها بکاهد. پس، حقوق بشردوستانه، حق دولت‌ها را در استفاده از سلاح‌ها و روش‌های جنگی محدود و از قربانیان درگیری‌های مسلحانه حمایت می‌کند.

حقوق بشردوستانه چند هدف عمده دارد: ۱. حمایت از حقوق انسانی و کرامت انسانی هنگام جنگ‌ها و تنش‌های بین دولت‌ها ۲. وضع قواعدی برای دولت‌های درگیر جنگ جهت استفاده محدود از سلاح-های جنگی بر اساس اصول اخلاقی ۳. تعهد دولت‌ها در محافظت از افراد بیگانه و غیرنظامی و مکان-های غیرنظامی.

حقوق بشردوستانه مشتمل بر اصولی است که ریشه در اصل کرامت انسانی دارند. اصلی که جهان‌شمول و حمایت از آن هدف اصلی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است. مهم‌ترین این اصول عبارتند از: «۱. اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض: یعنی همه افراد انسانی صرف‌نظر از جنسیت، ملیت، نژاد، مذهب و یا عقاید سیاسی خودشان شایسته و سزاوار بهره‌مند شدن از رفتار انسانی می‌باشند. ۲- اصل ضرورت نظامی: طبق این اصل همه فعالیت‌ها و عملیات نظامی باید بر اساس دلایل نظامی قابل توجیه باشد.

۳- اصل محدودیت: بر اساس این اصل، بکارگیری شیوه‌ها و روش‌های جنگی و استفاده از سلاح‌هایی که تلفات بیش از حد لزوم درد و رنج زائدالوصفی را ایجاد نماید، ممنوع است. ۴- اصل تفکیک: طبق این اصل باید بین اهداف نظامی و غیرنظامی تفکیک و تمایز قائل شد. ۵- اصل تناسب: یعنی خسارات و صدمات اتفاقی ناشی شده از حمله به اهداف نظامی در مقایسه با مزیت‌ها و فواید نظامی مستقیم و قطعی که از آن حمله بدست می‌آید، نباید از حد لزوم باشد. ۶- اصل حسن نیت: یعنی در مخاصمات مسلحانه، مذاکرات بین طرفین متخاصم باید با حسن نیت باشد». (سلیمان زاده، ۱۳۹۷: ۳)

۹-۱ تفاوت حقوق شهروندی با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

شهروند به دلیل عضویت در یک واحد سیاسی به نام دولت، دارای حقوق و تکالیفی است که این حقوق و تکالیف را حقوق شهروندی می‌نامند. از این رو، شهروندی، وابستگی شهروند به یک جامعه است و حقوق شهروندی، حقوق و تکالیف شهروند نسبت به جامعه‌ای است که به آن تعلق دارد. به عبارت دیگر، شهروندی، رابطه تنگاتنگی با مفهوم و مقوله تابعیت دارد، اما حقوق بشر ناظر به حقوقی است که انسان بماهو انسان از آن‌ها برخوردار می‌باشد. حقوق بشر، دست‌کم به معنای امروزی آن در قالب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق‌های بین‌المللی، حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ بیان شده است. بنابراین، حقوق بشر دربردارنده ارزش‌های جهانی یا جهانی - شده بشری است که فارغ از روابط افراد با فرهنگ و جامعه بومی، به ترسیم حقوق افراد می‌پردازد. اگر بگوییم مفهوم شهروندی، فصل مشترکی با مفهوم «ملیت» دارد، بدون تردید، حقوق بشر، مفهوم فراملی و دربردارنده حقوقی فراگیر و بنیادی، صرف‌نظر از فرهنگ و آداب و رسوم ملی کشورها است.

حقوق بشر به‌عنوان حقوق پایه و اولیه، تکلیف و تعهدی بنیادین است که مشروعیت آن به طرح و تصریح در قانون اساسی هم نیست و در صورت عدم طرح آن در قوانین هم، هر دولتی مکلف به رعایت آن‌ها است، اما حقوق شهروندی این‌گونه نیست. حقوق شهروندی تنها در یک رابطه حق و تکلیفی وضعی قابل تحقق است؛ به این معنا که هر حقی برای شهروند به موازات آن تکلیفی برای او هم در پی دارد. به همین نسبت هر حقی برای دولت، تکلیفی برای او هم به‌دنبال خواهد داشت. حقوق و تکالیف شهروندان و دولت در این چنین معادله‌ای با هم پیش می‌رود و هیچ‌یک تماماً حق و دیگری تماماً تکلیف نیست.

حقوق بشر بدون پیش‌شرط و شرط قابل تحقق است؛ به این معنا که دولت از وضع تکلیفی شهروند در قبال تکلیف خود نمی‌کاود تا حقوق بشر او را مشروط به عمل خوب یا بد شهروند خود کند، بلکه همین‌که انسانی در حوزه حاکمیت او است هر چند غیرشهروند هم باشد، دولت اسلامی و هر دولتی در حد توان مکلف به تأمین حقوق بشر او است؛ اما حقوق شهروندی چنین نیست.

شهروندی در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم «ملیت» قرار می‌گیرد، اما برعکس آن حقوق بشر بی‌ارتباط با ملیت و بلکه مفهومی فراملی است. بنابراین، حقوق بشر دارای ویژگی فراگیر بودن و بنیادی بودن است و بدون توجه به فرهنگ و آداب هر کشور مورد اعمال قرار می‌گیرد. حقوق شهروندی موضوعاتی مثل حق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور را دربرمی‌گیرد با این وجود باز هم نمی‌توان مرز میان حقوق بشر و شهروندی را به‌گونه‌ای ترسیم کرد که تمایز این دو مفهوم را به‌طور کامل ممکن کند. شباهت میان این دو مفهوم به قدری است که تمایز آن‌ها را مشکل می‌کند. وقتی از تأمین حقوق شهروندی و آموزش آن صحبت می‌کنیم بیشتر مربوط به حقوق میان دولت و شهروندان می‌شود. هریک از ما به‌عنوان شهروند به‌دلیل عضویت در یک واحد سیاسی که دولت نامیده می‌شود دارای حقوق و تکالیفی هستیم که این حقوق و تکالیف را حقوق شهروندی می‌گویند. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که شهروندی، وابستگی شهروند به یک جامعه است و حقوق شهروندی، حقوق و تکالیف شهروند نسبت به جامعه‌ای است که به آن تعلق دارد. بنابراین اگر بخواهیم به تأمین حقوق شهروندی و آموزش آن پردازیم باید توجه داشته باشیم که شهروندی، رابطه تنگاتنگی با مفهوم و مقوله «تابعیت» دارد، اما «حقوق بشر» ناظر به حقوقی است که انسان «بماهو انسان» از آن‌ها برخوردار است. در واقع، حقوق شهروندی به‌عنوان دایره‌ای متداخل در دایره فراگیرتر حقوق بشر تبیین می‌گردد. حقوق شهروندی

نسخه‌ای از همان حقوق بشر است که در صورت‌بندی حقوق و تکالیف شهروندان و دولت در ذیل یک قرارداد اجتماعی در جامعه‌ای خاص و تحت الزامات قدرت سیاسی یک جامعه مورد تضمین قرار گرفته است. (عزیزی فرد، ۱۳۹۶: ۷۴)

تفاوت حقوق شهروندی با حقوق بشردوستانه در این است که حقوق شهروندی در یک کشور خاص موضوعیت دارد و شامل بسیاری از حقوق اولیه انسان می‌باشد و در همپوشانی با موارد زیادی از مصادیق حقوق بشر می‌باشد، اما حقوق بشردوستانه در عرصه بین‌المللی به کار می‌رود و صرفاً در زمان جنگ‌ها و آشوب‌های بین‌المللی و داخلی (با ضرورت دخالت‌های بشردوستانه بین‌المللی) مطرح می‌شود و در جهت حمایت افراد غیرنظامی به کار می‌رود تا مخاصمات و اقدامات جنگی صدمه‌ای به افراد عادی نزنند.

در مجموع، حقوق شهروندی، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دارای اهداف و غایات مشترکی هستند که همان صیانت و حمایت از انسان، رعایت حرمت و کرامت انسانی او است. همچنین در محتوا و مصادیق دارای همپوشانی هستند، اما در برخی روش‌ها و سازوکارهای اجرایی و در میزان حقوق و تعهدات با هم تفاوت‌هایی دارند. در حقوق شهروندی هم حق‌ها مطرح است هم تکالیف. وظایف هم به عهده شهروند است و هم به عهده دولت. اما حقوق بشر ناظر به بیان هنجارها، ارزش‌ها و حق‌های بنیادین جهان‌شمول بشری است که بشر در جامعه انسانی از آن‌ها برخوردار است. در حقوق بشردوستانه حق‌ها متوجه افراد غیرنظامی است و تکالیف بر عهده دولت‌ها است که صدمه‌ای به آن‌ها نزنند.

خلاصه فصل اول

زندگی اجتماعی امروزه بشر توأم با اقتضائات، منافع، نیازها و اهداف مشترکی است و دوام و قوام زیست جمعی نیز مستلزم حفظ و صیانت از نظم، امنیت، عدالت و صلح در در جامعه است. دستیابی و حفظ این غایات بشری مستلزم طراحی نظامی از الزامات، قواعد، تعهدات و محدودیت‌هایی در اجتماع است. هدف و غایت این الزامات، صیانت از کرامت انسانی و ارزش والای بشری است، لذا نظام اجتماعی بر پایه حقوق و تکالیف بشری و تعهدات و وظایف مقامات و نهادهای دولتی تنظیم می‌شود. در چنین بستری مفاهیم حق، تکلیف، الزام، حقوق، شهروند، بشر، حقوق بنیادین، حقوق طبیعی، حقوق عامه، حقوق شهروندی، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. هدف از بررسی مباحث مذکور، تبیین و تشریح دقیق «مفهوم حقوق شهروندی» است که هر کدام از آن‌ها عنصری کلیدی در عناصر سازنده حقوق شهروندی محسوب می‌شوند و در راستای حمایت از انسان در نظام حقوقی نهادینه می‌گردند. چرا که بشر موجودی است عقلانی، فطری، احساسی، ارادی، روحانی و

اشرف مخلوقات است، لذا مستحق شایسته‌ترین کرامات و احترامات است. نظام‌های سیاسی و حقوقی مدرن امروزی و جامعه جهانی از طریق وضع قواعد و مقررات ارزشی و هنجاری در قالب قوانین اساسی‌ها و مقررات در صدد حمایت و صیانت از این ارزشمندی و کرامت انسانی هستند که در گفتمان فلسفی، سیاسی و حقوقی، نظام «حقوق بشر، حقوق شهروندی و حقوق بشردوستانه» نامیده می‌شود. حقوق شهروندی علاوه بر تضمین حق‌های شهروند در ابعاد مختلف اجتماعی، مدنی، سیاسی اقتصادی، فرهنگی، اداری، آموزشی، قضایی و غیره، مسئولیت‌ها و تکالیف شهروندی متعددی را هم برای شهروند مقرر می‌دارد. به عبارتی، حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف شهروند در یک جامعه سیاسی است. به منظور پیشگیری از خودسرهای افراد و دولت و آسیب به حیات بشری، در جامعه سیاسی حق‌هایی به موجب قواعد حقوقی برای هر شهروند صرف‌نظر از هرگونه عامل تبعیضی و به‌طور برابر شناخته و تضمین می‌شود و ساختارها و نهادهای عمومی در قالب خدمت‌رسانی در راستای احیاء و تامین حق‌ها فعالیت می‌نمایند و برای اینکه شهروند در برابر اجتماع و سایرین مسئول و ملزم به رعایت قواعد شود، تکالیفی را هم بر عهده می‌گیرد تا نظامی عادلانه محقق شود.

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول

۱- شهروندی در کدام بستر موضوعیت دارد؟

- الف) جامعه اقتصادی و اجتماعی
ب) جامعه سیاسی
ج) انتزاعی و واقعی
د) دولت اقتدارگر

۲- ارکان سازنده مفهوم حقوق شهروندی کدامند؟

- الف) ارزش‌ها و وظایف
ب) حق‌ها و هنجارها
ج) کرامت انسانی و حق‌ها
د) حقوق و تکالیف

۳- کدامیک از خصایص قواعد حقوق طبیعی نیست؟

- الف) قراردادی و وضعی
ب) ابدی و لایتغیر
ج) متناسب با فطرت بشر
د) در انطباق با عقل انسان

۴- از منظر روسو، شهروندی چه مفهومی در جامعه سیاسی دارد؟

- الف) برتری اراده شهروند بر اراده دولت
ب) دخالت دولت در اراده شهروندان و لزوم تبعیت شهروند از دولت در کلیه امور
ج) ترجیح خیر و صلاح عمومی بر منافع خصوصی
د) مفهومی اولیه که صرفاً در دولت-شهرهای یونان باستان وجود داشت

۵- منشا اولیه ایجاد قواعد حقوق بشردوستانه کدامیک است؟

- الف) جنگ‌ها و مناقشات بین‌المللی و داخلی
- ب) مسائل حساس اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در زمان صلح
- ج) استفاده کمتر از سلاح‌های شیمیایی
- د) جلوگیری از دخالت گروه‌های غیرنظامی در جنگ

فصل دوم

انواع و ویژگی‌های حقوق شهروندی

هدف کلی

مطالعه این فصل نقش مهمی در شناخت اصول، مبانی، محتوا، قلمرو حقوق ملت در نظام جمهوری اسلامی ایران و چگونگی حمایت دولت از حقوق شهروندی ملت با تأکید بر قانون اساسی خواهد داشت.

هدف‌های یادگیری

در پایان این فصل انتظار می‌رود دانشجو در مباحث ذیل توانمند گردد:

۱. شناخت مبانی اسلامی حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی.

۲. انواع و مصادیق حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران.

۳. قلمرو و محدوده حقوق و آزادی‌های ملت.

۴. چگونگی صیانت دولت از حقوق ملت.

۵. وظایف و تکالیف دولت در تضمین حقوق شهروندی.

مقدمه

یکی از اهداف عمده حقوق اساسی، تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان و مکلف نمودن حاکمان در حفظ و حراست و تحقق آن‌ها است. بی‌شک، درج حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان در قانون اساسی، دولت را در مقام حمایت و پاسداری از آن‌ها مسئول و پاسخگو می‌نماید و در عمل بدون وجود نظام سیاسی مطلوب و کارآمد امکان تحقق و تضمین حقوق و آزادی‌های ملت وجود ندارد. نظر به اینکه نظام سیاسی ایران، جمهوری اسلامی است، قلمرو و محتوای حقوق و آزادی‌های شهروندی، از اصول و موازین اسلامی و قواعد نظام مردم‌سالار تبعیت می‌نماید. نظام اسلامی، نگرش خاصی به انسان دارد؛ به‌طوری‌که انسان اشرف مخلوقات و هدف از خلقت انسان اساساً رسیدن به کمال انسانی و الهی است. لذا هر عاملی که او را از این مسیر دور کند، قابل پذیرش نیست. به دیگر بیان،

اسلام با قبول اصل آزادی و مختار بودن انسان و حق به تعیین سرنوشت خود، با ارائه برنامه ویژه و مطرح نمودن اصول و قواعد رفتاری، محدوده‌های حقوق و آزادی‌های انسان را مشخص نموده است. ازاین‌رو، قانون اساسی نیز ضمن اعتراف و پذیرش حقوق شهروندی، قلمرو و محتوای آن‌ها را محدود به موازین الهی و آزادی وی توأم با مسئولیت و تکالیف در برابر خدا نموده است. حقوق ملت به‌طور کلی در اصول دوم و سوم و برخی اصول دیگر و به‌طور خاص در اصول نوزدهم تا چهل و دوم (شریفی، ۱۳۸۴ و صرامی، ۱۳۸۵) مورد اشاره واقع شده‌اند که به‌طور مختصر در سه دسته عمده: ۱. حقوق مدنی و سیاسی ۲. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۳. حقوق قضایی به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۱ حقوق مدنی و سیاسی

حقوق مدنی و سیاسی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی مصداق پیدا می‌کند و مجموعه‌ای است از حقا که انسان در حوزه فردی طبیعتاً از آن‌ها برخوردار بوده و آزادی‌های که در حوزه اجتماعی و سیاسی معنا پیدا می‌کنند (خسروی، ۱۳۹۲ (الف): ۱۸۳). مصادیق و انواع این حقوق و آزادی‌ها را می‌توان با اشاره به اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی دیگر، در طبقات مختلف مورد بررسی قرار داد.

۲-۱-۱ حقا و آزادی‌های فردی و شخصی

این دسته از حقوق و آزادی‌های ملت مرتبط با حوزه و قلمرو عملکردی شخصی و فردی اشخاص در جامعه می‌باشد؛ به‌طوری‌که تضمین هر کدام از آن‌ها موجبات امنیت، آرامش‌خاطر و سلامت جسم و روان فرد در قلمرو خصوصی و گروهی تضمین می‌شود. اهم آن‌ها به قرار ذیل می‌باشند:

الف- حق حیات: حق حیات مبتنی بر ارزش والای حیات است که خداوند به همه انسان‌ها به‌طور برابر عطا فرموده و در واقع حقی است خدادادی که به‌عنوان بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حق در گفتمان حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است و پایه‌گذار تمام حقوق و آزادی‌های دیگر بشر تلقی می‌شود.

اصل ۲۲ قانون اساسی حق حیات را مورد حمایت قرار داده و به موجب اصل نهم آن را غیرقابل سلب قلمداد کرده است، مگر در مواردی که قانون تجویز نماید. ضمانت اجرایی حق حیات در قانون مجازات اسلامی در مبحث قصاص و قتل مورد اشاره قرار گرفته است.

ب- حق امنیت: رشد و تعالی انسان در محیط فردی و اجتماعی وابسته به داشتن اطمینان خاطر از مصون ماندن از تعرض و زندگی بدون ترس و اضطراب و به دور از هرگونه تهدید و ارباب است. رسیدن به آرامش و خودشکوفایی انسانی را می توان احساس امنیت نامید. این احساس امنیت از طرق مختلف قابل تأمین می باشد که قانون اساسی به مواردی از آن را به شرح ذیل بیان نموده است:

(الف) امنیت کرامت انسانی: ارزش والا و حرمتی که خداوند به انسان بخشیده است که بر اساس بند (۶) اصل دوم و اصل بیست و دوم مصون از هرگونه تعرض تلقی نموده است.

(ب) امنیت حیثیت: انسان علاوه بر اینکه نیاز به حمایت از تن و جسم و حیات خود دارد، نیازمند حفظ شخصیت و حیثیت و آبروی خود نیز می باشد؛ «حیثیت که مترادف آبرو، اعتبار و شئون اجتماعی می باشد، تجلی حیات معنوی افراد در روابط اجتماعی تلقی می گردد» (هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۷۸). اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت همه افراد را مصون از هرگونه تعرض قرار داده، لذا هرگونه توهین، افتراء، تهمت، دشنام، هتک حیثیت، آبرو و شخصیت افراد در قوانین و مقررات جزایی نظیر: مواد ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۹۸ و ۶۹۹ جرم محسوب و ضمانت اجرای حبس، شلاق، جریمه و اعاده حیثیت برای ارتکاب آنها پیش بینی شده است.

(ج) امنیت مسکن: مسکن محل زندگی خصوصی و آرامش انسان و محلی جهت رشد و تعالی شخصیتی انسان در دامن خانواده است، لذا باید از آرامش و امنیت برخوردار باشد. امنیت مسکن در اصل ۲۲ مورد تصریح قرار گرفته و در ماده ۵۸۰ قانون مجازات مورد ضمانت واقع شده است، به طوری که ورود به منزل مسکونی که بدون اذن قانون و جز در موارد استثنایی؛ مثل: تعقیب مجرمین، کشف دلایل ارتکاب جرم یا موارد امنیتی، مشمول مجازات حبس قرار می گیرد.

(د) امنیت شغلی: به منظور حفاظت و پاسداری از شخصیت و کرامت انسانی و رفع نیازهای مادی، انسان نیازمند درآمد و شغل می باشد. داشتن امنیت شغلی، اطمینان خاطر است در برابر هرگونه ستم، ظلم و بهره کشی و استثمار و بردگی انسان. از این جهت قانون اساسی برای شغل افراد امنیت قائل شده است و در اصل چهل و ششم عنوان شده است که: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب

کند». امنیت شغل در بسیاری از قوانین و مقررات استخدامی و قانون کار پیش‌بینی شده است، به‌ویژه هنگام اخراج یا خاتمه قرارداد استخدامی و کار.

هـ) امنیت اموال: داشتن مال و اموال و احساس مالکیت، به انسان توان و قدرت مبارزه با شرایط و مشکلات سخت را می‌دهد و موقعیتی را برای فرد در اجتماع فراهم می‌کند تا بتواند در کمال آرامش از حیات مادی و معنوی خود پاسداری و دفاع کند؛ به‌گونه‌ای که در اصل ۲۲ و اصل ۴۷ قانون اساسی بر امنیت مال و مالکیت کسب و کار مشروع هر فرد تأکید شده است. ضمانت اجرای عینی این امنیت نیز در قوانین و مقررات مختلف از جمله مباحث سرقت، اختلاس، کلاهبرداری و ارتشا در قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است.

هـ- حق حریم خصوصی: در نظام اسلامی توصیه‌های اکید مبنی بر عدم تجسس^۱ و دخالت در حریم، عقاید و قلمرو خصوصی افراد شده است. «حریم خصوصی مفهومی سیاسی است که امروزه از جمله آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم خود، داشتن خلوت و تنهایی در منزل و مکان خصوصی، کنترل بر اطلاعات شخصی، رهایی از نظارت‌های سمعی و بصری دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها و رهگیری‌ها را شامل می‌شود. حق حریم خصوصی حق زندگی کردن است به میل و سلیقه خود و با حداقل مداخله ورود دیگران. به دیگر سخن، حقی است که بر اساس آن افراد می‌توانند تعیین کنند که دیگران تا چه اندازه می‌توانند به لحاظ کمیت و کیفیت، اطلاعاتی درباره آنان داشته باشند» (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۱).

این حق در اصل ۲۵ مورد اشاره قرار گرفته است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم‌مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون». قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۸۲ از این حق، با مجازات حبس از یک تا سه سال جزای نقدی ضمانت می‌نماید.

و- حق رفت و آمد آزاد و اقامت: از آنجایی که انسان آزاد آفریده شده و قادر به حرکت می‌باشد، می‌تواند به هر کجای این کره زمین رفت و آمد نماید. در قرآن کریم نیز خداوند انسان را دعوت به سیر و سلوک^۲ در عالم نموده است. بر این اساس افراد می‌توانند با رعایت قواعد و مقررات داخلی و بین‌المللی به هر محل و منطقه نقل مکان نمایند و در محل مورد نظر اقامت گزینند. اصل سی و سوم در

^۱. سوره حجرات، آیه ۱۲.

^۲. سوره انفال، آیه ۷۵.

این راستا مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد». موارد استثناء بر این اصل را می‌توان در راستای مجازات توجیه نمود؛ مثل ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اقامت در محل معین یا حبس در زندان و دستگیری و بازداشت موقت قانونی.

۲-۱-۲ آزادی‌های فکری

لازمه وجودی شخصیت و هویت انسان، تأمل و اندیشه است. انسان مجموعه‌ای از صفات و خصایصی است که خداوند در وجود انسان نهاده و در سایه ذهن و فکر و اندیشه است که بشر می‌تواند به شناخت از خود، دنیا و خداوند متعال نائل شود. البته زمانی می‌توان به این مهم رسید که انسان آزاد و مختار تلقی شود، تا بتواند با قدرت تعقل و تفکر آزادانه و اختیار مستقل، زندگی فردی و اجتماعی خویش را سازمان دهد. مصادیق این حق و آزادی به شرح ذیل می‌باشند:

الف- آزادی عقیده، دین و مذهب: آزادی عقیده عبارت از این است که افراد بتوانند به انتخاب خود، در هر زمینه‌ای اشتغال ذهنی داشته باشند، خواه این اشتغال امری باطنی و درونی و خواه به‌صورت موضع‌گیری عمومی باشد؛ یعنی آنکه هرکس بتواند، به دور از هر تحمیل و فشاری، بیانیشد و بدون ترس، باور خود را بیان نماید (هاشمی، ۱۳۸۸: ۳۲۱).

دین مقدس اسلام با تأکید بر عدم اجباری بودن پذیرش دین^۳ قائل به آزادی انسان در داشتن هرگونه عقیده‌ای است، هرچند عقیده سالم و کامل را عقاید الهی و اسلامی معرفی می‌نماید. پذیرش دین اسلام چنانچه بر اساس اختیار و اراده آزاد توأم با عقل و تدبیر باشد، بسیار زیباتر خواهد بود و در سایه این آزادی است که ایمان واقعی معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

قانون اساسی در چندین اصل بر این آزادی تأکید نموده است؛ اصل بیست و سوم مقرر داشته است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». این آزادی عقیده در کشور ایران را باید با توجه به سایر اصول و ماهیت نظام جمهوری اسلامی تبیین و تحدید نمود و به‌گونه‌ای برای برخی عقاید که پذیرش و رواج آن‌ها منجر به انحراف مسلمانان از دین اسلام، یا خدشه وارد نمودن به مقدسات و ارزش‌های الهی و مردمی شود را نپذیرفته است، لذا اصل دوازدهم در خصوص آزادی مذهب مقرر می‌دارد: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری

۳. سورة بقره، آیه ۲۵۶.

اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

قانون‌گذار اساسی در اصل سیزدهم آزادی دین را محدود به چند دین الهی نموده و از پذیرفتن سایر ادیان خودداری کرده است: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند».

البته قانون اساسی برای اشخاصی که عقاید و ادیان و مذاهب دیگر را پذیرفته نیز احترام می‌گذارد: «به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۴ دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف هستند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضداسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».

ب- آزادی بیان: صرف داشتن آزادی عقیده جهت رشد و تعالی فکری شخص انسان کافی نیست، بلکه ابراز و بیان عقاید لازمه چنین حقی است، لذا آزادی بیان و عقیده، لازم و ملزوم یکدیگرند و به‌صورت توأمان معنا و مفهوم دارند. آزادی بیان در راستای تحقق آزادی عقیده می‌تواند در اشکال و قالب‌های مختلف و متنوعی ابراز شود. البته ابراز عقاید و افکار در قالب آزادی بیان، منوط به رعایت ارزش‌ها و هنجارهای عمومی و در چارچوب اصل حاکمیت قانون و رعایت نظم، امنیت، صلح و آرامش اجتماع است.

قانون اساسی این محدوده‌ها را در اصول متعدد مشخص نموده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که منخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین

^۴ . سورة ممتحنه، آیه ۸: «[اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد».

می‌کند».^۵ همچنین آزادی بیان و نشر افکار از طریق صدا و سیما با رعایت موازین اسلام و مصالح کشور امکان‌پذیر شده است.^۶ از جمله قالب‌های دیگر اعمال آزادی بیان، فعالیت آزاد تشکل‌ها، احزاب، انجمن‌ها و اصناف با رعایت اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی است.^۷

ج- آزادی اطلاعات و مطبوعات: کسب دانش و آگاهی از موجبات رشد و ارتقاء فکری و عقلی انسان و شکوفایی استعدادهای ذاتی وی و افزایش قدرت درک، تشخیص و تحلیل امور فردی و اجتماعی است. منظور از آزادی اطلاعات، «آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیرعمومی است» (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۵). همچنین به معنای حق دریافت و انتقال و گردش آزادانه اطلاعات، دانش و اخبار پیرامون زندگی و وقایع اجتماعی می‌باشد. بی‌شک تحقق این آزادی در گرو وجود فعالیت آزادانه رسانه‌های گروهی، جمعی و مطبوعات است. نقشی که مطبوعات در راستای گردش آزاد اطلاعات ایفا می‌نمایند عبارت‌اند از: ۱. افزایش معلومات عمومی مردم ۲. ایجاد برخورد اندیشه‌ها و ارتقای فکری جامعه ۳. آگاهی عموم نسبت به مسائل و معضلات و بسیج جامعه علیه ظلم و فساد ۴. طرح و بررسی وضع جامعه و یافتن بهترین راه‌حل زندگی اجتماعی ۵. اطلاع هیئت حاکم از خواسته‌ها و تمایلات طبقات مختلف مردم ۶. طرد و نفی خودمحموری و خودکامگی و حاکمیت افکار عمومی بر اعمال حکومتی. لازم به ذکر است آزادی اطلاعات و مطبوعات در هر کشوری محدود به رعایت اصل حاکمیت قانون، مسائل امنیتی و تضمین صلح و آرامش عمومی، مصالح و هنجارهای اجتماعی شده‌است. این آزادی در اصل ۲۶ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده و قانون مطبوعات، تضمیناتی را مقرر داشته است تا اعمالی ضدا اجتماعی از طریق آزادی اطلاعات و مطبوعات رخ ندهد یا در صورت ارتکاب با آنها برخورد قانونی شود.

۲-۱-۳ آزادی‌های سیاسی

آزادی سیاسی نوعی آزادی گروهی است که در قلمرو اجتماعی موضوعیت پیدا می‌کند و مبین این است که «فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات

^۵. اصل بیست و چهارم قانون اساسی.

^۶. اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی.

^۷. اصل بیست و ششم قانون اساسی.

سیاسی، شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور خود نائل آید و باور مجامع، آزادانه عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴: ۹۶). به موجب این آزادی است که اشخاص می توانند در اداره امور عمومی کشور نقش فعالی را ایفاء نمایند و در شکل گیری و اجرای قدرت سیاسی مشارکت داشته باشند. بر اساس چنین آزادی است که نظام مردم سالار و مطابق ارزش های اجتماعی شکل می گیرد. این آزادی در شیوه های متنوعی قابل اجرا می باشد:

الف- آزادی انتخاب و حق تعیین سرنوشت: لازمه تحقق نظام جمهوری و مردم سالار، پذیرش حق حاکمیت مردم و دخالت آگاهانه آنها در تعیین سرنوشت اجتماعی است. پیش فرض آن است که مردم از آزادی اراده و اختیار برخوردارند و می توانند سرنوشت فردی و اجتماعی خویش را با توجه به ماهیت وجودی و فطری خود و فلسفه خلقت مقرر نمایند. در این راستا، قانون اساسی در بند (۸) اصل سوم تأمین «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» را وظیفه اساسی دولت خطاب نموده است و در اصل ششم پذیرفته است که: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این ها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد».

ب- حق رأی: بنیادی ترین حق در نظام انتخابات آزاد و منصفانه، حق رأی می باشد. این حق زمانی واقعیت عملی به خود می گیرد که آزادانه، عاقلانه و آگاهانه از سوی شهروندان در یک بستر مردم سالار فراهم شود. در کشور ایران به این حق در قالب انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، شوراهای اسلامی پوشش داده شده است. بر اساس قانون انتخابات همه شهروندان ایران بالای سن ۱۸ سال می توانند از این حق استفاده نمایند.

ج- حق کاندیدا شدن: تحقق آزادی مستلزم پذیرش اصل برابری و رقابت آزاد و منصفانه در تصدی مشاغل و پست های سیاسی و عمومی است. در پرتو چنین آزادی است که شهروندان با رعایت شرایط قانونی می توانند خود را جهت تصدی پست های عمومی و سیاسی کاندیدا نمایند و خود را در معرض گزینش و انتخاب شهروندان قرار دهند.

د- نظارت همگانی: به منظور جلوگیری از استبداد و خودکامگی، کنترل قدرت سیاسی و ایجاد شفافیت در تصمیمات حکومتی، محدود نمودن اعمال قدرت توسط حاکمان با نظارت مردم نقش

چشمگیری در تحقق نظام مردم‌سالار دارد. از این رو، به شهروندان حق داده می‌شود تا بر فرایند اقدامات و تصمیمات حکومتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم (از طریق نمایندگان خود) نظارت نمایند. شکل بارز نظارت همگانی اصل هشتم قانون اساسی است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ)».

۲-۲ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

تاریخ طولانی زندگی بشر گویای این حقیقت است که انسان علاوه بر نیازهای فردی، درگیر نیازهای جمعی و اجتماعی نیز می‌باشد. تلازم این دو نیاز است که به زندگی معنا و مفهوم واقعی می‌دهد و در سایه آن‌ها انسان می‌تواند در مسیر رشد و تکامل بشری گام‌های محکم‌تری بردارد. به اعتبار زندگی جمعی، افراد در اجتماع به جهت دستیابی به نظم و امنیت و رشد شخصیت انسانی خود، از یکسری حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باید بهره‌مند باشند. این حقوق در اشکال مختلف تبلور می‌یابند:

۲-۲-۱ آزادی انتخاب شغل و حق به کار

متناسب با استعدادها، توانایی‌ها و نیازها، هرکس آزاد و مختار است شغلی را که شایسته و لایق خود می‌داند، انتخاب نماید. لذا وظیفه دولت این است که بستر بروز استعدادها و توانایی‌های اشخاص را به جهت کسب درآمد و تأمین رفاه و آسایش خود فراهم نماید؛ به گونه‌ای که افراد در انتخاب شغل و کسب درآمد اجباری را متحمل نشوند و موانعی برای آن‌ها به جز موارد قانونی ایجاد نشود.

موضع‌گیری قانون اساسی در خصوص این آزادی در اصول متعدد به شرح ذیل بیان شده است:

الف) اصل ۲۸ قانون اساسی: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.»

ب) بند (۴) اصل ۴۳ قانون اساسی: رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کار معین را از جمله سیاست‌های عمده اقتصادی کشور معرفی نموده و همچنین در این راستا در بند (۳) مقرر شده است: «تنظیم برنامه اقتصادی کشور به‌صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد

علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد».

۲-۲-۲ آزادی سندیکایی

به منظور حمایت و پاسداری از حق شغل و کسب درآمد معمول و بهبود وضعیت زندگی در اجتماع و امنیت شغل، افراد می توانند به صورت جمعی در راستای تحقق این اهداف با یکدیگر همکاری داشته باشند و در قالب تشکلات و اتحادیه ها و اصناف از یکدیگر در برابر سایر افراد حمایت نمایند، لذا اصل ۲۶ آزادی تشکلات و اصناف و انجمن های صنفی و اسلامی را با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور، وحدت ملی، استقلال و آزادی و اساس جمهوری اسلامی مورد پذیرش قرار داده است.

۲-۲-۳ حق بر رفاه و تأمین اجتماعی

سلامت روانی فردی و اجتماعی اشخاص در گرو برخورداری آنها از آرامش، امکانات مختلف رفاهی، شرایط زندگی مطلوب و بهره مندی از حمایت های مختلف در مواجهه با خطرات و آسیب های اجتماعی است. امکان بهره مندی از این حق، منوط به اقدامات ایجابی و سیاست های کارآمد دولت است، لذا قانون اساسی وظیفه بنیادین دولت در حوزه اقتصادی را «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» قلمداد نموده است.

اصل بیست و نهم حمایت گسترده ای از افراد در برابر آسیب ها و خطرات اجتماعی را مقرر داشته است. «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند».

۲-۲-۴ حق آموزش و پرورش

حق بر آموزش شامل فرایندی از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصص های عملی از طریق آموزش کاربردی نظیر آموزش فنی و حرفه ای می باشد (هاشمی، ۱۳۸۸: ۵۰۱). با آزادی آموختن

است که انسان می‌تواند در مسیر رشد و تعالی فکری، معنوی و شخصیتی خود گام بردارد و با کمک علم و دانش جهان پیرامون خود را بشناسد و مسائل و مشکلات خود را حل نماید. لازمه این حق، وجود آزادی در تعلیم و تعلم است و دولت مکلف است زمینه‌های مساعد آن را فراهم نماید. اصل سی‌ام بر این حق و تکلیف تأکید نموده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

۲-۲-۵ حقوق برابر اجتماعی

از آنجایی که انسان‌ها آزاد و برابر آفریده شده‌اند، در بهره‌مندی از مزایای اجتماعی و حقوق بنیادین بشری، باید به‌طور برابر نگریسته شوند و هیچ‌گونه تبعیضی بین انسان‌ها به رسمیت شناخته نشود (ر.ک. سید فاطمی، ۱۳۹۵ و مهرپور، ۱۳۹۲). در این راستا، قانون اساسی در بند (۹) اصل سوم یکی از وظایف دولت را «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» مقرر نموده است. اصل نوزدهم عنوان می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». اصل بیستم نیز بیان داشته: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت و موازین اسلام برخوردارند». اصل ۱۴۱ نیز داشتن بیش از یک شغل دولتی را ممنوع اعلام کرده است، هرچند مشاغل آموزشی و تحقیقاتی را مستثنی نموده است. دلیل این ممنوعیت این است که اصل برابری افراد در بهره‌مندی از حقوق اجتماعی و تصدی مشاغل عمومی نادیده گرفته و تبعیض آشکار محسوب می‌شود.

۲-۲-۶ حق بر خانواده شایسته

انسان از بستر خانواده است که وارد زندگی اجتماعی می‌شود و از فضای تربیتی آن است که می‌تواند قدرت و توان مطلوب حضور در اجتماع را به‌دست آورد. بی‌شک، هر چقدر مطابق با اصول و موازین تربیتی صحیح آموزش دیده شود، بهتر می‌تواند با مسائل و مشکلات اجتماعی دست و پنجه نرم کند. گرمی کانون خانواده نیز از طرفی وابسته به گستردگی مهر و محبت والدین به فرزندان و روابط حسنه

زناشویی است. به هر میزانی که حقوق زنان در خانواده رعایت شود، به همان میزان نیز فرزندان صالح وارد جامعه می‌شوند. از این رو، برای تحقق خانواده شایسته رعایت حقوق زن الزامی است. قانون اساسی برای تحقق خانواده مطلوب و شایسته در اصل دهم مقرر داشته است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». همچنین اصل بیست و یکم تحقق خانواده شایسته را با رعایت حقوق زن، پیوند زده و عنوان می‌دارد: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیا حقوق مادی و معنوی او.
۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.
۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده. ۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست. ۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی».

۲-۲-۷ آزادی تشکله‌ها و اجتماعات

یکی از جلوه‌های عینی آزادی عقیده و بیان، آزادی‌های گروهی از طریق تشکیل اجتماعات و تشکله‌ها است. افراد جهت پیشبرد اهداف زندگی فردی و اجتماعی خود می‌توانند با همفکری و انسجام عقاید و ارزش‌های خود، دست به تشکیل انجمن‌ها، تشکله‌ها، احزاب و گروه‌هایی زنند. قطعاً در نتیجه فعالیت گروهی و جمعی قدرت اراده افراد جهت پیگیری مطالبات و نیازها بسیار قوی‌تر و مؤثرتر خواهد بود و قدرت سیاسی کمتر می‌تواند در برابر افکار جمعی و گروهی مقاومت نماید و اراده جمعی نمایانگر مطالبات جدی‌تر اشخاص در جامعه می‌باشد.

تشکله‌ها و اجتماعات می‌توانند به صورت سازماندهی شده باشند؛ نظیر: احزاب، انجمن‌ها، اصناف و اتحادیه‌ها و یا غیرسازماندهی شده مثل: راهپیمایی‌ها، اعتراضات، اعتصابات و شورش‌ها. قانون اساسی هر دو مورد را با رعایت محدوده‌هایی به رسمیت شناخته است:

الف) آزادی اجتماعات سازماندهی شده: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی،

وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آن ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن ها مجبور ساخت» (اصل ۲۶).

ب) آزادی اجتماعات سازماندهی نشده: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است» (اصل ۲۷).

۲-۲-۸ حق تابعیت

با توجه به دو مفهوم حاکمیت و ملت که در چارچوب سرزمینی خاص هویت پیدا می کند، امروزه هر انسانی برای بهره مندی از مزایا و دستاوردهای اجتماعی باید در پیوند با ملت و دولتی باشد. حفظ منافع ملی، امنیتی، هویتی، فرهنگی، تمدنی و ارزش های اجتماعی در گرو داشتن عناصر اصلی جامعه سیاسی (حاکمیت، سرزمین و ملت) است. افراد یک ملت علقه و اصالت بیشتری در پاسداری از منافع مذکور دارند، لذا دولت ها بیشتر اعضای ملت خود را مشمول استفاده از منافع و مزایای جامعه می کنند. «تابعیت یک رابطه سیاسی، معنوی و حقوقی است که فردی با دولتی دارا می باشد» (نصیری، ۱۳۸۹: ۲۶) و بر اساس چنین رابطه ای از حق ها و تکالیفی در جامعه برخوردار می شود. قانون اساسی در خصوص حق تابعیت این گونه موضع گیری نموده است:

الف) اصل ۴۱: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید».

ب) اصل ۴۲: «اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که به تابعیت دولت دیگری درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن ها را بپذیرد یا خود آن ها درخواست کنند».

۲-۳ حقوق قضایی

حق های قضایی مجموعه ای از حق ها است که در نظام رسیدگی به دعاوی در مراجع قضایی موضوعیت دارند و به نوعی در راستای تحقق دادرسی منصفانه و صیانت از حقوق طرفین دعوی در نظام حقوق اساسی تضمین می شوند.

۲-۳-۱ حق دادخواهی

احقاق حق، لازمه حفظ امنیت جسمی و معنوی انسان است (محاسب، ۱۳۸۷: ۴). بدون تعقیب و پیگیری حق‌ها و آزادی‌ها، امکان بهره‌مندی شایسته از زندگی وجود ندارد و شخصیت و هویت فرد دستخوش استبداد، بردگی و ظلم می‌گردد. از این رو، قانون اساسی در اصل سی و چهارم برای افرادی که حق‌ها و آزادی‌شان تضییع شده، حق دادخواهی مقرر داشته: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

در مقابل این حق، تکلیف قضات به رسیدگی به دعاوی در اصل ۱۶۷ قانون اساسی بیان شده است: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد».

۲-۳-۲ حق دادرسی منصفانه

رسیدگی به دعاوی در دادگاه‌ها باید از ضوابط اصولی و هنجارهای عقلی و منطقی و از موازین حقوق بشری تبعیت نماید، به گونه‌ای که امکان خودسری و اعمال سلیقه قضات را کاهش و پاسداری از حقوق طرفین دعوی را افزایش دهد. اهم این ضوابط و هنجارها و اصول دادرسی منصفانه به قرار ذیل می‌باشند:

الف- اصل برائت: اصل ۳۷ این اصل را تضمین نموده است: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

ب- اصل قانونی بودن جرم و مجازات: بر اساس این اصل «هیچ فعل و ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود» (اصل ۱۶۹).

ج- اصل منع تعقیب: به موجب این اصل زمانی فرد توسط دستگاه قضایی و انتظامی قابل تعقیب و پیگیری است، که دلایل کافی قانونی برای این امر وجود داشته باشد، در این صورت است که شهروندان می‌توانند با امنیت خاطر از حقوق آزادی‌های اجتماعی بهره‌مند شوند. اصل سی و دوم از این اصل این گونه حمایت نموده است: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم

شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

د- حق داشتن وکیل: چه بسا افراد از حقوق قانونی خود اطلاع نداشته و یا توان دفاع کردن صحیح و قدرت استفاده از قانون را نداشته باشند، لذا منطقی است تا به‌طور شایسته امکان ارائه دلایل و پاسخگویی به اتهامات و اسناد ابرازی را در دادگاه داشته باشند. بر این اساس، اصل سی و پنجم مقرر داشته است: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

ه- اصل علنی بودن محاکمه: علنی بودن محاکمه تضمین بسیار مفیدی برای جلوگیری از خودسری قاضی و تضییع حقوق طرفین دعوی است و از موجبات شفافیت تصمیمات قضایی محسوب می‌شود. اصل یکصد و شصت و پنجم بیان داشته: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

و- اصل مستند بودن احکام: مستدل و مستند بودن تصمیمات قضایی تضمینی است برای احقاق حق، بی‌طرفی قضات، اجرای عدالت و از موجبات اقناع فکری طرفین دعوی و جامعه می‌باشد. از این‌رو قانون اساسی در اصل ۱۶۶ چنین اصلی را مورد تضمین قرار داده است: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است». و اصل سی و ششم بیان داشته: «حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد».

ز- اصل منع شکنجه: حفظ کرامت و ارزش والای انسانی ایجاب می‌نماید تا شخصیت، جسم و روان فرد مصون از هرگونه آزار و اذیت باشد. فرایند محاکمه فرد، باید بدون هرگونه ارباب، تهدید، ترس، شکنجه و آزار روحی و جسمی انجام شود تا آزادی و اختیار طرفین دعوی سلب نگردد. در اصل سی و هشتم در این راستا عنوان شده است: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

چنین حقی در قانون مجازات اسلامی نیز مورد تضمین قرار گرفته است. در ماده ۵۷۸، متخلفین از این حق به مجازات قصاص، پرداخت دیه و حبس محکوم می‌شوند.

الف) عدم تجسس ب) اخلاق اجتماعی

ج) اصل برائت د) وجدان عمومی

۴- حق کار جزء کدام یک از حقوق است؟

الف) مدنی ب) سیاسی

ج) اجتماعی د) فردی

۵- بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی، آزادی اجتماعات در چه صورتی امکان‌پذیر می‌باشد:

الف) بدون حمل سلاح و مخل مبانی اسلامی نباشد.

ب) در صورتی که از سوی احزاب سیاسی سازماندهی گردد.

ج) چنانچه مخل نظم عمومی و مصالح نظام نباشد.

د) چنانچه در راستای حفظ نظم عمومی و مبانی مردم‌سالاری باشد.

فصل سوم

حقوق شهروندی در عمل

هدف کلی

بررسی و تحلیل نظام حقوق شهروندی در عرصه کاربردی و عملی موضوع مطالعه این فصل می‌باشد. هدف اصلی، آشنا شدن دانشجو با شیوه‌ها و راهبردهای عملی احیاء، ارتقاء و توسعه حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

هدف‌های یادگیری

- در پایان این فصل انتظار می‌رود دانشجو نسبت به مباحث ذیل به آگاهی برسد:
۱. تحلیل و بررسی سازوکارها و راهبردهای عملی و کاربردی توسعه حقوق شهروندی.
 ۲. زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و حقوقی احیاء حقوق شهروندی.
 ۳. انواع سازمان‌ها، نهادها و مقامات مسئول دولتی، عمومی و غیردولتی تامین و تضمین‌کننده حق‌های شهروندان.
 ۴. سازوکارها، فرایندهای شکلی، نظام دادرسی اداری و قضایی احیاء حقوق شهروندی.
 ۵. شیوه‌ها و راهکارهای ارتقاء و توسعه حقوق شهروندان.

مقدمه

ساماندهی و نهادینه نمودن حقوق شهروندی مستلزم مباحث نظری و کاربردی است. در عرضه نظری تلاش بر این است تا داده‌های علمی و فکری در محافل دانشگاهی، تحقیقاتی و آموزشی پایه‌های اساسی حقوق شهروندی را بنا شوند و با تئوری‌سازی نظام حقوقی حقوق شهروندی، در قالب تدوین سیاست‌ها و راهبردها، وضع قوانین و مقررات، زمینه اجرایی و عملی شدن اصول و قواعد و نظامات حقوق شهروندی فراهم شود.

در عرصه عملی و کاربردی، ساختارها، دستگاه‌ها، نهادها، ابزارها، وسایل، امکانات، منابع، نیروی انسانی و سازوکارهای اجرایی برای تحقق و فعلیت بخشیدن به بنیادهای نظری و فکری و محتوای برنامه‌ها و

اهداف مقرر در سیاست‌های کلی و قوانین و مقررات تعبیه شوند. اقدامات و تلاش‌های نظری زمانی به نتیجه می‌رسند که با رویه‌ها و ساختار مطلوبی هماهنگ و توأم شوند. تاسیسات ساختاری و نهادی در حوزه حقوق شهروندی نقش موثر و کارآمدی در نهادهای ساز و فعلیت آموزه‌ها و ارزش‌های حقوق شهروندی دارد. لذا این وظیفه دولت و نهادهای غیردولتی است تا با تاسیس و ایجاد ساختارهای مناسب و تامین اقتضاءات و منابع و امکانات لازم، آرمان‌های حقوق شهروندی را محقق نمایند. در این ارتباط، سازوکارهای حمایتی و صیانتی و تدابیر قضایی و بازرسی و نظارتی، موجبات احیاء و تضمین حقوق شهروندی را فراهم می‌نماید. در این فصل تلاش می‌شود تا به مباحث عملی و کاربردی در تامین و تضمین حقوق شهروندی به همراه سازوکارهای و راهکارهای موثر در احیاء، ارتقا و توسعه حقوق شهروندی در پرتو قوانین و مقررات مرتبط با حقوق شهروندی، در نظام جمهوری اسلام ایران پرداخته شود.

۳-۱-۱ نهادهای فعال حقوق شهروندی

از آنجایی که حقوق شهروندی نظامی از انواع حق‌ها و تکالیف شهروندی در ارتباط یکدیگر و با دولت می‌باشد، لذا سازمان‌ها، نهادها و ساختارهای مختلفی در این خصوص در کشور ایران نقش آفرینی می‌نمایند که در ساختار قوای حکومتی و غیرحکومتی و برخی نهادهای دیگر سازماندهی شده‌اند و هرکدام در همسویی با یکدیگر در مقام تامین، تضمین و توسعه حقوق شهروندی بر اساس قوانین و مقررات موجود فعالیت می‌نمایند.

۳-۱-۱-۱ نهادهای حاکمیتی یا حکومتی

نهادهای حکومتی و دولتی، مجموعه سازمان‌ها و ساختارهایی هستند که زیر مجموعه دستگاه حاکمیتی کشور قرار دارند و توسط یکی از نهادهای حاکمیتی مدیریت می‌شوند و مبنای فعالیت آن‌ها نیز قوانین و مقررات حقوق شهروندی در چارچوب وظایف ذاتی و سازمانی می‌باشد که به شرح ذیل تبیین و سازماندهی می‌شوند:

۳-۱-۱-۱-۱ نهاد رهبری

مقام رهبری به عنوان ولی فقیه و رئیس کشور در راس سلسله مراتب سازمانی و ساختار سیاسی حقوقی کشور قرار دارد و بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی بر کلیه قوای حاکم زعامت و ولایت دارد و همه دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی تحت فرمانرایی و هدایتگری مقام رهبری قرار دارند.

بر اساس اندیشه «ولایت مطلقه فقیه»، ولی فقیه در کلیه امور دینی و دنیوی شهروندان ولایت دارد و می‌تواند با وضع سیاست‌ها، قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های ارشادی حکومتی نقش موثری در تامین و صیانت از حقوق شهروندی را ایفاء نماید. در این خصوص می‌تواند وظایف خود را به نهادهای زیر-مجموعه مثل کمیته امداد امام خمینی، بنیاد مسکن، ستاد اجرایی فرمان امام خمینی، ائمه جمعه، اوقاف و امور خیریه، نیروهای مسلح و قوای سه‌گانه اعم از قوه مقننه، مجریه و قضائیه تفویض نماید و بر فعالیت آن‌ها در زمینه صیانت از حقوق شهروندی نظارت نماید.

ارشادات و هدایتگری مقام رهبری در زمینه حقوق شهروندی همچنین می‌تواند با دستورات خاص و صدور احکام حکومتی یا احکام موری محقق شود. شاید مهمترین راهبرد و تدابیر مقام رهبری در تامین و صیانت از حقوق شهروندی به اختیار قانون وی در تنظیم سیاست‌های کلی نظام بازگردد. بر اساس بندهای ۱ و ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مقام رهبری می‌تواند سیاست‌های کلی نظام در کلیه امور عمومی اعم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی، نظامی و غیره را با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین نماید و برای اجرا به کلیه نهادها و مقامات عمومی ابلاغ کند. همچنین در خصوص نحوه اجرای این سیاست‌ها به طرق مختلف صلاحیت نظارتی و پیگیری دارد. از منظر حقوقی، سیاست‌های کلی نظام جزو اسناد بالادستی و فراتر از قوانین محسوب می‌شوند، لذا برای کلیه مقامات قانونگذاری، اجرایی، قضایی و اداری لازم‌الرعایه است.

حال چنانچه مقام رهبری راهبردها و تدابیری را برای تامین و تضمین حقوق شهروندی از طریق وضع سیاست‌های کلی نظام مقرر بدارند، باید کلیه دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط ساختار و مقتضیات لازم را برای اجرایی‌شدن آن‌ها تعبیه نموده و جزو وظایف و تکالیف آن‌ها نیز محسوب خواهد شد و در برابر شهروندان و مقام رهبری متعاقبا پاسخگو خواهند بود.

همچنین مقام رهبری از طریق انتصاب فقهای شورای نگهبان و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند بر فرایند وضع قوانین مرتبط با حقوق شهروندی بسیار تاثیرگذار باشد؛ چه بسا تصویب قانونی را از مجلس تقاضا نماید یا مصوبات مجلس و نهادهای دیگر قانونگذاری را رصد نموده و با دستورات لازم به شورای نگهبان در امر تایید یا عدم تایید مصوبات مجلس در خصوص محتوای حقوق

شهروندی ارشاد و نظارت نماید. ایشان با توجه به اختیارات ولی فقیه صلاحیت دارد تا دستور تشکیل نهادهای خاص صیانت و نظارت بر حقوق شهروندی در مجموعه نهاد رهبری صادر نماید و شرح وظایف آن را نیز تدوین و مقاماتی را برای اجرایی شدن آن منصوب نماید.

مقام رهبری بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی اختیار انتصاب مقامات عالی رتبه کشوری و لشکری را دارا می باشد و می تواند موقع انتصاب آنان، سیاست ها و رهنمودهای کلی صیانت از حقوق شهروندی را به آن ها ابلاغ نماید و ارشادات مقام رهبری، جزو وظایف و تکالیف مقام عالی رتبه در تامین و تضمین حقوق شهروندی خواهد شد. به طور مثال مقام رهبری در انتصاب ریاست محترم قوه قضائیه در سال ۱۳۹۷ در بخش هایی از ابلاغیه حکم وی عنوان نموده اند:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی دامت برکاته آغاز دهه ی پنجم انقلاب و گذشت چهل سال از تشکیل دادگستری مبتنی بر فقه و حقوق اسلامی، ایجاب می کند که با تکیه بر تجربه ها و دستاوردها و رهنمودهای انباشته در این نصاب زمانی، تحوّل متناسب با نیازها و پیشرفت ها و تنگناها در قوه ی قضائیه صورت گیرد و دستگاه عدالت با نفسی تازه و انگیزه ای مضاعف و نظم و تدبیری حکمت آمیز، دوران جدیدی را که زبینه ی گام دوم انقلاب است، با قدرت و جدیت آغاز کند.

اینجانب برای تحقق این مقصود حیاتی، جنابعالی را برگزیده ام.... با این حال چند نکته را مؤکداً به جنابعالی سفارش می کنم.... سوم آنکه، عنصر نیروی انسانی صالح را در رأس عوامل تحول و پیشرفت قوه بدانید. سلامت قضات و پاکی دامن آنان از هر گونه فساد، شرط لازم و اوّل برای همه توفیقات شما است. در ریشه کنی فساد از درون قوه که مایه ی مباهات شما و سرافرازی اکثریت قضات دادگاه ها و دادرها است، هیچ تردید و درنگ نکنید.

چهارم آنکه، گسترش عدل و احیاء حقوق عامه و آزادی های مشروع و نظارت بر اعمال قانون را که در شمار هدف های قوه قضائیه در قانون اساسی است در رأس برنامه ها قرار دهید. این موجب اعتماد مردم و دلگرمی آنان به قوه قضائیه در حوادث و منازعات خواهد شد. پنجم آنکه، در برخورد قضایی ملاحظه این و آن را نکنید.....»

نتیجه اینکه، مقام رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور، نقش مهمی در هدایتگری و ساماندهی حقوق شهروندی را با وضع سیاست‌های کلی نظام و اعمال نظارت بر قوای حکومتی و پاسخگو نمودن آن‌ها ایفا می‌نماید.

۳-۱-۱-۲ قوه مقننه

نظام مبتنی بر حقوق بشر و حقوق شهروندی بر پایه‌های «اندیشه قانونمداری و حاکمیت قانون» (ر.ک. مرکز مالمیری، ۱۳۹۴) بنا نهاده می‌شود. در این راستا، قوه مقننه نهاد واضع قانون در چارچوب قانون اساسی محسوب می‌شود. بر اساس فصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخی اصول دیگر، قوه مقننه در راستای تامین و تضمین حقوق شهروندی دو وظیفه اساسی دارد: ۱. قانونگذاری ۲. نظارت بر امور اجرایی.

الف. قانونگذاری: قوه مقننه از نمایندگان منتخب ملت تشکیل شده است تا در خصوص کلیه امور عمومی از جمله حقوق شهروندی قانون وضع نماید. بدون وجود قانون و الزامات حقوقی نمی‌توان از بشر و حقوق ملت دفاع نمود. مجلس شورای اسلامی با حق نظارت شورای نگهبان می‌تواند در وضع کلیه حقوق و تکالیف شهروندی اقدام نماید و در این خصوص از صلاحیت عام برخوردار می‌باشد. البته مصوبات مجلس بر اساس اصل چهارم و اصل هفتاد و دوم قانون اساسی، نباید مغایر موازین شرعی و اصول قانون اساسی باشد. پس، در نظام جمهوری اسلامی ایران محتوای قوانین حقوق شهروندی با توجه به ارزش‌های دینی و ملی مردم ایران تدوین می‌شود. از طریق قانونگذاری، مجلس به چند روش در راستای تثبیت و صیانت از حقوق شهروندی اقدام می‌نماید:

۱. پذیرش بسیاری از حق‌های شهروندی و درج آن‌ها در قانون خاص حقوق شهروندی و یا در قوانین موضوعه دیگر. نظیر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵.
۲. تاسیس نهادها و ساختارهای اداری، اجرایی و قضایی و ترسیم وظایف و تکالیف مقامات مسئول و راهبردهای چگونگی احیای حقوق شهروندی توسط آن‌ها.

۳. تامین بودجه لازم برای نهادهای متولی و مسئول حقوق شهروندی در قانون بودجه.

۴. وضع قوانین و سازوکارهایی برای جلوگیری از نقض حقوق شهروندی و وضع قوانین جزایی برای مجازات مجرمین و شیوه‌های جبران خسارت توسط آن‌ها. نظیر قانون مجازات اسلامی یا قانون تعزیرات حکومتی.

ب. نظارت بر امور عمومی: به منظور تامین مراد و اهداف قانون و نظامات مقرر در قوانین حقوق شهروندی، امر نظارت و کنترل نهادها و مقامات مسئول و متولی و مجری قوانین بسیار ضروری است، چه بسا، اهداف قانون با بی توجهی و بی مسئولیتی عبث شود و شهروندان نتوانند از حق های شهروندی مندرج در قوانین مصوب مجلس بهره مند شوند. لذا نمایندگان به طرق مختلف باید اطمینان حاصل نمایند که اهداف قانون توسط مجریان تامین و اجرا شده است، به نحوی که مردم از حقوق شهروندی خود استفاده کنند. از جمله شیوه های نظارت مجلس بر اجرای قوانین به مصادیق ذیل اشاره می شود:

۱. کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی: بر اساس اصل نودم قانون اساسی، «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آن ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند».

بر اساس این اصل هر شهروندی می تواند در صورت نقض حقوق شهروندی خود توسط قوای سه گانه اقدام به شکایت در این کمیسیون نماید. نتایج بررسی کمیسیون عبارتند از: «۱. ارائه پاسخ مجاب کننده به شاکیان؛ ۲. تذکر به دستگاه ها و پیگیری امر نسبت به رفع اشکالات موجود در سازمان ها تا حصول نتیجه مثبت احتمالی؛ ۳. آگاهی و ایجاد تحرک در نمایندگان برای استفاده از حقوق نظارتی پارلمان (تذکر، سؤال، استیضاح و اظهار نظر)؛ ۴. اطلاع به عامه از عملکرد دستگاه ها و شناساندن آسیب هایی که عارض بر دولت و قدرت عمومی می باشند» (هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

با توجه به اینکه کمیسیون اصل ۹۰ دادگاه محسوب نمی شود و مرجع عمومی اعمال نظارت بر امور عمومی است، تصمیماتش جنبه قضایی ندارد، بلکه می تواند به شکل «پاسخ کافی»، «اطلاع عامه» یا «تأثیرگذاری بر افکار عمومی» جلوه بیرونی پیدا کند و چنانچه شکایت جنبه حقوقی و کیفری داشته باشد «مقدمات رسیدگی به شکایت را در مراجع قضایی»^(۸) فراهم آورد.

۲. کمیسیون اصل ۸۶ قانون اساسی: مجلس شورای اسلامی از طرف عموم مردم و به عنوان نمایندگان ملت حق دارد تا بر روند کلیه امور عمومی و چگونگی اجرای حقوق شهروندی در تمام دستگاه ها اجرایی کشور نظارت داشته باشد. لذا به موجب اصل هشتادوششم: «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد». این نوع نظارت جنبه تحقیق و تفحص دارد و چنانچه نمایندگان

^۸. تبصره ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل نودم.

اطلاع حاصل نمایند که حقوق عامه یا حقوق شهروندی شهروندان توسط دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی تامین نشده یا نقض شده است، می‌توانند با تصویب اکثریت نمایندگان، فرایند تحقیق و تفحص را از آن دستگاه آغاز نمایند.

بر اساس ماده ۱۹۸ آیین‌نامه داخلی ابتدا طرح تحقیق و تفحص از سوی نماینده یا عده‌ای از نمایندگان به مجلس ارائه می‌شود. سپس هیأت رئیسه درخواست را به کمیسیون مرتبط ارائه و چنانچه پاسخ کمیسیون برای تقاضاکنندگان کافی نباشد، در جلسه مجلس مطرح می‌شود و نسبت به آن بدون بحث و مذاکره پس از قرائت گزارش کمیسیون رأی‌گیری به عمل می‌آید. پس از تصویب طرح در مجلس، تحقیق و تفحص همراه با نماینده یا نمایندگان با حضور در نهاد مورد تحقیق انجام می‌شود و در نهایت گزارش تحقیق و تفحص در مجلس قرائت می‌شود. گزارش دارای این اثر است که بر افکار عمومی تأثیرگذار بوده و مجلس می‌تواند تصمیمات مقتضی در رفع مشکلات و تخلفات احراز شده را اتخاذ نماید؛ به طور مثال قوانین را اصلاح یا در صورت احراز تخلف و جرم، مقدمات رسیدگی به موضوع را در قوه قضائیه فراهم نماید. لازم به ذکر است تصمیم مجلس جنبه قضایی ندارد، بلکه اطلاعی است.

۳. تذکر و سوال نمایندگان: در راستای نظارت بر امور عمومی کشور و صیانت از حقوق شهروندی، نمایندگان صلاحیت دارند تا با کسب اطلاع از عدم اجرا یا نقض حق شهروندان در هر نهاد یا دستگاهی، با اخذ نوبت در صحن علنی مجلس به مقام مسئول و نهاد ناقض حقوق شهروندی تذکرات لازم را بدهند یا از وی سوال نمایند. «در کلیه مواردی که نماینده یا نمایندگان مطابق مفاد اصل هشتادوهشتم قانون اساسی، از رئیس‌جمهور یا وزیر درباره یکی از وظایف آنان حق سؤال دارند، می‌توانند در خصوص موضوع مورد نظر به رئیس‌جمهور و وزیر مسئول کتباً تذکر دهند. هیأت رئیسه تذکر را به رئیس‌جمهور یا وزیر مربوط ابلاغ و خلاصه آن را در جلسه علنی مجلس عنوان می‌نماید».^۹

بر اساس اصل هشتادوهشتم: «در هر مورد که... هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند... وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی» و به موجب اصل هشتادوهشتم: «در هر مورد که حداقل یک‌چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس‌جمهور... درباره یکی از وظایف [وی]... سؤال کنند، رئیس‌جمهور... موظف است در مجلس

^۹. ماده (۱۹۲) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی.

حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید... بیش از یک ماه... به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی».

۴. **استیضاح:** نمایندگان مجلس ممکن است در صورت عدم اجرای موازین حقوق شهروندی و موثر نبودن تذکر یا سوال از وزیر و رئیس‌جمهور از اهرم قوی‌تری به نام «استیضاح» استفاده نمایند. ترس از استیضاح باعث می‌شود که مقامات مسئول قوه مجریه در راستای تأمین و احیای حقوق شهروندی فعال باشند. به موجب اصل هشتادونهم: «نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود» و «در صورتی که حداقل یک‌سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود».

پس از حضور رئیس‌جمهور و صحبت‌های موافقین و مخالفین و دفاعیات رئیس‌جمهور، مجلس با رأی‌گیری مخفی رأی «عدم کفایت» رئیس‌جمهور را به رأی می‌گذارد. چنانچه «اکثریت دوسوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند (۱۰) اصل یکصدودهم قانون اساسی به اطلاع مقام رهبری می‌رسد»^{۱۰} و مقام رهبری با در نظر گرفتن مصالح نظام بر اساس تئوری ولایت مطلقه فقیه، از صلاحیت اختیاری در خصوص عزل رئیس‌جمهوری برخوردار می‌باشد.

۵. **دیوان محاسبات کشور:** یکی از مهمترین حق‌های شهروندی در خصوص امور اقتصادی، مالی و ثروت‌ها و منابع ملی است که پاسداری و صیانت از آن بر عهده مقامات و نهادهای دولتی است. قوه مقننه می‌تواند از طریق دیوان محاسبات از حقوق اقتصادی و مالی و ملی شهروندان حمایت نماید و در صورت نقض حقوق شهروندی، همچون یک نهاد قضایی با صدور آرای شبه‌قضایی و اداری افراد متخلف را وادار به جبران خسارت و استرداد اموال و ثروت‌های عمومی نماید.

بر اساس اصل ۵۴ قانون اساسی: «دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد» و اصل ۵۵: «دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد

۱۰. اصل هشتادونهم قانون اساسی.

رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود».

در نهایت اینکه، قوه مقننه با اعمال صلاحیت قانونگذاری و نظارت می‌تواند هم در مقام وضع حقوق شهروندی مطلوب و هم در حوزه اجرای موثر حقوق شهروندی توسط مقامات اجرایی، نقش مهمی در تامین و تضمین حقوق شهروندی ایفاء نماید.

۳-۱-۱-۳ قوه مجریه

در نظام تفکیک قوا، امور اجرایی به عهده قوه مجریه می‌باشد. قوه مجریه متشکل از رئیس‌جمهور، هیات وزیران، وزیران و دستگاه‌های اداری و اجرایی است (اصل شصتم قانون اساسی) که وظیفه اجرای قوانین و مقررات، مدیریت اجرایی کشور و تامین‌کننده خدمات و نیازهای عمومی، امنیت و نظم عمومی و اجراکننده بسیاری از حق‌های شهروندی است.

همانطور که قوه مقننه وظیفه تدوین و تثبیت حق‌های شهروندی از طریق وضع قانون را بر عهده دارد، وظیفه اصلی و سنگین تامین و اجرای بخش عمده‌ای از حقوق شهروندی به عهده قوه مجریه است. بسیاری از ساختارها و نهادهای مسئول و متولی حقوق شهروندی در مجموعه قوه مجریه در قالب وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های اداری و اجرایی قرار گرفته‌اند. در قانون تاسیس هر کدام از نهادهای قوه مجریه، مقرراتی در خصوص اهداف، وظایف و مسئولیت‌های آن نهاد درج شده است که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم مرتبط با تامین حقوق شهروندی است. لذا مقامات اجرایی به‌طور سلسله مراتبی در برابر شهروندان و تامین حق‌های شهروندی پاسخگو می‌باشند.

تامین و صیانت از حقوق شهروندی در مجموعه قوه مجریه به‌طور عام در قالب وظایف و اهداف سازمان‌ها و همچنین به‌طور خاص در قالب تاسیس نهادها، کمیسیون‌ها، ستادها، هیات‌ها و کمیته‌های حقوق شهروندی عملی شده است. در بیشتر ادارات و سازمان‌های دولتی دبیرخانه، ستاد یا کمیته حفظ و صیانت از حقوق شهروندی با اختیارات خاصی تاسیس شده است که در مجموع وظایف قوه مجریه در تامین حقوق شهروندی را انجام می‌دهند.

قوه مجریه بر اساس اصل تفکیک نسبی قوا و مطابق با اصل ۱۶۸ قانون اساسی در جهت احیای حقوق شهروندی مقررات عمومی، آیین‌نامه، بخشنامه و دستورالعمل‌هایی وضع می‌نماید و ضمن قائل شدن حق‌های شهروندی، سازمان‌ها و نهادهایی را برای اجرای آن حقوق تاسیس می‌نماید. از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. «منشور حقوق شهروندی»، ابلاغی توسط رئیس جمهور در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۹.
۲. تصویب‌نامه «حقوق شهروندی در نظام اداری»، مصوبه شورای عالی اداری، در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۹.
۳. دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵.
۴. توافق‌نامه سازمان امور اداری و استخدامی با سازمان امور اجتماعی وزارت کشور تحت عنوان «توسعه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در تامین حقوق شهروندی در نظام اداری» در قالب بخشنامه وزارت کشور، در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۳۰.
۵. دستورالعمل صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندان در دستگاه‌های اجرایی، مصوبه وزارت کشور، تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۵.
۶. تهیه پیش نویس لایحه نهاد ملی حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۷.
۷. دستورالعمل اجرایی مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوبه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۷.
۸. دستورالعمل برنامه‌های ۹ گانه صیانت از حقوق شهروندی در دستگاه‌های اجرایی کشور و استان‌های سراسر کشور، ویژه مدیران، کارکنان و مراجعین، مصوبه وزارت کشور، در سال ۱۳۹۵.

اهم نهادهای خاص مسئول در حوزه حقوق شهروندی در قوه مجریه به قرار ذیل می‌باشند:

۳-۱-۱-۱ نهاد ریاست جمهوری

رئیس‌جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری، نقش مهمی در صیانت از حقوق شهروندی دارد. وی بالاترین مقام اجرایی کشور محسوب می‌شود و در این راستا، با صدور دستورالعمل‌ها، نظارت‌ها، نصب و عزل‌ها، مقامات اجرایی و اداری کشور را مکلف به احیاء و اجرای حقوق شهروندی می‌نماید.

بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی و قانون مربوط به وظایف و تکالیف ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵، رئیس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است و در این جهت می‌تواند به کلیه نهادها و مقامات قوای سه‌گانه و اجرایی کشور جهت اجرای حقوق شهروندی تذکرات لازم را بدهد و اقدامات مقتضی را اتخاذ نماید.^{۱۱}

۳-۱-۱-۳ وزرا

هریک از وزیران بر اساس قانون تاسیس وزارتخانه مربوطه، دارای وظایف و اختیاراتی در حوزه خود هستند. قطعاً امورات وزارتخانه با حقوق شهروندی مرتبط می‌شود، لذا وزیر به عنوان بالاترین مقام مسئول وزارتخانه در برابر تامین و تضمین حقوق شهروندی در حوزه وزارتخانه خود مسئول و پاسخگو می‌باشد و باید بر نحوه اجرایی شدن موارد حقوق شهروندی بر تمام مقامات و نهادهای زیرمجموعه وزارتخانه نظارت داشته باشد، چه بسا وزیری به خاطر عدم اجرای حقوق شهروندی و نقض برخی حق‌های مرتبط با وزارتخانه خود و یا اعمال مقامات اداری در وزارتخانه و دستگاه‌های اداری، توسط رئیس‌جمهور عزل شود یا در مجلس مورد سوال یا استیضاح شود.

به‌طور مثال، یکی از نهادهای اساسی در ساختار قوه مجریه که نقش موثری در حق‌های اقتصادی و کالاهای مورد نیاز آنها دارد، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است که در سال ۱۳۸۴ با

^{۱۱} در فصل دوم قانون مربوط به وظایف و تکالیف ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس، در مواد ۱۳ الی ۱۶ محدوده اختیارات رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی را تبیین نموده است: ماده ۱۳: «به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی است».

ماده ۱۴: «در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی، رئیس‌جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه برساند و علل توقف یا عدم اجرا را خواستار شود. مقام مسئول موظف است پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس‌جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی به تشخیص رئیس‌جمهور توقف یا عدم اجرا ثابت گردد، نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام و در صورتی که تخلف مربوط به نخست‌وزیر و وزراء باشد به مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌دهد و درغیراین‌صورت، پرونده به مرجع صالح ارسال خواهد شد».

ماده ۱۵: «به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس‌جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور را دارد».

ماده ۱۶: «رئیس‌جمهور می‌تواند سالی یک بار آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذه تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند».

ترکیب برخی نهادهای بازرسی ایجاد شده است. در قسمت‌هایی از اساسنامه این سازمان به صراحت از حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان کالاها اشاره نموده است:

ماده ۳: سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بوده و بصورت شرکت سهامی اداره می‌شود و وابسته به وزارت بازرگانی می‌باشد.

ماده ۶: اهداف سازمان در چهارچوب وظایف و اختیارات خود حمایت از تولیدات داخلی و افزایش آن و حمایت از مصرف‌کنندگان در برخورد با نوسانات غیرمعمول و همکاری سازمان‌های ذیربط در تشویق امر صادرات و بازاریابی از طریق تعیین و تعدیل و تثبیت و کنترل قیمت تولیدات و خدمات و کالاهای وارداتی داخلی و انجام تحقیقات و بررسی لازم و ارائه طرح‌های ضروری در جهت متعادل ساختن کالاهای وارداتی و تولیدی است.

۳-۱-۱-۳ ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی

در راستای قانون احترام به حقوق شهروندی، ریاست‌جمهوری طی ابلاغیه شماره ۱۶۹۴۹۳ مورخ ۸۷/۹/۲۱ به وزیر وقت کشور دستور دادند که موضوع حقوق شهروندی به‌طور جدی دنبال گردد که متعاقب آن «ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی» در وزارت کشور شکل گرفت. وظایف ستاد به شرح ذیل می‌باشد:

۱. اتخاذ راهکارهای اجرایی مناسب و مطلوب برای اجرای مصوبات ستاد استان.
 ۲. اتخاذ راهکارهای مناسب فرهنگی و آموزشی جهت ارتقاء سطح آگاهی کارگزاران دستگاه مربوطه برای برخورد کریمانه و محبت‌آمیز با مردم و رعایت حقوق شهروندی.
 ۳. آگاه‌سازی مراجعین با حقوق شهروندی مربوط به آن دستگاه از طریق انجام کارهای تبلیغی مناسب.
 ۴. کشف و شناسایی تخلفات اداری کارکنان که موجب سلب اعتماد عمومی می‌گردد و حقوق شهروندان نادیده گرفته می‌شود و برخورد مناسب و قانونی و حل سریع مشکل و جلوگیری از تقابل مردم با دستگاه مربوطه.
 ۵. شناسایی و تشویق کارکنان متعهد و متدین و وظیفه‌شناس که در زمینه رعایت حقوق شهروندی و اجرای موازین شرعی بالاترین امتیاز را کسب نمودند و سپس معرفی به دبیرخانه ستاد.
- ستاد در ۴ حوزه سازماندهی شده است:

۱. ستاد مرکزی صیانت: ستادی است توسط وزارت کشور در چهارچوب وظایف محوله تشکیل و نسبت به دستگاه‌های اجرایی ۴۲ گانه و استان‌های سراسر کشور در دو حوزه ترویج عفاف و حجاب و حقوق شهروندی برنامه ریزی، هدایت و ارزیابی آن‌ها را عهده دار است.
۲. ستاد صیانت دستگاه: شامل وزارتخانه‌ها، سازمان‌های مستقل می‌باشند که می‌بایست برنامه‌های ابلاغی ستاد مرکزی صیانت وزارت کشور را در دو حوزه عفاف و حجاب و حقوق شهروندی اجرا نمایند.
۳. ستاد صیانت استان: ستادی است که در استانداری تشکیل و زیر نظر ستاد مرکزی صیانت وزارت کشور می‌بایست برنامه‌های ابلاغی ستاد مرکزی صیانت را در مجموعه تحت نظر خود و ادارات کل استان، مدیریت، نظارت و پیگیری می‌نمایند.
۴. ستاد صیانت شهرستان: در فرمانداری تشکیل و با نظر ستاد صیانت استان نسبت به انجام برنامه‌های ابلاغی در مجموعه تحت نظر خود و ادارات شهرستان مدیریت و نظارت و پیگیری نمایند.

۳-۱-۱-۴ کمیته سلامت اداری و صیانت از حقوق مردم

این کمیته با ترکیب و وظایف مندرج در بند (ب) ماده یک مصوبه شماره ۱۹۲۰۸۷/ت/۵۰۲۲۸ هـ.تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیات محترم وزیران برای اجرای وظایف مذکور، اجرای برنامه ششم و هفتم نقشه راه اصلاح نظام اداری، احکام قانون، مدیریت خدمات کشوری از جمله مواد ۹۰ و ۹۱ و سایر مقررات مربوط به ارتقاء فرهنگ سازمانی تکریم ارباب رجوع، ساماندهی، رسیدگی به شکایات، سلامت اداری و مبارزه با فساد اداری تشکیل می‌شود.

اهم وظایف کمیته سلامت اداری و صیانت از حقوق مردم عبارتند از:

۱. تعیین مصادیق اختصاصی حقوق متقابل مردم و دستگاه.
۲. تهیه برنامه عملیاتی صیانت از حقوق مردم شامل اهداف، سیاست‌ها، اقدامات و غیره.
۳. بازنگری قوانین و مقررات در جهت تثبیت حقوق مردم و پاسخگویی دستگاه و تشویق و تنبیه.
۴. راهبری و نظارت بر استقرار برنامه صیانت از حقوق مردم.
۵. تدوین برنامه سنجش و اندازه‌گیری میزان رضایتمندی مردم از نحوه ارائه خدمات دستگاه و تکریم ارباب رجوع.
۶. تنظیم برنامه اجرایی ارتقای سلامت با فساد اداری دستگاه و راهبری استقرار آن.

۷. بازنگری در قوانین و مقررات با رویکرد پیشگیری، بازدارندگی و برخورد قاطع با متخلفان.
۸. تدوین شاخص‌های سلامت و سنجش میزان سلامت و فساد اداری.
۹. سنجش و آسیب‌شناسی وضع موجود فرهنگ سازمانی دستگاه، تدوین برنامه بهبود فرهنگ سازمانی مبتنی بر اصلاح رفتار مدیران و کارکنان و اصلاح قوانین و مقررات.
۱۰. راهبری استقرار فرهنگ سازمانی و نظارت و سنجش تحقق میزان آن.

۳-۱-۱-۳ اداره حقوق بشر و زنان وزارت امور خارجه

اداره حقوق بشر در سال ۱۳۷۰ در حوزه اداره کل امور اجتماعی بین‌المللی وزارت امور خارجه تاسیس شد. طی تغییرات سازمانی با اداره امور زنان ادغام گردید و تحت مدیریت اداره کل حقوق بین‌المللی قرار گرفت و هم اکنون با تمرکز بر کلیه امور حقوق بشری (اعم از حقوق زنان، حقوق کودک، حقوق سیاسی و مدنی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، حق توسعه و ...) فعالیت می‌نماید. رؤس وظایف و فعالیت‌های اداره حقوق بشر و زنان عبارت است از:

۱. بررسی‌ها و مطالعات کارشناسی موضوعات و مسائل حقوق بشری ۲. پیگیری نظارت نهادهای بین-المللی حقوق بشری بر وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و در سایر کشورها ۳. تبادل اطلاعات و اطلاع‌رسانی در زمینه دستاوردهای حقوق بشری ۴. بررسی کارشناسی حقوق سیاسی و مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۵. مباحث مربوط به نژاد پرستی، تبعیض نژادی، بیگانه-ستیزی و نابردباری‌های مربوطه ۶. پیگیری مسائل مطروحه در کمیسیون حقوق بشر و دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر ۷. موضوع ارتقاء و حمایت از حقوق زنان ۸. موضوع ارتقاء و حمایت از حقوق کودک. (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۵۳)

۳-۱-۱-۶ کمیته حقوق بشردوستانه

در راستای توسعه فعالیت‌های حقوق بشردوستانه دولت متاثر از دفاع مقدس، در سال ۱۳۷۶ کمیته حقوق بشردوستانه توسط هیات وزیران تاسیس شد. کمیته موسسه‌ای خیریه و غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد و با هدف ترویج و تکامل و زمینه‌سازی برای اجرای حقوق بشردوستانه در سطح ملی و مشارکت در تحکیم و رعایت حقوق بشردوستانه در سطح بین‌المللی شده است. عمده‌ترین وظایف این کمیته عبارتند از: «۱. تصمیم‌گیری در خصوص نحوه اجرای مقررات

حقوق بشردوستانه در سطح ملی و در چارچوب قوانین و مقررات کشور ۲. نظارت بر رعایت حقوق بشردوستانه در سطح ملی ۳. آموزش و ترویج مفاهیم حقوق بشردوستانه در میان نیروی‌های مسلح، مردم و در مقاطع مختلف تحصیلی». (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰:۵۴)

۳-۱-۱-۷ شورا یا کمیسیون تحول اداری

در هر سازمان و نهاد اداری و اجرایی که شورا یا کمیسیون تحول اداری دارد و اگر ندارد، کلیه مدیران، روسا و مسئولین واحدهای ستادی و اجرایی بر اساس مصوبه شورای عالی اداری مبنی بر «طرح تکریم ارباب رجوع» مکلف به رعایت و تکریم ارباب رجوع هستند که می‌تواند موجبات تامین و صیانت از حقوق شهروندی را در بستر اداری فراهم نماید.

شورای عالی اداری در نودمین جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۵ بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، به منظور تکریم و جلب رضایت مردم و ارباب رجوع نسبت به عملکرد واحدهای اجرایی کشور، تصویب نمود، کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌ها و مؤسساتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام هستند، از جمله نیروی انتظامی، شهرداری تهران و سایر شهرداری‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه، همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و نهادهای انقلاب اسلامی که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند نسبت به انجام موارد زیر اقدام نمایند:

۱. شفاف و مستندسازی نحوه ارائه خدمات به ارباب رجوع ۲. اطلاع‌رسانی از نحوه ارائه خدمات به مردم ۳. تدوین منشور اخلاقی سازمان در ارتباط با مردم ۴. بهبود و اصلاح روش‌های ارائه خدمات به مردم ۵. نظرسنجی از مردم ۶. نظارت بر حسن رفتار کارکنان دستگاههای اجرایی با مردم ۷. تشویق و تقدیر از مدیران و کارکنان موفق و برخورد قانونی با مدیران و کارکنانی که موجب نارضایتی مردم می‌گردند.

۳-۱-۱-۴ قوه قضائیه

مهمترین نهاد تضمین و صیانت‌کننده از حقوق شهروندی، نهاد قضایی است. این نهاد دارای سازوکارها و ابزارهای اجرایی و قضایی لازم برای احیاء و تضمین حق‌های نقض شده است. جبران خسارت، الزام

به تامین و رفع موانع حق‌ها، اعاده وضع سابق، به عنوان روش‌های تضمین حقوق شهروندی را می‌توان در ساختار قوه قضائیه یافت.

قوه قضائیه در کشور جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی تاسیس شده است و متشکل از رئیس قوه قضائیه، دادستانی کل، دیوان عالی کشور، دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر، دادگاه‌های خاص، دیوان عدالت اداری، وزارت دادگستری، سازمان بازرسی کل کشور و برخی دیگر از نهادهای قضایی می‌باشد.

در خصوص جایگاه قوه قضائیه، قانون اساسی در اصل ۱۵۶ مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می‌کند. ۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

۳-۱-۱-۴-۱ رئیس قوه قضائیه

بعد از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام قضایی، رئیس قوه قضائیه است که در راس این نهاد قرار دارد. با توجه به اینکه رئیس قوه، صلاحیت قضایی، مقرراتی، اداری، مالی، سازمانی و تشکیلاتی قوه قضائیه را دارد، نقش بسزایی در تضمین و صیانت از حقوق شهروندی را ایفاء می‌نماید. بر اساس اصل یکصد و پنجاه و هفتم: «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرائی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است».

به موجب اصل ۱۵۸ قانون اساسی اختیارات رئیس قوه قضائیه عبارتند از: ۱. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم. ۲. تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی. ۳. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون».

البته موارد مذکور صرفاً مصادیق مصرح در قانون اساسی است و سایر وظایف و اختیارات در قوانین و مقررات عادی بیان شده است. (آماده، غلامحسین، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۴۰) نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران، تهران: نشر دادگستر، (رئیس قوه قضائیه صلاحیت دارد تا با ایجاد کمیسیون‌ها، کمیته‌ها، نهادها و تشکیلات لازم، صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، ایجاد شعب خاص قضایی، داوری و میانجیگری، ضمن مقرر داشتن انواعی از حقوق شهروندی، سازوکارها و شیوه‌های تضمین و صیانت از حقوق شهروندی را ساماندهی شود. همچنین وی با توجه به ولایت قضایی که از طرف ولی فقیه دارد، بر اساس ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی در امور مدنی، می‌تواند در مواردی که حقوق افراد طی فرایند دادرسی در دادگاه‌ها رعایت نشده باشد به استناد مغایرت با موازین شرع دستور نقض حکم قطعی یافته را صادر نماید و باعث احیای حقوق شهروندی شود.

در راستای تضمین و صیانت از حقوق شهروندی تصمیمات و اقدامات مختلفی توسط رئیس قوه قضائیه در قالب تشکیل نهادهای صیانت از حقوق شهروندی و بخشنامه‌های حقوق شهروندی به شرح ذیل صورت گرفته است:

۱. بخشنامه به مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور در خصوص حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۰ (که متعاقباً به عنوان قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی به تصویب مجلس رسید).

۲. دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵.

۳. آیین‌نامه ستاد حقوق بشر، مصوب ۱۳۸۰/۶/۲۷.

۴. آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی، ۱۳۹۱/۱۲/۷.

۵. تاسیس هیأت نظارت بر حفظ حقوق شهروندی قوه قضائیه، مصوب ۱۳۸۳/۸/۳۰.

۳-۱-۱-۲- دادستان کل کشور و دادستان‌های دادرها

نهاد قضایی صیانت‌کننده از حقوق عامه مردم مدعی‌العموم یا دادستان است. بر اساس اصل ۱۶۲ قانون اساسی: «رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس

قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آن‌ها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند».

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، دادستان کل و نمایندگان وی در قالب دادستان‌های عمومی و انقلاب، صیانت از حقوق شهروندی را بر اساس قوانین و مقررات نظیر قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و قانون آیین دادرسی در امور کیفری، قانون امور حسبی و غیره وظایف ذیل را بر عهده دارند:

۱. کشف جرم و تعقیب مجرمین از طرف شهروندان برای حفظ نظم عمومی و احقاق حقوق شخص قربانی جرم و مجازات مجرم ۲. انجام تحقیقات مقدماتی جهت جمع آوری دلایل و مستندات ارتکاب جرم ۳. صدور کیفرخواست برای متهمین از طریق دادسرا ۴. اجرای احکام قطعیت‌یافته کیفری ۵. نظارت بر مقامات قضایی دادسرا و ضابطان قضایی همچون کلانتری ۶. نظارت بر فروش اموالی که مالک حضور ندارد ۷. عضویت در برخی از شوراهای مثل شورای تامین استان ۷. نظارت بر انتخابات با عضویت در برخی از هیات‌های اجرایی ۸. نظارت بر بانک‌ها ۹. نظارت بر مواد خوراکی، آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ۱۰. حفاظت از اموال محجوران تا زمان نصب امین در دادسرا ۱۱. نظارت بر عملکرد قیم افراد محجور.

وظایف اختصاصی دادستان کل در حوزه حقوق شهروندی عبارتند از: ۱. ریاست شورای مرکزی و ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی ۲. حفاظت از اراضی و منابع طبیعی ۳. نظارت بر رعایت حقوق زندانیان (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۱۱۰-۱۱۵)

۳-۱-۱-۴-۳ ستاد حقوق بشر

نظریه اینکه قوه قضائیه به موجب اصل ۱۵۶ قانون اساسی «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت» و همچنین موظف به «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» است، ایجاب می‌نماید پاسدار ویژه حقوق شهروندی مقرر در بخش حقوق ملت قانون اساسی «اصول ۱۹ الی ۴۲» و سایر اصول قانون اساسی مرتبط با حقوق شهروندی باشد. لذا قوه قضائیه در اجرای وظایف نظارتی خود می‌بایست سازوکارهای لازم و متناسب را پیش‌بینی و به موقع اجرا درآورد. بر این اساس، قوه قضائیه است که باید با ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های ذیربط و در اجرای وظایفی که قانون اساسی به عهده این قوه نهاده است به «گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» اهتمام ورزد و با

اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و تعقیبی، از حقوق شهروندی و حقوق بشر در قالب نهادهای حقوق بشری و شهروندی صیانت نماید. در این راستا، «ستاد حقوق بشر» در سال ۱۳۸۰ به موجب آیین‌نامه‌ای توسط رئیس قوه قضائیه تشکیل شده است. بر اساس آیین‌نامه ابلاغی، این ستاد متشکل از: «اعضای اصلی، اعضای مدعو و دبیرخانه خواهد بود». (ماده ۱)

مطابق ماده ۲ آیین‌نامه، اعضای اصلی عبارتند از: «معاونت امور بین‌الملل قوه قضائیه، معاونت قضائی قوه قضائیه، معاونت اطلاع‌رسانی و امور اجتماعی قوه قضائیه، سخنگوی قوه قضائیه، دادگستری استان تهران، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مرکز دفتر مطالعات توسعه قضائی، نماینده رئیس دیوان عالی کشور، نماینده دادستان کل کشور، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، وزارت کشور و یا نمایندگان تام‌الاختیار آن‌ها و یک نفر از اعضاء کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی جهت شرکت در جلسات ستاد دعوت خواهند شد».

بر اساس ماده ۵ آیین‌نامه اختیارات، وظایف و صلاحیت‌های ستاد به شرح ذیل می باشد:

«۱. تبیین و معرفی حقوق بشر اسلامی ۲. بررسی مشکلات حقوقی، قضایی مرتبط با حقوق بشر اسلامی و ارائه راه‌حل‌های اجرایی و متناسب با قوانین جمهوری اسلامی ایران با تشکیل کمیته‌ای از صاحب‌نظران قوه قضائیه و دانشگاه ۳. بررسی قطعنامه‌های صادره از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و گزارش گزارشگران ویژه و ارائه گزارش و پیشنهاد به ریاست محترم قوه قضائیه و بررسی ادعاها و شکایاتی که از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی درخصوص نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود ۴. شناسایی و تشخیص موارد نقض حقوق بشر در سایر کشورها به ویژه رژیم‌های استکباری و اعلام موضع مناسب در مقابل آن ۵. اتخاذ سیاست واحد و ایجاد هماهنگی در پاسخگویی و دفاع از اتهاماتی که علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود ۶. شناسایی و معرفی افراد مناسب به رئیس قوه قضائیه جهت حضور در مجامع و اجلاس‌های بین‌المللی مربوطه ۷. بررسی ادعاها و شکایاتی که از نظر قوانین جمهوری اسلامی ایران وارد تشخیص داده می‌شود و ارائه گزارش به رئیس قوه قضائیه جهت اتخاذ تصمیم لازم ۸. تهیه پاسخ مناسب به ادعاها و ایراداتی که به انگیزه‌های گوناگون سیاسی و غیرسیاسی و یا به دلیل عدم آشنایی با قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود ۹. ارائه گزارش به ریاست محترم قوه قضائیه درخصوص کاستی‌ها، نیازمندی‌ها و مشکلات مبتلا به در عرصه داخلی و بین‌المللی و ارائه پیشنهاد و راهکارهای اجرایی برای بهبود و توسعه در سازوکارهای مرتبط با حقوق بشر ۱۰. تلاش در جهت همکاری و هماهنگی با سایر نهادهای حقوق

بشری داخلی به منظور اتخاذ رویه‌ای واحد ۱۱. اقدام لازم نسبت به سایر موارد مرتبط با حقوق بشر حسب ارجاع رئیس قوه قضائیه».

۳-۱-۱-۴- هیأت نظارت بر حفظ حقوق شهروندی قوه قضائیه

در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۳، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در قالب ماده واحده و با ۱۵ بند به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون، برای دادگاه‌ها و دادرها و ضابطان قوه قضائیه وظایف و تکالیفی تعیین شد تا حقوق شهروندی افراد بهتر تضمین شود.

بند ۱۵ این قانون بیان می‌دارد: «رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند، موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید».

به دنبال تصویب قانون فوق‌الذکر، دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ این قانون نیز به تصویب رسید. بر اساس این دستورالعمل، برای نظارت بر حسن اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، «هیئت نظارت مرکزی» مرکب از اعضای شورای معاونان قوه قضائیه تشکیل می‌شود. ریاست این هیأت بر عهده رئیس قوه قضائیه است که می‌تواند آن را به یکی از معاونان خود واگذار کند.

وظایف هیئت نظارت مرکزی به شرح زیر است:

«الف. نظارت بر حسن اجرای قانون یاد شده در کشور و ایجاد رویه واحد؛ ب. اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات؛ ج. بررسی گزارش هیأت‌های نظارت و بازرسی استان‌ها و ارزیابی چگونگی اجرای قانون؛ د. اعزام گروه‌های بازرسی فوق‌العاده به دستگاه‌های مشمول این دستورالعمل؛ هـ. ارسال شکایت‌ها و گزارش‌های واصله به مرجع مربوط و پیگیری آن‌ها تا رسیدن به نتیجه؛ و. پیشنهاد تشویق و تنبیه بر اساس گزارش هیأت‌های بازرسی؛ ز. تهیه گزارش در خصوص روند اجرای قانون در کشور هر سه ماه یک بار؛ ح. ارائه گزارش از چگونگی روند اجرای قانون هر ۶ ماه یکبار به مردم».

در سامانه اینترنتی دبیرخانه دائمی هیئت، شهروندان می‌توانند گزارش‌ها و شکایت‌های خود را در خصوص نقض حقوق شهروندی موضوع ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی را ثبت و پیگیری نمایند.

۳-۱-۱-۴-۵ دادگاه‌ها

مرجع اصلی تظلم‌خواهی و شکایات مردم از نقض حقوق شهروندی، نهاد قضایی است چرا که این نهاد مستقل از سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و اداری است و بر اساس اصل بیطرفی و استقلال قضایی و اصول عدالت قضایی و حقوق بشری، می‌تواند به ادعاها و شکایات مردم علیه یکدیگر و نسبت به نهادها و مقامات دولتی رسیدگی کند.

بر اساس اصل ۳۴ قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» و اصل ۱۵۹: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است».

دادگاه‌ها اعم بدوی، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، دادگاه نظامی، دادگاه ویژه روحانیت، دیوان عدالت اداری، مرجع رسیدگی به دعاوی عموم هستند. لذا هر کسی حقی از وی سلب یا نقض شده می‌تواند به دادگاه مراجعه نماید و با توسل به نهاد قضایی، حقوق شهروندی نقض شده خود را احیاء نماید.

۳-۱-۱-۴-۶ سازمان بازرسی کل کشور

نظارت بر امور عمومی و کنترل قدرت مقامات و مامورین دولتی، تاثیر بسزایی بر رعایت حقوق شهروندی خواهد داشت، چرا که هم باعث می‌شود نهادهای دولتی بر اساس قانون وظایف و تکالیف خود را در تامین حقوق شهروندی انجام دهند و هم از نقض حقوق شهروندی جلوگیری نماید. لذا نظارت مستقیم شهروندان یا غیرمستقیم و از طریق نهادهایی نظیر دولتی و غیردولتی محقق می‌شود. یکی از مهمترین نهادهای نظارتی در کشور ایران که در مقام نظارت بر کلیه دستگاه‌های عمومی کشور نظارت و بازرسی مستمر جهت حسن انجام امور دارد، «سازمان بازرسی کل کشور» می‌باشد. سازمان یک نهادی است که در مجموعه قوه قضائیه و در راستای اهداف قضایی قوه قضائیه مندرج بند (۳)

اصل ۱۵۶ و در جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات در دستگاه‌های دولتی مقرر در اصل ۱۷۴ قانون اساسی و قانون تأسیس سازمان، مصوب ۱۳۶۰، مجلس شورای اسلامی تأسیس شده است. اصل ۱۷۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند».

در واقع، قانون‌گذار از تأسیس این نهاد دو هدف عمده را دنبال می‌نماید: «نخست آنکه، هدف مقنن از تأسیس این نهاد تضمین حقوق شهروندان در برابر اداره از طریق نظارت غیرقضایی بر آن باشد. با این وصف، نهادهای قضایی چون دیوان عدالت اداری یا شورای دولتی از شمول مصادیق آن خارج می‌شود. دوم آنکه، این نوع نظارت غیرقضایی بر عملکرد دولت باید با تظلم‌خواهی شهروندان آغاز شود. بنابراین، نهادهایی چون هیئت تحقیق و تفحص مجلس که در اساس با درخواست رسیدگی نمایندگان مجلس و نه مردم و با تصویب آن‌ها وارد رسیدگی می‌شوند را نمی‌توان از مصادیق آمبودزمان دانست». (گرچی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۲۷)

در دانش حقوق اساسی، سازمان بازرسی نقش نهاد «آمبودزمان» را ایفاء می‌نماید. آمبودزمان نهادی است که به شیوه غیر قضایی، فعالیت دستگاه‌ها و مقامات اداری را مورد نظارت، کنترل و بازرسی قرار می‌دهد. «بر این اساس، نخست آنکه؛ فلسفه وجودی این نهاد، نظارت بر عملکرد نهادهای عمومی است. بنابراین نظارت این نهاد بر بخش خصوصی قابل تصور نمی‌باشد. دوم آنکه؛ در بین نهادهای عمومی، نظارت این نهاد محدود به ادارات دولتی است و در نتیجه امر تقنینی و رسیدگی قضایی را شامل نخواهد شد. علاوه بر این، در هر یک از نظام‌های حقوقی برخی از نهادهای اداری و یا برخی از موضوعات مربوط به این نهادها خارج از صلاحیت این نهاد قرار می‌گیرند» (گرچی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

بر اساس ماده ۱ قانون تأسیس سازمان، رئیس سازمان توسط رئیس قوه قضائیه از میان قضات شرع و یا قضاتی که دارای رتبه ۱۰ یا ۱۱ قضایی باشند تعیین می‌شود. مطابق با ماده ۲ قانون تأسیس سازمان، وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر می‌باشد:

«الف. بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عامه‌المنفع و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به‌نحوی از انحاء

بر آن‌ها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر نام آن‌ها است بر اساس برنامه منظم.

ب. انجام بازرسی‌های فوق‌العاده حسب‌الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضائیه و یا درخواست رئیس‌جمهور و یا کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان ضروری تشخیص داده شود.

ج. اعلام موارد تخلف و نارسائی‌ها و سوءجریان‌ات اداری و مالی در خصوص وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رئیس‌جمهور و در خصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط و در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیردولتی کمک‌بگیر از دولت به وزیر ذی‌ربط و در خصوص سوءجریان‌ات اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابعه دادگستری به رئیس قوه قضائیه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصل نود قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد.

گزارش‌های سازمان در مراجع قضایی و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری خارج از نوبت رسیدگی شده و آراء صادره مراجع قضایی با درخواست سازمان بازرسی کل کشور و موافقت دادستان کل کشور و آراء صادره هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری با درخواست سازمان مذکور در مراجع ذی‌صلاح ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر بوده و این رسیدگی نیز خارج از نوبت خواهد بود.

سازمان با انجام بازرسی‌های مختلف در سازمان‌های دولتی می‌تواند هم تخلفات و جرایم را کشف نماید و هم جنبه پیشگیری از ارتکاب تخلفات را داشته باشد. چنین اقدام سازمان منتهی به رعایت قانون و تامین حقوق شهروندی می‌شود. هر یک از شهروندان که متوجه نقض قانون یا سوءجریان اداری شوند و یا حقی از آن‌ها تضییع شده باشند می‌تواند گزارش خود را در سامانه اینترنتی سازمان ثبت نماید و متعاقب آن سازمان اقدامات بازرسی و پیگیری خود را آغاز می‌نماید و نتیجه بررسی شکایت قطعاً احیای حقوق شهروندی را در پی خواهد داشت.

۳-۱-۱-۵ پلیس

نیروهای امنیتی و انتظامی در قلمرو حقوق شهروندی نقش ویژه‌ای را ایفاء می‌نماید. پلیس به عنوان نیروی فعال در خصوص صیانت از بسیاری از حقوق شهروندی وظایف و تعهدات مهمی دارد. امنیت

روانی و جسمی شهروندان در سایه وجود نیروهای امنیتی و انتظامی تامین می‌شود. «امنیت، اطمینان خاطری است که به موجب آن افراد از تعرض به جان، مال، حیثیت، شغل، مسکن، اقامتگاه و خلوت خود مطمئن و آسوده هستند». (هاشمی، ۱۳۹۴: ۳۶) چنین تعریفی از امنیت عمدتاً در حوزه حقوقی و قضایی مرتبط می‌شود، اما امنیت شهروندی مفهومی فراگیر و عام دارد و شامل احساس امنیت در کلیه شئون زندگی و کلیه حقوق شهروندی است. در واقع، امنیت «مفهومی است که می‌توان آن را به امنیت انسانی تعبیر نمود، امنیتی که هر شهروند باید در زندگی فردی و اجتماعی خویش از آن بهره‌مند باشد و آن، آسودگی، راحتی فکر و خاطر از ثبات وضعیت حقوقی و قضایی در زندگی اجتماعی شهروندان است». (کرسی حقوق بشر؛ گروه دموکراسی، ۱۳۸۹: ۱۷)

اقدام پلیس می‌تواند چنین آسودگی خاطر را برای شهروندان تامین نماید تا آن‌ها بتوانند با اطمینان خاطر در جامعه از حق‌های شهروندی خود استفاده نمایند و بیم و هراس از نقض آن‌ها نداشته باشند. لذا پلیس در دو بعد پیشگیری و بعد تعقیبی، موجبات صیانت از امنیت اشخاص را فراهم می‌نماید. در بعد پیشگیری، با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، زمینه‌های از تکاب جرم و نقض حقوق شهروندی را از بین می‌برد و در بعد تعقیبی در چارچوب وظایف مقامات قضایی اقدام به تعقیب مجرمین می‌پردازد.

پلیس، سازمانی است دولتی که به نیابت از دولت و بر طبق قانون و در حدود وظایف و اختیارات محوله قانونی مسئول برقراری نظم، امنیت و اعمال و اجرای قانون بویژه حقوق کیفری می‌باشد. بنابراین، مأموریت پلیس در جامعه اجرای قوانین می‌باشد و هدف از اجرای قانون، برقراری نظم و امنیت و حفظ آن می‌باشد. برقراری نظم و امنیت نیز مستلزم اعطای اختیاراتی است که ممکن است سایر شهروندان یا سازمان‌ها صلاحیت داشتن آن را نداشته باشند. از این‌رو، پلیس برای برقراری و حفظ نظم و امنیت دارای اختیارات ویژه ای است. (ر.ک. درویشی، ۱۳۹۷ و مقیمی، ۱۳۹۵)

پلیس در راستای انجام وظیفه خود در یک رابطه دو سویه و چالشی قرار دارد. چرا که «به عنوان نیروی امنیتی که وظیفه برقراری نظم و امنیت اجتماعی را به عهده دارد، از یک سو وظیفه تضمین بخشی مهمی از حقوق شهروندی مانند حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان را متقبل می‌شود و از سوی دیگر به هنگام انجام وظایف خود بنا به ارتباط مستقیم با شهروندان ممکن است اقداماتی صورت دهد که به حق یا ناحق به عنوان تضییع حقوق شهروندی تلقی شود». (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۴۸) لذا ایجاب می‌نماید به منظور جلوگیری از تضییع حق‌های شهروندان و یا جبران خسارت ناشی از رفتار پلیس بر فعالیت این نهاد توسط مراجع انتظامی و دادگاه‌های نظامی نظارت صورت گیرد.

وظایف پلیس در کشور ایران به عهده نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی و برخی نهادهای امنیتی مثل پلیس امنیت، کلانتری و آگاهی می‌باشد. (ر.ک. نجفی ابرندآبادی و رجبی، ۱۳۸۹)

در راس ساختار سازمانی پلیس، بر اساس بند اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مقام رهبری قرار داد که نصب و عزل فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی را بر عهده دارد. مطابق با ماده ۲ قانون تشکیل نیروی انتظامی: «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور». بر اساس بند (۱) و (۸) و (۹) ماده ۴ برخی وظایف نیروی انتظامی عبارتند از: «۱. استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی..... ۸. انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل: الف. مبارزه با مواد مخدر ب. مبارزه با قاچاق ج. مبارزه با منکرات و فساد د. پیشگیری از وقوع جرم ه. کشف جرایم و. بازرسی و تحقیق ز. حفظ آثار و دلایل جرم ح. دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفا آنها. ط. اجرا و ابلاغ احکام قضایی» ۹. انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرایم».

۳-۱-۲ نهادهای خاص حکومتی یا ملی

در زمینه صیانت و ترویج حقوق بشر علاوه بر دستگاه‌ها و نهادهای زیرمجموعه قوای اصلی حاکم، نهادهای دیگری هستند که عمدتاً به موجب قانون ایجاد می‌گردند و توسط یکی از نهادهای دولتی و عمومی ساماندهی می‌شوند، اما مستقل از ساختار سازمانی دولت عمل می‌کنند و اساساً خود مردم در مقام مدیریت و نظارت آن بر می‌آیند و وصف «ملی» برای برخی از این نهادها به جهت مردمی بودن آن می‌باشد که در این بند به برخی از آنها می‌پردازیم.

۳-۱-۲-۱-۱ کمیسیون

حمایت از حقوق شهروندی و حقوق بشر می‌تواند در قالب نهادهای متعددی انجام گیرد که یکی از آنها «کمیسیون حقوق بشر یا حقوق شهروندی» است. کمیسیون در وهله اول موظف به حمایت از افراد در برابر تمامی انواع تبعیض و حمایت از حقوق مدنی و سیاسی آنها است. همچنین این امکان وجود دارد تا وظیفه حمایت از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد نیز بر عهده آنها گذاشته شود. وظایف و فعالیت‌های خاص یک کمیسیون، به‌طور دقیق در قانون مصوب یا حکم دولتی مربوطه که بر اساس آن کمیسیون تاسیس شده، تعریف و مشخص شده است. قانون یا حکم دولتی مربوطه همچنین

به ارائه تعریف اختیارات و صلاحیت‌های کمیسیون و در کنار آن به مشخص نمودن میزان اختیارات، رسیدگی به شکایات در خصوص رفتار تبعیض‌آمیز یا موارد نقض حقوق بشر و شهروند می‌پردازد». (غائبی، ۱۳۸۷: ۳۶) البته در هر کشوری ممکن است کمیسیون توسط یکی از قوای سه‌گانه قوه مقننه، مجریه یا قضائیه و یا به موجب قانون اساسی تاسیس شود.

تحقق کامل حقوق بشر و شهروندی فقط از طریق قانونگذاری یا ترتیبات اداری مناسب قابل دسترسی نیست. در جهت شناسایی این اصل، کمیسیون‌ها اغلب مسئولیت مهم گسترش آگاهی جامعه در زمینه آموزش حقوق بشر و شهروندی را بر عهده می‌گیرند. ارتقاء و آموزش حقوق ممکن است که از طریق اطلاع‌رسانی به مردم در زمینه فعالیت‌ها و اهداف کمیسیون، برانگیختن بحث در زمینه سوالات مهم و شایع حقوق بشری، برگزاری سمینار و دوره‌های آموزشی، ترتیب دادن ملاقات‌ها و خدمات مشورتی و تولید و توزیع انتشارات حقوق بشری و شهروندی انجام گیرد. (غائبی، ۱۳۸۷: ۳۷)

کمیسیون دارای همه یا برخی از این کارکردهاست: ارائه مشورت به دولت برای امضا و اجرای قراردادهای حقوق بشر، ایجاد و تقویت قوانین داخلی حقوق بشر، تحقیق در مورد حقوق بشر، آموزش حقوق بشر، نظارت بر زندان‌ها و دیگر مکان‌هایی که افراد به طرز غیراختیاری در آن محدود می‌شوند و بررسی ادعاهای مبنی بر نقض حقوق بشر. (طلابکی طرقي و عطار، ۱۳۹۶: ۲۹) یکی از وظایف مهم کمیسیون‌ها بررسی منظم سیاست حقوق بشری دولت، نظارت بر اجرای تعهدات داخلی و بین‌المللی و ارائه توصیه‌های لازم است. (مهرپور، ۱۳۹۶: ۲۹۳)

۳-۱-۲-۲-۲-۲ کمیته‌های تخصصی

همواره در جامعه برخی افراد و گروه‌های خاص که شرایط ویژه‌ای دارند یا اقلیت‌ها و قومیت‌ها، کودکان، زنان بی‌سرپرست یا بی‌خانه‌مان، فقرا، معلولین، مهاجران و پناهندگان هستند که باید توجه ویژه‌ای به آن‌ها شود، چرا که وضعیت و موقعیت عادی در جامعه در مقایسه با سایر افراد را ندارند و نیازمند حمایت و مساعدت‌های ویژه و حتی بیشتری هستند، چون در معرض آسیب و خطر می‌باشند. لذا در جهت حمایت و صیانت از حقوق این قشر، کمیته‌های تخصصی به موجب قانون یا توسط مقامات حکومتی تشکیل می‌شوند.

این کمیته‌ها به این دلیل تاسیس می‌شوند تا «سیاست‌های دولتی و اجتماعی را که برای حمایت از تعداد یکی یا بیشتر از این گروه‌ها بوجود آمده‌اند را ارتقاء بخشیده و تشویق نمایند. آنها مجاز هستند تا در

مورد نمونه‌ها و موارد تبعیض علیه افراد در درون گروه‌ها و یا علیه خود گروه‌ها تحقیق و بررسی نمایند. همچنین آن‌ها قادر هستند تا در مورد شکایاتی که توسط یکی از افراد این گروه‌ها علیه فرد دیگر یا علیه یکی از نهادهای دولتی ارائه می‌شود اقدام کنند. (غائبی، ۱۳۸۷: ۳۸) هرچند این کمیته بیشتر در حوزه تحقیق، بارزسی و تهیه گزارش و ارائه نظر مشورتی و راهکار جهت رفع آثار نقض حقوق بشر و شهروندی هستند و همچون نهادهای قضایی و دولتی قادر به اخذ تصمیمات سیاسی یا حقوقی الزام‌آور نیستند.

۳-۲-۱-۳ کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

به منظور حمایت و صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندان جمهوری اسلامی ایران، و در راستای ارتقای تعهدات حقوق بشری دولت در عرصه داخلی و بین‌المللی، در سال ۱۳۷۳ «کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران» با ریاست قوه قضائیه تشکیل شد. به جهت تاسیس آن توسط دولت یک نهاد حکومتی محسوب می‌شود، اما در انجام فعالیت کاملاً مستقل بوده و در جهت حمایت و صیانت از حقوق شهروندان اقدام می‌نماید و هر جایی نقض حقی رخ داده باشد، ورود می‌نماید و تفاوتی نمی‌کند از طرف افراد یا مقامات و نهادهای دولتی باشد.

فعالیت‌های این کمیسیون عبارتند از: «آموزش حقوق بشر و شهروندی، رسیدگی به شکایات شهروندان در خصوص نقض حق‌های بشری و شهروندی». معمولاً شهروندان می‌توانند با مراجعه به سامانه الکترونیکی این نهاد شکایت خود را ثبت و پیگیری نمایند. در خصوص ماهیت حقوقی کمیسیون ابهاماتی وجود دارد، چرا که این نهاد توسط دولت ایجاد شده و تحت ریاست قوه قضائیه است و بودجه خود را از دولت می‌گیرد، لذا دولتی محسوب می‌شود، اما از آن جهت که زیر نظر سازمان ملل متحد فعالیت می‌نماید، به گونه‌ای مستقل از حکومت تلقی می‌شود.

مرکز این کمیسیون در تهران مستقر می‌باشد و در برخی از شهرهای کشور دفاتر نمایندگی دایر نموده است که با همان صلاحیت‌های دفتر مرکزی فعالیت می‌نمایند. بر اساس ماده ۵ اساسنامه صلاحیت کمیسیون عبارتند از: «تبیین و آموزش حقوق بشر از دیدگاه اسلام، نظارت بر رعایت این حقوق، ارائه راه‌حل و موضع‌گیری نسبت به نقض حقوق مسلمانان، رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر، همکاری با نهادهای ملی و بین‌المللی حقوق بشر و بررسی وضعیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر».

۳-۱-۲-۴ دفاتر بازرسی کل یا بازرسان معتمد و متخصص

کلیه نهادهای حکومتی به منظور جلوگیری از فساد اداری، اخذ رشوه توسط مقامات و کارکنان، عدم سوء استفاده از موقعیت شغلی و سازمانی، می‌توانند اقدام به تاسیس دفاتر نظارتی، ارزیابی و یا انتصاب بازرسان معتمد و متخصص نمایند تا با انجام بازرسی‌های مستمر یا سرزده و همچنین با دریافت گزارشات و شکایت‌های مردمی بتوانند از حقوق شهروندی، منافع و اموال عمومی صیانت نمایند.

اولین فعالیت این نهاد، این است که بر بیطرفی و قانونمند بودن نظام اداری دولتی نظارت کند. بازرسی کل، به طور خاص برای حمایت از حقوق افرادی که معتقدند قربانی اعمال غیرعادلانه در بخشی از نظام اداری دولتی شده‌اند، بوجود می‌آید. (غائبی، ۱۳۸۷: ۳۹) بر این اساس، در کشور جمهوری اسلامی ایران، مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری ضوابطی را مقرر داشته و طی دستورالعمل مصوب هیات وزیران تحت عنوان «دستورالعمل اجرایی مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری» (به شماره مصوبه ۱۷۳۷۰۶ مورخه ۱۳۹۳/۱۲/۱۷) نظارت بازرسی در کلیه ادارات و نهادهای کشور ساماندهی شده است.

بر اساس ماده ۹۱ قانون مدیریت خدمات کشوری: «اخذ رشوه و سوء استفاده از مقام اداری ممنوع می‌باشد. استفاده از هرگونه امتیاز، تسهیلات، حق مشاوره، هدیه و موارد مشابه در مقابل انجام وظایف اداری و وظایف مرتبط با شغل توسط کارمندان دستگاه‌های اجرایی در تمام سطوح از افراد حقیقی و حقوقی به جز دستگاه ذیربط خود تخلف محسوب می‌شود». در تبصره‌های ۱ الی ۴ بر نحوه گزارش-دهی تخلف توجه شده است.

بر اساس ماده ۹۲: «مدیران و سرپرستان بلافصل، مسئول نظارت و کنترل و حفظ روابط سالم کارمندان خود در انجام وظایف محوله می‌باشند و در مورد عملکرد آنان باید پاسخگو باشند. در صورتی که کارمندان مزبور با اقدامات خود موجب ضرر و زیان دولت گردند و یا تخلفاتی نظیر رشوه و یا سوء استفاده در حیطه مدیریت مسئولان مزبور مشاهده و اثبات گردد، علاوه بر برخورد با کارمندان خاطی با مدیران و سرپرستان کارمندان (حسب مورد) نیز که در کشف تخلف یا جرایم اهمال نموده باشند مطابق قوانین مربوط، با آنان رفتار خواهد شد».

بر اساس ماده ۴ دستورالعمل اجرایی مواد مذکور، «انتصاب بازرسان (در واحدهای ستادی و استانی) با پیشنهاد ناظر ارشد (موضوع ماده ۹ این دستورالعمل)، تأیید کمیته و حکم بالاترین مقام دستگاه اجرایی

صورت می‌پذیرد». مطابق با ماده ۱۰: «دفاتر حراست و سایر مراجع ذی‌ربط دستگاه در حدود وظایف محوله همکاری لازم را با بازرسان معمول خواهند داشت». نتیجه بازرسی‌ها قطعاً فواید بسیاری برای شهروندان خواهد داشت، چرا که با ارسال گزارشات بازرسان به مراجع اداری، هیات‌های تخلفات اداری و مراجع قضایی، تخلفات و جرایم کارکنان و مقامات و فساد آن‌ها در اخذ رشوه یا سوءاستفاده از پست عمومی احراز می‌شود و با اعمال مجازات‌های اداری و قضایی، حقوق تضییع شده شهروندان اعاده خواهد شد.

۳-۱-۳ نهادهای غیر حکومتی یا مردم-نهاد^{۱۲}

حضور و مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و احساس مسئولیت در خصوص رخدادهای جامعه و نظارت موثر بر جریان مدیریت عمومی کشور، تاثیر مهمی در تامین و صیانت از حق‌های شهروندی دارد. به دلیل اینکه مردم با اراده و تلاش مستقیم خود ضامن رعایت حاکمیت قانون و تامین مطلوب نیازها و خدمات عمومی توسط دولت می‌شوند. لذا تشکیل نهادهای غیردولتی و مدنی که در آن مردم عامل و ناظر امور باشند، در بستر حقوق شهروندی بسیار ضروری است.

از آنجایی که همواره دولت قوی‌تر از مردم به‌نظر می‌رسد و احتمال استبداد و خودرایی وجود دارد، وجود هیأت‌های واسطه‌ایی برای مقاوم نمودن مردم در برابر دولت و بیان اراده خود لازم است. «بر این اساس، حضور هیأت‌های حائل بین توده‌های بی‌نام از شهروندان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود تا بدین وسیله زمینه مشارکت مؤثر شهروندان در امور اجتماعی و سیاسی فراهم شود. این هیأت‌ها، در عین حال به منزله رابطه و وزنه تعادلی هستند که می‌توانند افکار و اندیشه‌های متنوع و مطرح در جامعه را نهادینه سازند و بدین وسیله راهگشای گفتگوی منطقی و مسالمت‌آمیز در یک نظام کثرت‌گرا و دموکراتیک باشند».

(هاشمی، ۱۳۷۷: ۶۲)

در تعریفی از نهادهای غیردولتی یا مردم‌نهاد اینگونه آمده است: «سازمانی با شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی است که برای انجام فعالیت داوطلبانه با گرایش فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، بشردوستانه و بر اساس قانونمندی و اساسنامه مدون، رعایت چارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین‌نامه اجرایی آن فعالیت می‌کند». (نژندی‌منش و عبدالهی‌اصل، ۱۳۹۴: ۷)

¹²Non-Governmental Organizations (NGO)

در این ارتباط وجود نهادهای مدنی و مردم‌نهاد همچون احزاب، سازمان‌های غیردولتی، اصناف، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، رسانه‌های مستقل و آزاد و غیره، ضمن آگاه نمودن مردم از حقوق شهروندی خود و مخاطرات پیش‌رو و با اعمال فشار سازماندهی‌شده به مجموعه حاکمیت، می‌توانند زمامداران را در صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی و رعایت الزامات قانونی وادار به تبعیت نمایند.

در راستای افزایش مشارکت مردم در احیای حقوق شهروندی، هیئت وزیران در جلسه‌های ۱۳۹۴/۱۲/۲، ۱۳۹۵/۱/۱۱ و ۱۳۹۵/۵/۲۷ به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد را به تصویب نمود. بر اساس ماده ۱ آیین‌نامه: «نهاد مدنی، نهادی غیردولتی است که به منظور فعالیت در راستای توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده یا می‌شود.

تبصره- منظور از غیردولتی، عدم وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی، عدم دخالت دولت و نهادهای حاکمیتی در تاسیس، اداره و استمرار و همچنین عدم فعالیت مقامات و مسئولان و کارکنان دولتی و نهادهای حاکمیتی با استفاده از جایگاه حقوقی خود، به عنوان مؤسس یا عضو است».

تاسیس نهادهای غیردولتی، خودجوش و توسط مردم و گروه‌های ذینفع و هم‌منفعت یا دارای اهداف مشترک به‌طور داوطلبانه مطابق با مقررات تاسیس می‌شوند و دولت و مقامات دولتی نقشی در ایجاد آن‌ها ندارند، لذا از این منظر غیردولتی محسوب می‌شوند، اما به منظور کارآمدی آن‌ها و فعالیت در چارچوب قوانین و مقررات کشور، رعایت نظم و امنیت عمومی و حقوق عامه، یک نهاد دولتی هنگام تاسیس و نحوه انجام فعالیت بر آن‌ها نظارت دارد. بر اساس مواد ۶ الی ۸ آیین‌نامه، «شورای ملی توسعه و حمایت از تشکله‌ها» توسط دولت تاسیس شده است. مطابق با ماده ۶: «شورا به عنوان مرجع اصلی سیاست‌گذاری و توسعه تشکله‌ها در سه سطح ملی، استانی و شهرستانی تشکیل و دبیرخانه آن به‌ترتیب در وزارت کشور، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها با رعایت قوانین و مقررات مربوط دایر می‌شود» و بر اساس ماده ۷ شورا مرکب از: «معاون اجتماعی وزیر کشور به عنوان رییس، نمایندگان وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ورزش و جوانان و دادگستری و سازمان‌های حفاظت محیط زیست و میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و معاونت‌های امور زنان و خانواده و حقوقی رییس‌جمهور و حسب مورد دستگاه یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و چهار نماینده منتخب از تشکله‌های ملی و منطقه‌ای است».

در ماده ۸ وظایف و اختیارات شورای ملی به شرح زیر بیان شده است:

«الف- تعیین سیاست‌های ترویجی، تشویقی و فرهنگ‌سازی برای تعمیق، ارتقاء و نهادینه کردن مشارکت اجتماعی مردم از طریق تشکل‌ها. ب- هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی به منظور ظرفیت‌سازی، ساماندهی و توانمندسازی برای توسعه تشکل‌ها و نظارت بر آنها. پ- رسیدگی به اعتراضات تشکل‌ها از شوراهای استانی و شهرستانی و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط. ت- نظارت بر فعالیت‌ها و عملکرد تشکل‌های ملی و منطقه‌ای و بررسی و اعلام نظر در مورد تخلف‌ها و گزارش‌های رسیده از عملکرد تشکل‌ها. ث- اعلام نظر و تصمیم‌گیری در مورد صدور پروانه فعالیت برای تشکل‌های ملی و منطقه‌ای و شبکه‌های موضوع ماده (۴)».

مصوبات شورای ملی با تایید وزیر کشور در حدود وظایف موضوع این ماده و رعایت قوانین و مقررات مربوط ابلاغ می‌شود و دبیر شورای ملی، مسئولیت ابلاغ، پیگیری و نظارت بر حسن اجرای مصوبات و ارایه گزارش به شورای ملی را برعهده دارد.

مردم با عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد قادر می‌شوند با بهره‌مندی از متون قانونی مرتبط با حقوق شهروندی، اقدامات عملی و موثری در تضمین و صیانت از حقوق شهروندی در قالب فعالیت‌های گروهی خود در جامعه انجام دهند این نهادها در راستای صیانت و ارتقای حقوق شهروندی به طرق ذیل می‌توانند در مسیر نهادینه‌سازی حقوق شهروندی گام بردارند:

«۱. اقدامات مربوط به ترویج و آموزش حقوق شهروندی، همچون جمع‌آوری، تولید و انتشار اطلاعات و برگزاری دوره‌های آموزشی.

۲. اقدامات مربوط به یاری رساندن به دولت در پیشبرد حقوق شهروندان: به عنوان نمونه از طریق ارائه مشورت به نهادهای دولتی در زمینه قانونگذاری و اجرای قوانین، اصلاح نظام قضایی در جهت تضمین دادرسی عادلانه و نیز اجرای مفاد اسناد بین‌المللی.

۳. پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی که از طریق شکایت نسبت به آنها آگاهی یافته‌اند.

۴. بررسی اصول و روش‌هایی که در عمل بدان‌ها در پیگیری موارد نقض حقوق شهروندان به یک سازمان غیردولتی کارایی می‌بخشد. (نژندی‌منش، هیبت‌الله و عبدالحی‌اصل، ۱۳۹۴: ۸)

جهت آشنایی بهتر با نقش نهادهای مردم‌نهاد در پیشبرد حقوق شهروندی و اهمیت کارکرد آنها در ترویج و توسعه حقوق شهروندی به معرفی اهم این نهادها می‌پردازیم:

۳-۱-۳-۱ نهاد ملی حقوق شهروندی و حقوق بشر

حمایت از بشر و شهروند امری است جهانی و دغدغه اساسی جامعه بشری برای صیانت از کرامت انسانی شده است، لذا تلاش‌های زیادی در قالب تصویب تعهدات بین‌المللی و ملی و ایجاد نهادهای ملی و بین‌المللی حقوق بشری صورت گرفته است. یکی از این اقدامات موثر جهانی، برگزاری کارگاه بین‌المللی نهادهای ملی برای ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در اکتبر ۱۹۹۱ در پاریس بود که مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها، موسوم به «اصول پاریس» تصویب شد که بیشتر توجه این اجلاس به ارتقاء همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای اختصاص یافت و علاوه بر آن طرح‌های ابتکاری چندی برای فراهم آوردن کمک برای کمیسیون‌های حقوق بشر آغاز گردید. (غائبی، ۱۳۸۷: ۱۱)

مطابق ماده ۳ قطعنامه «اصول پاریس»، نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی اقدامات ذیل را انجام می‌دهد:

۱. ارائه پیشنهادهایی به دولت، مجلس یا هر رکن صالح دیگر، اظهار نظر، توصیه، پیشنهاد و گزارشهایی درباره هر موضوعی که مربوط به ترقی دادن و حمایت از حقوق بشر و اختیارات انحصاری نهاد ملی است. این پیشنهادهای و توصیه‌ها مربوط به این قلمروها است: الف. بررسی شرایط و مقررات اداری و قانونگذاری و وضعیت سازمان‌های قضایی، ارائه توصیه‌هایی برای اطمینان از انطباق این شرایط و مقررات با اصول بنیادین حقوق بشر و پیشنهاد برای تعدیل و اصلاح مقررات قانونگذاری و اقدامات اداری. ب. رسیدگی به موارد نقض حقوق شهروندی. ج. آماده کردن گزارش‌هایی درباره وضع ملی حقوق بشر به طور کلی و نیز موضوعات ویژه. د. توجه دادن دولت به نقض حقوق بشر و شهروندی در هر قسمت از کشور و اظهار نظر درباره آن موضوع و واکنش دولت.

۲. ترقی دادن و اطمینان از هماهنگی ساختار قانونگذاری ملی و رویه‌ها با اسناد بین‌المللی حقوق بشر که دولت عضو آنهاست و اطمینان از اجرای موثر آنها.

۳. تشویق تصویب این اسناد یا الحاق به آنها.

۴. مشارکت در گزارش‌هایی که کشورها برای ارائه به ارکان و کمیته‌های سازمان ملل و نهادهای منطقه‌ای با توجه به تعهدات معاهده‌ای خود درخواست می‌کنند و نیز اگر لازم باشد اظهار نظر درباره آن موضوع با رعایت استقلال نهاد.

۵. همکاری با سازمان ملل و هر سازمان دیگر در ساختار ملل متحد، نهادهای منطقه‌ای و نهادهای ملی دیگر کشورها که در زمینه حقوق بشر فعالیت می‌کنند.

۶. کمک به تنظیم برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی درباره حقوق شهروندی و اجرای آنها در مدارس، دانشگاه‌ها و انجمن‌های شغلی و صنفی.

۷. همگانی کردن حقوق شهروندی و کوشش در مبارزه با همه انواع تبعیض مخصوصا تبعیض نژادی، با افزایش آگاهی همگانی به ویژه با اطلاع‌رسانی، آموزش و استفاده از ترجمان (ارگان) رسانه‌ای. (مقامی، ۱۳۹۴: ۷)

نهاد ملی حقوق بشر اغلب توسط دولت به موجب قوانین و مقررات ایجاد می‌شود، چرا که مرتبط با موازین حقوق بشری و حقوق شهروندی است و طبعاً با وظایف و تکالیف دولت در تامین حقوق بشر و شهروندی پیوند ناگسستنی پیدا می‌کند. اما در انجام فعالیت باید مستقل و غیردولتی و بدون دخالت دولت اقدام نمایند. چون هدف غایی این نهاد دفاع از حقوق شهروندان در برابر دولت‌ها است. واژه «ملی» به معنای دولتی عمل نمون این نهاد نیست، بلکه به معنای «مردمی» بودن آن است و از طرف مردم و به طور مستقیم در صیانت از حقوق شهروندی بشر فعالیت می‌نماید.

نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی اینگونه تعریف شده است: «نهادی است که توسط دولت در چارچوب قانون اساسی، قوانین عادی یا حکم دولتی تاسیس می‌شود و فعالیت آن به طور خاص در زمینه ارتقاء و حمایت از حقوق بشر است». (National Human Rights Institutions, 1995: 6) نقل از: غائبی، ۱۳۸۷: ۱۶)

هدف اصلی این نهاد ملی حقوق بشر، مشاوره دادن به دولت‌ها و پارلمان‌ها درباره تعهدات ملی و بین‌المللی آنها در زمینه حقوق بشر و تلاش برای رفع نیازهای حقوق بشری هر کشور است. همه نهادهای ملی نقش ویژه‌ای در ترقی دادن آگاهی‌های عمومی درباره حقوق شهروندی و مسوولیت‌های بسیاری درباره دریافت شکایت‌های افراد درباره نقض حقوق‌شان دارند.

در کشور جمهوری اسلامی ایران نیز نهادهای حقوق بشری و شهروندی بحث شده، در مجموع کارویژه‌های نهاد ملی حقوق بشر را انجام می‌دهند، اما هر کدام به شیوه‌های متفاوت یا با همپوشانی و موازی‌کاری در راستای ارتقاء و حمایت از حقوق بشر و شهروندی فعالیت می‌نمایند. برخی از این نهادها در ساختار قوه مقننه، برخی در قوه مجریه و برخی در قوه قضائیه و مواردی هم به طور مستقل عمل می‌نمایند. اما به منظور ایجاد وحدت رفتاری و ساختاری در زمینه حقوق بشر و حقوق شهروندی ضروری است که اقدامات حمایتی از شهروندان در قالب نهادی مردمی با نظارت دولت ساماندهی شود. در این راستا اخیراً (سال ۱۳۹۸)، لایحه‌ای مبنی بر تاسیس «نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی»، توسط قوه مجریه جهت تصویب در مجلس، تهیه و تنظیم شده است که با انتشار متن پیش‌نویس، موافقان و مخالفانی را به همراه داشته است.

در ماده ۱ لایحه، اهداف تشکیل این نهاد اینگونه معرفی شده است: «۱. حمایت از حقوق بشر و شهروندی بر اساس اصول قانون اساسی، موازین اسلامی، تعهدات بین‌المللی دولت ایران و سایر قوانین ۲. ارتقای احترام و نظارت بر رعایت حقوق بشر و شهروندی با استفاده از تدابیر و سازوکارهای لازم ۳. رسیدگی به مکاتبات و گزارش‌های مربوط به نقض حقوق بشر و شهروندی ۴. آموزش، پژوهش و ترویج حقوق بشر و شهروندی ۵. تقویت، هماهنگی، همگرا و هم‌افزا کردن تلاش‌ها و ابتکارات ملی در حمایت از حقوق بشر و شهروندی ۶. ارتقای تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه حقوق بشر و شهروندی».

بر اساس ماهیت مستقل و مردمی بودن این نهاد، ماده ۲ لایحه، آن را نهادی دارای شخصیت حقوقی مستقل غیرحکومتی، با استقلال مالی و اداری و انجام فعالیت بدون دخالت هیچ نهادی معرفی نموده است. بر اساس ماده ۳ لایحه، ارکان این نهاد شامل: ۱. شورای عالی ۲. دبیر نهاد ۳. کمیسیون‌های تخصصی می‌باشند.

اعضای این نهاد باید از بین افراد مشهور و دارای حسن شهرت در زمینه امور حقوق بشری و حقوق شهروندی که متصف به رفتاری مردم‌سالار و بیطرف و دارای تخصص‌هایی در زمینه حقوق، علوم اجتماعی، مطبوعات، رسانه، امور مدنی و شهری هستند، باشند.

۳-۱-۲-۳ انجمن حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان

بسیاری از حقوق شهروندان در فضای اقتصادی و کالاهای مورد نیاز و مصرفی در بازار موضوعیت دارد. سلامتی شهروند و استفاده از کالا و غذای مطلوب از بنیادی‌ترین حق‌های شهروندی است. هرگونه کاستی در کیفیت کالا، به منافع مالی و سلامتی جسمی و روحی شهروند آسیب خواهد زد. برای اجتناب از این صدمات و تضمین کیفیت و استاندارد بودن کالاها و مواد غذایی و بهداشتی، «انجمن ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» تاسیس شده است.

در واقع، تاسیس انجمن یک نهاد و ساختاری برای احیای اندیشه «حقوق مصرف‌کننده» در بستر حقوق شهروندی محسوب می‌شود. (ر.ک. صفاری و شریف‌محمدی ۱۳۹۸ و حاتمی‌کیا و عوض‌یار، ۱۳۹۵) براساس فصل سوم قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی، «انجمن استانی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» که در این اساسنامه، انجمن نامیده می‌شود، تشکیل و طبق مقررات قانون مذکور و آئین‌نامه‌های آن و مفاد این اساسنامه فعالیت خواهد نمود.

مرکز اصلی انجمن در تهران واقع شده است و در مراکز استانی دارای شعبه می‌باشد و کلیه صلاحیت‌های انجمن ملی در هر یک از استان‌ها به مراکز استانی تفویض شده است. بر اساس ماده یک اساسنامه: «کلیه فعالیت‌های انجمن غیرسیاسی، غیرانتفاعی، غیرتجاری و غیردولتی بوده که پس از ثبت در وزارت صنعت، معدن و تجارت (سازمان صنعت، معدن و تجارت استان) رسمیت می‌یابد و بر اساس قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و مفاد این اساسنامه فعالیت می‌کند.

اهداف اصلی انجمن عبارتند از: ۱. ایجاد بستر مناسب جهت اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و مقررات مربوط به حقوق مصرف‌کنندگان. ۲. اشاعه فرهنگ رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و تثبیت و تعمیق آن در بین گروه‌های مختلف جامعه به ویژه تبیین وظایف و تکالیف کلیه عرضه‌کنندگان. ۳. پیگیری در جهت استیفاء حقوق مصرف‌کنندگان. ۴. شناسایی و جلوگیری از ایجاد هر گونه تبانی، انحصار و تحمیل شرایط از سوی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات که سبب کاهش عرضه، پایین آمدن کیفیت یا افزایش قیمت گردد». در راستای تحقق اهداف مذکور و صیانت از حقوق شهروندی در حوزه مصرف کالای با کیفیت، مرغوب و بهداشتی، اساسنامه انجمن، وظایف و اختیاراتی را مقرر داشته است.

در اساسنامه انجمن‌های استانی، اختیارات و وظایف انجمن به شکل مبسوط‌تری اشاره شده است که گویای قلمرو بیشتری از حقوق شهروندی در حوزه اقتصادی و حقوق مصرف می‌باشد و اعم از آموزش شهروندی، رسیدگی به شکایات، اطلاع‌رسانی، نظارت و غیره می‌باشد. به‌طور مثال در ماده ۷ اساسنامه انجمن استان تهران در خصوص و وظایف و صلاحیت‌ها آمده است: «۱. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در سطح استان ۲. آموزش مصرف‌کنندگان با تمرکز بر تبیین حقوق مصرف‌کنندگان، استاندارد و کیفیت محصول از طریق رسانه‌های گروهی، انتشار نشریه و غیره ۳. برگزاری همایش‌ها و سمینارهای آموزشی درخصوص حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان برای سایر انجمن‌های شهرستان‌های تابعه ۴. انتقال و پیگیری موارد مرتبط با حقوق مصرف‌کنندگان به انجمن ملی و سازمان‌های ذیربط ۵. فرهنگ‌سازی و ارتقاء آگاهی مصرف‌کنندگان ۶. انتشار اطلاعات موردنیاز مصرف‌کنندگان برای تهیه کالا و خدمات مورد نیاز ۷. تمهیدات لازم به منظور ایجاد هماهنگی‌های لازم بین انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان شهرستان‌های تابعه استان ۷. دریافت، ارجاع، پیگیری دعاوی و شکایات مصرف‌کنندگان به مراجع ذیربط.....».

۳-۱-۴ سایر نهادها

برخی نهادها و تاسیسات حمایت‌کننده از حقوق شهروندی، مستقل از قوای حاکمیتی به موجب قانون و یا اختیارات قانونی مقامات اداری، اجرایی یا علمی یا با ابتکارات مردمی در راستای توسعه و ترویج حقوق شهروندی فعالیت می‌نمایند که به توصیف برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱-۴-۱ شوراهای اسلامی محلی و شهرداری

نظام مدیریت شهری آمیخته‌ای از روابط و تعاملات حقوقی بین شهروندان و شهرداری است. شهرداری به عنوان نهاد اجرایی شورای محلی، نهادی است عمومی و دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت که بر اساس قانون ایجاد شده است و در نگرشی کلی وظیفه تامین برخی نیازها و خدمات عمومی در مدیریت شهری را برای شهروندان بر عهده دارد. شهروندان نیز از انواعی از حق‌ها و تکالیفی برخوردار می‌باشند.

شورای اسلامی محلی می‌تواند با وضع مقررات عمومی اقدامی موثر در تعیین مصادیق حقوق شهروندی مرتبط با وظایف شهرداری انجام دهد. از این رو، وظایف و اختیارات و صلاحیت‌های شهری پیوند مستقیمی با حقوق شهروندی دارد، چرا که شهرداری در خدمت تامین منافع شهروندان در بستر زندگی شهری است، لذا این نهاد به طور مستقیم و غیرمستقیم یکی از نهادهای مهم تامین‌کننده حقوق شهروندی است. بر اساس ماده ۵۵ قانون شهرداری برخی وظایف این نهاد عبارتند از: «ایجاد خیابان‌ها، کوچه‌ها، میداين، باغ‌های عمومی، مجاری آب و توسعه معابر، احداث میداين میوه و تره‌بار و بازارهای روز با کالاهای ارزان قیمت، انجام امور مربوط به تدفین اموات، خدمات ایمنی و آتش نشانی، ایجاد و نگهداری فضاهای سبز شهری، نظافت معابر صدور پروانه‌های ساختمانی و ده‌ها وظیفه دیگر».

هر کدام از این وظایف، دربردارنده مصداقی از حق‌های شهروندان است که شهرداری آن‌ها را در چارچوب مقررات باید تامین نماید. لذا ضروری است شهروندان آگاه باشند که چه مزایایی را از شهرداری بخواهند و با قلمرو و نوع خدماتی که شهرداری به مردم ارائه می‌نماید و به نوعی یکی از حق‌ها و تکالیف شهروندی است، آگاه باشند.

در این راستا، یکی از اقدامات موثر شورای شهر تهران، تشکیل «کمیته حقوق شهروندی» در سال ۱۳۹۷ بود. این کمیته زیر مجموعه کمیسیون نظارت و حقوقی شورا است. از جمله از دلایل تشکیل کمیته حقوق شهروندی، زمینه‌سازی اعتماد عمومی است. این کمیته می‌تواند در زمینه آموزش و آشنایی

شهروندان با حقوق شهروندی فعال باشد. شورای شهر نیز به عنوان قانون‌گذار محلی، الزامات قانونی مرتبط با ورود شهرداری برای فعالیت در عرصه تحقق حقوق شهروندی را فراهم می‌کند و نیز از جایگاه نظارتی، بر حسن اجرای این الزامات نظارتی همه جانبه دارد.

۳-۱-۴-۲ نهادهای آموزشی و پژوهشی

برخی نهادها و موسسات هستند که به طور مستقیم مسئولیتی در خصوص حقوق شهروندی ندارند، اما نوع و ماهیت فعالیت آن‌ها کمک شایانی به ارتقای حقوق شهروندی و حقوق بشر می‌نماید. در واقع، فعالیت این دسته، بسیار در هدایت، تسهیل، هدفمندی و کارایی نهادهای فعال حقوق شهروندی و بشر ایفای نقش می‌نمایند. به طور کلی، وظایف و کارکرد این نهادها بدین شرح می‌باشند: «۱. تحقیق، تالیف و ترجمه متون در زمینه مسائل حقوق بشر و حقوق شهروندی ۲. همکاری با سازمان‌ها و موسسات علمی-پژوهشی دیگر، اعم از داخلی و بین‌المللی در زمینه‌های یاد شده ۳. برگزاری دوره‌های خاص آموزشی ۴. تشکیل همایش‌های علمی ۵. انتشار نتایج مطالعات و همایش‌ها». (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تهران: ۱۳۹۰: ۶۰)

نهادها و مراکز متعدد علمی، آموزشی و پژوهشی در این خصوص فعالیت دارند که برخی از آن‌ها عبارتند از: «مرکز مطالعات حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه شیراز، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید قم. علاوه بر مراکز یاد شده، برخی مراکز دولتی نیز در امر آموزش و پژوهش فعالیت دارند از جمله معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری که به امر پژوهش و ترویج حقوق شهروندی می‌پردازد. (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۶۱)

۳-۲ فرایندهای شکلی، نظام دادرسی و چگونگی احیاء و احقاق حقوق شهروندی

نظام حقوقی حاکم بر حقوق شهروندی در جامعه سازمان‌یافته، مردم‌سالار و قانونمند در دو سطح قابل ترسیم است: ۱. در سطح تامین و تضمین حقوق شهروندی ۲. در سطح احیاء، احقاق یا صیانت از حقوق شهروندی.

تامین و تضمین حقوق شهروندی بیشتر مرتبط با پذیرش انواع حق‌های شهروندان و به رسمیت شناختن آن‌ها در قوانین و مقررات و درج آن‌ها در قانون اساسی، قوانین عادی، منشورها، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و کلیه اسناد و متون حقوقی می‌باشد و همچنین مرتبط با چگونگی اجرای مصادیق حقوق

شهروندی توسط نهادها، سازمان‌ها و مقامات اجرایی و تامین و تعبیه سازوکارها، منابع، بودجه، امکانات و قالب‌ها و ساختارهای مناسب اجرایی کارآمد حقوق شهروندی مطابق با اسناد و موازین قانونی است. حال ممکن است حق‌های شهروندان در مراحل اجرایی، مطابق قوانین از سوی متولیان به نحو احسن تامین نشود و یا با کاستی و نواقص اجرا شود و یا اینکه اصلاً برخی از حقوق شهروندان توسط مقامات و نهادهای مسئول به مرحله اجرایی نرسید و صرفاً در همان متون قانونی متروک باقی بماند، در چنین وضعیت‌هایی می‌توان گفت که نظام حقوقی حقوق شهروندی ناکارآمد و ناقص است، لذا ضروری است اقدامات صیانتی در احیاء و احقاق حقوق شهروندان در ساختار تضمینی و موثر صورت پذیرد که در دانش حقوق به این مرحله «نظام دادرسی، احیاء و احقاق حقوق شهروندی» گفته می‌شود.

نظام دادرسی، احیاء و احقاق حقوق شهروندی به عنوان نظام حقوقی حقوق عمومی و حقوق بشری، در پی تضمین و صیانت از مفاهیم حقوق بشر و شهروندی است. در نظام شهروندی تضمین حق‌های شهروندان جزو تکالیف و تعهدات بنیادین نهادهای دولتی محسوب می‌شود. تعهدی که نه تنها نباید نقض گردد، بلکه در راستای صیانت از حقوق شهروندی باید به اجرا درآید. پس، دولت دو تعهد در تامین و تضمین حقوق شهروندی دارد: «۱. ایجاد زمینه مناسب و مقتضی در تامین حق‌های شهروندان ۲. تعهد به عدم نقض آن حقوق و دفاع از شهروندان در برابر ناقضین حق‌های شهروندی».

حال اگر حق‌های شهروندی توسط سایر افراد یا در نتیجه نقض دو تعهد فوق‌الذکر دولت، نادیده یا مورد تجاوز قرار گرفته شود، شهروند حق دادخواهی، شکایت و اعتراض دارد. در نظام حاکمیت قانون و مردم‌سالار، هر شهروندی حق شکایت در مراجع قضایی و شبه قضایی نظیر دادسرا و دادگاه‌های دادگستری، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، دیوان محاسبات، هیات رسیدگی به تخلفات اداری، دادسرا و دادگاه انتظامی قضات و سایر مراجع را خواهد داشت.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نظام دادرسی و فرایند احیاء و احقاق حقوق شهروندی به شیوهای مختلف: «۱. نهادهای شبه قضایی (اداری-قضایی) ۲. نهادهای قضایی» ساماندهی شده است. البته این نظام تحت نظام ارزش‌ها، اصول و قواعد حقوق بشری، رعایت کرامت انسانی، رفتار منصفانه و محترمانه در قالب «اصول دادرسی منصفانه و عادلانه» و «ساختارهای مطلوب و کارآمد شبه قضایی و قضایی» قرار دارد که به طور مبسوط به جزئیات این نظام برای احیاء و احقاق حقوق شهروندی پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱ اصول دادرسی منصفانه و عادلانه

رعایت حرمت و شخصیت انسانی و احترام به حق‌های بشری ایجاب می‌نماید شهروندان در نظام دادرسی مورد احترام و تکریم قرار بگیرند و با موازین مبتنی بر عدالت و بنیاد حق و بر اساس قانون با آن‌ها رفتار شود تا موجبات احیای حقوق تضییع شده آن‌ها فراهم شود. در این راستا، شهروندان در نظام دادرسی و پیگیری شکایات خود در مراجع شبه قضایی (اداری) و قضایی از حق‌های قضایی برخوردار هستند. تامین حق‌های قضایی مستلزم رعایت رفتار منصفانه و اصول بیطرفی است. مجموعه حق‌های قضایی شهروندان و شیوه، رویه و نحوه رفتار منصفانه مقامات قضایی و اداری با شاکیان، متهمین، شهروندان، مراجعه‌کنندگان، طرفین دعاوی تحت اصول و ضوابط دادرسی در علم حقوق و نظام دادرسی موضوعیت می‌یابد که به شرح مختصر آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۲-۱-۱ حق دادخواهی

احقاق حق، لازمه حفظ امنیت جسمی و معنوی انسان است. (محاسب، ۱۳۸۷: ۴) بدون تعقیب و پیگیری حق‌ها و آزادی‌ها، امکان بهره‌مندی شایسته از زندگی وجود ندارد و شخصیت و هویت فرد دستخوش استبداد، بردگی و ظلم می‌گردد. حق دادخواهی به موجب اصطلاح «دعوی» یا «شکایت» در مراجع قضایی و اداری محقق می‌شود. در فرهنگ معین واژه‌ی «دعوا در معانی مختلفی هم‌چون ادعا کردن، خواستن، نزاع و دادخواهی به کار رفته است». (معین، ذیل واژه دعوی) در تعریفی حقوقی از دعوا آمده است: «توانایی قانونی که براساس آن مدعی حق تضییع یا انکارشده می‌تواند به مراجع ذیصلاح مراجعه نموده و وارد بودن یا نبودن این ادعا را در معرض قضاوت بگذارد و از این مراجع ذیصلاح ترتب آثار قانونی مربوطه را درخواست نماید. طرف مقابل نیز می‌تواند با آن مقابله نماید و برای وی این توانایی مقابله به معنای «دعوا» می‌باشد. بنابراین، دعوا زمانی می‌تواند ایجاد شود که اولاً حق قانونی و مشروع، واقعاً یا به صورت ادعایی وجود داشته باشد و ثانیاً این حق قانونی و مشروع در عمل یا در ادعا مورد انکار یا تجاوز واقع شده باشد. در صورت وجود این دو قید مدعی حق می‌تواند برای احقاق حق تضییع شده خود اقدام نماید». (ر.ک. شمس، ۱۳۸۷)

قانون اساسی در اصل سی و چهارم برای افرادی که حق‌ها و آزادی‌شان تضییع شده، حق دادخواهی مقرر داشته است و در مقابل این حق، تکلیف قضات به رسیدگی به دعاوی در اصل ۱۶۷ قانون اساسی

بیان شده است: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد».

۳-۲-۱-۲ حق دادرسی منصفانه

رسیدگی به دعاوی در دادگاه ها باید از ضوابط، اصول، هنجارهای عقلی و منطقی و از موازین حقوق بشری تبعیت نماید، به گونه ای که امکان خودسری و اعمال سلیقه مقامات اداری و قضایی را کاهش و پاسداری از حقوق طرفین دعوی را افزایش دهد. در واقع، «حق دادرسی منصفانه از عناصر بنیادین حکومت قانون است» (یاوری، ۱۳۸۳: ۲۵۵ و ر.ک. محمود، ۱۳۸۸: ۱۴۳-۱۷۵) نه اشخاص و سلیقه ها. اهم این ضوابط و هنجارها و اصول دادرسی منصفانه به قرار ذیل می باشند:

۳-۲-۱-۲-۱ اصول و ضوابط قانون اساسی

الف. اصل برائت: اصل ۳۷ قانون اساسی این اصل را تضمین نموده است: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

ب. اصل قانونی بودن جرم و مجازات: بر اساس این اصل «هیچ فعل و ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی شود». (اصل ۱۶۹)

ج. اصل منع تعقیب: به موجب این اصل زمانی فرد توسط دستگاه قضایی و انتظامی قابل تعقیب و پیگیری است، که دلایل کافی قانونی برای این امر وجود داشته باشد، در این صورت است که شهروندان می توانند با امنیت خاطر از حقوق آزادی های اجتماعی بهره مند شوند. اصل سی و دوم از این اصل این گونه حمایت نموده است: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود».

د. حق داشتن وکیل: چه بسا افراد از حقوق قانونی خود اطلاع نداشته و یا توان دفاع کردن صحیح و قدرت استفاده از قانون را نداشته باشند، لذا منطقی است تا به طور شایسته امکان ارائه دلایل و پاسخگویی به اتهامات و اسناد ابرازی را در دادگاه داشته باشند. بر این اساس، اصل سی و پنجم مقرر

داشته است: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

ه. **اصل علنی بودن محاکمه:** علنی بودن محاکمه تضمین بسیار مفیدی برای جلوگیری از خودسری قاضی و تضییع حقوق طرفین دعوی است و از موجبات شفافیت تصمیمات قضایی محسوب می‌شود. اصل ۱۶۵ بیان داشته: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

و. **اصل مستند بودن احکام:** مستدل و مستند بودن تصمیمات قضایی تضمینی است برای احقاق حق، بی‌طرفی قضات، اجرای عدالت و از موجبات اقتناع فکری طرفین دعوی و جامعه می‌باشد. از این رو قانون اساسی در اصل ۱۶۶ چنین اصلی را مورد تضمین قرار داده است: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است». و اصل سی و ششم بیان داشته: «حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

ز. **اصل منع شکنجه:** حفظ کرامت و ارزش والای انسانی ایجاب می‌نماید تا شخصیت، جسم و روان فرد مصون از هرگونه آزار و اذیت باشد. فرایند محاکمه فرد، باید بدون هرگونه ارباب، تهدید، ترس، شکنجه و آزار روحی و جسمی انجام شود تا آزادی و اختیار طرفین دعوی سلب نگردد. در اصل سی و هشتم در این راستا عنوان شده است: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

چنین حقی در قانون مجازات اسلامی نیز مورد تضمین قرار گرفته است. در ماده ۵۷۸، متخلفین از این حق به مجازات قصاص، پرداخت دیه و حبس محکوم می‌شوند.

ح. **اصل منع هتک حرمت متهمین:** افراد مجرم، متخلف، بازداشت شده و زندانی دارای حرمت و کرامت انسانی‌اند، لذا نباید به حرمت، حیثیت و شخصیت آن‌ها بی‌احترامی شود و نباید مورد توهین، تهمت، افترا یا ناسزا قرار گیرند. در این راستا اصل ۳۹ بیان داشته است: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

۳-۲-۱-۲ اصول و قواعد دادرسی قبل از جلسه دادرسی

۱. حق آزادی و منع بازداشت خودسرانه و بدون دلیل و مبنای قانونی.
۲. حق دسترسی افراد توقیف شده به اطلاعات و آگاه شدن فوری از اتهامات خود و دلایل بازداشت، دستگیری و حقوق قانونی خود در فرایند دادرسی و نحوه دفاع و اقامه دعوا.
۳. حق برخورداری از وکیل قانونی در دادگاه.
۴. حق دسترسی افراد بازداشت شده به محیط بیرون از زندان یا بازداشتگاه و امکان ارتباط با خانواده و امکانات رفاهی و بهداشتی.
۵. حق مراجعه به نزد قاضی و کوتاه بودن دوره بازداشت موقت.
۶. حق جبران خسارت و اعتراض به بازداشت‌های واهی و غیرقانونی.
۷. حق محاکمه در زمان معقول و طولانی شدن فرایند دادرسی.
۸. حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه.
۹. حق دوران بازجویی نظیر حق سکوت، داشتن مترجم، ممنوعیت اقرار اجباری.
۱۰. حق برخورداری از شرایط انسانی بازداشت و رهایی از شکنجه. (ر.ک. طه و اشرفی، ۱۳۸۶ و فضائلی، ۱۳۸۷)

۳-۲-۱-۲-۳ اصول و قواعد دادرسی در فرایند جلسه دادرسی

۱. حق تساوی در برابر قانون در دادگاه‌ها و داشتن برخورد مساوی با دیگران توسط دادگاه و تفهیم اتهام بر اساس دلایل و مستندات قانونی.
۲. حق محاکمه توسط دادگاه صلاحیتدار، مستقل و بی‌طرف قانونی.
۳. حق رسیدگی منصفانه و بدون قضاوت بینشی و تعصبی و امکان استفاده از تمام ابزارها و امکانات دادرسی.
۴. حق رسیدگی علنی در دادگاه مگر در موارد استثنایی که موجب اخلال در امنیت و نظم عمومی یا اخلاق حسنه یا عفت عمومی یا در دعوای خصوصی با درخواست طرفین غیرعلنی شود.
۵. فرض بیگناهی فرد و اصل برائت، تا زمانی که تخلف و جرم در دادگاه اثبات نشده باشد.
۶. حق عدم اجبار به شهادت یا اقرار به گناه.
۷. رد دلیل حاصل از شکنجه یا نوع دیگر اجبار.
۸. ممنوعیت عطف بماسبق شدن قوانین جزایی و مجازات مضاعف.

۹. حق محاکمه بدون تأخیر غیرموجه.
۱۰. حق انتخاب وکیل و اطلاع یافتن از حقوق قانونی خود.
۱۱. حق حضور در دادگاه و مراحل تجدیدنظری.
۱۲. حق احضار و سؤال از شهود و برخورداری از مترجم.
۱۳. حق دریافت حکم در زمان معقول و اطلاع از مستندات حکم.
۱۴. حق اجرای مجازات مقتضی و متناسب با شرایط روحی و فیزیکی فرد.
۱۵. حق اعتراض و تجدیدنظر از آراء صادره. (ر.ک. طه و اشرفی، ۱۳۸۶ و فضائلی، ۱۳۸۷)

۳-۲-۲ نظام دادرسی شبه قضایی یا اداری

مراجع متعددی برای نظارت و کنترل رفتار و اقدامات مقامات دولتی و عمومی جهت رعایت قانون، انجام وظایف و تکالیف قانونی، ارائه خدمات عمومی، اجرا و رعایت حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران تاسیس شده است و مرجع رسیدگی به دعاوی مردم علیه مقامات و مراجع دولتی تحت نظام دادرسی خاص اداری می‌باشند.

این نهادها وصف «شبه قضایی» دارند. بدین معنا که نوع و ماهیت و شیوه رسیدگی در این مراجع از نوع رسیدگی در دادگاه‌های دادگستری که «نهاد قضایی» گفته می‌شود، متفاوت است. مراجع شبه قضایی به دعاوی و اختلافات شهروندان با مراجع دولتی و برخی تخلفات و مفاسد اداری که وصف مجرمانه نه، بلکه تخلف را دارند، رسیدگی می‌نماید. این مراجع اداری از آن جهت مراجع شبه قضایی نامیده شده‌اند که از یک طرف قضایی نیستند، چون جزء قوه قضائیه محسوب نمی‌شوند و افرادی که در آن رأی صادر می‌کنند، قاضی نیستند؛ اگر هم قاضی در آن‌ها وجود دارد رای اکثریت ملاک است و از طرف دیگر این‌گونه نهادها آرای صادر می‌کنند که اثر مراجع شبه قضایی دارد و درباره حقوق و تکالیف افراد لازم‌الاجرا است. وصف مراجع شبه قضایی به جهت کارکرد نزدیکی است که این گونه مراجع چه از لحاظ ساختار و چه از لحاظ رسیدگی به دادگاه‌های دادگستری دارند. در کل این مراجع بخشی از قوه قضائیه محسوب نمی‌شوند و تصدی این مراجع به وسیله قضات و دارندگان پایه قضایی نیستند. رسیدگی مراجع اداری یا شبه قضایی در خصوص دعاوی اداری، جنبه قضایی ندارد و تصمیم اداری محسوب می‌شود». (ر.ک. رستمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴-۵۵)

برای این نوع مراجع اسامی و عناوین مختلفی در حقوق دادرسی اداری به کار می رود، از جمله: دادگاه اداری، کمیسیون، هیات. مراجع شبه قضایی عموماً در مجموعه قوه مجریه می باشند. هر چند در سلسله مراتب نهادهای اجرایی و اداری قرار دارند اما مستقل از نظام تبعیت و نظام سلسله مراتب اداری همچون دادگاه مستقلانه و بیطرفانه انجام وظیفه می کنند. مرجع نهایی رسیدگی و تجدیدنظر نهایی از تصمیمات این نهاد، دیوان عدالت اداری مستقر در قوه قضائیه است. (ر.ک. هداوند و آقایی طوق، ۱۳۹۴ و نجابت خواه و همکاران، ۱۳۹۶)

۳-۲-۲-۱ شیوه شکایت اداری

با عنایت به صلاحیت مراجع شبه قضایی در رسیدگی به اختلافات شهروندان با مراجع دولتی، چندین نوع دعوی و اختلاف قابل تصور است: «۱. شکایت شهروند از مقامات و نهادهای دولتی به دلیل اتخاذ تصمیماتی است که مراجع دولتی در خصوص خواسته و حق های آنان اتخاذ شده و شهروند نسبت به آن اعتراض دارد ۲. تخلفاتی اداری که کارکنان مراجع دولتی در راستای انجام وظایف و اجرای حقوق شهروندی مرتکب می شوند ۳. برخی اختلافات اداری مراجع دولتی با یکدیگر در خصوص اجرای وظایف و اقدامات خود و پیرامون حق های شهروندی و ارائه خدمات عمومی».

طرح دعاوی در مراجع شبه قضایی تابع تشریفات مقرر در قانون تاسیس آن نهاد است، اما همه آنها از اصول و قواعد دادرسی منصفانه و رعایت الزامات حقوق شهروندی باید تبعیت نمایند. هر شهروند می تواند با آگاهی از حقوق شهروندی خود و از تصمیمات و اقدامات اتخاذی مراجع دولتی به نهادهای شبه قضایی مراجعه نماید و یا از آراء صادره آنها در مرجع عالی دادگاه اداری یعنی دیوان عدالت اداری تجدیدنظر نماید. مثل شکایت شهروند از تصمیم و اقدام کارمند اداری که به دلیل تصمیم اشتباه کارمند متضرر شده است، می تواند به هیات رسیدگی به تخلفات اداری همان اداره شکایت نماید و هیات مزبور در صورت اثبات قصور یا تخلف وی را مورد مجازات اداری نظیر انفصال از خدمات دولتی یا کسر حقوق نماید (مواد ۸ و ۹ قانون هیات های رسیدگی به تخلفات اداری) یا اگر کارگری توسط کارفرما به دلیل ناموجه اخراج شود، می تواند به هیات تشخیص کارگری در اداره کار شکایت نماید و از رای هیات تشخیص در هیات حل اختلاف و در نهایت از دیوان عدالت اداری درخواست تجدیدنظر نماید.

۳-۲-۲ دادگاه‌های اداری

مراجع شبه قضایی متعددی در نظام حقوقی و اداری کشور ایران و در قوانین و مقررات مختلف وجود دارد که هر کدام در زمینه خاص و تخصصی به دعاوی اداری و تخلفات اداری، مفاسد اداری و شکایت شهروندان رسیدگی می‌نمایند. به جهت تعداد بسیار زیاد آن‌ها، صرفاً به برخی اشاره می‌شود.

الف. مراجع اختصاصی اداری شبه حقوقی: این مراجع به اختلافات ناشی از اجرای قوانین جاری کشور مثل قانون مالیات‌های مستقیم بین اداره مجری و افراد متأثر از اجرا، رسیدگی و حل و فصل می‌نماید. مهمترین موارد و انواع این مراجع با توجه به موضوعات اختلاف و زمینه فعالیت به شرح زیر می‌باشند: (رستمی، ۱۳۸۸: ۵۱ و ر.ک. معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷)

الف. مراجع صالح در امور ثبتی: هیأت نظارت و شورای عالی ثبت موضوع مواد ۲۵ و ۲۶ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی.

ب. مراجع صالح در امور ارضی: هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷

ج. مراجع صالح در امور مالیاتی و گمرکی: ۱. هیأت حل اختلاف مالیاتی و شورای عالی مالیاتی موضوع مواد ۲۴۴ و ۲۵۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ ۲. کمیسیون‌های بدوی و تجدیدنظر اختلافات گمرکی موضوع قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰.

د. مراجع رسیدگی به دعاوی ناشی از اجرای قانون کار: هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف کارگر و کارفرما، موضوع قانون کار مصوب ۱۳۶۸.

ب. مراجع اختصاصی اداری شبه کیفری: مراجع اختصاصی اداری شبه کیفری به تخلفات انتظامی و اداری مستخدمین و افراد صنفی در تخطی از انتظامات داخلی دستگاه‌های اجرایی و مجامع صنفی و عدم رعایت نظم داخلی آن‌ها و همچنین به تخلفات افراد جامعه که واجد عنوان جرم نبوده، بلکه با تخطی از برخی قوانین و مقررات آمره مرتبط با نقش دولت در جامعه مثل قیمت گذاری و نظارت بر توزیع کالاها، باعث اخلال در نظم انجام برخی وظایف دولت و دستگاه‌های اجرایی می‌گردند، رسیدگی می‌نمایند و با در نظر گرفتن نهادی که به آن وابسته‌اند به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند و مهمترین آن‌ها به شرح زیر می‌باشند:

الف. مراجع اختصاصی اداری شبه کیفری وابسته به سازمان‌های دولتی شامل:

۱. هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری موضوع قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲.

۲. هیأت عالی انتظامی مالیاتی موضوع قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶.
 ۳. هیأت رسیدگی به تخلفات انتظامی هیأت علمی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی موضوع مقررات انتظامی هیأت علمی مصوب ۱۳۶۴.
 ۴. هیأت رسیدگی به تخلفات پرسنل ارتش موضوع قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶.
 ۵. شعب بدوی و تجدیدنظر سازمان تعزیرات حکومتی موضوع آئین نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳.
 ۶. کمیته انضباطی دانشجویان موضوع آیین نامه انضباطی دانشجویان مصوب ۱۳۶۴.
 ۷. هیأت های مستشاری دیوان محاسبات کشور موضوع قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۲.
- ب. مراجع اختصاصی اداری شبه کیفری وابسته به موسسات غیردولتی و اتحادیه های صنفی شامل:
۱. هیأت های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات صنفی موضوع قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲.
 ۲. دادگاه انتظامی کارشناسان رسمی دادگستری موضوع قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۸۱.
 ۳. دادگاه انتظامی سردفتران و اسناد رسمی دادگستری موضوع قانون اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴.
 ۴. هیأت های بدوی و تجدیدنظر انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته به پزشکی قانونی موضوع قانون نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳. (رستمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۷)
- از آنجایی که اختیارات این مراجع نسبتاً وسیع و قابل توجه است و رایى که درباره افراد صادر می کنند در حقوق آنها موثر است، قانون گذار برای تضمین رعایت حق و عدالت، مکانیزم اعتراض و تجدید نظر از آرای این دسته از مراجع را در دیوان عدالت اداری فراهم کرده است. البته برخی کمیسیون های شبه قضایی هستند که مرجع دیگری نظیر دادگاه عمومی در خصوص آراء آنها صالح به رسیدگی تجدیدنظری است، مثل هیأت های حل اختلاف ثبت احوال و کمیسیون ماده واحده منابع طبیعی.

۳-۲-۳ نظام دادرسی قضایی

بر اساس باور عمومی مردم و موازین قانونی، مرجع تظلم خواهی و طرح دعاوی شهروندان نسبت به حقوق تضییع شده خود، مراجع قضایی است. مرجع قضایی رسمی طرح دعاوی حقوقی و کیفری به

موجب اصل ۱۵۸ قانون اساسی، دادگاه‌های دادگستری هستند. پس، کلیه دعاوی شهروندان که ماهیت حقوقی یا کیفری دارد باید در یکی از مراجع قضایی مرتبط با نوع دعوی تحت ضوابط و قواعد مقرر در قوانین حقوقی و جزایی بویژه «قانون آیین دادرسی در امور مدنی و قانون آیین دادرسی در امور کیفری» مطرح شود.

در نظام دادرسی قضایی، دعاوی حقوقی و کیفری توسط دادگاه‌ها و برخی دعاوی حقوقی در شوراهای حل اختلاف با حضور طرفین طی تشریفات و آیین‌های دادرسی و به موجبات جلسات نزد قاضی رسیدگی و مورد حل و فصل قرار گرفته می‌شود. از منظر حقوقی دعاوی حقوقی و کیفری جنبه ترافعی دارند. ترافعی، یعنی مواردی است که طی آن دو یا چند شخص دعوی خود را در دادگاه مطرح می‌کنند و دادگاه نیز به دعوای با حضور آن‌ها رسیدگی و حکم صادر می‌کند. (شمس، ۱۳۸۷، ج دوم: ۲۰۱)

۳-۲-۱ شیوه شکایت قضایی در دادگاه‌های دادگستری

دعای حقوق در دادگاه‌های حقوقی و برخی نیز در شوراهای حل اختلاف و دعاوی کیفری در دادسرا و دادگاه‌های جزایی مطرح می‌شوند. در تفاوت این دو دعوی می‌توان عنوان نمود که هر فعل یا ترک فعلی که در قوانین و مقرارت جزایی برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود و جنبه کیفری دارد و مرجع رسیدگی به جرایم دادگاه‌های کیفری هستند و در سایر موارد ماهیت حقوقی دارند، در دادگاه‌های حقوقی قابل طرح هستند. به طرفین دعوای حقوقی، «خواهان» و «خوانده» و به طرفین دعوای کیفری، «شاکی» و «مشتکی عنه» گفته می‌شود.

یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق دعوای حقوقی و دعوای کیفری، نحوه طرح این دعاوی است. اقامه دعوای حقوقی نیازمند تنظیم و تقدیم دادخواست و در برخی از موارد قانونی، نیازمند تنظیم و تقدیم درخواست می‌باشد، اما طرح دعوای کیفری مستلزم تنظیم شکوائیه است. بنابراین، نمی‌توان اموری را که فاقد جنبه کیفری است، از طریق طرح شکایت مورد پیگیری قرار داد. هم‌چنین اقامه این دعاوی بدون پرداخت هزینه دادرسی امکان‌پذیر نیست؛ با این تفاوت که هزینه دادرسی در تمامی دعاوی کیفری یکسان و برابر بوده اما در دعاوی حقوقی این هزینه بر اساس بهای خواسته متغیر می‌باشد. بنابراین، به میزانی که بهای خواسته افزایش یابد، هزینه دادرسی نیز افزایش خواهد یافت. البته در صورتی که خواهان دعوای حقوقی توانایی پرداخت این هزینه را نداشته باشد، می‌تواند در ابتدا با تقدیم

دادخواست اعسار بدون پرداخت این هزینه در مراحل ابتدایی، دعوای حقوقی خود را طرح نماید.
(<http://zaeemedalat.com>)

به طور مختصر ساختار نظام قضایی و دادگاه‌های در کشور ایران شامل مصادیق ذیل هستند:

۱. دادگاه حقوقی بدوی و تجدیدنظر ۲. دادگاه کیفری ۱ و ۲ بدوی و تجدیدنظر ۳. نهاد دادرسی که در معیت دادگاه کیفری قرار دارد ۴. شورای حل اختلاف ۵. دیوان عالی کشور ۶. دادگاه‌های اختصاصی که بر حسب نوع دعوی یا شخصیت طرفین دعوی تشکیل می‌شود نظیر: دیوان عدالت اداری، دادگاه نظامی، دادگاه ویژه روحانیت، دادرسی و دادگاه انتظامی قضات.

۳-۲-۳ مراحل دعوای حقوقی و کیفری

شیوه و مراحل طرح دعوی کیفری با حقوقی تا حدودی متفاوت است. که به طور مختصر به مراحل هر یک پرداخته می‌شود:

الف. شکایت کیفری: با وقوع جرم، شهروند متضرر و قربانی بزه، می‌تواند شکایت خود را در دادرسی و یا کلانتری محل وقوع جرم مطرح نماید. ابتدا شکایت به نزد معاون دادستان ارجاع داده می‌شود، سپس بر حسب شدت و حدت جرم پرونده به یکی از شعب دادرسی یا بازپرسی در دادرسی جهت انجام تحقیقات، بررسی آثار جرم، جمع آوری ادله جرم، استماع ادعاهای طرفین و کلیه تحقیقات لازمه ارجاع داده می‌شود. بعد از انجام بررسی‌های مقتضی توسط ضابطین قضایی همچون کلانترها، پلیس امنیت، آگاهی و سایر ضابطین، تحت نظر دادستان یا نمایندگان وی یعنی دادرسی و بازپرس، تصمیمی از سوی دادرسی اتخاذ می‌شود که «قرار» نامیده می‌شود، حال اگر دلایل و امارات اتهامی برای مجرم بودن فرد متهم کافی باشد کیفرخواست و یا اگر دلایل کافی نباشد قرار منع تعقیب صادر می‌شود. البته انواع دیگری از قرارهای متناسب با هر دعوی در قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد.

اگر قرار مجرمیت صادر شود، پرونده به دادگاه کیفری ۱ یا ۲ ارسال می‌شود و قاضی دادگاه کیفری با تعیین جلسه دادرسی و استماع ادله، ادعاها و دفاعیات طرفین اقدام به صدور رای و یا حکم به مجازات و یا تبرئه متهم صادر می‌نماید. بعد از صدور حکم و تا ۲۰ روز از ابلاغ، طرفین می‌توانند به رای صادره در دادگاه تجدیدنظر اعتراض نمایند و دادگاه تجدیدنظر طی بررسی خود به‌طور حضوری یا غیر-حضوری می‌تواند یا حکم صادره دادگاه بدوی را تایید یا تغییراتی در آن اعمال نماید و یا حتی حکم

صادره برعکس شود و به عبارتی، نقض شود. مثلاً حکم برائت تبدیل به مجازات شود و یا حکم محکومیت، به برائت تبدیل شود.

ب. دعاوی حقوقی: ابتدا خواهان می‌تواند به دفاتر خدمات قضایی الکترونیک یا در دادگاه محل اقامت خود برای ثبت دعوی خود مراجعه نماید. دعوی در یک برگه مخصوص به نام «دادخواست» مطرح می‌شود. خواهان باید کلیه خواسته و ادله خود را در دادخواست مقرر بدارد و مستندات خود را ضمیمه دادخواست کند و هزینه دادرسی را مطابق قانون پرداخت نماید.

بر اساس ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دعوی حقوقی در دادگاه محل اقامت خوانده (کسی که طرف دعوا است) مطرح می‌شود، مگر در برخی دعاوها مثل ملکی که در دادگاه محل وقوع ملک مطرح می‌شود. پس از تکمیل بودن دادخواست، دعوی به یکی از شعب حقوقی ارجاع می‌شود و پس از بررسی دادخواست و نداشتن نواقص و استماع دلایل طرفین، قاضی اقدام به صدور رای می‌نماید و هر یکی از طرفین بعد از صدور رای در صورت غیرقطعی بودن حکم و داشتن اعتراض می‌توانند در زمان حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ حکم به دادگاه تجدیدنظر مراجعه نمایند. رسیدگی به دعاوی حقوقی در دادگاه تجدیدنظر، تا حد زیادی مشابه دعاوی کیفری است.

لازم به ذکر است مرجع عالی رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی و کیفری شهروندان، دیوان عالی کشور است که بر آراء صادره دادگاه‌ها نظارت عالیه دارد و مرجع نهایی رسیدگی به برخی دعاوی است. بر اساس اصل ۱۶۱ قانون اساسی: «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد».

۳-۲-۳ طرح دعوی در مراجع قضایی خاص

بنا به مصالح خاص قضایی و برخی به جهت ماهیت و تخصصی بودن دعوی یا شخصیت طرفین دعوی، مراجع قضایی وجود دارند که به دعاوی این دسته رسیدگی می‌نمایند که شامل موارد ذیل می‌باشند:

الف. شورای حل اختلاف: شورای حل اختلاف در موارد زیر صلاحیت رسیدگی دارد:

«۱. صلح و سازش: بر اساس ماده ۸ قانون شورای حل اختلاف، که شامل: کلیه امور مدنی و حقوقی، کلیه جرائم قابل گذشت و جنبه خصوصی جرایم قابل گذشت است.

۲. رسیدگی: شورا در خصوص موضوعاتی صلاحیت رسیدگی و صدور حکم دارد: «الف. دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ریال به جز مواردی که در تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون در دادگستری مطرح می‌باشند. ب. تمامی دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق و کسب و پیشه. ج. دعاوی تعدیل اجاره‌بها به شرطی که در رابطه استیجاری اختلافی وجود نداشته باشد. د. صدور گواهی حصر واثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آنها. ه. ادعای اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد. و. برخی دعاوی خانوادگی مثل جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (الف) ز. تامین دلیل ح. جرائم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات جزای نقدی درجه هشت باشد».

ب. **دادگاه انقلاب:** بر اساس ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه انقلاب به جرائم زیر در رسیدگی می‌نماید:

«الف. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام ب. توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری پ. تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل ت. سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است».

ج. **دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت:** این دادگاه به فرمان حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۸ تشکیل و بعدها آیین‌نامه اجرایی آن تدوین شد. دادگاه ویژه روحانیت تحت نظر مقام رهبری و در ساختار قوه قضائیه فعالیت می‌نماید. این دادگاه به کلیه جرایم و تخلفات صنفی روحانیان رسیدگی می‌نماید.

د. **دادگاه نظامی:** دادگاه نظامی زیر مجموعه قوه قضائیه است، اما به جرایم خاص نظامی رسیدگی می‌نماید. بر اساس اصل ۱۷۲ قانون اساسی «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند». و مطابق با ماده ۵۹۷ آیین دادرسی کیفری: «به جرائم مربوط به

وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضائی رسیدگی می‌شود».

۵. **دیوان عدالت اداری:** بر اساس اصل ۱۷۲ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، دیوان مرجع رسیدگی به دعاوی اداری شهروندان علیه دولت و مرجع عالی تجدیدنظر از آراء صادره از سوی برخی نهادهای شبه قضایی یا دادگاه‌های اداری می‌باشد. همچنین به کلیه دعاوی استخدامی مستخدمین دولتی رسیدگی می‌نماید.

۳-۳ ارتقاء و توسعه حقوق شهروندی

افراد در زندگی اجتماعی و زیست جمعی، ضمن داشتن اهداف مشترک و همکاری‌های مسالمت آمیز، به دلیل تعارض در منافع و اراده‌ها همواره در صلح و ثبات به سر نمی‌برند و چه بسا در معرض آسیب دیگران قرار گیرند. از این جهت، شهروندان علاوه بر تضمین حقوق شهروندی، نیاز به صیانت و حمایت دارند. در این راستا، دولت مکلف است با وضع قوانین و مقررات مناسب و سازوکارها، ابزارها و امکانات مقتضی در مقام حمایت و صیانت از حقوق شهروندی انجام وظیفه نماید.

نظام کارآمد و مطلوب تامین و تضمین حقوق شهروندی صرفا با رویکرد تأمینی، حمایتی و صیانتی فوق‌الذکر محقق نخواهد شد، بلکه باید در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گیرد و موانع و چالش‌های پیش‌رو نیز از میان برداشته شود. پس، حقوق شهروندی در رویکرد توسعه، در سطح و مرحله پیشرفته دیگری قرار می‌گیرد و صرفا نمی‌توان به اقدامات حمایتی و صیانتی در جامعه برای رعایت کرامت و ارزش والای انسان و حقوق بنیادین وی دلخوش نمود.

زمانی می‌توان در مسیر توسعه و ارتقای حقوق شهروندی گام برداشت که از یک‌سو مردم به توسعه حق‌ها و تامین آن‌ها در شرایط مطلوب‌تر اعتقاد داشته و نسبت به آن‌ها مطالبه‌گر و دارای احساس مسئولیت و مشارکت داشته باشند و از سوی دیگر، زمینه‌ها و بسترهای متنوع اجتماعی برای رشد، احیاء و توسعه حقوق شهروندی و بشر فراهم شود که عمدتا دولت در این خصوص نقش بیشتری به عهده دارد. همچنین لازمه نگرش توسعه، مستلزم رفع هرگونه موانع سیاسی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره است. موانعی متعددی در جامعه می‌تواند بر سر راه تامین، تضمین، ارتقاء و توسعه حقوق شهروندی بوجود آید نظیر: «وجود ابهامات و قیودی در متن قوانین و مقررات، عدم نهادینه شدن حقوق شهروندی، غفلت از فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی کافی در جامعه، نبود نظارت مستمر، دقیق،

فعال و پاسخگو». (گزارش مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۳ و ر.ک. شهریاری، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۲۸ و امیری، ۱۳۹۵: ۷۱-۹۱)

در خصوص رفع موانع توسعه و به منظور ارتقای حقوق شهروندی به طور مختصر راهکارهای عملی و اجرایی را می توان پیشنهاد نمود: «۱. اعمال سیاست های نظیر شفاف سازی قوانین ۲. نهادینه کردن حقوق شهروندی در جامعه و فرهنگ سازی مناسب ۳. استفاده از نهادهای مدنی و سازمان های غیردولتی ۴. ایجاد نظام کنترلی دقیق و اصلاح مسیر دادرسی ها ۵. ایجاد تشکیلات دفاع از حقوق شهروندی در قوای سه گانه و نهادهای اساسی کشور ۶. ایجاد تشکیلات قضایی ویژه برای رسیدگی به این نوع جرائم و تخلفات ۷. شفاف سازی تصمیمات مربوط به حقوق شهروندی ۸. اطلاع رسانی و آموزش حقوق شهروندی از طریق مراکز آموزشی و رسانه ملی». (گزارش مرکز پژوهش ها، ۱۳۸۸: ۲۴-۳۰)

بر این اساس و به طور مبسوط تر در این بند به برخی از زمینه ها و بسترهای احیاء و توسعه حقوق شهروندی پرداخته می شود.

۳-۳-۱ اخلاق شهروندی

نظام اجتماعی در اثر عوامل پیونددهنده مادی و معنوی شکل می گیرد. احساس تعلق خاطر و پذیرش مسئولیت اجتماعی توسط شهروند به اعتبار مفهوم زیست جمعی و پیوند خوردن منافع مشترک شهروندان با یکدیگر، لازمه جامعه سازمان یافته و هدفمند است. آرامش، امنیت، صلح، نظم و رعایت حق های شهروندی مستلزم پذیرش مسئولیت اجتماعی هر شهروند در پرتو تعهد درونی و وجدانی به موازین اخلاقی است.

الزامات اخلاقی و درونی فرد نشان دهنده میزان تعهدات فرد به قلمرو زندگی اجتماعی و رعایت الزامات زیست جمعی و احترام به حقوق سایر افراد و قوانین و موازین جامعه سیاسی و حقوقی است. هر چقدر اخلاق در ضمیر باطنی شهروند نهادینه شود وی کنترل بیشتری بر اراده خود در رعایت حق ها و انجام تکالیف شهروندی در اجتماع خواهد داشت و قطعاً افعال ارادی و عقلانی وی نیز ارتقاء پیدا خواهد کرد. با توسل به چنین توانائی های شهروندی می توان زمینه رشد و توسعه حقوق شهروندی در جامعه را فراهم نمود.

در نگرشی کلی، اخلاق معیار و ملاک تشخیص «امر درست و نادرست و یا خوبی از بدی» است. اخلاق، محل فعل ارادی است. حال اینکه چه امری درست یا نادرست و یا خوب و بد است، دیدگاه ها

و نگرش‌های متنوعی و متفاوتی وجود دارد و در این راستا، مکاتب مختلفی در تاریخ زندگی بشر پا به عرصه وجود نهاده‌اند. در اصطلاح، اخلاق «مجموعه‌ای است از اصول و قواعد بیانگر بایدها و نبایدهای اخلاقی که نوعی استقلال از شخص در آن‌ها وجود دارد؛ اصولی مانند خوبی، راستگویی، بدی و دروغ-گویی که افراد آن‌ها را از والدین یا آموزگار می‌آموزند و به نوعی بر اجتماع تکیه دارند و به عنوان ابزاری در دست اجتماع است که بر افراد تحمیل می‌کند. اخلاق به این معنا امری اجتماعی است» (فرانکنا، ۱۳۹۲: ۲۹) در واقع، «اخلاق مجموعه قواعدی است که لازمه نیکوکاری و رسیدن به کمال است؛ یعنی به وسیله اخلاق ما معیاری به دست می‌آوریم که چه کاری خوب و چه کاری بد است. آن چه که کمتر به آن می‌پردازد این است که داوری اخلاق به اعمالی تعلق می‌گیرد که از روی اراده صورت گیرد و به فرمان عقل باشد. یعنی اعمال غریزی بر مبنای اخلاق نیست، مهم این است که کسی بتواند کار بدی را انجام دهد و آن را انجام ندهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۸۵)

با توسل به قواعد اخلاقی بویژه موازین اسلامی، ملاک و معیاری برای خوبی و بدی رفتار هر کس در جامعه به دست می‌آید و اخلاق تنظیم‌بخش تعاملات و روابط متقابل شهروندان با یکدیگر می‌شود. زندگی سودانگاری امروزی بیش از پیش نیازمند درونی و نهادینه‌سازی اخلاق شهروندی است، لذا هرگونه وقفه، کوتاهی و نادیده گرفتن مسئولیت‌ها و تکالیف شهروندی، قوانین و آداب شهرنشینی و رعایت نکردن حقوق دیگران به تنش‌ها، خشونت‌ها و ناملایمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری را دامن می‌زند. عدم نهادینه نمودن اخلاق شهروندی آثار بسیار مخربی بر روابط اجتماعی خواهد داشت و موجبات ناامنی و تضییع حقوق شهروندی را فراهم می‌نماید. رعایت مسائلی چون احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در انواع مختلف آن، حفظ میراث زیست، ایجاد فضا و محله سالم، پیشگیری از هرگونه آلودگی از نوع محیطی و صوتی، مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی، جلوه‌هایی از بروز و ظهور اخلاق شهروندی در جامعه اخلاق‌مدار و مبتنی بر حقوق شهروندی است.

اخلاق شهری و شهروندی اگرچه امروزه به همراه مفاهیم مدرن و در قالبی نو به مخاطبان عرضه می‌شود، اما اخلاق همیشه یک قلمروی مهم در زندگی اجتماعی و معرفتی هر فرد شناخته می‌شود و چه بسا حتی پیش از هر چیز یک وسیله تنظیم‌کننده در روابط اجتماعی انسان‌ها نیز تلقی شود، اخلاق در شکل اجتماعی‌اش یک ضرورت است. باید گفت رفتار هر کس در جامعه عرضه‌کننده گونه‌ای از روابط آشکار و پنهان موجود در همان جامعه است، چون به هر حال انسان معلول اجتماع است و

اجتماع در قبال او دارای مسوولیت. هرچند این واقعیت هرگز نمی‌تواند توجیهی بر رفتارهای قانون‌شکنانه و نادرست او به بهانه تاثیرگرفتن از جامعه و یا گرفتن انتقام از آن شود. به هر حال این امری انکارناشدنی است که هرگاه عملی غیراخلاقی از کسی سر بزند، آنکه نخست متهم اصلی به شمار خواهد رفت، خود او خواهد بود که باید پاسخگوی کردار نادرست خویش باشد. (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۶: ۵)

هر چقدر اخلاق‌مداری، احترام متقابل و رعایت اخلاقیات از سوی شهروندان صورت گیرد، به تبع آن حریم‌های افراد و حقوق و تکالیف هر شهروند نیز رعایت خواهد شد. لذا با نهادینه نمودن اصول اخلاقی و رفتاری راه را برای به فعلیت رساندن حقوق شهروندی و احقاق حق شهروندان هموار کرده و حقوق شهروندی را در جامعه محقق خواهد نمود. (قیوم‌زاده، ۱۳۹۳: ۹۷)

نظام شهروندی به معنای واقعی آن، برخورداری عمومی اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است، به گونه‌ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. در باب مسئولیت شهروندان اسلامی، پیامبر اکرم (ص) در بیان گهرباری می‌فرماید: «کلکم راعٍ، و کلکم مسؤولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ یعنی هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد. در همین زمینه در اسلام هر جا صحبت از رعیت شده، مراد همان حقوق شهروندی امروزی است». (وردی نژاد، ۱۳۷۷: ۳۲۳ به نقل از باقری، ۱۳۹۳: ۱۰۰)

۳-۲ آموزش و فرهنگ‌سازی شهروندی

شاید ریشه اکثر ظلم‌ها، ستم‌ها و نقض حق‌ها ناشی از جهالت و عدم آگاهی شهروندان از حق‌ها و امتیازات خود در جامعه است و همواره کسانی هستند که از این دنیای بی‌خبری سوءاستفاده نموده و به راحتی با شیوه‌های متقلبانه حق‌های شهروندان را تضییع می‌نمایند. از طرف دیگر، داشتن جامعه زنده و پویا و ساماندهی شده، نیازمند شهروندی فعال و اخلاق‌مدار و قانونمدار است و چنین شهروندی مستلزم داشتن دانش و آگاهی کامل از مقتضیات زندگی جمعی و قوانین و مقررات عرفی و حقوقی حاکم بر آن است. البته هر شهروندی باید بتواند از حقوق عامه و حق‌های مربوط به کسب و کار خود مطلع باشد تا در زمینه احیاء و تضمین آن‌ها فعال و مطالبه‌گر بوده و تامین و توسعه آنها را مقامات مسئول بخواهد.

آموزش در سطح جامعه، شهروندان را به ابزار دانش و درک مهارت‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها مجهز ساخته و آن‌ها را قادر می‌سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در سطح جامعه به عهده گیرند. (جعفری، ۱۳۹۵: ۳) همچنین دانش و آگاهی‌های مردم موجب مشارکت بیشتر آن‌ها برای ادای تکالیف در امور شهری و توسعه شهروندی فعال می‌شود. (پورعزت، و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۰) لازم به ذکر است که حقوق شهروندی در معرض خطر و آسیب قرار دارد و نیاز به پوشش‌های حمایتی و صیانتی دارد. آسیب‌ها و خطرات می‌تواند از طرف «دولت و نهادهای دولتی، گروه‌ها و جمعیت‌های درون اجتماعی و سایر افراد» اتفاق بیفتد. (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۴۵)

برای دفع خطرات، شهروند باید مسلح به آموزش‌های شهروندی در زمینه‌های متعدد شود، لذا جهت تقویت و ارتقای حقوق شهروند باید سازوکارهای آموزشی و علمی و آگاهی‌بخش به‌طور سازمان‌یافته و نهادین‌شده به شهروند در کلیه صحنه‌های اجتماعی داده شود. وظیفه اطلاع‌رسانی و دانش‌افزایی شهروندان وظیفه‌ای است همگانی و هر نهاد دولتی در حوزه صلاحیت خود باید درباره نوع و ماهیت خدمت‌رسانی خود و چگونگی بهره‌مندی شهروندان از آن خدمات، آموزش‌های لازم را از طرق مختلف به شهروندان ارائه نماید و به‌طور عمومی سازمان‌هایی مثل صدا و سیما، شهراری‌ها، مساجد و نهادهای مذهبی، نهادهای آموزشی، رسانه‌های گروهی، مطبوعات، احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و غیره کلیه آموزش‌های مدنی و سبک و سیاق زندگی اجتماعی را ارائه نمایند تا هر شهروندی در زندگی خصوصی، اجتماعی و فضای کسب و کار خود از دانش و مهارت‌های لازم برخوردار باشد.

مسلح شدن به دانش و مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای زمینه ارتکاب جرایم را کاهش داده و شهروندان مطالبه‌گری پرورش داده می‌شود و باعث انجام درست وظایف نهادهای عمومی نیز می‌شود. هر چقدر شهروند دانش، اطلاعات و مهارت کافی در حوزه عمومی و خصوصی داشته باشد، بهتر می‌تواند رفتار خود با دیگران را تنظیم نماید و به رشد و ارتقای حقوق خود و دیگران کمک نماید. به‌طور مثال اگر هر شهروند از دانش و اطلاعات کافی در زمینه نحوه خرید و فروش زمین، مسکن، خودرو، دریافت وام بانکی، اخذ مجوز از اتحادیه و نهادهای دولتی و غیردولتی داشته باشد، دیگر دچار فریب و زیان نخواهد شد. پس، سازمان‌ها و نهادهای عمومی و خصوصی می‌توانند نحوه تامین و اجرای حق‌های شهروندی را با شیوه‌ای صحیح آموزش دهند و در صیانت از حقوق شهروندی دست به اقدامات پیشگیرانه بزنند.

تمدن و دستاوردهای فکری و فرهنگی یک ملت در طول قرن‌ها و با تلاش نسل‌های زیادی به دست آمده است و حاوی ارزش‌ها، هنجارها، سنت‌ها، عقاید، بارورها، مهارت‌ها، اخلاقیات، ابداعات و اختراعات متنوعی است، حفظ و صیانت از این دستاوردهای بشری و ملی وظیفه هر شهروندی و هر نسلی است و باید با رویکرد ارتقای، آن‌ها را به آیندگان تحویل دهد. لذا حفظ این تمدن غنی، مستلزم نهادینه‌سازی فرهنگ، نگهداری و انتقال آن به آیندگان است. یکی از ابعاد اساسی ارتقای حقوق شهروندی صیانت از دستاوردهای فرهنگی جامعه است که در پرتو آموزش فرایندها و سازوکارهای آموزشی، پرورشی و تربیتی امکان‌پذیر است. بر این اساس، رعایت همه‌جانبه حقوق شهروندی، مستلزم نهادینه‌سازی فرهنگ شهروندی در یک جامعه، میان مردم و مسئولان است. با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند هنر و رسانه می‌توان به تقویت فرهنگ مطالبه‌گری به مثابه انگاره بنیادین شهروندی در جامعه پرداخت، مطالبه‌گری و مسئولیت‌پذیری دو مفهومی است که باید در میان انسان‌ها نهادینه شود تا آنها به شهروند تبدیل شوند، در این میان، ابزارهای فرهنگی و هنری نقشی مؤثری ایفاء می‌کنند. شکل‌گیری کانون‌های گفت‌وگو در قالب مراکز علمی، همایش‌ها، سمینارها و مناظرات یکی از جدی‌ترین راهکارهای اعتلای جایگاه حقوق شهروندی در جامعه است.

۳-۳-۳ حکمرانی مطلوب

ایده حکمرانی مطلوب^{۱۳} با تاثیر پذیری از آرمانهای مردم‌سالاری، برای اولین بار توسط بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ مطرح و تحت عنوان «زامامداری و توسعه» در سال ۱۹۹۲ تبیین گردید. (IFAD, 2015: 1) بانک جهانی با رویکرد نهادین نمودن توسعه کشورهای در حال پیشرفت و نقش زمامداری کارآمد در فرایند توسعه و به تبع آن توسعه و تضمین حقوق بشر و شهروندی، حکمرانی مطلوب را اینگونه تعریف نمود: «حکمرانی خوب، شیوه‌ای است که در آن قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی جهت توسعه بکار گرفته می‌شود» (IFAD, 2015: 1) و در سال ۱۹۹۷ تعریف قبلی را طی گزارشی تحت عنوان «نقش دولت در جهان در حال تحول» با هدف اینکه که چگونه می‌توانیم به یک دولت خوب دست یابیم، باز تعریف نمود: «حکمرانی خوب در واقع پیش‌شرط ضروری توسعه محسوب می‌گردد». (Integrated ISA, 2015: 1) علت ورود بانک جهانی به عرصه زمامداری مطلوب، به نقش و فعالیت این نهاد در امر مساعدت‌های مالی و توسعه‌ای به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته

¹³ Good Governance

است؛ چرا که اجرای برنامه‌های مالی و اقتصادی بانک جهانی مستلزم وجود بسترهای مساعد در کشور مورد نظر می‌باشد که چنین بستری در زمامداری مطلوب نهفته شده است. در عمل، این ایده در پی استقرار توسعه پایدار انسانی از طریق تضمین برخی مولفه‌های زمامداری مطلوب می‌باشد.

حکمرانی فرایندی چند مرحله‌ای و مرتبط با سایر بخش‌های زندگی اجتماعی و کارکرد دولت خوب است. در ایده حکمرانی خوب «وضع فرایندها، ساختارها و مقررات رسمی و غیررسمی که به تعریف روش‌هایی می‌پردازند که بدان وسیله افراد و سازمان‌ها می‌توانند بر تصمیماتی که بر رفاه و کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارند، اعمال قدرت کنند». (صانعی، ۱۳۸۵: ۲۷) این رویکرد، حکمرانی را مرتبط با جامعه و زیست جمعی مطلوب می‌نماید، به گونه‌ایی که زمامداری خوب مبین «نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند. (میدری، ۱۳۸۲: ۱۴۴-۱۴۹) در تعریفی دیگر آمده است: «راهکارها، فرایندها و نهادهایی که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا و تعهداتشان را برآورده می‌کنند. (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۳)

در واقع، حکمرانی در سطح محلی، منطقه‌ای، دولتی و جهانی مطرح می‌شود و کلیه بخش‌های جامعه اعم از دولت، بخش عمومی و بخش خصوصی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، با توجه به مفاهیم و مباحث و ادبیات طرح شده درباره حکمرانی خوب، می‌توان آن را معطوف به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی دانست. در این الگو سه منظر دیده می‌شود: نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق شهروندی که در تقویت مشارکت مردمی به منظور اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی مطرح‌اند؛ بخش خصوصی عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص ملی به منظور افزایش درآمد سرانه و پویایی اقتصاد و بازار و ایجاد رفاه نسبی دیده می‌شود؛ و سرانجام نقش دولت به عنوان تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ثبات و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه ارزیابی می‌شود. (نادری، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۳)

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲، به موجب سند برنامه عمران ملل متحد^{۱۴} بر موضوع حکمرانی مطلوب با هدف توسعه پایدار چند منظوره در حوزه سیاسی، اداری، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و غیره

^{۱۴}UNDP's Human Development Report, Murch 2, 1992, <http://hdr.undp.org/en/global-reports>

تاکید نموده است که «در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می شود. در واقع تصور بر این است همه این امور با حکمرانی خوب محقق می شود» (قلی پور، ۱۳۸۳: ۸۷)

قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد^{۱۵} در سال ۲۰۰۰، بصورت آشکار، حکمرانی را در پیوند با بستر محیطی می داند که رو به سوی بهره مندی از حقوق بشر، حقوق شهروندی و رشد توسعه انسانی پایدار دارد. با پیوند حکمرانی خوب و توسعه انسانی پایدار بر اصولی چون مشارکت جویی و ارتقای حقوق بشر و شهروندی تأکید می گردد و دستورالعمل های تجویزی و اجباری برای ایجاد توسعه مورد نظر نخواهد بود. (کميجانی و سلاطین، ۱۳۸۷: ۲۷)

در مجموع، حکمرانی خوب موید این امر است که زمامداری بر اساس موازین حقوق بشر، حقوق شهروندی، حاکمیت مردم، توسعه پایدار، رفاه اجتماعی، عدالت در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی صورت می پذیرد و با نهادین شدن مولفه ها و زمینه های حکمرانی مطلوب، بسترهای رشد، احیاء و توسعه حقوق شهروندی فراهم می شود. از جمله مولفه ها و بسترهای تأمین ایده حکمرانی مطلوب، برای توسعه حقوق شهروندی به مصادیق ذیل اشاره می شود:

الف. برابری و عدم تبعیض:^{۱۶} جامعه مطلوب زمانی محقق می شود که همه شهروندان در بهره مندی از منافع اجتماعی و حق های فردی و اجتماعی برابر انگاشته شوند. «حق هر کسی بدون تبعیض به بهره مندی از همه حقوق انسانی و آزادی های بنیادین، امروزه مورد تأکید همه اسناد و قواعد حقوق بشری شده است» (Smith, 2005: 97)

اعمال وضعیت برابر و متناسب با لیاقت ها و وضعیت های خاص هر شهروند، منوط به وضع قوانین برابر و رفتار منصفانه دولت در حمایت ها و توزیع عادلانه امکانات و ثروت های اجتماعی است. عدم تضمین رفتار برابر برای هر شهروند و اعمال تبعیضات نژادی، مذهبی، قومی، زبانی، جنسیتی، طبقاتی و غیره، زمینه رشد و توسعه حقوق شهروندی را از بین می برد، چرا که رفتارهای تبعیض آمیز قانونی، رویه ای و ساختاری توسط دولت و سایر افراد زمینه انحطاط نظام حقوق شهروندی و ارتکاب جرایم و فساد را فراهم می نماید. در چنین وضعیتی، هر شهروندی ممکن است برای گرفتن حق های خود دست به رفتار مجرمانه و دادگستری خصوصی بزند.

¹⁵ UN Commission on Human Rights, «The role of good governance in the promotion of human rights», resolution 2000/64, <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Development/GoodGovernance/Pages/GoodGovernanceIndex.aspx>.

¹⁶ Equality and Non-Discrimination

ب. **حاکمیت قانون:**^{۱۷} از جمله مولفه‌های ارزشی و مهم حکمرانی مطلوب، حاکمیت قانون است. در پرتو حاکمیت قانون است که حق‌های شهروندی مورد ضمانت قرار می‌گیرند و کلیه امور اجتماعی ساماندهی می‌گردد. کارکردهای اصلی حاکمیت قانون، کنترل قدرت سیاسی، انتظام بخشی اداره امور عمومی، تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌باشد. مهمترین خصیصه اصل حاکمیت قانون این است که قانون بر جامعه و امور عمومی حکومت داشته باشد نه افراد. «حاکمیت قانون حوزه‌هایی را که اقتدار و قدرت سیاسی می‌تواند در آن‌ها شخصی باشد، به شدت محدود می‌کند و حکومت افراد، آن‌ها را به نسبت بسط می‌دهد». (مک کالوم، ۱۳۸۳: ۳۱۷)

جامعه در سایه قانون و الزامات بایندی و نبایندی به ساماندهی و نظم اجتماعی می‌رسد و قانونمندی بهترین تاسیس اجتماعی جهت ثبیت و صیانت از حقوق شهروندی خواهد بود. البته رسیدن به چنین غایتی، وضع قوانین عادلانه و متناسب با نیازهای فطری و طبیعی بشر خواهد بود تا به موجب آن قوانین، همه منابع به‌طور برابر و با رعایت استحقاق‌ها و شایستگی‌ها بین افراد توزیع گردد و در مقابل هر گونه تجاوز و تعدی به حقوق شهروندی، شیوه‌های پیشگیری و جبرانی تعبیه گردد.

ج- **مشارکت و نظارت همگانی:**^{۱۸} مشارکت، با تأکید بر حق هر فرد در تنظیم سیاست‌ها و اتخاذ معیارهایی برای بهبود وضعیت عمومی جامعه همراه است و لزوم اجرای آن را بدست آوردن انتظارات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طلب می‌کند. اندیشه حکومت مردمی مستلزم مشارکت عموم مردم در تولید نظام ارزشی، بایدها و نبایدهای اجتماعی و تدوین قوانین و سیاست‌های عمومی و نقش بارز مردم در مدیریت عمومی کشور می‌باشد. همچنین موجد امر نظارت همگانی آن‌ها بر فرایند اداره امور عمومی خواهد بود. بر این اساس «برابری در مشارکت سیاسی و نظارت همگانی»، لازمه برقراری حکمرانی مطلوب است. چرا که عدم حضور مردم در فرایند تصمیمات عمومی در قالب مشارکت و نظارت، بیم خودسری و سوءاستفاده از قدرت توسط حاکمان و مجریان و نقض حقوق شهروندی افزایش خواهد یافت.

با نهادهای سازوکارهای مشارکت شهروندان در فرایند اتخاذ تصمیمات اداری و حضور ذینفعان در جلسات یا در فرایند تصمیم‌گیری دولتی، موجب تأمین حق‌های شهروندی و رعایت الزامات قانونی می‌شود. با اعمال نظارت مستقیم یا غیرمستقیم مردم نظیر رسانه‌ها، احزاب، نهادهای مردمی و مدنی، بر

¹⁷ The Rule of Law

¹⁸ Participation

اجرایی شدن قوانین و مقررات و تصمیمات مقامات و نهادهای عمومی، ضمن رعایت حقوق شهروندی، موجبات رشد و احیای آنها نیز فراهم خواهد شد.

بازرسی و کنترل رفتار متولیان حقوق شهروندی و همچنین کنترل رفتارهای افراد در روابط اجتماعی، ارتباط مستقیمی با ارتقاء و توسعه حقوق شهروندی دارد. چرا که وجود راهبردهای و سازوکارهای مختلف نظارتی و کنترلی بر رفتار و عملکرد مسئولین در انجام وظایف و ارائه خدمت عمومی و شهروندان در رعایت احترام دیگران و پایبندی به قوانین و مقررات و نظامات اجتماعی، زمینه نقض حق‌های شهروندی را کاهش یا از بین می‌برد.

به هر میزان که شیوه‌های کنترلی و نظارتی بر عملکرد مسئولین قانونمند و نهادینه‌سازی شده باشد، حقوق شهروندی کارآمدتر تامین و تضمین خواهد شد و با وجود سیستم‌های نظارتی بسیار پیشرفته، زمینه نقض حقوق شهروندی هم از بین می‌رود و با اعمال نظارت‌ها، گزارش‌دهی و مواجه نمودن عملکرد متولیان حقوق شهروندی با افکار عمومی، موجبات توسعه و ارتقای بهتر حقوق شهروندی فراهم می‌آید.

د- مسئولیت پذیری:^{۱۹} مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مولفه‌های حکمرانی خوب به شمار آورد. در کنار موسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌ها خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان نمود که اصول حکمرانی خوب به صورت زنجیرای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هر کدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول می‌باشد. برای مثال نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد.

به هر میزان مقامات دولتی و موسسات عمومی در قبال وظایف و تکالیف مقرر قانونی احساس مسئولیت داشته باشند و به طرق قانونی و اداری بر نحوه اجرای وظایف و مسئولیت‌ها، نظارت صورت گیرد، زمینه احیای حقوق شهروندی بهتر فراهم می‌شود.

ه- پاسخگویی:^{۲۰} پاسخگویی در حوزه سیاسی و حقوقی به معنای «تعهد یک فرد است برای پاسخگویی نسبت به انجام مسوولیت‌هایی که به او محول شده است». (رشیدپور، ۱۳۸۴: ۲۳) پاسخگویی در بستر ایده حکمرانی مطلوب، «توجیه کردن، گزارش دادن و تشریح کردن جنبه‌های مهم

^{۱۹} Responsiveness

^{۲۰} Accountability

پاسخگویی هستند. پاسخگویی شناخت حقوق عمومی است تا اینکه بدانیم چه اعمالی باید انجام گیرد». (رشیدپور، ۱۳۸۴: ۲۳)

پاسخگویی از جمله ملاک‌های اساسی سنجش مطلوبیت زمامداری محسوب می‌شود. این حق متعلق به مردم است که حاکمان منتخب در قبال این تکلیف، یعنی تأمین خدمات، منافع عمومی و حق‌های شهروندی پاسخگو باشند. پاسخگویی دولت در قبال تأمین حقوق شهروندی منجر به تضمین انجام وظایف دولت در رعایت مصادیق حقوق شهروندی می‌شود و مقامات مسول همواره در معرض قضاوت عمومی قرار می‌گیرند.

و- **دسترسی به اطلاعات:**^{۲۱} دسترسی به اطلاعات و حق انتقال آن به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر به رسمیت شناخته شده است. در این راستا، فراهم کردن زمینه مناسب برای مردم برای دسترسی به اطلاعات از جمله تکالیف عمده دولت به شمار می‌رود. آنچه در خصوص جایگاه دسترسی به اطلاعات در حکمرانی مطلوب مدنظر قرار می‌گیرد، عملکرد دولت در خصوص ارائه اطلاعات لازم به مردم در خصوص حقوق شهروندی است و در این راستا باید در مقابل مردم پاسخگو باشد.

امروزه دسترسی به اطلاعات، نقش مؤثری در مشارکت آگاهانه و کارآمد در شکل‌گیری و اجرای قدرت و توسعه حقوق شهروندی دارد. «لازمه تحقق جامعه باز، کاستن از دامنه قدرت دولت در برابر شهروندان و در عین حال اعمال قدرت از سوی مردم و کاستن از خودرایی حکومت، تنها در شرایطی میسر است که مردم از آنچه که حکومت بدان مشغول است، آگاه باشند. از این‌رو، حق دسترسی و انتقال اطلاعات هم سازوکاری برای اعمال قدرت و توانایی مشارکت آگاهانه شهروندان در جهت تحقق حقوق و آزادی‌های خود و هم تضمینی برای صحت عملکرد دولت، رفتار مبتنی بر قانون و اعمال مشروع قدرت عمومی از سوی آن است». (Mustafa, 2003: 8)

در راستای دسترسی شهروندان به اطلاعات مورد نیاز در جامعه و بهبود وضعیت زندگی خود و فعال شدن در مطالبه حق‌های شهروندی، «قانون دسترسی به اطلاعات» در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و آیین‌نامه اجرایی آن نیز توسط دولت تصویب شده است. بر اساس ماده ۲ قانون: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آن‌ها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود» و مطابق با ماده ۵: «مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون

²¹ Access to information

تبعیض در دسترس مردم قرار دهند. تبصره- اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است باید علاوه بر موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد».

به موجب ماده ۱۸، رکن اجرایی این قانون، یعنی «کمیسیون انتشار و دسترسی به اطلاعات» در سال ۱۳۸۳ به دستور رئیس جمهور راه‌اندازی شده است. رئیس کمیسیون، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است و برخی اعضای دیگر شامل رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، دیوان عدالت اداری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت اطلاعات و وزارت دفاع هستند. وظیفه این کمیسیون عبارتند از: «حمایت از آزادی اطلاعات و دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، تدوین برنامه‌های اجرایی لازم در عرصه اطلاع‌رسانی و نیز نظارت کلی بر حسن اجراء، رفع اختلاف در چگونگی ارائه اطلاعات موضوع این قانون از طریق ایجاد وحدت رویه، فرهنگ‌سازی و ارشاد و ارائه نظرات مشورتی، از دیگر وظایف این کمیسیون را تشکیل می‌دهند».

بر اساس ماده ۱۰ قانون، «هریک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی می‌باشد، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست‌کم به‌طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و ترازنامه (بیلان) خود را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی‌الامکان در یک کتاب راهنما که از جمله می‌تواند شامل موارد زیر باشد منتشر سازد و در صورت درخواست شهروند با اخذ هزینه تحویل دهد».

پذیرش حق دسترسی شهروندان به اطلاعات نهادها و مؤسسات عمومی با رعایت قوانین و حفظ حریم خصوصی افراد یکی موثرترین روش‌های توسعه حقوق شهروندی است، زیرا شهروندان با داشتن اطلاعات لازم می‌توانند بهتر از اقدامات واحدهای دولتی مطلع شوند و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار داده و زمینه اعتراض و انتقاد به آن‌ها را نیز فراهم نمایند.

ز- شفافیت:^{۲۲} عملکرد شفاف و روشن دستگاه‌های دولتی و عمومی موجب کنترل قدرت و اختیارات حاکمان می‌گردد و باعث می‌شود دلایل و مستندات تصمیمات اتخاذی خود را بر اساس قوانین و مقررات برای مردم توضیح دهند. توجیه نمون مبانی و دلایل اتخاذ تصمیمات نوعی شفافیت در دستگاه‌های دولتی را فراهم می‌آورد و از این طریق شهروندان با علت و مبانی قانونی چگونگی ارائه

²² Transparency

خدمات عمومی آشنا می‌شوند و در صورت عدم پذیرش دلایل یا قانع نشدن و تشخیص غیرقانونی بودن، می‌توانند به آن تصمیمات اعتراض یا شکایت نمایند.

در هر حال، وجود فرایند شفاف، اتخاذ تصمیمات و ارائه دلایل قانونی آن‌ها به مردم، تضمین حقوق شهروندی را به همراه دارد، چرا که مقامات دولتی نمی‌توانند تصمیماتی مغایر حق‌های شهروندی بگیرند. یکی از راه‌های شفاف‌سازی تصمیم‌ها در نهادهای عمومی و دلتی، برگزاری جلسات علنی و با حضور رسانه‌ها و شهروندان است. حضور مردم و ذینفعان زمینه هرگونه تصمیم مغایر قانون یا نقض -کننده حقوق شهروندان را از بین می‌برد، چرا که آن‌ها در چشم بینای مردم تصمیم می‌گیرند. درج سازوکارهای شفاف تصمیم‌گیری، وجود مردم یا نهادهای نظارتی هنگام ارائه خدمات عمومی، انجام وظایف کارکنان و مقامات عمومی مطابق قانون و لزوم ارائه گزارش به شهروندان، موجب ارتقای حقوق شهروندی می‌شود.

۳-۳-۴ توسعه رفاه اجتماعی شهروندی

حق رفاه یکی از ابعاد مهم زندگی پیشرفته اجتماعی امروزی است. در اندیشه دولت رفاه، حکومت ملزم به تامین و تضمین حقوق شهروندی در امور رفاهی و امنیت اجتماعی است. حق رفاه شامل مصادیقی نظیر: تامین اجتماعی، امنیت اجتماعی، بهداشت و آموزش همگانی است. در نظریه شهروندی مارشال به نقش دولت رفاه که تامین‌کننده این حقوق است، تاکید دارد. مارشال معتقد بود که حقوق اجتماعی در قرن بیستم در شکل مدرن خود با ایجاد نهادهای دولت رفاه، شامل آموزش همگانی و خدمات بهداشتی و اجتماعی توسعه یافتند و مارشال عنصر اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: «مراد من از عنصر اجتماعی عبارت است از طیف وسیعی از حقوق که برخورداری حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به عنوان یک موجود متمدن، معیارهای حاکم در یک جامعه را دربر می‌گیرد». (نش، ۱۳۹۳: ۱۹۳)

به جهت متنوع بودن نیازهای مختلف انسان در وضعیت فردی و اجتماعی باید از امور رفاهی که لازمه رشد جسمانی و فکری فرد است، برخوردار باشد. «حق داشتن حداقل وسایل و امکانات در زندگی، نخستین حق از حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مبنای حقوق اخیر است. این حق در معنای خاص شامل حق تغذیه، آب و پوشاک می‌باشد. آزادی از فقر، گرسنگی، سوءتغذیه و برهنگی با داشتن این حق ممکن است». (عباسی، ۱۳۹۴: ۲۷۱-۲۷۲) حق‌های عمده‌ای که زیرمجموعه این حق قرار می‌-

گیرند عبارت‌انداز: حق خوراک، پوشاک، بهداشت، مسکن، تشکیل خانواده، تأمین اجتماعی کارآمد، استراحت، اوقات فراغت و غیره.

اسلام در زمینه تأمین و رفاه اجتماعی دستورات و تأکیدات زیادی داشته است، به گونه‌ای که رفاه عمومی مسلمین و رفع هرگونه فقر و محرومیت را از وظایف حاکم اسلامی دانسته است. در این راستا، احکامی نیز مقرر نموده است. این اصول بر مبنای مسئولیت متقابل افراد و سهم بودن آنها بر درآمدهای عمومی شکل گرفته است. قرآن کریم بر این اصول به شیوه‌های متعددی نظیر انفاق، بخشش، صدقه، احسان، خمس، زکات و..... تأکید نموده است. «در راه خدا انفاق کنید و خویشان را به دست خویش به هلاکت نیندازید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد». (سوره بقره، آیه ۱۹۵)

بند (۱) ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در خصوص حق رفاه اجتماعی مقرر می‌دارد: «هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیهوشی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد».

در منشور حقوق شهروندی فصلی به حق رفاه اجتماعی اختصاص یافته است. در این منشور به حق‌های از شهروندان اشاره می‌نماید که موجبات توسعه و ارتقای حقوق شهروندی را فراهم می‌نماید. «آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است». (ماده ۸۵) بر این اساس، هر شهروند از رفاه عمومی و تأمین اجتماعی و خدمات امدادی بهره‌مند می‌شود (ماده ۸۶) و در موارد بیکاری ناخواسته و نداشتن شغل از حق بیمه بیکاری دولتی برخوردار می‌شود. بیمه در ابعاد گسترده و متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی هر شهروند در سطح شهری، روستایی و عشایری، حقوق توسعه روستایی، تأمین اجتماعی و ایمن‌سازی محیط زندگی باید توسط دولت تضمین شود.

یکی از مصادیق رفاه اجتماعی، تضمین و توسعه حقوق زنان بر اساس ماده ۸۸ منشور حقوق شهروندی و بند (۱) اصل ۲۱ قانون اساسی است و دولت مکلف به «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» است. دسترسی زنان به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، در جهت حفظ فرهنگ اسلامی- ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی می‌تواند زمینه ارتقاء

حقوق شهروندی نسبت به زنان و در نهایت سالم سازی خانواده را فراهم نماید. همچنین مطابق بند دوم اصل ۲۱ قانون اساسی در مسیر توسعه حقوق شهروندی، دولت مکلف است از «مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست» حمایت نماید و تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری های شایع زنان را فراهم نماید. (ماده ۸۹)

بر اساس ماده ۹۱ منشور، هر شهروند از محیط زندگی عاری از آسیب های فردی و اجتماعی از جمله مواد مخدر و روان گردان برخوردار است. گروه های آسیب پذیر و مددجویان از اقدامات مؤثر دولت در زمینه توانمندسازی، امید به زندگی و اعمال سیاست های تأمینی برخوردار می شوند.

۳-۵- تسهیل خدمات قضایی

حق های شهروندی پیوند عمیقی با آگاهی شهروندان از مسائل و امور حقوقی و قضایی دارد. تضمین حقوق شهروندی و توسعه آن مستلزم دسترسی آسان و به موقع شهروندان به سازوکارهای قضایی و حقوقی جهت احیای حق های خود می باشند. بسیاری از تعاملات افراد در جامعه، وصف حقوقی دارد و شهروند نیازمند مساعدت و مشورت است. آگاهی بخشی و هدایت شهروندان در استفاده از خدمات قضایی آسان و رایگان یا کم هزینه، نقش بسزایی در صیانت از حق ها و منافع آنها در تعاملات اجتماعی و حقوقی دارد. به طور مثال، شخصی که می خواد ازدواج نماید، چنانچه از قوانین خانواده و آثار حقوقی عقد نکاح و مفهوم تعهداتی نظیر مهریه، حق تعیین مسکن یا نصف دارایی یا وظایف و تکالیف خود مطلع باشد، هنگام انعقاد عقد نکاح بهتر می تواند از حقوق و تکالیف قانونی خود آگاه بوده و تصمیمات بهتری را هم اتخاذ نماید.

برای رسیدن به چنین اهدافی، ارتقاء و توسعه خدمات قضایی می تواند ضمن آگاهی بخشی به شهروندان در حدود و قلمرو حق های آنها در جامعه، به ابعاد و آثار حقوقی اعمال خود اشراف یابند که این امر مستلزم راهبردها و سازوکارهایی است که دولت و نهادهای مدنی باید آنها را تعبیه و تسهیل نمایند. از جمله خدمات حقوقی قابل ارائه به مردم قبل از وقایع حقوقی یا بعد از اعمال حقوقی، می توان به مواردی در نظام حقوقی کشور ایران اشاره نمود:

۱. مراجعه شهروندان به کانون وکلای دادگستری و مرکز مشاوران، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه جهت دریافت خدمات قضایی و مشاوره حقوقی رایگان یا کم هزینه. ۲. دریافت مشاوره حقوقی رایگان در

همه دادگستری‌ها در دفتر معاضدت و ارشاد قضایی. ۳. برقراری ارتباط با دفتر خدمات قضایی قوه قضائیه که به‌طور تمام وقت از طریق سامانه ۱۲۹ پاسخگوی پرسش‌های حقوقی شهروندان است. ۴. تاسیس شبکه رادیویی و تلویزیونی خدمات قضایی جهت آگاهی‌بخشی به شهروندان در خصوص معاملات، عقود، خرید و فروش مسکن و خودور، کلیه دعاوی اعم از خانوادگی، تقسیم ارث، مشارکت در ساخت و ساز و غیره. تاسیس چنین شبکه‌هایی قطعا موجب پیشگیری از ارتکاب جرایم و کاهش حجم دعاوی در دادگاه‌ها می‌شود، چرا که مردم اعمال و تصمیمات خود را با مشورت کارشناسان حقوقی اتخاذ می‌نمایند و دیگر فریب کلاهبرداران را نخواهند خورد. ۵. آموزش مسائل حرفه‌ای و حقوقی توسط کلیه اتحادیه‌ها و اصناف به شهروندان و کسبه در امور حرفه خود. به‌طور مثال آموزش نحوه پیش‌خرید و فروش مسکن و انعقاد قرارداد مشارکت در ساخت توسط اتحادیه مشاورین املاک و توصیه به شهروندان که چنین قراردادهای را حتما در حضور کارشناس حقوقی و یا وکیل دادگستری امضا و منعقد نمایند تا تمام مسائل حقوقی و قضایی در قرارداد درج شود که بعدها گرفتار اختلافات و حضور در دادگاه‌ها نشوند. ۶. الزامی و فعال نمودن دفتر مشاوره حقوقی توسط کلیه ادارات و نهادهای دولتی، غیردولتی و خصوصی جهت آموزش مسائل حقوقی و قضایی و صرفا با بهره‌گیری از تخصص مقامات قضایی، وکلای دادگستری و کارشناسان حقوقی.

ارائه خدمات حقوقی و قضایی قطعا ضمن تضمین حق‌های شهروندی، موجبات رشد و توسعه آن‌ها را فراهم می‌نماید و از خیلی چالش‌ها، درگیرها و تنش‌های اجتماعی جلوگیری خواهد نمود و از هزینه طرح دعاوی در دادگاه‌ها و حجم دعاوی کاسته خواهد شد و جامعه در مسیر به‌سامانی قرار خواهد گرفت. همچنین زمینه ارتکاب جرایم و تخلفات در جامعه کاهش می‌یابد و شهروندان با دانش حقوقی در معرض آسیب و فریب بزه‌کاران و مجرمین قرار نخواهند گرفت و حتی با داشتن دانش کافی و مشورت حقوقی، می‌توانند منافع خود را بهتر تامین نموده یا آن‌ها را ارتقاء دهند.

خلاصه فصل سوم

حقوق شهروندی در مقام نظر و عمل، می‌تواند فاصله زیادی از هم داشته باشند. برای رفع این خلاء، صرف وضع قوانین و مقررات حقوق شهروندی در نظام سیاسی و حقوقی کافی نیست، بلکه سازوکارهای و اقدامات موثر و عملی توسط شهروندان و نهادهای دولتی باید اتخاذ شود. بی شک لازمه نظام کارآمد حقوق شهروندی، درج انواع و اقسام حقوق و آزادیهای شهروندان در اسناد قانونی است اما

- الف) قوه قضائیه
 ب) قوه مجریه
 ج) وزارت دادگستری
 د) مجلس
- ۳- کمیسیون انتشار و دسترسی به اطلاعات به دستور کدام مقام تشکیل شده است؟
 الف) مقام رهبری
 ب) وزیر کشور
 ج) رئیس مرکز ملی فضای مجازی
 د) رئیس جمهور
- ۴- ارائه خدمات حقوقی و قضایی به طور رایگان به شهروندان در مراجع قضایی تحت کدام عنوان صورت می گیرد؟
 الف) هدایتگری قضایی
 ب) مساعدت حقوقی
 ج) معاضدت و ارشاد قضایی
 د) مشاوره حقوقی
- ۵- کمیسیون حقوق بشر اسلامی جزو کدامیک از نهادهای حقوق شهروندی است؟
 الف) مردم-نهاد
 ب) حاکمیتی
 ج) خاص
 د) حکومتی یا ملی

فصل چهارم

اسناد و متون قانونی حقوق شهروندی

اهداف کلی

هدف اساسی این فصل عبارتند از: آگاهی بخشی به دانشجویان در خصوص قوانین و مقررات مرتبط با حقوق شهروندی که توسط مراجع قانونی، قضایی و اداری در نظام جمهوری اسلامی ایران وضع شده است.

هدف‌های یادگیری

- در پایان این فصل انتظار می‌رود دانشجو در مباحث ذیل توانمند شود:
۱. آشنایی با اصول قانون اساسی مرتبط با حقوق شهروندی.
 ۲. اطلاع از متون و اسناد قانونی حقوق شهروندی.
 ۳. درک مفاهیم و مصادیق حقوق شهروندی.
 ۴. آشنایی با حق‌ها و تکالیف شهروندی مقرر در قوانین و مقررات.
 ۵. آگاهی از وظایف و تکالیف مقامات و نهادهای عمومی و دولتی در برابر شهروندان.
 ۶. اطلاع از شیوه‌های تامین و تضمین حقوق شهروندی مقرر در قوانین و مقررات.

مقدمه

نظام حقوقی هر کشوری متشکل از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، تاسیسات، ابزارها، روش‌ها، رویه‌ها، ساختارها، سازمان‌ها، مقامات، قوانین و مقررات می‌باشد. در این راستا شناخت از نوع و ماهیت هر نظام سیاسی و حقوقی، مستلزم بررسی محتوای قوانین و مقررات آن کشور می‌باشد که انعکاس دهنده موارد یاد شده است. در واقع قوانین و مقررات وضع شده در یک کشور، انعکاس دهنده ماهیت رژیم سیاسی و حاکمیت نظام و محتوای نظام حقوقی است.

برای درک ماهیت، محتوا، قلمرو و مصادیق حقوق شهروندی نیز باید به نظام حقوقی کشور توجه شود و با بررسی قوانین و مقررات آن نظام، می‌توان به درک درستی از جایگاه حقوقی شهروندی دست یافت. حقوق شهروندی در کشور جمهوری اسلامی ایران، متأثر از اسلامی و جمهوری بودن نظام سیاسی مقرر در اصول قانون اساسی بویژه اصل اول و چهارم است که حکایت از مردمی و اسلامی بودن نظام سیاسی دارد. انواع حق‌ها و تکالیف مرتبط با شهروندی در ایران در متون و اسناد قانونی متعددی تأمین و تضمین شده است. هریک از قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه و قضائیه) در مقام وضع قوانین و مقررات متنوعی برآمده‌اند که در همسویی با اصول قانون اساسی قرار دارند. لذا آشنایی کامل با محتوای آنها نقش موثری در به‌سامانی اجتماعی، مطالبه‌گری شهروندان، پاسخگویی مسئولین، تسهیل انجام خدمات عمومی، تأمین رفاه و امنیت اجتماعی خواهد داشت. لذا در این فصل با اهم قوانین و مقررات حقوق شهروندی آشنا می‌شویم.

۴-۱ اصول قانونی اساسی پیرامون حقوق شهروندی و حقوق بشر

اصل سوم- دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به‌کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۲- بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵- طرح کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

۷- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

- ۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور.
- ۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.
- ۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.
- ۱۳- تامین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.
- ۱۴- تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
- ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
- ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

فصل سوم: حقوق ملت

- اصل ۱۹- مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.
- اصل ۲۰- همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.
- اصل ۲۱- دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:
- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
 - ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.
 - ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
 - ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.
 - ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.
- اصل ۲۲- حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل ۲۳- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل ۲۴- نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

اصل ۲۵- بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل ۲۶- احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل ۲۷- تشکیل اجتماعات و راهپیماییها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل ۲۸- هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل ۲۹- برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تامین کند.

اصل ۳۰- دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل ۳۱- داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل ۳۲- هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل ۳۳- هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل ۳۴- دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل ۳۵- در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل ۳۶- حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل ۳۷- اصل، براءت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل ۳۸- هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل ۳۹- هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعیدشده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل ۴۰- هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل ۴۱- تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل ۴۲- اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی

اصل ۴۳- برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، باحفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا وساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶- منع اسراف و تبذیر در همه شؤون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

۴-۲- تصویبنامه شورای عالی اداری: «طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب رجوع در نظام

اداری» مصوب ۱۳۸۱/۱/۲۵

کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، بانکها، شهرداریها، نهادهای انقلاب اسلامی و سایر دستگاههایی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند.

شورای عالی اداری در نودمین جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۵ بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به منظور تکریم و جلب رضایت مردم و ارباب رجوع نسبت به عملکرد واحدهای اجرایی کشور تصویب نمود، کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، شرکتهای و مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام هستند، از جمله نیروی انتظامی، شهرداری تهران و سایر شهرداریها، بانکها و شرکتهای بیمه، همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند نسبت به انجام موارد زیر اقدام نمایند.

شفاف و مستندسازی نحوه ارائه خدمات به ارباب رجوع:

ماده ۱- کلیه مدیران، رؤسا و مسئولین واحدهای ستادی و اجرایی دستگاههای موضوع این مصوبه (واحدهای دارای ارباب رجوع مستقر در مرکز، استان، شهرستان و بخش و ...) مکلفند، جهت شفاف‌سازی نحوه ارائه خدمات به مردم حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۱/۷/۱، اطلاعات لازم در خصوص خدمات قابل ارائه به ارباب رجوع را به نحوی که حاوی موارد زیر باشد، مستند کرده و در اختیار مراجعین قرار دهند:

- نوع خدمات قابل ارائه به ارباب رجوع.

- مقررات مورد عمل و مراحل انجام کار.

- مدت زمان انجام کار.

- مدارک مورد نیاز و فرمهای مورد عمل.

- عنوان واحد، محل استقرار، نام متصدی انجام کار و تعیین اوقات مراجعه.

- نوع فن‌آوری مورد استفاده.

تبصره: رؤسای واحدهای اجرایی در مرکز و استان موظفند یک نسخه از اطلاعات و مکتوبات ارائه شده به مردم را حسب مورد به دبیرخانه شورای تحول اداری دستگاه متبوع در مرکز یا کمیسیونهای تحول اداری مربوط در استان ارسال نمایند.

اطلاع‌رسانی از نحوه ارائه خدمات به مردم:

ماده ۲- کلیه اطلاعات مذکور در ماده یک باید به ترتیب اولویت و از طُرُق ذیل به اطلاع عموم مردم و مخاطبین برسد:

- نصب در تابلوی راهنما در مبادی ورودی و در معرض دید مراجعین.

- تهیه بروشور و توزیع بین ارباب رجوع و مخاطبین.

نصب نام و نام خانوادگی، عوامل متصدی انجام کار، پست سازمانی و رئوس وظایف اصلی کارکنان در محل استقرار آنان.

- راه اندازی خط تلفن گویا برای راهنمایی مردم حداکثر ظرف « ۷ » ماه از تاریخ ابلاغ مصوبه.

ماده ۳- دستگاه‌های مشمول این مصوبه مکلفند نسبت به تهیه کتاب راهنمای مراجعین و ایجاد سایت اینترنتی جهت اطلاع‌رسانی در خصوص خدمات قابل ارائه دستگاه‌های اجرایی به مردم و ارباب رجوع بر اساس بخشنامه‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام نمایند.

تدوین منشور اخلاقی سازمان در ارتباط با مردم

ماده ۴- دستگاه‌های مشمول این مصوبه موظفند نسبت به تهیه و تدوین منشور اخلاقی سازمان متبوع مشتمل بر موارد ذیل با توجه به مبانی اعتقادی و اخلاقی برای تثبیت رفتارهای مناسب شغلی مورد انتظار جهت ارج نهادن و احترام به مردم اقدام نمایند:

الف - نظم و آمادگی برای ارائه خدمات به مردم، وقت‌شناسی، نظم و آراستگی لباس...

ب - رعایت ادب و نزاکت، عدالت و انصاف در ارائه خدمات خوب به مردم، همکاری و خوش‌برخوردی.

ج - آمادگی برای ارائه اطلاعات و توضیحات کافی در هنگام موردنیاز به خدمت‌گیرندگان.

د - وجود تمایلات مثبت به کار، متناسب با نوع کار و فعالیتها.

هـ - برای احترام به ارباب‌رجوع کلیه واحدهای اجرایی موظفند فضای مناسب اداری برای حضور ارباب‌رجوع اختصاص دهند و امکانات و تسهیلات لازم را برای آسایش و استقرار آنان فراهم نمایند.

و- تمامی واحدها مکلفند نام و نام خانوادگی عوامل متصدی انجام کار، پست سازمانی و فهرست اصلی وظایف کارکنان خود را در محل استقرار آنان به نحو مناسب و قابل رؤیت برای مراجعان نصب نمایند.

ز- واحدهای اجرایی موظفند به منظور کاهش ارتباط کارکنان و ارباب‌رجوع و نیز رعایت شأن مردم نسبت به ایجاد گیشه‌های خدماتی بر اساس مصوبه شماره ۵۰۵۱/دش/۱ مورخ ۱۳۷۵/۵/۲۰ شورایعالی اداری اقدام نمایند.

بهبود و اصلاح روش‌های ارائه خدمات به مردم:

ماده ۵ - رؤسای هر یک از واحدهای اجرایی موظفند حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۱/۷/۱ روش‌های مورد عمل خود را با رعایت قوانین و مقررات مربوط و با کسب نظر از متصدیان ارائه خدمات و خدمت‌گیرندگان، اصلاح و ضمن اجرا، یک نسخه از روش اصلاح شده را برای کمیسیون تحول اداری دستگاه مربوط در استان ارسال دارند.

تبصره: کمیسیون تحول اداری دستگاه در استان حداکثر ظرف « ۲ » ماه از زمان وصول پیشنهادها از بین روش‌های اصلاح شده، بهترین روش را حسب مورد برای شورا یا کمیسیون تحول اداری دستگاه متبوع ارسال خواهد نمود.

ماده ۶ - شورا یا کمیسیون تحول اداری دستگاه موظف است، روش‌های اصلاح شده پیشنهادی را مجدداً بررسی و ممیزی نموده و بهترین روش قابل تسری را انتخاب نموده و پس از تطبیق با قوانین و مقررات و بهسازی آنها، جهت اجراء به کلیه واحدهای استانی و شهرستانی و ... تابعه ابلاغ نماید. تبصره: دستگاه‌هایی که فاقد شورا یا کمیسیون تحول اداری می‌باشند، بررسی‌های فوق‌الذکر توسط واحدهای تخصصی مربوط انجام خواهد شد.

ماده ۷- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است برای آشنایی مدیران، رؤسا، عوامل و متصدیان واحدهای اجرایی، دستورالعمل نحوه مستندسازی و اصلاح روشهای انجام کار و شیوه‌های اطلاع‌رسانی ارائه خدمات را به روش ساده ظرف مدت ۴۵ روز تهیه و تنظیم و در اختیار دستگاهها قرار دهد.

تبصره - مرکز آموزش مدیریت دولتی و واحدهای آموزشی دستگاههای اجرایی موظفند، آموزشهای لازم را براساس دستورالعمل‌های مربوط حداکثر در ۱۲ ساعت به مدیران، رؤسا، عوامل و متصدیان واحدهای مشمول که متقاضی آموزش هستند، ارائه نمایند.

نظرسنجی از مردم:

ماده ۸ - واحدهای اجرایی موظفند هنگام ورود ارباب رجوع، برگ نظرسنجی در اختیار وی قرار دهند و نظر ارباب رجوع را در خصوص نحوه گردش کار، همچنین تطبیق یا عدم تطبیق آن با اطلاعات اعلام شده قبلی و رفتار متصدیان انجام کار جويا شوند. برگ نظرسنجی می‌تواند ظهر برگ ملاقات و یا به هر طریق دیگر با رعایت صرفه‌جویی و اختصار طراحی شود.

تبصره ۱- واحدهای اجرایی موظفند نسبت به راهاندازی و استقرار پست صوتی و صندوق پیشنهادات به منظور اخذ مشاوره و راهنمایی از مردم اقدام نمایند.

تبصره ۲- در پایان هر ماه برگهای نظرسنجی توسط رئیس واحد مربوطه، بررسی و کسانی که براساس دستورالعمل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بر مبنای نظرسنجی مردم از حد انتظار بالاتر ارزیابی شوند مورد تشویق قرار گیرند و با کارکنانی که موجبات عدم رضایت ارباب رجوع را فراهم کرده‌اند، برخورد قانونی شود.

ماده ۹- مرکز آمار ایران در مرکز و استانها موظف است جهت سنجش میزان رضایت مردم از دستگاههای اجرایی ملی و استانی مشمول این مصوبه سالیانه طرح افکارسنجی میزان رضایت مردم را اجراء و نتایج بدست آمده را به تفکیک دستگاهها در بهمن ماه هر سال به دولت ارائه نماید.

نظارت بر حُسن رفتار کارکنان دستگاههای اجرایی با مردم:

ماده ۱۰- کلیه دستگاههای مشمول این مصوبه موظفند جهت تحقق اهداف مصوبه و نظارت بر اجرای آن، همچنین پیگیری، راهنمایی و رفع موانع و ارزیابی عملکرد واحدهای سازمانی تحت مدیریت خود اقدامات ذیل را انجام دهند.

الف - تجهیز واحدهای بازرسی و رسیدگی به شکایات جهت بازرسی و تهیه گزارشهای لازم.

ب - انتخاب بازرس ویژه از طرف وزیر یا بالاترین مقام مسئول دستگاه برای بازرسی، راهنمایی و ارائه گزارش مستمر از پیشرفت و اجرای مصوبه.

تبصره - برای هر وزارتخانه یا سازمان مستقل، و استانداریها انتخاب حداقل ۵ بازرس به طریق مذکور در بند «ب» ضروری می‌باشد.

ماده ۱۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و استانداران استانها موظف هستند بر حُسن اجرای این مصوبه نظارت نمایند و موارد عدم اجرای مصوبه را به وزیر یا بالاترین مقام مسئول دستگاه گزارش کنند. مقام مسئول پس از بررسی موضوع و در صورت مواجه بودن علت عدم اجرای مصوبه، ضمن ارائه راهنمایی‌های لازم برای واحد ذیربط، مدت یکماه را جهت رفع مشکل تعیین و اجرای آن را پیگیری کند. در صورتیکه در مدت تعیین شده نسبت به اجرای مصوبه در واحد مربوطه اقدام نگردد، مراتب از طریق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به رئیس جمهوری گزارش می‌شود.

تبصره ۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و استانداران برای اجرای این مصوبه به تعداد مورد نیاز به کارشناسان متعهد، متخصص و ذیصلاح خود در مرکز و استانها، حکم بازرسی صادر خواهند نمود.

این کارشناسان ضمن مراجعه به واحدهای اجرایی دستگاههای مشمول مصوبه، نحوه انجام امور را بررسی و نسبت به تهیه گزارش اقدام می‌نمایند. دستگاههای مشمول این مصوبه موظف به همکاری در جهت حسن اجرای مأموریتهای محوله با کارشناسان اعزامی سازمان یا بازرسان استانداری می‌باشند. تبصره ۲- کارشناسان و بازرسان منتخب پس از طی آموزشهای لازم با استفاده از چک لیستهای هماهنگ و استاندارد نسبت به انجام مأموریت محوله اقدام می‌نمایند.

تبصره ۳- استانداران می‌توانند از بین افراد صاحب صلاحیت و واجد شرایط، متعهد و متخصص دانشگاهی یا بازنشسته که داوطلب نظارت بر اجراء این مصوبه می‌باشند. پس از تأیید ستاد برنامه‌ریزی تحول اداری استان، ناظر یا بازرس افتخاری، انتخاب و حکم صادر نمایند.

تبصره ۴- شورای اسلامی شهر، شهرستان و استان در صورت نیاز به نظرات مردمی، بازرسان واجد شرایط خود را به استاندار استان مربوط پیشنهاد می‌نمایند، تا به عنوان ناظر یا بازرس افتخاری با رعایت تبصره ۳ این ماده انتخاب و حکم صادر شود.

تشویق و تقدیر از مدیران و کارکنان موفق و برخورد قانونی با مدیران و کارکنانی که موجب نارضایتی مردم می‌گردند:

ماده ۱۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است جهت اعمال و تأثیر نظرات مردم و ارباب رجوع در وضعیت استخدامی کارکنان دستگاههای مشمول این مصوبه، نسبت به تهیه و تنظیم لوایح و مصوبات مربوط در زمینه تشویق و تنبیه کارکنان و رسیدگی به شکایات ارباب رجوع، حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این مصوبه، اقدام نماید. این مقررات باید به نحوی وضع شود که رعایت حقوق مردم و کسب رضایت ارباب رجوع در چارچوب مقررات موضوعه، در دستگاههای اجرایی را تأمین نماید.

تبصره تا تصویب لوایح و مصوبات پیش‌بینی شده در ماده ۱۲، دستگاههای مشمول این مصوب می‌توانند از محل اعتبارات بودجه جاری، مازاد درآمد موضوع تبصره ذیل ماده ۷۶ قانون برنامه سوم، اعتبارات خارج از شمول، و سایر منابع با استفاده از اختیارات مربوط نسبت به تشویق و پرداخت پاداش به مدیران و کارکنانی که در اجرای این مصوبه موجب جلب رضایت مردم می‌گردند، اقدام نمایند. برای تسریع در انجام این تبصره، اختیارات لازم جهت پرداخت پاداش از طریق مقامات مسئول به مدیران استانی و رؤسای شهرستانها اعطاء گردد.

ماده ۱۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است نسبت به تهیه و تدوین دستورالعمل تشویق و تنبیه حاوی اعطای لوح، تحت عنوان جایزه تکریم، اعطای جوایز نقدی و همچنین برخوردهای قانونی به همراه چگونگی معرفی کارکنان و مدیران واحدهای اجرایی و سازمانها و مؤسسات در فضای محلی، منطقه‌ای و ملی که بیشترین و بهترین اقدامات را جهت کسب رضایت مردم و بهبود کیفیت خدمات خود انجام داده‌اند، اقدام نماید.

تبصره - ارباب رجوع و مراجعینی که پیشنهاد سازنده آنان در اصلاح روشهای انجام کار و رضایت مردم مؤثر واقع شده است نیز مشمول تشویق این ماده هستند.

ماده ۱۴- وزراء و رؤسای دستگاه‌های مستقل موظفند براساس گزارش‌های واصله از نمایندگان خود و استانداران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ضمن انجام تشویق‌ها و تقدیرهای لازم، درمورد مدیران بی‌تفاوت و غیرمؤثر که موجبات رفع مشکلات مردم را فراهم نمی‌کنند، درصورت عدم توجه به تذکرات مربوط، نسبت به عزل آنها و انعکاس موضوع برحسب اهمیت در محیط سازمانی و خارج از آن و سایر برخوردهای قانونی، اقدام نمایند.

سایر موارد اجرایی

ماده ۱۵ - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است برای پیشگیری و مبارزه با ارتشاء و ریشه‌کنی آن در دستگاههای اجرایی، لایحه قانونی تشدید مبارزه با این پدیده مذموم را حداکثر ظرف سه ماه تهیه و به هیأت دولت تقدیم نماید.

ماده ۱۶ - وزراء و رؤسای دستگاههای مشمول این مصوبه موظفند با فعال نمودن شوراهای کمیسیون‌های تحول اداری و معاونت‌ها و مدیریت‌های ذیربط نسبت به آموزش و توجیه مدیران، رؤسا و کارشناسان واحدهای مربوط اقدام نموده، پیگیری و اجرای این مصوبه را در اولویت اول دستگاه خود قرار دهند.

ماده ۱۷- در اجرای ماده ۱۶۷ قانون برنامه سوم توسعه، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نسبت به اطلاع‌رسانی و فراگیر سازی مفاد این طرح اقدام می‌نماید.

ماده ۱۸- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مسئول نظارت بر اجراء دقیق این مصوبه است، که از طریق مختلف (منجمله تشکیل جلسات مستمر با نمایندگان تام‌الاختیار دستگاههای اجرایی) گزارشهای

پیشرفت مصوبه را اخذ و به رئیس جمهور گزارش نموده و در شورای عالی اداری مطرح می‌نماید و موارد عدم پیشرفت فعالیتها را از وزیر مربوطه در شورای مذکور پیگیری می‌نماید. تبصره - استانداران مسئول پیگیری و نظارت بر اجراء موضوع این مصوبه در استان مربوطه هستند و ضمن در اولویت قراردادن موضوع، مساعدتهای لازم را اعمال و با تذکر مواردی که سستی یا بی‌تفاوتی نسبت به اجراء این مصوبه مشاهده می‌کنند گزارش پیشرفت را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و رئیس جمهور یا معاون اول ایشان ارائه می‌نمایند.

ماده ۱۹- دستگاههای اجرایی مشمول این مصوبه در صورت نیاز می‌توانند هزینه‌های اجرای این مصوبه را تا سقف اعتبارات مصوب در موافقتنامه‌های بودجه هزینه‌ای و سرمایه‌ای پیش‌بینی نمایند و در صورتیکه برای توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نیاز گسترده‌ای به امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری باشد، چنانچه در بودجه مصوب پیش‌بینی نشده باشد با ارائه طرح و پروژه‌های مربوطه می‌توانند از اعتبارات پیش‌بینی شده در بند «الف» تبصره «۱۳» بودجه سال ۱۳۸۱ استفاده نمایند. تبصره - دستگاههای اجرایی استانی می‌توانند برای اجرای این مصوبه با تأیید سازمان و مدیریت برنامه‌ریزی استان از اعتبارات مازاد درآمد موضوع تبصره ذیل ماده ۷۶ قانون برنامه سوم توسعه استفاده نمایند.

ماده ۲۰- دستگاههای اجرایی مشمول موظفند گزارش عملکرد خود را در خصوص این مصوبه هر سه ماه یکبار به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال و سازمان مذکور نیز موظف است، هر ۶ ماه یکبار اطلاعات واصله را جمع‌بندی و نتایج آن را برحسب مورد به شورای عالی اداری گزارش نماید. معاون رئیس جمهور و دبیر شورای عالی اداری - محمد ستاری فر

۴-۳- قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی که قبلاً به در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۵ تحت عنوان بخشنامه حقوق شهروندی توسط رئیس قوه قضائیه ابلاغ شده بود)

ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

- ۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلايق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.
- ۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.
- ۳- محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.
- ۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع وکلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.
- ۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.
- ۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایزدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.
- ۷- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.
- ۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.
- ۹- هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

- ۱۰- تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.
- ۱۱- پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.
- ۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد با سواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.
- ۱۳- محاکم و دادرها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.
- ۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادرها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به‌عمل آید.
- ۱۵- رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به‌منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.
- قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳،۲،۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

۴-۴ دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳/۲/۱۵ رئیس قوه قضائیه

ماده ۱- برای نظارت بر حسن اجرای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، «هیأت نظارت مرکزی» موضوع بند ۱۵ این قانون مرکب از اعضای شورای معاونان قوه قضائیه تشکیل می شود.

تبصره ۱- رئیس قوه قضائیه ریاست هیأت نظارت مرکزی را بر عهده دارد و می تواند آن را به یکی از معاونان خود واگذار کند.

تبصره ۲- از سایر مسئولین ذیربط حسب مورد پس از موافقت رئیس قوه قضائیه دعوت به عمل می آید.

ماده ۲- وظایف هیأت نظارت مرکزی به شرح زیر است:

الف) نظارت بر حسن اجرای قانون یاد شده در کشور و ایجاد رویه واحد؛

ب) اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات؛

ج) بررسی گزارش هیأتهای نظارت و بازرسی استان ها و ارزیابی چگونگی اجرای قانون؛

د) اعزام گروههای بازرسی فوق العاده به دستگاههای مشمول این دستورالعمل؛

هـ) ارسال شکایتها و گزارشهای واصله به مرجع مربوط و پیگیری آنها تا رسیدن به نتیجه؛

و) پیشنهاد تشویق و تنبیه براساس گزارش هیأتهای بازرسی؛

ز) تهیه گزارش درخصوص روند اجرای قانون در کشور هر سه ماه یک بار؛

ح) ارائه گزارش از چگونگی روند اجرای قانون هر ۶ ماه یکبار به مردم

ماده ۳- دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی در حوزه دفتر رئیس قوه قضائیه تشکیل و دبیر هیأت از میان دارندگان پایه ۸ قضایی و بالاتر با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می شود.

تبصره: دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی نسبت به انتشار عکس و هویت نقض کنندگان حقوق شهروندی پس از قطعیت یافتن احکام آنان در رسانه های گروهی، جراید کثیرالانتشار و پایگاه (سایت) اطلاع رسانی اقدام می نماید.

ماده ۴- در مرکز هر استان، هیأتی مرکب از حداکثر پنج نفر قاضی دادگستری، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دفتر بازرسی کل کشور و نماینده دادسرای انتظامی قضات بعنوان «هیأت نظارت و بازرسی استان» تشکیل می شود.

تبصره ۱- رئیس کل دادگستری استان ریاست هیأت نظارت و بازرسی استان را برعهده دارد. دبیرخانه این هیأت در حوزه ریاست کل دادگستری استان تشکیل می شود.

ماده ۵- اعضای هیأت نظارت و بازرسی به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان، حسب مورد پس از هماهنگی با رئیسان مستقیم آنها با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می شوند.

ماده ۶- رئیس کل دادگستری استان با مشورت اعضاء هیأت، برنامه نظارت و بازرسی دوره ای شش ماهه استان را تنظیم و به هیأت نظارت مرکزی اعلام می کند.

ماده ۷- رئیس هیأت نظارت و بازرسی استان اعضاء هیأت را در گروههای دو یا سه نفره با حکم مأموریت به مراجع قضایی، انتظامی و سایر دستگاههای مشمول این دستورالعمل اعزام می نماید.

ماده ۸- وظایف گروههای نظارت و بازرسی به شرح زیر است:

الف) انجام بازرسیهایی که رئیس کل دادگستری استان به آنها محول می کند و تکمیل پرسشنامه هایی که به این دستورالعمل پیوست است؛

ب) رسیدگی به گزارشها و شکایتهای مربوط به قانون یادشده که رئیس کل دادگستری استان به آنها ارجاع می کند؛

ج) ارائه پیشنهاد تشویق و تنبیه و اصلاح روشها

ماده ۹- گروههای نظارت و بازرسی با حضور در محل مأموریت و ملاحظه پرونده ها، دفاتر و پیشینه های قضایی و اداری، بازدید از بازداشتگاهها و زندانها و مصاحبه با افراد و بررسی اقدامهایی که به منزله ضابط قوه قضائیه انجام می شود، چگونگی حفظ و رعایت حقوق شهروندی را بررسی کرده و گزارش لازم را طبق مفاد این دستورالعمل تهیه می کنند.

ماده ۱۰- گروههای نظارت و بازرسی می توانند با کلیه افراد بازداشت شده و زندانی و سایر افرادی که لازم بدانند، ملاقات و مصاحبه کرده و از پرونده ها، دفاتر و تمامی پیشینه های قضایی و اداری مربوط به موضوع رونوشت و تصویر تهیه کنند.

ماده ۱۱- تعداد و چگونگی پرونده هایی که گروههای نظارت و بازرسی انتخاب می کنند، براساس روش آماری است که دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی تدوین و ابلاغ می کند.

ماده ۱۲- گروههای نظارت و بازرسی گزارش خود را در دو نسخه به رئیس کل دادگستری استان ارائه می کنند. رئیس کل دادگستری استان ضمن اتخاذ تدابیر لازم برای رعایت آزادیهای مشروع و حفظ

حقوق شهروندی و جلوگیری از نقض آن، یک نسخه از گزارش را به دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی قوه قضائیه می فرستد.

ماده ۱۳- در صورتی که گروههای نظارت و بازرسی در جریان رسیدگی به گزارش یا شکایتهای ارجاع شده، از موارد دیگر نقض قانون یاد شده آگاه شوند، باید مراتب را فوراً به صورت مکتوب به رئیس کل دادگستری استان گزارش کنند.

ماده ۱۴- گروههای نظارت و بازرسی در صورت مشاهده نقض آشکار حقوق شهروندی از قبیل بازداشت غیرقانونی، رفتار خشونت آمیز و تحقیر افراد به گونه‌ای که ادامه آن آثار جبران ناپذیری در پی داشته باشد، باید بی درنگ موضوع را حسب مورد به قاضی دادگاه یا دادستان مربوط اعلام کنند. اعلام گروه نظارت و بازرسی در این گونه موارد حکم گزارش موثق را داشته و مقامهای قضایی یاد شده مکلف به رفع اثر از نقض حقوق شهروندی اند.

ماده ۱۵- در صورتی که گزارش گروههای نظارت و بازرسی متضمن اعلام جرم یا تخلف انتظامی و اداری باشد، رئیس کل دادگستری استان حسب مورد موضوع را برای رسیدگی به مرجع قضایی یا اداری صلاحیت دار و یا دادستان انتظامی اعلام می کند. رئیس کل دادگستری استان موضوع را تا حصول نتیجه و اعلام به هیأت نظارت مرکزی پیگیری می نماید.

تبصره: رسیدگی به موارد پیش گفته در مراجع قضایی و انتظامی با رعایت اولویت خواهد بود.

ماده ۱۶- دادیاران دادرسی انتظامی قضات، بازرسان قضایی سازمان بازرسی کل کشور، رئیسان حفاظت اطلاعات قوه قضائیه در استانها و هریک از قضات دادرسی و دادگاهها که از نقض حقوق شهروندی به تناسب وظایف محوله آگاه شوند، موظف اند با قید فوریت رئیس کل دادگستری استان و یا هیأت نظارت مرکزی را با فرستادن گزارش کتبی آگاه کنند.

ماده ۱۷- تشکیل هیأتهای نظارت و بازرسی بر حقوق شهروندی مانع وظایف دادستانهای عمومی و انقلاب و نظامی از حیث نظارت بر عملکرد ضابطان نیست و دادستانها و قضات دادرسی عمومی و انقلاب و نظامی موظف اند در صورت مشاهده نقض آزادیهای مشروع و حقوق شهروندی، طبق ماده ۱۴ این دستورالعمل اقدام کرده و رئیس هیأت نظارت و بازرسی استان را نیز به طور کتبی از موضوع آگاه کنند.

ماده ۱۸- در تهران، سایر مراکز استانها و شهرستانها، شعبه هایی از دادرسیهای عمومی و انقلاب و نظامی و دادگاههای جزایی عمومی، دادگاههای کیفری استان و دادگاههای نظامی را حسب مورد رئیس

کل، دادستان و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان برای رسیدگی به جرمهای موضوع این قانون تعیین می کنند و رسیدگی به پرونده های مربوط فقط در همان شعبه ها انجام می شود. تبصره: رئیس کل دادگستری استان مشخصات این شعبه ها را به دبیرخانه هیأت نظارت مرکزی ارسال می نماید.

ماده ۱۹- کلیه مراجع قضایی، انتظامی، اطلاعاتی، ضابطان قوه قضائیه، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و سایر دستگاههای ذیربط مشمول مقررات این دستورالعمل بوده و ملکف به رعایت و همکاری در اجرای آن اند.

ماده ۲۰- این دستورالعمل در ۱۹ ماده و ۵ تبصره به همراه سه پرسشنامه در تاریخ ۸۳/۸/۳۰ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده و برای اجرا به مراجع ذیربط ابلاغ می شود.

۴-۵- مصوبه شورای عالی اداری در خصوص «حقوق شهروندی در نظام اداری» در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۹

شورای عالی اداری در یکصد و هفتاد و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۹ به پیشنهاد سازمان اداری و استخدامی کشور، به منظور رفع تبعیض و ایجاد نظام اداری پاسخگو و کارآمد، با هدف بهبود و ارتقای سطح حقوق شهروندی، بهره‌مندی شهروندان از ظرفیت های ایجاد شده، تسهیل در تحقق اهداف سیاست های کلی نظام اداری، فصل سوم قانون مدیریت خدمات کشوری، بخش هفتم از «برنامه جامع اصلاح نظام اداری» مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ هیأت وزیران و همچنین «منشور حقوق شهروندی»، ابلاغ شده در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۹، «حقوق شهروندی در نظام اداری» را به شرح پیوست (ممه‌ور به مهر دبیرخانه شورای عالی اداری) تصویب نمود.

فصل اول- اصول و مبانی

ماده ۱- اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری منبعث از منشور حقوق شهروندی عبارتند از:

۱. اداره شایسته امور کشور بر پایه قانون مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف توسط همه مسئولین و کارکنان دستگاه های اجرایی الزامی است.

۲. رعایت قانون و انجام امور اداری مردم مبتنی بر اصل بی‌طرفی و پرهیز از هرگونه پیش‌داوری، منفعت‌جویی یا غرض‌ورزی شخصی بدون در نظر گرفتن گرایش‌های سیاسی، قومی و رابطه خویشاوندی، توسط همه مسئولین و کارکنان دستگاه‌های اجرایی الزامی است.
۳. امکان دسترسی سهل و بدون تبعیض شهروندان به مراجع صالح و بی‌طرف قضایی، اداری و نظارتی، به منظور دادخواهی آزادانه برای شهروندانی که، تصمیمات نهادهای اداری و یا کارکنان را خلاف قوانین و مقررات بدانند.
۴. الزام به اطلاع‌رسانی تصمیمات و اقدامات اداری همه مسئولین و کارکنان دستگاه‌های اجرایی، که به نوعی حقوق و منافع مشروع شهروندان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند.
۵. امکان دسترسی مستمر شهروندان به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای پاسخگویی و ارائه راهنمایی‌های لازم در چارچوب وظایف محوله.
۶. الزام به ارائه و انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه‌بندی شده و مورد نیاز شهروندان توسط دستگاه‌های اجرایی.
۷. امکان دسترسی شهروندان به اطلاعات شخصی خود که توسط اشخاص و موسسات ارائه‌دهنده خدمات عمومی جمع‌آوری و نگهداری می‌شود و اجتناب از ارائه اطلاعات خصوصی شهروندان به دیگران، بدون وجود قانون الزام‌آور یا رضایت خود فرد.
۸. امکان بهره‌گیری غیر تبعیض‌آمیز شهروندان از مزایای دولت الکترونیک و خدمات الکترونیکی، فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی کاربران در نظام اداری.
۹. فراهم کردن زمینه قانونی بهره‌گیری شهروندان از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر زنان و مردان در قبال کار یکسان و اجتناب از رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی، تبعیض‌آمیز و روش‌های ناقض حریم خصوصی در فرآیند جذب و گزینش.

فصل دوم - مصادیق حقوق شهروندی در نظام اداری

ماده ۲- مصادیق حقوق شهروندی در نظام اداری عبارتند از:

- ۱- حق برخورداری از کرامت انسانی و رفتار محترمانه و اسلامی
- ۲- حق برخورداری از اعمال بیطرفانه قوانین و مقررات
- ۳- حق مصون بودن از تبعیض در نظام‌ها، فرآیندها و تصمیمات اداری
- ۴- حق دسترسی آسان و سریع به خدمات اداری

- ۵- حق حفظ و رعایت حریم خصوصی همه افراد
- ۶- حق آگاهی به موقع از تصمیمات و فرآیندهای اداری و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز
- ۷- حق اظهارنظر آزاد و ارایه پیشنهاد در مورد تصمیمات و فرآیندهای اداری
- ۸- حق مصون بودن از شروط اجحاف آمیز در توافقات، معاملات و قراردادهای اداری
- ۹- حق اشخاص توانخواه در برخورداری کامل و سریع از امتیازات خاص قانونی
- ۱۰- حق رسیدگی به موقع و منصفانه به شکایات و اعتراضات
- ۱۱- حق جبران خسارات وارده در اثر قصور یا تقصیر دستگاه های اجرایی و کارکنان آن ها
- فصل سوم- تکالیف کارکنان و دستگاه های اجرایی نسبت به حقوق شهروندی در نظام اداری**

ماده ۳- حق برخورداری از کرامت انسانی و رفتار محترمانه و اسلامی

۱. دستگاه های اجرایی در تمامی فعالیت های اطلاع رسانی، دعوت نامه ها، آگهی ها، ابلاغ ها و هشدارها باید از ادبیات محترمانه و غیر تحکم آمیز استفاده نمایند.
۲. دستگاه های اجرایی مکلفند محیط ارایه خدمت، امکانات و تسهیلات مناسب و شرایط حاکی از احترام به مراجعین را فراهم نمایند.
۳. در مکان های ورودی و خروجی دستگاه های اجرایی، رعایت حرمت مراجعین ضروری است و در موارد خاصی که بازرسی مراجعین ضرورت داشته باشد باید تا حد ممکن به جای بازرسی بدنی، از وسایل و تدابیر بازرسی نامحسوس و الکترونیکی استفاده شود.
۴. دستگاه های اجرایی موظفند دلایل منع همراه داشتن وسایلی نظیر گوشی تلفن همراه و... به هنگام ورود به دستگاه را حسب ضرورت های قانونی اطلاع رسانی نمایند و برای امانت سپاری وسایل همراه مراجعین، مکان مطمئنی در نظر بگیرند به نحوی که دسترسی به آن نباید مراجعین را دچار مشقت کند یا هزینه ای را متوجه آنان نماید.
۵. مدیران و کارکنان دستگاه های اجرایی باید در گفتار، رفتار و مکاتبات خود با مراجعین، ادب و نزاکت را رعایت و از به کار بردن الفاظ و عبارات عرفا اهانت آمیز و غیر محترمانه و یا انتساب هر گونه اتهام یا عناوین مجرمانه به آن ها احتراز نمایند.
۶. رفتار توأم با احترام متقابل میان کارکنان و مراجعین در هر شرایطی باید رعایت و کرامت انسانی آنان حفظ گردد.

ماده ۴- حق برخورداری از اعمال بیطرفانه قوانین و مقررات

۱. بخشنامه ها، دستورالعمل ها و مکاتبات اداری در دستگاه های اجرایی، باید به گونه ای تنظیم و ابلاغ شوند که برای مردم ساده، شفاف و قابل دسترس بوده و از هرگونه تبعیض در ابلاغ و اجرای بخشنامه ها، شیوه نامه ها، تصمیمات و دستورات اداری نسبت به مردم اجتناب شود. بدیهی است رفتار متفاوت حمایتی که بر مبنای معلولیت سالمندی یا سایر وضعیت های نوعا قابل توجه صورت می گیرد، تبعیض محسوب نمی شود.

۲. دستگاه های اجرایی مجاز به مطالبه مدارک یا اطلاعاتی، اضافه بر آنچه در قوانین و مقررات پیش بینی شده از مراجعین نیستند و نباید هزینه ای، بیش از آنچه در قوانین و مقررات تصریح گردیده دریافت کنند. در مواردی که مطابق مقررات، باید هزینه ای دریافت شود، مراتب با ذکر مستند قانونی به مراجعین اعلام گردد.

۳. دستگاه های اجرایی باید وظایف خود را در مدت زمان تعیین شده در قانون یا مقررات مصوب انجام دهند و چنانچه در قانون و مقررات مربوط، زمان معین نشده باشد، زمان مناسب برای هر یک از خدمات را تعیین و از قبل به مراجعین اطلاع رسانی کنند.

۴. دستگاه های اجرایی باید دانش و مهارت تخصصی لازم و همچنین رعایت انضباط اداری و حقوق شهروندی مرتبط با وظایف و اختیارات را به همه کارکنان خود آموزش دهند.

۵. مدیران و مراجع اداری باید تصمیمات خود را براساس ادله معتبر اتخاذ کرده و استدلال ها و استنادهای قانونی مورد استفاده در اعلام تصمیم خود را بیان کنند.

۶. پذیرش هرگونه درخواست حضوری خدمات اداری از سوی مردم توسط مدیران و کارکنان دستگاه های اجرایی، صرفاً "در محیط و ساعات اداری قابل پذیرش است. از پذیرش درخواست ها در خارج از محیط یا ساعت غیر اداری، باید اکیداً اجتناب شود.

۷. مراجع اداری و مدیران دستگاه های اجرایی باید قابل تجدید نظر بودن تصمیمات خود، مرجع، مهلت و نتیجه تجدید نظر را در تصمیمات خود اعلام کنند.

ماده ۵- حق مصون بودن از تبعیض در نظام ها، فرآیندها و تصمیمات اداری

۱. دستگاه های اجرایی باید فرآیند و رویه مشخص و اعلام شده ای برای ارائه خدمات خود داشته باشند و آن را به طور یکسان نسبت به همه مراجعین رعایت کنند.

۲. مدیران و کارکنان دستگاه های اجرایی باید تصمیمات و اقدامات خود را مستند به قوامین و مقررات مربوط انجام دهند و از هرگونه تبعیض یا اعمال سلیقه در اجرای قوانین و مقررات اجتناب نمایند.

۳. کارکنان دستگاه های اجرایی در همه سطوح باید در اعمال صلاحیت ها و اختیارات اداری خود نظیر احراز صلاحیت ها، جذب نیرو، صدور مجوزها و نظایر آن بدون تبعیض عمل کنند.

ماده ۶- حق دسترسی آسان و سریع به خدمات اداری

۱. مردم حق دارند شخصا و یا از طریق نماینده قانونی خود به خدمات دستگاه های اجرایی، دسترسی آسان و سریع داشته باشند.

۲. دستگاه های اجرایی باید نهایت تلاش خود را به کار گیرند تا دسترسی مردم به خدمات آنها به طریق غیر حضوری و یا استفاده از خدمات دولت الکترونیک و به طور کلی ابزارها و فناوری های نوین انجام گیرد. تضمین کیفیت این دسترسی از نظر سرعت، امنیت و پایین بودن هزینه با دستگاه مربوط خواهد بود.

۳. چنانچه دریافت خدمات از دستگاه اجرایی، مستلزم مراجعه حضوری باشد باید نکات زیر رعایت شوند:

الف-تجمع فرآیندهای اداری مربوط به هر خدمت در یک مکان

ب-نصب تابلوهای راهنما در اطراف، ورودی و داخل ساختمان اداری.

ج-پیش بینی امکانات و تسهیلات فیزیکی برای رفاه مراجعین از جمله مبلمان، آب آشامیدنی، سرویس بهداشتی و حتی المقدور آسانسور و پارکینگ.

د- رعایت دقیق ساعت کار اداری و ارائه خدمات در تمام ساعت کار اداری.

ه-پرهیز از ایجاد مزاحمت برای همسایگان، ساکنان محلی و سایر مردم.

۴. دستگاه های اجرایی موظفند براساس نوع فعالیت و خدمات، فرم های مرتبط را تهیه و به سهولت در اختیار مراجعه کنندگان قرار دهند.

۵. تمامی تقاضاهای مراجعین (اعم از مکتوب یا الکترونیک)، باید ثبت شده و شماره پیگیری در اختیار آنان قرار داده شود. همچنین دستگاه های اجرایی باید به روشنی، مراجعین را با فرآیند رسیدگی، واحد و فرد رسیدگی کننده به تقاضای آنها آشنا سازند.

۶. رسیدگی به تقاضای مراجعین باید بلافاصله بعد از ثبت آن با رعایت نوبت و ترتیب آغاز شود. چنانچه تقاضا یا مدارک ناقص بوده و نتوان رسیدگی را ادامه داد، لازم است سریعاً مراتب به اطلاع متقاضی رسانده شده و تکمیل اطلاعات و مدارک از وی درخواست شود.
۷. دستگاه های اجرایی مکلفند خدمات خود را در همه روزهای کاری و در طول ساعات اعلام شده به طور پیوسته ارائه دهند و تعطیلی موقت ارائه خدمات در اوقات اداری حتی به مدت کوتاه مجاز نیست.
۸. دستگاه های اجرایی باید با بررسی و بازنگری مکرر فرایندهای ارائه خدمت خود نسبت به روان سازی و حذف رویه های زاید یا مخل در خدمت رسانی مطلوب به مردم اقدام نمایند.
۹. چنانچه کارمند یا مأمور ارائه خدمات عمومی به هر علتی در محل کار خود حاضر نباشد مقام مافوق او باید ترتیبی اتخاذ کند که ارائه خدمات به مراجعین متوقف یا موقوف به مراجعه مجدد نشود.
۱۰. در ساعات مراجعه مردم همواره باید مقام تصمیم گیر و امضا کننده یا مقامات مجاز از سوی ایشان در محل ارائه خدمت حضور داشته باشد.
۱۱. تمامی کارکنان مکلف به راهنمایی و ارائه کمک های ضروری به مراجعین هستند و چنانچه تقاضای مراجعین در حیطه وظایفشان نباشد باید آنها را به نحو مناسب راهنمایی کنند.
۱۲. کارکنان دستگاه های اجرایی باید از انجام امور شخصی در منظر مراجعین و به طور کلی در ساعات اداری اجتناب کنند.

۱۳. ماده ۷- حق حفظ و رعایت حریم خصوصی همه افراد

۱. اگر فردی اثبات کند که اطلاعات شخصی مربوط به او نادرست، ناقص یا روزآمد نیست دستگاه اجرایی دارنده اطلاعات باید نسبت به اصلاح اطلاعات مذکور اقدام نماید چنانچه فرد و دستگاه درباره صحیح، کامل و روزآمد بودن اطلاعات جمع آوری شده اختلاف داشته باشند فرد می تواند از دستگاه بخواهد تا ادعای وی در این زمینه در پرونده ی او منعکس شود چنانچه اطلاعات شخصی وی در اختیار دیگر دستگاه های اجرایی قرار گیرد اعتراض فرد نیز باید به آنها منعکس گردد.
۲. جمع آوری اطلاعات شخصی از افراد توسط دستگاه های اجرایی تنها در حد ضرورت و با استفاده از طرق و وسایل قانونی و شفاف مجاز بوده و استفاده از وسایل و روش های غیر قانونی و نامتعارف ممنوع است. این اطلاعات تا حد امکان باید از خود اشخاص اخذ و جمع آوری شود.

۳. دستگاه های اجرایی باید اطلاعات شخصی افراد را فقط در جهت منظور و هدف اولیه از جمع آوری به کار برده و نباید برای اهداف و مقاصد دیگر از آنها استفاده و یا در اختیار سایر دستگاه ها و اشخاص غیر مسئول قرار دهند.

۴. دستگاه های اجرایی باید تدابیر ضروری جهت پیشگیری از مفقود شدن، افشا یا سوء استفاده از اطلاعات افراد که به مناسبت وظایف و اختیارات خود از آن ها مطلع شده اند را اتخاذ کنند.

۵. رهگیری و شنود ارتباطات اینترنتی، تلفنی و کلامی -حضور افراد در دستگاه های اجرایی ممنوع است و در صورت ضرورت، در چارچوب قوانین مربوطه انجام خواهد گرفت.

۶. دستگاه های اجرایی مجاز به استفاده از نظارت های الکترونیکی مغایر با حریم شخصی افراد نیستند مگر آنکه بر مبنای دلایل قوی، احتمال ارتکاب فعالیت های مجرمانه در محیط کار از قبیل سرقت، تخریب اموال یا سوء استفاده از اموال محل کار وجود داشته، یا این امر برای تامین امنیت و بهداشت محل کار یا کارکنان ضروری باشد.

۷. در صورت ضرورت برای اعمال نظارت الکترونیکی و نصب دوربین، دستگاه اجرایی باید مراتب را با هشدار مکتوب و استفاده از علایم قابل رویت به اطلاع مردم و مراجعین برساند.

ماده ۸- حق آگاهی به موقع از تصمیمات و فرایندهای اداری و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز

۱. مردم حق دارند بر اساس اطلاعاتی که دستگاه های اجرایی در دسترس قرار می دهند یا منتشر می کنند برنامه های خود را تنظیم کنند چنانچه دستگاهی برخلاف اطلاعاتی که قبلا اعلام کرده و آن اطلاعات مبنای تصمیمات و اقدامات مردم قرار گرفته عمل نماید باید پاسخگو باشد.

۲. در راستای تحقق نظارت واقعی مردم دستگاه های اجرایی باید به طور سالانه گزارش عملکرد خود را در دسترس عموم قرار دهند.

۳. با رعایت قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب سال ۱۳۸۸ و آیین نامه های اجرایی آن و سایر قوانین و مقرراتی که حق دسترسی افراد به اطلاعات موجود در دستگاه های اجرایی را تصریح کرده اند دستگاه های اجرایی موظفند اطلاعات درخواستی مردم را در دسترس آنها قرار دهند.

۴. به موجب ماده (۱۰) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات هر دستگاه اجرایی باید راهنمای دسترسی مردم به اطلاعات خود مشتمل بر انواع و اشکال اطلاعات موجود در آن موسسه و نیز نحوه دسترسی به آن ها را در سامانه اطلاع رسانی خود منتشر کرده و به صورت مکتوب نیز در اختیار متقاضیان قرار دهد.

۵. برای آشنا نمودن مردم با حقوق خود و فرایندهای اداری، دستگاه های اجرایی باید به آموزش همگانی از طریق وسایل ارتباط جمعی اقدام تا مردم ضمن آشنایی با حقوق و تکالیف خود در تعامل با آن سازمان انتظارات خود را تنظیم نمایند.

۶. اطلاعات مورد نیاز مردم می بایست از طرق مختلف نظیر موارد ذیل در اختیار آنها قرار داده شوند.

الف-نصب تابلو راهنما در مبادی ورودی و معرض دید مراجعین و نیز تارنما (وب سایت) و درگاه (پرتال) اینترنتی.

ب-تهیه و توزیع بروشور و کتاب راهنمای مراجعین

ج-راه اندازی خط تلفن گویا

د-نصب نام،پست سازمانی و رئوس وظایف متصدیان انجام کار در محل استقرار آنان

۷. دستگاه های اجرایی باید در ابلاغ تصمیمات خود به مراجعین ضمن رعایت نکات زیر نسخه ای از تصمیم اتخاذ شده را به ذینفع تحویل نمایند.

الف-تاریخ و شماره تصمیم

ب-مشخصات متقاضی

ج-مستندات قانونی و استدلال های منجر به تصمیم اتخاذ شده

د-مفاد اصلی تصمیم

ه-اعلام مرجع و مهلت اعتراض به تصمیم

و-نام و سمت صادر کننده ابلاغیه

۸. دستگاه های اجرایی مکلفند فرایند انجام کار مراجعین را به صورت مرحله به مرحله از طرق مقتضی نظیر ارسال پیامک به اطلاع آن ها برسانند.

۹. دستگاه های اجرایی مکلفند اطلاعات راجع به نحوه ی استفاده مردم از خدمات و فرایندهای اداری، نحوه مشارکت در آنها و نحوه اعتراض به تصمیمات و اقدامات خود را در اختیار عموم قرار دهند به نحوی که امکان تصمیم گیری آگاهانه را برای آنها فراهم کنند.

۱۰. دستگاه های اجرایی باید متناسب با مراجعات به منظور بهبود مستمر نظام ارائه خدمت و افزایش رضایت مندی مراجعان به طرق مناسب اطلاع رسانی نموده و حسب میزان اهمیتی که اطلاع مردم از فعالیت های آنها دارد جلسات پرسش و پاسخ با اصحاب رسانه برگزار کنند.

۱۱. در جلسات پرسش و پاسخی که از سوی سخنگوی دستگاه اجرایی یا روابط عمومی دستگاه برگزار می شود نباید تبعیضی از حیث دعوت، شرکت، طرح پرسش، ارائه پاسخ و سایر موارد علیه رسانه های منتقد صورت گیرد.

۱۲. دستگاه های اجرایی باید در فعالیت های اطلاع رسانی خود نکات زیر را مورد توجه قرار دهند:
الف- مفید بودن اطلاعات قابل دسترس یا ارائه شده یعنی اطلاعاتی که علم به آنها توان تشخیص و قضاوت و آگاهی افراد را افزایش می دهد.

ب- درست بودن اطلاعات ارائه شده بدین معنا که هم اسناد و مدارک و ابزارهای حاوی اطلاعات باید واقعی و صحیح بوده و هم مفاد و مندرجات آنها عاری از خدشه باشد.

ج- به روز بودن اطلاعات قابل دسترس یا ارائه شده یعنی اطلاعات باید حاوی آخرین تحولات، مصوبات، اصلاحیه ها و تفسیرها باشد.

د- به موقع بودن اطلاع رسانی یعنی اطلاعات باید در زمانی که نیاز به آن وجود دارد ارائه شود به نحوی که مخاطبان فرصت معقول برای واکنش و تصمیم گیری پس از آگاه شدن از آن را داشته باشند.

ه - کامل بودن اطلاع رسانی یعنی تمام اطلاعاتی که واکنش یا اقدام یا تصمیم مخاطبان به آنها منوط است نظیر زمان، مکان، اسناد و ادله، هزینه و مدارک هویتی لازم به صورت یکجا اعلام شوند.

ماده ۹- حق اظهار نظر آزاد و ارائه پیشنهاد در مورد تصمیمات و فرایندهای اداری

۱. هر فردی حق دارد در صورت مشاهده یا اطلاع از تخلفات اداری و نقض قوانین و مقررات در هر یک از دستگاه های اجرایی موارد مشاهده یا اطلاع خود را به مراجع نظارتی درون سازمانی و برون سازمانی گزارش کند.

۲. شهروندان حق دارند تا سیاست ها، فرایندها، تصمیمات و اقدامات دستگاه های اجرایی را نقد نموده و نظر انتقادی خود را در چارچوب مقررات ابراز کنند.

۳. دستگاه های اجرایی به آزادی بیان نظرهای شخصی، ارزیابی های انتقادی و پیشنهادهای اصلاحی مراجعین و رسانه ها احترام گذاشته و فضای تحمل نظرات مخالف را در درون خود نهادینه کنند.

۴. دستگاه های اجرایی باید از نصب هرگونه آگهی در محیط های اداری که مراجعین را از بیان نظر انتقادی منع کرده یا بترساند اجتناب کنند.

۵. دستگاه های اجرایی موظفند هنگام ورود مراجعین، برگ نظرسنجی (به صورت فیزیکی یا الکترونیکی) در اختیار آنها قرار دهند و نظر ایشان را در خصوص نحوه گردش کار، تطبیق یا عدم

تطبیق آن با اطلاعات اعلام شده قبلی و رفتار متصدیان انجام کار جویا شوند و نتایج آن را به طور منظم در اصلاح فرایندها و تشویق و تنبیه کارکنان خود مورد استفاده قرار دهند.

۶. دستگاه های اجرایی می بایست حسب شرایط، نسبت به راه اندازی، استقرار و یا روز آمد کردن سیستم های ارتباط دوسویه نظیر صندوق پیشنهاد ها و انتقاد ها، پست صوتی و درگاه (پرتال) سازمانی، به منظور ارائه شناسنامه خدمات و فعالیت ها و اخذ دیدگاه های مردم اقدام نمایند.

ماده ۱۰- حق مصون بودن از شروط اجحاف آمیز در توافق ها، معاملات و قرارداد های اداری

۱. دستگاه های اجرایی باید از تحمیل قراردادهای اجحاف آمیز به مردم خودداری کنند منظور از قرارداد اجحاف آمیز قراردادی است که به موجب آن دستگاه اجرایی با استفاده از موقعیت برتر خود یا ضعف طرف مقابل شرایط غیر عادلانه ای را به ایشان تحمیل کند.

۲. قراردادهایی که شروط زیر در آنها گنجانده شوند اجحاف آمیز تلقی می گردند:

الف-شرطی که به موجب آن دستگاه اجرایی طرف مقابل خود را به انجام یا عدم انجام کاری متعهد می سازد که پیش از انعقاد قرارداد هیچ فرصتی برای آگاه شدن از مفاد آن شرط نداشته است.

ب-شرطی از سوی دستگاه اجرایی که طرف مقابل آن به دلیل کهولت سن، بیماری، ناتوانی ذهنی، فشارهای روانی، کم سواد، بی سواد یا جهل نسبت به امور مرتبط از ارزیابی مفاد یا آثار آن ناتوان باشد.

ج-شرطی که به موجب آن هیچ نسخه ای از قرارداد در اختیار طرف دیگر قرارداد قرار نمی گیرد.
-شرطی که به موجب آن دستگاه اجرایی خود را مجاز می سازد تا در زمان تحویل کالا یا ارائه خدماتی که قرارداد آن قبلاً منعقد شده است به تشخیص خود و راساً قیمت را افزایش دهد.

ه-شرطی که به موجب آن دستگاه اجرایی حق مراجعه به مراجع قضایی را از طرف دیگر سلب نماید.
و-شرطی که به موجب آن دستگاه اجرایی خود را مجاز بداند هر زمان که بخواهد یک طرفه قرارداد را فسخ کند بدون آنکه خسارت عادلانه ای از این بابت به طرف دیگر قرارداد بپردازد.

ز-شرطی که به موجب آن دستگاه اجرایی خود را حتی در صورت ارتکاب تقصیر، از مسوولیت معاف سازد.

ک-شرطی که به موجب آن حقوق معنوی ناشی از مالکیت های فکری بدون پرداخت بهای عادلانه به دستگاه اجرایی منتقل شود.

ل-شرطی که بدون وجود هرگونه توجیه معقول، استفاده طرف قرارداد از تضمین یا بیمه ای که به موجب مقررات به نفع او برقرار شده است را غیر ممکن یا بسیار دشوار سازد.

۳. واحدهای حقوقی، امور قراردادها و یا عناوین مشابه در دستگاه های مشمول این مصوبه مکلفند بر اساس مفاد این ماده نسبت به بازبینی و اصلاح فرم قراردادهای خود اقدام نمایند.

ماده ۱۱- حق اشخاص توان خواه در برخورداری از امتیازات خاص قانونی

۱. دستگاه های اجرایی مکلفند مطابق مفاد آیین نامه اجرایی ماده (۲) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (شماره ۱۴۲۷۷/ت/۳۱۹۶۰ هـ مورخ ۱۳۸۴/۳/۹ و اصلاحیه آن به شماره ۴۵۵۱۵/ت/۴۷۴۵۷ کی مورخ ۱۳۹۱/۳/۸)، به سرعت دسترسی اشخاص توان خواه (معلول) به محیط های ارائه خدمت را از جمیع جهات تسهیل کنند.

۲. دستگاه های اجرایی باید در ساختمان ها و محیط کاری خود علائم و اشکالی را که برای اشخاص توان خواه به آسانی قابل فهم و خواندن باشد نصب کنند.

۳. دستگاه های اجرایی باید حسب میزان و نوع مراجعات اشخاص توان خواه آموزش های کافی را به کارکنان خود در خصوص نحوه رفتار با این مراجعه کنندگان ارائه دهند.

۴. دستگاه های اجرایی باید سامانه ها و فناوری های اطلاعات و ارتباطات خود را جهت استفاده مستقلانه اشخاص توان خواه از خدمات آنها ارتقاء دهند.

ماده ۱۲- حق رسیدگی به موقع و منصفانه به شکایات و اعتراضات

۱. مردم حق دارند در تمامی مراجع اداری که به اختلاف اعتراض یا شکایت آنها رسیدگی می کنند از رسیدگی منصفانه و بیطرفانه برخوردار شده و حقوق آنها رعایت شود.

۲. هر فردی در همه مراحل رسیدگی اداری حق استفاده از وکیل را دارد و باید از مهلت کافی جهت تنظیم و تکمیل پرونده، ارائه ادله، معرفی شهود یا پاسخ به مطالب مطرح شده علیه خود برخوردار باشد.

۳. شخصی که در چارچوب قوانین و مقررات و بدون استفاده از الفاظ توهین آمیز، از تصمیمات و اقدامات دستگاه اجرایی یا فرد مسئول در سطح رسانه ها انتقاد می کند نباید به دلیل این انتقاد با تعقیب یا پیامد اداری یا قضایی از سوی مسئولین دستگاه مواجه شود.

۴. در صورت بروز اختلاف بین مراجعان و متصدیان ارائه خدمت مسئول واحد ذی ربط باید بلافاصله به موضوع رسیدگی و آن را در چارچوب مقررات و با رعایت اخلاق اسلامی حل و فصل نماید.

۵. اعتراض شخصی که مدعی است در حق او ظلم شده باید توسط مدیران و کارکنان دستگاه های اجرایی با مدارا و اخلاق اسلامی تحمل و با سعه صدر پاسخ داده شود.

ماده ۱۳- حق جبران خسارات وارده در اثر قصور یا تقصیر دستگاه های اجرایی و کارکنان آن ها

۱. دستگاه های اجرایی مکلفند حسب وظایف قانونی خود در صورت وجود احتمال هرگونه تهدید علیه سلامت عمومی و یا بلایای طبیعی، نسبت به پیش بینی و هشدار به موقع و راه های دفع یا رفع آن به عموم مردم و به خصوص افراد در معرض تهدید اقدام نمایند.

۲. دستگاه های اجرایی مسئول جبران خساراتی هستند که در نتیجه عیب و خرابی اشیاء یا اموال منقول یا غیر منقول متعلق یا تحت تصرف آن ها به جان، مال و سایر حقوق دیگران وارد می شود.

۳. مطابق فصل دهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان تقصیرات مقامات و مامورین دولتی دستگاه های اجرایی مسئول جبران آن دسته از خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آن ها در نتیجه بی احتیاطی، بی مبالاتی یا عدم رعایت قوانین، مقررات یا نظامات مربوط در حد انجام وظیفه یا به مناسبت آن به دیگران وارد یا در نتیجه نقص یا کمبود غیرمتعارف امکانات و وسایل اشخاص وارد می شود.

۴. دستگاه های اجرایی باید در حفاظت از اشیاء، اموال، اسناد مدارک و اطلاعاتی که در جهت انجام ماموریت های خود از مردم دریافت می کنند تدابیر و احتیاط های متعارف را به عمل آورند.

فصل چهارم- انتظارات از شهروندان برای رعایت حقوق دیگر شهروندان در نظام اداری

ماده ۱۴- از شهروندان انتظار می رود به منظور احترام و رعایت حقوق سایر افراد در مراجعه به دستگاه های اجرایی، نکات ذیل را مورد توجه قرار دهند:

۱. به منظور رعایت حقوق سایر شهروندان و مساعدت در تامین بهتر حقوق خود همکاری لازم را در رعایت نظم و نوبت، ارائه مدارک هویتی برای ورود و خروج، ارائه اطلاعات و مدارک صحیح، به موقع و کامل برای تسریع در ارائه خدمت داشته باشند.

۲. تصمیمات و اقدامات اداری مادام که نقض نشده اند محترم شمرده شده و رعایت شوند و اعتراض به تصمیمات و اقدامات و درخواست تجدیدنظر در آنها با طرق پیش بینی شده در قوانین و توسل به مراجع قانونی صورت گیرد.

۳. خدمات و درخواست های اداری تنها در محیط اداری مطالبه شده و از درخواست خدمت توسط کارکنان در خارج از محیط اداره اجتناب شود.

۴. به منظور مساعدت برای تامین حقوق شهروندان در نظام اداری کلیه آحاد جامعه در صورت مشاهده یا اطلاع از تخلفات اداری و نقض قوانین و مقررات در دستگاه های اجرایی لازم است مشاهده یا اطلاع خود را به مراجع ذیربط گزارش کنند.

۵. شایسته است جهت تسریع در رسیدگی موارد مربوط به تخلفات اداری و نقض قوانین و مقررات ابتدا به مراجع نظارتی درون سازمانی هر دستگاه گزارش و در صورت عدم دریافت پاسخ قانع کننده به مراجع نظارتی برون سازمانی ارائه شود.

۶. تبصره- عدم ترجیح شهروندان به یکدیگر توسط مدیران و کارکنان دستگاه های اجرایی در مراحل رسیدگی الزامی است.

فصل پنجم- سازوکار اجرایی حقوق شهروندی در نظام اداری

ماده ۱۵- قلمرو شمول مصوبه

تمامی دستگاه های اجرایی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون برگزاری مناقصات مصوب سال ۱۳۸۳ و دستگاه های موضوع تبصره ذیل آن و نیز سایر دستگاه هایی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می کنند مشمول این مصوبه بوده و در این تصویب نامه دستگاه اجرایی نامیده می شوند.

تبصره: دستگاه های اجرایی موظفند در چارچوب وظایف نظارتی خود بر مراکز ارائه دهنده خدمات عمومی، موسسات خصوصی حرفه ای عهده دار ارائه خدمات، نهادهای صنفی و هر نوع مراکز یا موسساتی که با اخذ مجوز از دستگاه های اجرایی به ارائه خدمت به مردم می پردازند رعایت تمام یا بخش های مرتبط این مصوبه را از سوی آنها الزامی و بر این امر نظارت کنند.

ماده ۱۶- مسئولیت و فرایند اجرا

۱- بالاترین مقام دستگاه اجرایی مسئول اجرای این مصوبه بوده و مدیران و کارکنان دستگاه های اجرایی مشمول در تمامی سطوح سازمانی مکلف به رعایت مفاد آن هستند همچنین مدیران موظفند متناسب با اختیارات، مأموریت ها و وظایف محوله در جهت حسن اجرای این مصوبه رفع موانع و همچنین ارزیابی نحوه اجرای آن اقدامات لازم اعم از برنامه ریزی، سازماندهی، بهبود روش ها، آموزش کارکنان و تجهیز واحدهای مدیریت عملکرد، بازرسی و رسیدگی به شکایات (یا عناوین مشابه) را مطابق با دستورالعمل های ابلاغی سازمان اداری و استخدامی کشور از جمله دستورالعمل اصلاح فرایندها و روش های انجام کار، دستورالعمل استاندارد تارنماهای دستگاه های اجرایی و درگاه های استانی، آیین نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر موارد ابلاغی انجام دهند.

۲-دستگاه های اجرایی مکلفند با اهتمام و اقدام سریع در جهت توسعه دولت الکترونیک، نیاز به مراجعه حضوری مردم را به حداقل برسانند.

ماده ۱۷- ایجاد میز خدمت

۱-در آن دسته از دستگاه های اجرایی که به طور متعارف مراجعین زیادی دارند لازم است علاوه بر رعایت مفاد این مصوبه واحد هماهنگ کننده ای تحت عنوان میز خدمت با حضور کارشناسان مطلع دستگاه با اعطای اختیارات لازم تعبیه شود به نحوی که مراجعین ضمن استقرار در محل انتظار مناسب حتی المقدور بدون حضور در واحدهای داخلی دستگاه خدمت یا پاسخ مورد نیاز خود را صرفاً از طریق این میز دریافت نمایند.

میز خدمت عهده دار وظایف مشروح زیر می باشد:

الف- ارایه اطلاعات و راهنمایی های لازم به مراجعین در ارتباط با امور مربوط

ب-دریافت مدارک و درخواست های مراجعین

ج-انجام امور و درخواست های متقاضیان در صورت امکان و در غیر این صورت اعلام تاریخ مراجعه بعدی یا زمان ارایه خدمت نهایی به مراجعین

د-دریافت نتایج اقدامات انجام شده از واحدهای ذیربط و اعلام آن به مراجعین

ه-هدایت مراجعین به واحدهای مرتبط در موارد ضروری پس از انجام هماهنگی با واحد ذیربط

۲-واحدهای مدیریت عملکرد بازرسی و رسیدگی به شکایات یا عناوین مشابه در دستگاه های اجرایی موظفند هر ۳ ماه یکبار گزارشی از عملکرد میز خدمت را به بالاترین مقام دستگاه ارایه دهند.

ماده ۱۸- مسئولیت راهبری و نظارت

۱-مسئولیت هدایت، راهبری، پیگیری و نظارت بر اجرای این مصوبه در سطح ملی به عهده سازمان اداری و استخدامی کشور و در سطح استان به عهده استاندار است.

۲-نظارت نظام یافته بر حسن اجرای این مصوبه و ارتقای مستمر حمایت از حقوق مردم در نظام اداری تهیه و ابلاغ شیوه نامه های اجرایی و همچنین تدوین برنامه های اطلاع رسانی، آموزش و فرهنگ سازی بر عهده سازمان اداری و استخدامی کشور است و سازمان می تواند کارگروه های ضروری را با حضور نمایندگان دستگاه های اجرایی و همچنین تشکل های مردم نهاد قانونی تشکیل دهد همچنین سازمان با اعزام بازرسان و گروه های بازرسی مطلع و مجرب بر حسن اجرای این مصوبه در دستگاه های مشمول نظارت خواهد کرد.

۳- وزارت کشور موظف است با همکاری سازمان اداری و استخدامی کشور زمینه شکل گیری تشکل های مردم نهاد در امر مراقبت از حقوق شهروندان در نظام اداری را فراهم نماید به گونه ای که این تشکل ها بتوانند در چارچوب موازین قانونی برای تامین حقوق شهروندان در نظام اداری ایفای نقش نمایند.

۴- بالاترین مقام دستگاه های اجرایی مشمول و استانداران موظفند گزارش های تحلیلی نحوه اجرای مصوبه را به صورت دوره ای تهیه و به سازمان اداری و استخدامی کشور ارسال نمایند.

۵- پس از دریافت و تجمیع گزارش های دستگاهی و استانی، گزارش تحلیلی-تفصیلی نحوه اجرای مصوبه در سطح ملی به صورت سالانه توسط رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور به رئیس جمهور، شورای عالی اداری و هیات وزیران ارائه خواهد شد.

۶- سازمان اداری و استخدامی کشور موظف است با همکاری مرکز آمار ایران سالیانه نسبت به اجرای طرح افکارسنجی و سنجش میزان رضایت مردم از عملکرد دستگاه های اجرایی در سطوح ملی و استانی اقدام و نتایج به دست آمده را به تفکیک دستگاه ها و استان ها به هیات وزیران ارائه نماید.

ماده ۱۹- ضمانت اجرا

نقض یا عدم رعایت حقوق و الزامات مندرج در این مصوبه و دستورالعمل های آن در چارچوب ماده (۲۰) آیین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان حسب مورد از مصادیق بندهای ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان محسوب می شود و شکایات واصله از مردم یا دستگاه های نظارتی ضمن بررسی و تطبیق با مقررات توسط واحدهای ذیربط برای احقاق حقوق آنان از منظر تخلفات مدیران و کارکنان دستگاه های اجرایی در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری مربوط مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت.

تبصره ۱- در مورد مراکز و موسسات کارگزاری موضوع تبصره ذیل ماده (۱۵) این تصویب نامه مطابق مقررات و ضوابط اعطای مجوز مربوطه اقدام خواهد شد.

تبصره ۲- اجرای این ماده نافی حقوق قانونی مردم برای مراجعه و طرح شکایات احتمالی در سایر مراجع قانونی و قضایی نمی باشد.

۶-۴ دستورالعمل رییس قوه قضاییه در خصوص نظارت و پیگیری حقوق عامه (۱۳۹۷/۱۱/۳)

مقدمه

به منظور صیانت از حقوق عامه و حفظ بیت‌المال و براساس وظیفه ذاتی قوه قضاییه در احیاء، حفظ و صیانت از حقوق عامه و در جهت پیگیری و نظارت بر دعاوی ناظر بر جرائم مرتبط با اموال، منافع و مصالح ملی، جبران خسارات وارده به حقوق عمومی به استناد بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و مواد ۲۲، ۲۹۰ و ۲۹۳ قانون آئین دادرسی کیفری، حسب مورد دادستان کل کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و دادستان‌های سراسر کشور مکلفند در چارچوب این دستورالعمل اقدام نمایند.

ماده ۱- اصطلاحات به کار رفته در این دستورالعمل در معانی مشروح زیر می‌باشد:

الف حقوق عامه: حقوقی است که در قانون اساسی، قوانین موضوعه و یا سایر مقررات لازم‌الاجرا ثابت است و عدم اجرا یا نقض آن، نوع افراد یک جامعه مفروض مانند افراد یک شهر، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب فوت منفعت یا تضرر یا سلب امتیاز آنان می‌شود، از قبیل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی، انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری.

ب - دستگاه اجرایی: دستگاه اجرایی مذکور در ماده ۲۹ قانون پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر اشخاصی که در اداره امور عمومی مربوط دارای اختیارات قانونی هستند.

ماده ۲- دادستان هر حوزه قضایی مکلف است در صورت عدم اجرا یا نقض حقوق عامه یا قریب الوقوع بودن آن، حسب مورد اقدامات زیر را انجام دهد:

- ۱ - تعقیب کیفری متهمان ناقض حقوق عامه در چارچوب جرم و مجازاتهای مذکور در قانون؛
- ۲ - تذکر یا اخطار به دستگاه اجرایی، در صورت تعلل آن دستگاه برای اقامه دعوی؛
- ۳ - تذکر یا اخطار به مسئول دستگاه اجرایی و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی ذیربط، در خصوص اقداماتی که منتهی به نقض حقوق عامه می‌شود؛
- ۴ - اتخاذ تدابیر پیشگیرانه؛
- ۵ - صدور دستور توقف اقدامات در چارچوب ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری.

تبصره ۱- در صورت عدم حصول نتیجه در موارد مذکور در بندهای ۲ و ۳ مذکور، دادستان مراتب را جهت هرگونه اقدام مقتضی به دادستان کل کشور و دستگاههای نظارتی ذیربط اعلام می‌کند. دستگاههای نظارتی مذکور موظفند در چارچوب قوانین و مقررات اقدام کنند.

تبصره ۲- دادستان‌های مرکز استان یا دادستان کل کشور در صورت اطلاع از ضرر افراد ذینفع و یا اقدام خلاف قانون در نتیجه اعمال بندهای ۴ و ۵ این ماده، دستور بررسی و پیگیری لازم را به دادستان مربوط می‌دهند تا اقدام مقتضی صورت گیرد. دادستان مربوط حداکثر ظرف مدت یک هفته نسبت به بررسی موضوع و انجام اقدام لازم مبادرت و نتیجه را حسب مورد به دادستان مرکز استان یا دادستان کل کشور اعلام خواهد کرد.

ماده ۳- در جهت نظارت و پیگیری موارد مذکور در ماده قبل، چنانچه دستگاه اجرایی، ظرف مدت متعارف، اقدام لازم به عمل نیاورد، دادستان مکلف است در مواردی که در نتیجه ارتکاب جرم خسارت به اموال دولتی و حقوق عمومی یا تضییع آن وارد شده باشد، به تبع امر کیفری بدون پرداخت هزینه دادرسی جبران آن را از دادگاه درخواست نماید.

تبصره - در اجرای تبصره یک ماده ۲ قانون سازمان بازرسی کل کشور، در این گونه موارد طرح دعوای حقوقی از سوی دادستان، معاف از پرداخت هزینه دادرسی خواهد بود.

ماده ۴- در جرایم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی، موضوع ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری که نیاز به طرح دعوی دارد، در صورت تعلل مسئول ذی ربط در اقامه دعوی، دادستان کل کشور به دستگاه ذیربط جهت انجام وظیفه قانونی تذکر یا اخطار می‌دهد و در صورت عدم اقدام، مراتب را حسب مورد جهت تعقیب کیفری یا اداری مسئول مربوط و مطالبه خسارت به مراجع ذی ربط اعلام و اقدام قانونی به عمل می‌آورد. در هر صورت دادستان کل نسبت به تعقیب کیفری مرتکب و جبران خسارت از طریق مراجع ذیصلاح پیگیری و نظارت می‌کند.

تبصره - دادستانهای سراسر کشور موظفند در ارتباط با موارد مذکور در ماده ۲۹۰ قانون مذکور مراتب را جهت اقدام مقتضی به دادستان کل کشور اعلام کنند.

ماده ۵- در صورت اطلاع دادستان شهرستان یا مرکز استان از وضعیت‌های خطرناک از قبیل نگاهداری و توزیع کالای فاسد یا تاریخ گذشته، عدم توجه به بهداشت و سلامت عمومی، آسیب‌های وارده به محیط زیست، گودبرداری‌های فاقد ایمنی در معابر و جاده‌ها و بناهای فرسوده، عدم رعایت مقررات ایمنی در امور حمل و نقل و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، موظف است به دستگاه‌ها یا اشخاص مسئول

جهت انجام وظایف قانونی آنها برای رفع خطر، در صورت اقتضا تذکر و اخطار دهد یا اقدام لازم قانونی به عمل آورد.

تبصره ۱- دادستانها موظفند پس از اقدام ضمن اطلاع به رئیس کل دادگستری استان، مراتب را به دادستان مرکز استان اعلام کنند. دادستان مرکز استان در موارد مهم موضوع را به دادستان کل کشور منعکس می‌نماید.

تبصره ۲- در مواردی که طریق خاصی در قانون جهت احراز وضعیت‌های فوق مقرر گردیده به همان صورت عمل می‌شود والا دادستان عنداقتضا با ارجاع امر به کارشناس ذیصلاح اقدام مقتضی را معمول می‌دارد.

ماده ۶ - مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه مکلف است جهت کسب اطلاع و جمع‌آوری و دریافت گزارش‌های مردمی در خصوص نقض حقوق عامه یا قریب‌الوقوع بودن آن نسبت به ایجاد سامانه‌ای با قابلیت دسترسی دادستانهای سراسر کشور، با هماهنگی دادستانی کل کشور اقدام نماید.

ماده ۷- سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری و مراجع ذیصلاح قضایی حسب‌مورد مکلفند در موارد نقض حقوق عامه در چارچوب قوانین و مقررات به صورت فوق‌العاده رسیدگی و اقدام لازم را به عمل آورند و چنانچه موضوع خارج از اختیارات و صلاحیت‌های نهادهای مذکور بوده و یا امکان اقدام از سوی آنان فراهم نباشد، رئیس مربوط مراتب را به اطلاع دادستان کل کشور می‌رساند تا مطابق مقررات قانونی از جمله این دستورالعمل اقدام نماید.

ماده ۸- در کلیه مواردی که اقدام دادستان‌ها طبق این دستورالعمل دارای آثار و تبعاتی باشد که جنبه استانی یا ملی دارد، دادستان مربوط ضمن اطلاع به رئیس کل دادگستری استان، حسب‌مورد با هماهنگی دادستان کل کشور یا دادستان مرکز استان اقدام مقتضی برابر مقررات قانونی و این دستورالعمل معمول می‌نماید.

تبصره - در موارد فوری و ضروری که دسترسی به مقامات فوق نباشد، دادستان مربوط اقدام مقتضی معمول و مراتب را در اسرع وقت حسب‌مورد به دادستان مرکز استان یا دادستان کل کشور اعلام می‌نماید.

ماده ۹- در موضوعات مشمول ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری که نیاز به طرح دعوی در مراجع ذیصلاح بین‌المللی یا خارجی دارد و اقدامی از ناحیه دستگاه اجرایی ذیربط به عمل نیامده و همچنین در صورتی که دعوی طرح شده باشد، ولی اقدام موثری از جانب دستگاه اجرایی در پیگیری موضوع به

عمل نیامده است، دادستان کل کشور از وزارت امور خارجه یا دستگاه ذیربط گزارش علت عدم اقدام یا گزارش اقدامات انجام شده را از قبیل نحوه طرح دعوی، مرجع رسیدگی کننده، ترکیب نمایندگان قانونی در دعوی، مستندات ابرازی، لوایح تقدیمی و زمان رسیدگی و نحوه اجرای حکم را مطالبه می نماید و راهکارها و پیشنهادهای خود به دستگاه اجرایی را ارائه می کند و تا حصول نتیجه موضوع را پیگیری می نماید.

تبصره - چنانچه دادستان کل کشور در اجرای وظایف قانونی فوق الذکر در خصوص نحوه پیگیری دعاوی و پاسخگویی و انجام همکاری لازم از سوی مراجع داخلی با موارد تخلفی مواجه شود، مطابق ماده ۴ این دستورالعمل اقدام مقتضی را معمول خواهد نمود.

ماده ۱۰- دادستانهای حوزههای قضایی هر ۶ ماه یکبار گزارش عملکرد خود را با مستندات لازم به دادستان مرکز استان اعلام تا از آن طریق مراتب به دادستان کل کشور اعلام شود. دادستان کل کشور نیز هر ۶ ماه یکبار گزارش اقدامات انجام شده را به اطلاع رئیس قوه قضاییه رسانده و در صورتی که مخل نظم یا امنیت عمومی یا اخلاق حسنه نباشد جهت اطلاع عموم منتشر می کند.

ماده ۱۱- رؤسای حوزههای قضایی بخش در مواردی که وظایف دادستان را انجام می دهند، مشمول این دستورالعمل خواهند بود.

ماده ۱۲- دادستانهای نظامی در حوزه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح مشمول این دستورالعمل می باشند. گزارش مذکور در ماده ۱۰ این دستورالعمل به رئیس سازمان نیروهای مسلح اعلام تا از آن طریق به دادستان کل کشور اعلام شود.

ماده ۱۳- اجرای مقررات این دستورالعمل در جهت حفظ، نظارت و پیگیری حقوق عامه توسط دادستانها نباید موجب اختلال در تصمیمات و وظایف مدیریتی دستگاه اجرایی که در چارچوب قوانین و مقررات صورت گرفته، گردد. در هر صورت در موارد اختلاف نظر، تصمیم گیری با دادستان کل کشور است.

ماده ۱۴- هرگونه اطلاع رسانی دادستانها از قبیل اعلام به رسانه های محلی، استانی و ملی یا مصاحبه مطابق دستورالعمل اطلاع رسانی و ارتباطات رسانه ای قوه قضاییه، مصوب ۱۳۹۷/۸/۹ رئیس قوه قضاییه می باشد.

ماده ۱۵- نظارت بر حسن اجرای این دستورالعمل با تمهید ساز و کارهای لازم برای صیانت از حقوق عامه بر عهده دادستان کل کشور است. در صورت اختلاف بین دادستان کل و سایر دستگاههای تابعه قوه قضائیه در اجرای این دستورالعمل، رفع اختلاف با رییس قوه قضائیه است.

ماده ۱۶- این دستورالعمل در ۱۶ ماده و ۸ تبصره در تاریخ سوم بهمن ماه نود و هفت به تصویب رییس قوه قضائیه رسید.

رییس قوه قضائیه - صادق آملی لاریجانی

۴-۷ مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری

ماده ۹۱- اخذ رشوه و سوء استفاده از مقام اداری ممنوع می باشد. استفاده از هرگونه امتیاز، تسهیلات، حق مشاوره، هدیه و موارد مشابه در مقابل انجام وظایف اداری و وظایف مرتبط با شغل توسط کارمندان دستگاههای اجرایی در تمام سطوح از افراد حقیقی و حقوقی به جز دستگاه ذیربط خود تخلف محسوب می شود.

تبصره ۱- دستگاههای اجرایی موظفند علاوه بر نظارت مستقیم مدیران از طریق انجام بازرسیهای مستمر داخلی توسط بازرسان معتمد و متخصص در اجرای این ماده نظارت مستقیم نمایند. چنانچه تخلف هریک از کارمندان مستند به گزارش حداقل یک بازرس معتمد به تایید مدیر مربوطه برسد بالاترین مقام دستگاه اجرایی یا مقامات و مدیران مجاز، می توانند دستور اعمال کسر یک سوم از حقوق، مزایا و عناوین مشابه و یا انفصال از خدمات دولتی برای مدت یکماه تا یکسال را برای فرد متخلف صادر نمایند.

تبصره ۲- در صورت تکرار این تخلف به استناد گزارشهایی که به تایید بازرس معتمد و مدیر مربوطه برسد پرونده فرد خاطی به هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری ارجاع و یکی از مجازاتهای بازخرید، اخراج و انفصال دائم از خدمات دولتی اعمال خواهد شد.

تبصره ۳- دستگاههای اجرایی موظف است اسامی افراد حقیقی و حقوقی رشوه دهنده به کارمندان دستگاههای اجرایی را جهت رسیدگی و صدور حکم قضائی به مراجع قضائی ارجاع نمایند.

تبصره ۴- سازمان موظف است اسامی افراد حقیقی و حقوقی رشوه دهنده به کارمندان دستگاههای اجرایی را جهت ممنوعیت عقد قرارداد به کلیه دستگاههای اجرایی اعلام نماید.

ماده ۹۲- مدیران و سرپرستان بلافصل، مسئول نظارت و کنترل و حفظ روابط سالم کارمندان خود در انجام وظایف محوله می باشند و در مورد عملکرد آنان باید پاسخگو باشند. در صورتی که کارمندان مزبور با اقدامات خود موجب ضرر و زیان دولت گردند و یا تخلفاتی نظیر رشوه و یا سوء استفاده در حیطه مدیریت مسئولان مزبور مشاهده و اثبات گردد، علاوه بر برخورد با کارمندان خاطی با مدیران و سرپرستان کارمندان (حسب مورد) نیز که در کشف تخلف یا جرایم اهمال نموده باشند مطابق قوانین مربوط، با آنان رفتار خواهد شد.

۴-۸ دستورالعمل اجرایی مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری به تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷

مصوب هیأت وزیران

تعاریف:

ماده ۱- واژه‌ها و عبارات اختصاری مندرج در این دستورالعمل در معانی زیر به کار می‌روند:

الف- قانون: قانون مدیریت خدمات کشوری

ب- بازرس: بازرس معتمد و متخصص موضوع تبصره یک ماده (۹۱) قانون مدیریت خدمات کشوری

ج- بازرسی: بازرسی داخلی توسط بازرس معتمد و متخصص موضوع تبصره یک ماده (۹۱) قانون مدیریت خدمات کشوری

د- سازمان: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

هـ- بازرسی مستمر: مجموعه فعالیت‌های بازرسی است که بر اساس برنامه‌های مدون و منظم در خصوص تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون مدیریت خدمات کشوری با تعیین محدوده و زمان مشخص انجام می‌پذیرد.

و- بازرسی موردی: یکی از طرق بازرسی است که خارج از برنامه‌های مدون سالیانه و متعاقب وصول شکایات و گزارش‌های مقرون به صحت (نظیر مراجعان، سازمان‌های مردم‌نهاد، سایر کارمندان دستگاه که به نحوی از موضوع مطلع شده‌اند)، اعلام سازمان، دبیرخانه هیأت عالی نظارت، دستور بالاترین مقام دستگاه اجرایی یا مقامات و مدیران مجاز یا درخواست سایر مسئولین ذی‌ربط دستگاه در محدوده ماده (۹۱) قانون صورت می‌پذیرد.

ز- کمیته: کمیته سلامت اداری و صیانت از حقوق مردم موضوع بند «۴» قسمت «الف» بخشنامه شماره ۱۳۴۷۲/۹۳/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۷ معاونت وقت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور.

شرایط بازرسان و تعداد آنها:

ماده ۲- بازرسان منتخب می‌بایست متصف به امانت‌داری و صداقت بوده و از حسن شهرت برخوردار باشند و از میان افراد مطلع، دارای تحصیلات عالی و با سوابق اجرایی مؤثر انتخاب شوند. در اجرای این ماده بازرسان می‌بایست واجد شرایط ذیل باشند:

- دارا بودن معیارهای اخلاق حرفه‌ای بازرسی نظیر: شکیبایی، جدیت، سخت‌کوشی، رازداری، مثبت‌گرایی، انضباط، خوش‌رفتاری و بی‌طرفی
 - کارشناس متخصص با مدرک تحصیلی حداقل لیسانس
 - حداقل ۵ سال تجربه کاری
 - آشنایی با مشاغل تخصصی دستگاه و شرح وظایف شاغلین این پست‌ها
 - آشنایی با قوانین و مقررات، ضوابط و رویه‌ها حاکم بر دستگاه
 - امکان مشارکت در بازرسی‌ها مستمر بدون ایجاد وقفه در وظایف مرتبط با پست سازمانی
 - برخوردار بودن از توانایی بالا در تجزیه و تحلیل مسائل
- ماده ۳- تعداد بازرسان هر دستگاه اجرایی نباید از هفت دهم درصد کل کارکنان (رسمی، پیمانی و قراردادمعین) تجاوز نماید. تعداد بازرسان حوزه ستادی کم‌تر از ۲ نفر نخواهد بود و برای واحدهای خارج از مرکز حداقل یک نفر به عنوان بازرس تعیین خواهد شد.

نحوه انتصاب بازرسان:

- ماده ۴- انتصاب بازرسان (در واحدهای ستادی و استانی) با پیشنهاد ناظر ارشد (موضوع ماده ۹ این دستورالعمل)، تأیید کمیته و حکم بالاترین مقام دستگاه اجرایی صورت می‌پذیرد.
- ماده ۵- احکام بازرسان مطابق فرم ضمیمه این دستورالعمل و برای مدت ۳ سال صادر خواهد شد. بازرسان موظفند پس از دریافت احکام خود سوگندنامه پیوست این دستورالعمل را امضا نمایند.
- ماده ۶- با انتصاب بازرسان موضوع ماده (۹۱) قانون در ستاد دستگاه و واحدهای تابعه استانی انتخاب بازرسان موضوع بند «ج» ماده (۲) آیین‌نامه پیش‌گیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی (تصویب نامه شماره ۷۳۳۷۷/ت ۳۰۳۷۴ هـ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۲ هیأت وزیران) متفی خواهد بود.

آموزش و اطلاع‌رسانی

ماده ۷- دستگاه‌های اجرایی مکلفند دوره‌های آموزشی بازرسان را مطابق با عناوین و سرفصل‌هایی که سازمان در قالب نظام آموزش کارکنان دولت ابلاغ می‌نماید، برنامه‌ریزی و اجرا نمایند.

ماده ۸- دستگاه‌های اجرایی موظفند به نحو مقتضی کارمندان و مدیران مربوطه را از مفاد مواد (۹۱) و (۹۲) قانون مدیریت خدمات کشوری و اقدامات اجرایی خود در این باره آگاه و تدابیر لازم را برای دریافت گزارش‌های مردمی در ارتباط با تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون پیش‌بینی نمایند.

تبصره: در اجرای این ماده دستگاه‌های اجرایی می‌بایست روش‌های نظارت مردمی و نحوه دریافت گزارش‌ها و شکواییه‌های مربوطه مانند صندوق‌های ارتباط مستقیم، پورتال دستگاه و پست صوتی را به شکل مناسب اطلاع‌رسانی نمایند. نتیجه اقدامات و بررسی‌های انجام شده از طریق نظیر پورال، کتبی، تلفنی و پیامک به اطلاع شاکی خواهد رسید.

هماهنگی و نظارت بر عملکرد بازرسان:

ماده ۹- مدیر کل دفتر مدیریت عملکرد (یا عناوین مشابه) به عنوان ناظر ارشد، وظیفه‌ی پیشنهاد بازرسان، سازماندهی، هماهنگی، هدایت و آموزش، نظارت و اخذ گزارش عملکرد بازرسان را در چارچوب دستورالعمل جاری و مصوبات کمیته بر عهده دارد و بازرسان موظفند گزارش ماهیانه عملکرد خود را برای ایشان ارسال نمایند.

ماده ۱۰- دفاتر حراست و سایر مراجع ذی‌ربط دستگاه در حدود وظایف محوله همکاری لازم را با بازرسان معمول خواهند داشت.

ماده ۱۱- در صورتی که هر یک از بازرسان موضوع ماده (۹۱) قانون از موقعیت خود سوءاستفاده نمایند موضوع توسط ناظر ارشد یا سایر مراجع ذی‌صلاح دستگاه به بالاترین مقام دستگاه گزارش می‌شود تا حسب مورد مطابق ماده (۱۲) قانون رسیدگی به تخلفات اداری با وی برخورد یا دستور ارجاع پرونده به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری را صادر نماید.

شیوه‌های بازرسی و اولویت‌های آن:

ماده ۱۲- بازرسی‌های موضوع ماده (۹۱) قانون به صورت مستمر یا موردی انجام خواهد پذیرفت. برنامه بازرسی‌های مستمر با تأکید بر اولویت‌های زیر به تصویب کمیته می‌رسد:

الف- گلوگاه‌ها و نقاط آسیب‌پذیر دستگاه که بیش‌تر در معرض وقوع تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون قرار دارند. (نقاط مذکور ظرف مدت سه ماه از ابلاغ این دستورالعمل توسط کمیته تعیین و اعلام خواهد شد.)

ب- مشاغل در معرض آسیب

ج- پست‌های سازمانی که بر اساس آرای صادره و پرونده‌های متشکله در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری دستگاه بیش‌ترین موارد مربوط به تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون توسط متصدیان آنها انجام گرفته است.

د- نقاطی که بر اساس نظرسنجی‌های سالیانه یا گزارش‌های مردمی بیش‌ترین موارد وقوع تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون در آنجا گزارش شده است.

ه- اولویت‌های اعلامی سازمان یا سایر مراجع ذی‌ربط.

ماده ۱۳- بازرسی حسب مورد توسط بازرس یا سازمان انجام می‌شود. ناظر ارشد مواردی را که نیازمند بازرسی گروهی است مشخص و سررست گروه را تعیین می‌نماید.

نحوه تنظیم گزارش:

ماده ۱۴- گزارش‌های بازرسی باید بر اساس ضوابط و قواعد گزارش‌نویسی و مطابق فرم ضمیمه این دستورالعمل‌ها تهیه شوند. در گزارش‌های تنظیمی رعایت موارد زیر الزامی است:

الف- اسناد و مدارک مورد استناد باید به ترتیب ارجاع، شماره‌گذاری شده و اصل یا تصویر آنها در انتهای گزارش آورده شود.

ب- پیش از تنظیم گزارش نهایی، توضیحات فرد یا افراد ذی‌ربط به صورت کتبی اخذ و اظهارات و دفاعیات شفاهی آنها صورت جلسه شود. در صورتی که کارمند از ارائه توضیح کتبی یا شفاهی خودداری نماید بازرس موظف است مراتب را گواهی و گزارش را تنظیم نماید.

ج- در گزارش‌هایی که با موضوع اخذ رشوه تنظیم می‌شود حداقل یکی از مصادیق مذکور در ماده (۱) آیین‌نامه پیش‌گیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی (موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۰۳۷۴/۷۳۳۷۷ هـ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۲) مورد استناد قرار گیرد.

د- اصول طبقه‌بندی اسناد اداری رعایت شود.

فرایند بازرسی

ماده ۱۵- بازرسان می‌توانند از طرق زیر نسبت به کسب اطلاعات مورد نیاز اقدام نمایند:

الف- مشاهده

ب- کسب اطلاع از شهود و مطلعین

ج- مطالعه سوابق پرونده‌های موجود و تهیه مدارک آنها

د- بررسی گزارش‌ها و شکوائیه‌های مکتوب ارباب رجوع و عندالزوم مصاحبه با آنها

ه- استعلام نظر مسئولان و کارکنان ذی‌ربط

ماده ۱۶- هر گاه در پایان بازرسی دلایل و مدارکی به دست آید که فردی مرتکب یکی از تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون شده، بر اساس مراحل زیر عمل خواهد شد:

الف- بازرس گزارش خود را با ذکر دلایل و پیوست مدارک برای مدیر ذی‌ربط ارسال می‌نماید.

ب- مدیر مربوطه با قید فوریت به موضوع، رسیدگی نموده و ضمن بررسی دلایل مذکور در گزارش و مستندات پیوست، حداکثر ظرف مدت ۵ روز کاری از تاریخ دریافت گزارش، نظر خود مبنی بر تأیید یا عدم تأیید گزارش بازرسی را اعلام می‌نماید.

د- در صورتی که نظر مدیر دایر بر تأیید تخلف باشد، بازرس مراتب را به همراه پیشنهادات مربوطه جهت اتخاذ تصمیم و اعمال ستمتیمی مجازات‌های مصرح در قسمت اخیر تبصره یک ماده (۹۱) قانون به بالاترین مقام دستگاه یا مقامات و مدیران مجاز گزارش می‌نماید.

ه- در صورتی که نظر مدیر مربوطه گزارش بازرسی را تأیید نکند، دلایل خود را به صورت مستدل به بازرس اعلام و مستندات مورد نظر را پیوست می‌نماید. در این حالت به شوره زیر عمل می‌شود:

۱- اگر استدلال، دلایل و مستندات مدیر مربوطه به گونه‌ای باشد که بازرس را در خصوص عدم وقوع تخلف قانع نماید، ادامه رسیدگی متوقف، سوابق مربوطه بایگانی و مراتب به اطلاع ناظر ارشد خواهد رسید.

۲- با توجه به نظر مدیر مربوطه، بازرس مبادرت به تکمیل گزارش و پیوست مستندات جدید می‌نماید:

- گزارش تکمیلی مجدداً برای مدیر مربوطه ارسال می‌شود.

- مدیر ذی‌ربط با رعایت موعد مزبور، نظر مجدد خود را اعلام می‌نماید.

- در صورتی که گزارش اصلاحی مورد تأیید مدیر ذی‌ربط قرار گیرد، به شیوه فوق‌الذکر اقدام خواهد شد.

- اگر مدیر ذی‌ربط بر نظر مخالف خود اصرار داشته باشد ولی تخلف از انظر ابزرس محرز باشد، مراتب با گزارش بازرس به بالاترین مقام دستگاه یا مقامات و مدیران مجاز گزارش می‌شود تا مطابق ماده (۱۲) قانون رسیدگی به تخلفات اداری نسبت به برخورد با وی اقدام شود یا دستور ارجاع موضوع به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری ذی‌ربط و یا خاتمه رسیدگی و بایگانی موضوع را صادر نماید. در صورتی

که تخلف کارمند در هیأت تخلفات اداری احراز گردد با مدیر مربوطه مطابق ماده (۹۲) قانون رفتار خواهد شد.

تبصره ۱: در اجرای تبصره یک ماده (۹۱) قانون و به منظور سرعت بخشی به فرآیند تصمیم‌گیری و قاطعیت برخورد با متخلفین، بالاترین مقام دستگاه اجرایی می‌تواند اختیار اعمال مجازات‌ها موضوع این ماده را به مقامات و مدیران مجاز (نظیر استانداران، معاونین وزراء، معاونین استانداران، معاونین دستگاه‌های اجرایی، مدیران کل ملی و استانی) کتباً تفویض نماید.

تبصره ۲: در خصوص دستگاه‌هایی که بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۶ این دستورالعمل به ماقات و مدیران آنها تفویض اختیار صورت گرفته است، افراد مربوطه می‌توانند با طی فرایند تأیید تخلف توسط بازررس و تأیید مدیر بلافصل کارمند، رأساً نسبت به صدور حکم و اعمال مجازات‌های مربوطه اقدام نمایند.

ماده ۱۷- در صورتی که بالاترین مقام دستگاه یا مقامات و مدیران مجاز گزارش‌هایی را که در اجرای ماده (۹۱) قانون دستورالعمل جاری به وی ارائه می‌شود ناقص تشخیص دهد، دستور تکمیل گزارش و رفع نواقص مورد نظر را صادر می‌نماید. در این حالت بازررس موظف است حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز کاری گزارش را تکمیل و نواقص مربوطه را مرتفع نماید.

ماده ۱۸- پس از اعمال مجازات در اجرای تبصره ۱ ماده (۹۱) قانون، در صورت ارتکاب مجدد همان تخلف و تأیید مراتب توسط مدیر مربوطه، گزارش بازررسی توسط بازررس به همراه سوابق مربوطه به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری ذی‌ربط ارجاع می‌نماید. هیأت در صورت احراز تخلف، مطابق تبصره دو ماده (۹۱) قانون، یکی از مجازات‌های بازخریدی، اخراج و انفصال دائم از خدمات دولتی را اعمال خواهد نمود.

ماده ۱۹- در مواردی که بر اساس گزارش بازرسان موضوع ماده (۹۱) قانون یا حسب بررسی‌ها سایر مراجع ذی‌ربط دستگاه، مدیر یا سرپرست بلافصل نیز به علت عدم اعمال نظارت، کنترل مؤثر و حفظ روابط سالم کارمند مقصر تشخیص داده شود، در اجرای ماده (۹۲) قانون، پرونده مدیر ذی‌ربط نیز به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری ارجاع خواهد شد.

اقدامات حمایتی از بازررسین

ماده ۲۰- بازررسین و سایر مراجع ذی‌ربط باید از افشای اطلاعات مربوط به هویت، محل سکونت و کار مراجعان و کارمندان گزارش‌دهنده تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون خودداری نمایند مگر با رضایت

آن‌ها. در صوت ارجاع پرونده به مراجع قضایی، افشای هویت مخبرین و سهود تابع قوانین و مقررات مربوطه خواهد بود.

ماده ۲۱- دستگاه‌های اجرایی موظفند در خصوص دعوایی که در مقام انجام وظایف قانونی علیه بازرسان مطرح می‌شود مطابق ماده (۸۸) قانون، خدمات حقوقی ارائه نمایند.

ارزیابی عملکرد بازرسان

ماده ۲۲- ناظر ارشد موظف است حداکثر تا پایان خردادماه، گزارش ارزیابی عملکرد سال گذشته بازرسان را مطابق فرم ضمیمه شماره ۶ این دستورالعمل تهیه و پس از تأیید کمیته به بالاترین مقام دستگاه ارائه نماید.

تبصره ۱: بالاترین مقام دستگاه در خصوص برکناری بازرسانی که امتیاز ارزیابی آن‌ها مطابق فرم مذکور کم‌تر از ۶۰٪ باشد اقدام و در مورد بازرسانی که نمره ارزیابی عملکرد آن‌ها بالاتر از ۸۵٪ باشد مطابق ضوابط قانونی مشوق‌های لازم را اعمال خواهد کرد.

تبصره ۲: علاوه بر مشوق‌های مربوط بر عملکرد سالیانه، در مواردی که تلاش‌های بازرس منجر به کشف پرونده مهم یا تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون گردد، ناظر ارشد می‌تواند به بالاترین مقام دستگاه پیشنهاد نماید در چارچوب ضوابط و مقررات موجود نسبت به اعطای مشوق‌های معنوی و مادی ویژه به بازرس ذی‌ربط اقدام نماید.

سایر موارد:

ماده ۲۳- در مواردی که بازرسان در جریان بازرسی‌های خود متوجه سوء جریاناتی شوند که ناشی از فقدان ضوابط و مقررات مناسب باشد یا با رویه‌هایی مخالف مقررات و ضوابط مواجه شوند، موضوع را با ذکر دلایل و مستندات مربوطه همراه با پیشنهادهای اصلاحی مورد نظر به ناظر ارشد گزارش می‌نمایند. در صورتی که ناظر ارشد نظر بازرس را قرین به صحت تشخیص دهد، مراتب را به مراجع ذی‌صلاح ارجاع منعکس می‌نماید تا اصلاحات لازم را به عمل آورند.

ماده ۲۴- دستگاه‌های اجرایی مکلفند اسامی بازرسان و ناظر ارشد را از طریق سامانه الکترونیک سازمان اعلام و هر گونه تغییر احتمالی را در این سامانه ثبت نموده و گزارش کلی اجرای مواد (۹۱ و ۹۲) قانون و دستورالعمل جاری را هر شش ماه یک بار بر اساس سازوکار و اقلام اطلاعاتی اعلامی به سازمان ارسال نمایند (گزارش شش ماهه اول سال حداکثر تا پایان مهر ماه و گزارش شش ماهه دوم حداکثر تا پایان فروردین سال بعد). هم چنین برای تشکیل و تکمیل بانک‌های اطلاعاتی مورد نیاز

ضرورت دارد گزارش اقدامات خود را مطابق فرم‌هایی که در سامانه الکترونیک و سایت سازمان درج خواهد شد، در دوره زمانی فوق به سازمان ارسال نمایند:

الف- اسامی و مشخصات کارمندانی که مرتکب یکی از تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون شده و یکی از مجازات‌های مذکور در تبصره یک در خصوص آن‌ها اعمال شده است.

ب- اسامی و مشخصات کارمندانی که با تکرار تخلف پرونده‌های آن‌ها در اجرای تبصره «۲» ماده (۹۱) قانون به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری اراع و با اثبات تخلف به یکی از مجازات‌های مذکور در این تبصره محکوم شده یا برائت حاصل نموده‌اند (پس از قطعیت رأی).

ج- مشخصات اشخاص حقیقی و حقوقی که به علت پرداخت رشوه به کارمندان دستگاه در مراجع قضایی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند.

د- مشخصات اشخاص مذکور در بند فوق پس از قطعیت صدور حکم در مرجع قضایی (در اجرای تبصره «۴» ماده (۹۱) قانون و بای اعلام به سایر دستگاه‌های اجرایی به منظور خودداری از عقد هر گونه قرارداد با آن‌ها).

ماده ۲۵- در موارد زیر بازرس از رسیدگی خودداری و مراتب را جهت اتخاذ تصمیم و انتخاب بازرس جدید به ناظر ارشد گزارش می‌نماید:

الف- بازرس یا اقرای نسبی و سببی وی در موضوع نظارت و بازرسی دارای منفعت شخصی باشند.

ب- فردی که عملکرد وی مورد بازرسی است با بازرس دارای قرابت نسبی و سببی باشد.

ج- فردی که عملکرد وی مورد بازرسی است با بازرس یا اقرای مذکور دارای سابقه اختلاف اداری، دعوی حقوقی یا کیفری باشد.

ماده ۲۶- بالاترین مقام دستگاه اجرایی مسئولیت اجرایی مسئولیت اجرای صحیح این دستورالعمل بر عهده دارند.

ماده ۲۷- سازمان موظف است بر اساس گزارش دریافتی از دستگاه‌ها موضوع ماده ۲۴، گزارش عملکرد اجرای مواد (۹۱) و (۹۲) قانون و دستورالعمل جاری را در مقاطع شش ماهه را (حداکثر تا پایان شهریور ماه سال بعد) برای تقدیمی به شورای عالی اداری و سایر مراجع ذی‌ربط تهیه و ارائه نماید.

ماده ۲۸- این دستورالعمل جایگزین بخشنامه‌ی شماره (۱۶) معاونت وقت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری به شماره ۵۲۷۲/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۷ می‌شود.

۹-۴ منشور حقوق شهروندی از سوی ریاست جمهوری (ابلاغی ۲۹ آذرماه ۱۳۹۵)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت ایران این حق را از طریق اصول قانون اساسی اعمال کرده؛ و به موجب اصول ۱۱۳ و ۱۲۱، مسئولیت اجرا و پاسداری از قانون اساسی را بر عهده رئیس جمهور نهاده است. رئیس جمهور که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران بر پشتیبانی از حق، گسترش عدالت و حمایت از آزادی و کرامت انسانی افراد و حقوق ملت در قانون اساسی به خداوند سوگند یاد کرده است، «منشور حقوق شهروندی» را به مثابه برنامه و خط مشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی ملت ایران اعلام می کند.

این منشور با هدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین «برنامه و خط مشی دولت»، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آن ها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و فراگیر خود را معمول خواهد داشت. برای دستیابی به این هدف همکاری سایر قوا و نهادها و مشارکت مردم، تشکلهای، اتحادیه های صنفی، سازمان های مردم نهاد و بخش خصوصی ضروری است.

مواد مختلف این منشور باید در هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در چارچوب نظام حقوقی موجود تفسیر و اجرا شود و نباید موجب کاهش حقوق شهروندان ایرانی و حقوق اتباع سایر کشورها که در قوانین و یا تعهدات بین المللی کشور شناسایی شده است، گردد.

الف- حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی

ماده ۱- شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمی توان از آن ها سلب کرد مگر به موجب قانون.

ماده ۲- شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی

و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند.

ماده ۳- حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به‌خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.

ماده ۴- حق کودکان است که صرف‌نظر از جنسیت به‌طور خاص از هرگونه تبعیض، آزار و بهره‌کشی مصون و از حمایت‌های اجتماعی متناسب از جمله در حوزه سلامت، مراقبت در مقابل بیماری‌های روحی، روانی و جسمانی و خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار باشند.

ماده ۵- حق توان‌خواهان (شهروندان دارای معلولیت) و سالمندان نیازمند است که از امکانات درمانی و توان‌بخشی برای بهبودی و یا توانمند شدن در جهت زندگی مستقل و مشارکت در جنبه‌های زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۶- شهروندان حق دارند از محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و دینی و تعالی معنوی برخوردار شوند. دولت همه امکانات خود را برای تأمین شرایط لازم جهت بهره‌مندی از این حق به کار می‌گیرد و بامفاسد اخلاقی از جمله دروغ، ریا، تملق، ناپردباری، بی‌تفاوتی، تنفر، بی‌اعتمادی، افراط‌گری و نفاق در جامعه مبارزه می‌کند.

ب- حق کرامت و برابری انسانی

ماده ۷- شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره‌مند هستند.

ماده ۸- اعمال هرگونه تبعیض‌ناروا به‌ویژه در دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع است. دولت باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیض‌ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی، خودداری کند.

ماده ۹- حیثیت و اعتبار شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شخص، مقام یا رسانه‌ای به‌ویژه آن‌هایی که از بودجه و امکانات عمومی استفاده می‌کنند نباید با رفتار یا بیان اهانت‌آمیز نظیر هجو و افترا، حتی از طریق نقل قول، به اعتبار و حیثیت دیگران لطمه وارد کند.

ماده ۱۰- توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و پیروان ادیان و مذاهب و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، ممنوع است.

ماده ۱۱- زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند.

پ- حق آزادی و امنیت شهروندی

ماده ۱۲- آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد.

ماده ۱۳- هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به‌ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است.

ماده ۱۴- شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند. مراجع و مأموران مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود را ارائه دهند.

ت- حق مشارکت در تعیین سرنوشت

ماده ۱۵- شهروندان به شکل برابر از حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش برخوردارند و می‌توانند این حق را از طریق همه‌پرسی یا انتخابات آزاد و منصفانه اعمال کنند.

ماده ۱۶- شهروندان برای مشارکت و نظارت در فرآیند انتخابات، برخورداری از امکانات و امتیازات دولتی (ازجمله یارانه، تبلیغات رادیویی، تلویزیونی و مانند این‌ها)، بهره‌مندی از کمک‌های مردمی و سایر روش‌های تأمین هزینه‌های انتخاباتی، شکایت و اعتراض به تخلفات انتخاباتی نزد مقامات صلاحیت‌دار، از حقوق برابر برخوردارند.

ماده ۱۷- تصمیمات، اقدامات یا اظهارات مقامات و مسئولان دولتی، عوامل اجرایی و نظارتی و مأمورین نظامی، انتظامی و امنیتی پیش از انتخابات، در جریان بررسی شرایط نامزدهای انتخاباتی و پس

از انتخابات باید کاملاً شفاف، بی طرفانه و قانونمند باشد به گونه ای که حتی شائبه تقلب یا تخلف، یا حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

ماده ۱۸- صدا و سیما و همه رسانه هایی که از بودجه یا اموال عمومی استفاده می کنند، باید بی طرفی کامل را در مراحل مختلف انتخابات رعایت کنند تا شائبه حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

ث- حق اداره شایسته و حسن تدبیر

ماده ۱۹- شهروندان از حق اداره شایسته امور کشور بر پایه ی قانون مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف برخوردارند. رعایت این حق توسط همه مسئولین و کارکنان الزامی است.

ماده ۲۰- حق شهروندان است که امور اداری آنها با رعایت قانون، بی طرفانه و به دور از هرگونه منفعت جویی یا غرض ورزی شخصی، رابطه خویشاوندی، گرایش های سیاسی و پیش داوری، در زمان معین و متناسب رسیدگی و انجام شود.

ماده ۲۱- حق شهروندان است که چنانچه تصمیمات نهادهای اداری و یا کارکنان را خلاف قوانین و مقررات بدانند، از طریق مراجعه به مراجع اداری و قضائی صالح، تقاضای احقاق حق کنند.

ماده ۲۲- حق شهروندان است که از تصمیمات و اقدامات اداری که به نوعی حقوق و منافع مشروع آنها را تحت تأثیر قرار می دهند، آگاه شوند.

ماده ۲۳- مقامات و مأموران اداری باید در روابط خود با شهروندان پاسخگو و قابل دسترس باشند و چنانچه درخواستی را رد کنند باید حسب تقاضا، به صورت مکتوب پاسخ داده و حداکثر راهنمایی را در چارچوب صلاحیت های خود ارائه نمایند.

ماده ۲۴- حق شهروندان است که از دولتی برخوردار باشند که متعهد به رعایت اخلاق حسنه، راست گویی، درستکاری، امانت داری، مشورت، حفظ بیت المال، رعایت حق الناس، توجه به وجدان و افکار عمومی، اعتدال و تدبیر و پرهیز از تندروی، شتاب زدگی، خودسری، فریبکاری، مخفی کاری و دست کاری در اطلاعات و پذیرفتن مسئولیت تصمیمات و اقدامات خود، عذرخواهی از مردم در قبال خطاها، استقبال از نظرات مخالفین و منتقدین و نصب و عزل بر مبنای شایستگی و توانایی افراد باشد.

ج- حق آزادی اندیشه و بیان

ماده ۲۵- شهروندان از حق آزادی اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

ماده ۲۶- هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به طور خاص در عرصه های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه های اجتماعی و مانند این ها طبق قوانین تضمین کند.

ماده ۲۷- شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند.

ماده ۲۸- شهروندان از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند. دولت موظف به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مداراست.

ماده ۲۹- دولت از آزادی، استقلال، تکرر و تنوع رسانه ها در چارچوب قانون حمایت می کند. هیچ مقامی حق ندارد برخلاف موازین قانونی برای انتشار یا عدم انتشار اطلاعات یا مطالب درصدد اعمال فشار بر مطبوعات و سایر رسانه ها برآید یا به سانسور یا کنترل نشریات و سایر رسانه ها مبادرت نماید.

چ- حق دسترسی به اطلاعات

ماده ۳۰- حق شهروندان است که به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه دهنده خدمات عمومی دسترسی داشته باشند. همه دستگاه ها و نهادها موظف به انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه بندی شده و مورد نیاز جامعه می باشند.

ماده ۳۱- حق شهروندان است که به اطلاعات شخصی خود که توسط اشخاص و مؤسسات ارائه دهنده خدمات عمومی جمع آوری و نگهداری می شود دسترسی داشته باشند و در صورت مشاهده اشتباه، خواستار اصلاح این اطلاعات گردند. اطلاعات خصوصی مربوط به افراد را نمی توان در اختیار دیگران قرار داد، مگر به موجب قانون یا با رضایت خود افراد.

ماده ۳۲- کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب با سن خود دسترسی داشته باشند و نباید در معرض محتوای غیراخلاقی، خشونت آمیز یا هر نوع محتوایی قرار گیرند که موجب غلبه ترس یا بروز آسیب جسمی یا روانی شود.

ح- حق دسترسی به فضای مجازی

ماده ۳۳- حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره‌مند شوند. این حق از جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پرازیت، کاهش سرعت یا قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است.

ماده ۳۴- حق شهروندان است که از مزایای دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک، فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی کاربران به صورت غیر تبعیض‌آمیز برخوردار شوند.

ماده ۳۵- حق شهروندان است که از امنیت سایبری و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی برخوردار باشند.

خ- حق حریم خصوصی

ماده ۳۶- حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون.

ماده ۳۷- تفتیش، گردآوری، پردازش، به‌کارگیری و افشای نامه‌ها اعم از الکترونیکی و غیر الکترونیکی، اطلاعات و داده‌های شخصی و نیز سایر مراسلات پستی و ارتباطات از راه دور نظیر ارتباطات تلفنی، نمابر، بی‌سیم و ارتباطات اینترنتی خصوصی و مانند این‌ها ممنوع است مگر به موجب قانون.

ماده ۳۸- گردآوری و انتشار اطلاعات خصوصی شهروندان جز با رضایت آگاهانه یا به حکم قانون ممنوع است.

ماده ۳۹- حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آن‌ها که نزد دستگاه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی است، حفاظت و حراست شود. در اختیار قرار دادن و افشای اطلاعات شخصی افراد ممنوع است و در صورت لزوم به درخواست نهادهای قضایی و اداری صالح منحصراً در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. هیچ مقام و مسئولی حق ندارد بدون مجوز صریح قانونی، اطلاعات شخصی افراد را در اختیار دیگری قرار داده یا آن‌ها را افشا کند.

ماده ۴۰- هرگونه بازرسی و تفتیش بدنی باید با رعایت قوانین، احترام لازم و با استفاده از روش‌ها و ابزار غیر اهانت‌آمیز و غیر آزاردهنده انجام شود. همچنین آزمایش‌ها و اقدامات پزشکی اجباری بدون مجوز قانونی ممنوع است.

ماده ۴۱- کنترل‌های صوتی و تصویری خلاف قانون در محیط‌های کار، اماکن عمومی، فروشگاه‌ها و سایر محیط‌های ارائه خدمت به عموم، ممنوع است.

ماده ۴۲- حق شهروندان است که حرمت و حریم خصوصی آن‌ها در رسانه‌ها و تریبون‌ها رعایت شود. در صورت نقض حرمت افراد و ایجاد ضرر مادی یا معنوی، مرتکبین طبق مقررات قانونی مسئول و موظف به جبران خسارت می‌باشند.

د- حق تشکل، تجمع و راهپیمایی

ماده ۴۳- شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود.

ماده ۴۴- حق شهروندان است که در قالب اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و نظام‌های صنفی در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای قانون مشارکت مؤثر داشته باشند.

ماده ۴۵- فعالیت‌های مدنی در حوزه‌های حقوق شهروندی حق هر شهروند است. زمان‌های مردم‌نهاد باید حق دسترسی به اطلاعات و دادگاه صالح را برای دادخواهی در مورد نقض حقوق شهروندی داشته باشند.

ماده ۴۶- حق شهروندان است که آزادانه و با رعایت قانون نسبت به تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و شرکت در آن‌ها اقدام کنند و از بی‌طرفی دستگاه‌های مسئول و حفاظت از امنیت اجتماعات برخوردار شوند.

ذ- حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد

ماده ۴۷- حق مسلم هر فرد ایرانی است که از مزایای تابعیت ایران بهره‌مند شود و کسی نمی‌تواند مانع استیفای این حق شود.

ماده ۴۸- حق هر شهروند است که آزادانه در داخل کشور رفت و آمد کند و از ایران خارج و یا به ایران وارد شود، مگر این‌که به موجب قانون این حق محدود شده باشد.

ماده ۴۹- حق شهروندان است که در هر نقطه از سرزمین ایران، اقامت و سکونت کنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

ماده ۵۰- اتباع ایرانی در هر نقطه از جهان حق دارند از خدمات و حمایت‌های حقوقی، کنسولی و سیاسی دولت ایران بهره‌مند شوند.

ر- حق تشکیل و برخورداری از خانواده

ماده ۵۱- حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ‌گونه اجباری نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، با رعایت قانون مربوط اقدام نمایند.

ماده ۵۲- حق شهروندان است که از امکانات آموزشی، مشاوره‌ای و پزشکی لازم در امر ازدواج بهره‌مند باشند.

ماده ۵۳- حق شهروندان است که از تدابیر و حمایت‌های لازم برای تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده، تسهیل ازدواج مبتنی بر ارزش‌ها و سنت‌های دینی و ملی برخوردار شوند.

ماده ۵۴- حق همه شهروندان به‌ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.

ماده ۵۵- حق کودکان است که از والدین و سرپرستان صلاحیت‌دار بهره‌مند باشند. جدا کردن کودکان از والدین و سرپرستان قانونی آن‌ها، صرفاً بر اساس قانون خواهد بود.

ز- حق برخورداری از دادخواهی عادلانه

ماده ۵۶- حق شهروندان است که به‌منظور دادخواهی آزادانه و با سهولت به مراجع صالح و بی‌طرف قضایی، انتظامی، اداری و نظارتی، دسترسی داشته باشند. هیچ‌کس را نمی‌توان از این حق محروم کرد.

ماده ۵۷- اصل بر براءت است و هیچ‌کس مجرم شناخته نمی‌شود مگر این‌که اتهام او در دادگاه‌های صالح و با رعایت اصول دادرسی عادلانه ازجمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات، استقلال و بیطرفی مرجع قضایی و قضات، حق دفاع، شخصی بودن مسئولیت جزایی، رسیدگی در مدت‌زمان معقول و بدون اطاله دادرسی و با حضور وکیل، اثبات شود. احکام باید مستدل و مستند به قوانین و اصول مربوط صادر شود.

ماده ۵۸- حق شهروندان است که از بدو تا ختم فرایند دادرسی در مراجع قضایی، انتظامی و اداری به‌صورت آزادانه وکیل انتخاب نمایند. اگر افراد توانایی انتخاب وکیل در مراجع قضایی را نداشته باشند

باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم شود. در راستای استیفای خدشه‌ناپذیر حق دفاع، از استقلال حرفه‌ای و کلاً حمایت خواهد شد.

ماده ۵۹- اصل، برگزاری علنی محاکمات است و شهروندان حق دارند در صورت تمایل در جلسات رسیدگی حضور یابند. موارد استثنائاً به حکم قانون می‌باشد.

ماده ۶۰- شهروندان (اعم از متهم، محکوم و قربانی جرم) از حق امنیت و حفظ مشخصات هویتی‌شان در برابر مراجع قضایی، انتظامی و اداری برخوردارند و نباید کمترین خدشه‌ای به شأن، حرمت و کرامت انسانی آن‌ها وارد شود. هرگونه رفتار غیرقانونی مانند شکنجه جسمی یا روانی، اجبار به ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و توهین به متهم یا محکوم، نقض حقوق شهروندی است و علاوه بر این‌که موجب پیگرد قانونی است، نتایج حاصل از این رفتارها نیز قابل استناد علیه افراد نیست.

ماده ۶۱- محاکمه شهروندانی که با اتهامات سیاسی یا مطبوعاتی مواجه می‌باشند صرفاً در دادگاه‌های دادگستری، به صورت علنی و با حضور هیئت‌منصفه انجام می‌شود. انتخاب اعضای هیئت‌منصفه باید تجلی وجدان عمومی و برآیند افکار و نظرات گروه‌های اجتماعی مختلف باشد.

ماده ۶۲- حق شهروندان است که از بازداشت خودسرانه و بازرسی فاقد مجوز مصون باشند. هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خانواده و بستگان افراد در معرض اتهام و بازداشت ممنوع است.

ماده ۶۳- حق شهروندان است که از تمامی حقوق دادخواهی خود از جمله اطلاع از نوع و علت اتهام و مستندات قانونی آن و انتخاب وکیل آگاهی داشته باشند و از فرصت مناسب برای ارائه شکایت یا دفاعیات خود، ثبت دقیق مطالب ارائه‌شده در همه مراحل دادرسی، نگهداری در بازداشتگاه‌ها یا زندان‌های قانونی و اطلاع خانواده از بازداشت بهره‌مند شوند.

ماده ۶۴- بازداشت‌شدگان، محکومان و زندانیان حق دارند که از حقوق شهروندی مربوط به خود از قبیل تغذیه مناسب، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، ارتباط و اطلاع از خانواده، خدمات آموزشی و فرهنگی، انجام عبادات و احکام دینی بهره‌مند باشند.

ماده ۶۵- تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاه‌های کیفری، حقوقی، اداری و مراجع شبه قضایی بر اساس معیارهای قانونی، حق شهروندان است.

ماده ۶۶- حق همه بازداشت‌شدگان موقت و محکومان است که پس از پایان بازداشت یا اجرای حکم به زندگی شرافتمندانه خود بازگردند و از همه حقوق شهروندی به ویژه اشتغال به کار برخوردار شوند. محرومیت اجتماعی هر محکوم جز در موارد مصرح قانونی و در حدود و زمان تعیین شده ممنوع است. ماده ۶۷- دولت با همکاری سایر قوا و مراجع حاکمیتی برای ارتقای نظام حقوقی ایران و ایجاد الگوی کارآمد، با تأکید بر رعایت حقوق دادخواهی، اقدامات لازم را معمول خواهد داشت.

ژ- حق اقتصاد شفاف و رقابتی

ماده ۶۸- شهروندان در حق دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و امکانات و خدمات عمومی و دولتی برابرند. انعقاد قراردادها و پیمان‌های بخش عمومی و دولتی با بخش خصوصی و اعطای هر نوع مجوز در حوزه اقتصادی به شهروندان باید با رعایت قوانین و مقررات مربوط و رقابت منصفانه در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات انجام شود.

ماده ۶۹- حق شهروندان است که از فرایند وضع، تغییر و اجرای سیاست‌ها، قوانین و مقررات اقتصادی اطلاع داشته باشند و نظرات خود را به اطلاع مرجع تصویب‌کننده برسانند و با فاصله زمانی مناسب از اتخاذ تصمیمات متفاوت با سیاست‌ها و رویه‌های پیشین مطلع شوند تا بتوانند خود را برای وقوع تغییرات آماده کنند و پس از اتخاذ تصمیم و برای رعایت اصل شفافیت، شهروندان حق دارند با اطلاع‌رسانی عمومی از تصمیمات آگاهی یابند.

ماده ۷۰- حق شهروندان است که به صورت برابر و با شفافیت کامل از اطلاعات اقتصادی و از جمله اطلاعات مربوط به برگزاری مزایده‌ها و مناقصه‌ها مطلع شوند.

ماده ۷۱- دولت فضای قانونمند، شفاف و رقابتی منصفانه را برای انجام انواع فعالیت‌های اقتصادی شهروندان و امنیت سرمایه‌گذاری آن‌ها تضمین می‌کند.

ماده ۷۲- دولت به منظور تأمین حقوق اقتصادی شهروندان و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، شرایط لازم در خصوص تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، ساده‌سازی، صراحت و ثبات در تصمیمات اقتصادی، گسترش مناسبات و پیوندهای منطقه‌ای، ایجاد تمهیدات لازم را برای حضور فعالان اقتصادی ایران در بازارهای جهانی، حمایت از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به دانش روز، تنظیم هدفمند صادرات و واردات، مقابله با جرائم سازمان‌یافته اقتصادی، پول‌شویی و قاچاق کالا و ارز فراهم می‌کند.

س- حق مسکن

ماده ۷۳- حق شهروندان است که از مسکن ایمن و متناسب با نیاز خود و خانواده‌شان بهره‌مند شوند. دولت بر اساس نیاز و با رعایت اولویت و امکانات زمینه استیفای این حق را فراهم می‌نماید.

ماده ۷۴- دولت با اتخاذ تدابیر و وضع مقررات لازم، زمینه تأمین و بهبود وضعیت مسکن متناسب با ویژگی‌های بومی و ارزش‌های فرهنگی، اجرای مقررات ملی ساختمان و طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی را فراهم می‌نماید.

ش - حق مالکیت

ماده ۷۵- حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است. هیچ شخص یا مقامی نمی‌تواند مالکیت دیگری را سلب، یا اموال او را مصادره یا ضبط یا توقیف کند یا نسبت به حقوق مالی یا مالکیت او ممانعت، مزاحمت یا محدودیت ایجاد کند، مگر به موجب قانون.

ماده ۷۶- انواع مالکیت‌های فکری از جمله مالکیت ادبی، هنری و صنعتی با رعایت قانون، محترم و مورد حمایت است و شهروندان حق دارند که در چهارچوب قانون از حمایت‌های لازم برای خلق و عرضه آثار هنری و انتفاع از حقوق مادی و معنوی ناشی از آن‌ها در داخل و خارج از کشور برخوردار شوند.

ص - حق اشتغال و کار شایسته

ماده ۷۷- حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ‌کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی و یا اختلاف‌نظر در گرایش‌های سیاسی و یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند.

ماده ۷۸- شهروندان از حق فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزادانه حرفه موردنظر خود طبق موازین قانونی به گونه‌ای که قادر به تأمین معاش خود به صورت منصفانه و آبرومندانه باشند، برخوردارند. دولت شرایط مناسب را برای تحقق این حق تضمین و بر آن نظارت می‌نماید.

ماده ۷۹- حق شهروندان است که از آموزش‌های لازم درباره مشاغل بهره‌مند شوند.

ماده ۸۰- حق شهروندان است که از بهداشت محیطی و کاری سالم و ایمن و تدابیر ضروری برای پیشگیری از آسیب‌های جسمی و روحی در محیط‌های کار بهره‌مند باشند.

ماده ۸۱- شهروندان از حیث نقض قوانین و مقررات کار، حق دادخواهی در برابر مراجع قانونی را دارند.

ماده ۸۲- به کارگیری، ارتقا و اعطای امتیازات به کارکنان باید مبتنی بر تخصص، شایستگی و توانمندی‌های متناسب با شغل باشد و رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی و تبعیض‌آمیز و استفاده از روش‌های ناقض حریم خصوصی در فرایند گزینش ممنوع است.

ماده ۸۳- حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.

ماده ۸۴- اشتغال اجباری کودکان به کار ممنوع است. موارد استثنا که در جهت منافع و مصالح آنان باشد صرفاً به حکم قانون مجاز می‌باشد.

ض- حق رفاه و تأمین اجتماعی

ماده ۸۵- آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است.

ماده ۸۶- حق هر شهروند است که از رفاه عمومی و تأمین اجتماعی و خدمات امدادی بهره‌مند شود.

ماده ۸۷- حق شهروندان است که در صورت بیکاری ناخواسته، طبق قانون از حقوق بیمه بیکاری برخوردار شوند.

ماده ۸۸- حق شهروندان روستانشین و عشایر است که حسب مورد از حقوقی چون توسعه روستایی، بیمه و تأمین اجتماعی و ایمن‌سازی محیط زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۸۹- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی - ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند.

ماده ۹۰- حق زنان است که از تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری‌های شایع زنان بهره‌مند شوند.

ماده ۹۱- حق شهروندان است که از محیط زندگی عاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی از جمله مواد مخدر و روان‌گردان برخوردار باشند. گروه‌های آسیب‌پذیر و مددجویان از اقدامات مؤثر دولت در زمینه توانمندسازی، امید به زندگی و اعمال سیاست‌های تأمین‌ی برخوردار می‌شوند.

ماده ۹۲- حق جامعه ایثارگران و خانواده‌های معظم آنان است که به‌طور خاص از تمهیدات ضروری برای توانمندسازی فردی و جمعی برای حضور و مشارکت مؤثر در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برخوردار شوند.

ماده ۹۳- دولت از حقوق بیمه‌شدگان حمایت می‌کند و این حمایت شامل تضمین فضای رقابتی، نظارت بر فعالیت بیمه‌گران و نهادهای بیمه‌ای، تنظیم روابط بیمه‌گر و بیمه‌گزار و بهبود سازوکارهای رسیدگی به دادخواهی بیمه‌شدگان و سایر ذی‌نفعان می‌باشد.

ماده ۹۴- شهروندان حق دسترسی به کالاها و خدمات استاندارد را دارند به‌گونه‌ای که بهداشت یا سلامت آن‌ها را با مخاطره مواجه نکند.

ط- حق دسترسی و مشارکت فرهنگی

ماده ۹۵- برخورداری از آثار و فواید توسعه فرهنگی و پیشرفت‌های علمی، مشارکت در حیات فرهنگی و حمایت متوازن از جنبه‌های مختلف فرهنگ حق شهروندان است.

ماده ۹۶- تنوع و تفاوت‌های فرهنگی مردم ایران به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی در چارچوب هویت ملی مورد احترام است.

ماده ۹۷- شهروندان فارغ از تفاوت‌های قومی و مذهبی از حق ارتباطات بین فرهنگی برخوردارند.

ماده ۹۸- دولت مکلف به حفظ و حراست از میراث تمدنی و فرهنگی و حفظ آثار، بناها و یادبودهای تاریخی صرف‌نظر از تعلق آن‌ها به گروه‌های مختلف فرهنگی است.

ماده ۹۹- شهروندان حق دارند از امکانات لازم برای مشارکت در حیات فرهنگی خود و همراهی با دیگر شهروندان از جمله در تأسیس تشکلهای، انجمن‌ها، برپایی آیین‌های دینی و قومی و آداب و رسوم فرهنگی با رعایت قوانین برخوردار باشند.

ماده ۱۰۰- فعالان عرصه‌های هنری حق دارند در فضای غیرانحصاری آزادانه فعالیت کنند. دولت موظف است تدابیر لازم برای جلب مشارکت رقابتی بخش خصوصی در مراحل تولید و عرضه آثار هنری را فراهم کند.

ماده ۱۰۱- شهروندان از حق یادگیری و استفاده و تدریس زبان و گویش محلی خود برخوردارند.

ماده ۱۰۲- شهروندان در انتخاب نوع پوشش خود متناسب با عرف و فرهنگ اجتماعی و در چارچوب موازین قانونی آزاد هستند.

ماده ۱۰۳- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که ضمن برخورداری از مشارکت و حضور در فضاها و مراکز عمومی، تشکلهای سازمانهای اجتماعی، فرهنگی و هنری مخصوص خود را تشکیل دهند.

ظ- حق آموزش و پژوهش

ماده ۱۰۴- شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به‌طور رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد.

ماده ۱۰۵- همه استادان و دانشجویان حق بهره‌مندی از مزایای آموزشی و پژوهشی از جمله ارتقا را دارند. اعطای تسهیلات و حمایت‌های علمی از جمله فرصت مطالعاتی، بورسیه و غیره صرفاً باید بر اساس توانمندی‌های علمی، شایستگی، فارغ از گرایش‌های جناحی و حزبی و مانند این‌ها باشد.

ماده ۱۰۶- جوامع علمی، حوزوی و دانشگاهی از آزادی و استقلال علمی برخوردارند، استادان، طلاب و دانشجویان در اظهارنظر آزادند و آن‌ها را نمی‌توان به‌صرف داشتن یا ابراز عقیده در محیط‌های علمی مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد یا از تدریس و تحصیل محروم کرد. اساتید و دانشجویان حق دارند نسبت به تأسیس تشکلهای صنفی، سیاسی، اجتماعی، علمی و غیره و فعالیت در آن‌ها اقدام کنند.

ماده ۱۰۷- دانشگاه باید مکانی امن برای استادان و دانشجویان باشد. مسئولان دانشگاه باید برای تضمین امنیت دانشجویان اهتمام جدی ورزند. رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان باید با رعایت حق دادخواهی، اصول دادرسی منصفانه و دسترسی به مراجع صالح مستقل و بی‌طرف و با رعایت حق دفاع و تجدیدنظرخواهی، در حداقل زمان و بدون تأخیر، مطابق با مقررات انجام شود.

ماده ۱۰۸- حق دانش‌آموزان است که از آموزش و پرورشی برخوردار باشند که منجر به شکوفایی شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی و احترام به والدین و حقوق دیگران، هویت فرهنگی، ارزش‌های دینی و ملی شود و آن‌ها را برای داشتن زندگی اخلاقی و مسئولانه توأم با تفاهم، مسالمت، مدارا و مروت، انصاف، نظم و انضباط، برابری و دوستی بین مردم و احترام به محیط زیست و میراث فرهنگی آماده کند.

ماده ۱۰۹- حق دانش‌آموزان است که شخصیت و کرامت آنان مورد احترام قرار گیرد. نظرات کودکان در مسائل مربوط به زندگی‌شان باید شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد.

ماده ۱۱۰-هیچ کس حق ندارد موجب شکل‌گیری تنفرهای قومی، مذهبی و سیاسی در ذهن کودکان شود یا خشونت نسبت به یک نژاد یا مذهب خاص را از طریق آموزش یا تربیت یا رسانه‌های جمعی در ذهن کودکان ایجاد کند.

ماده ۱۱۱-توان‌خواهان باید به تناسب توانایی از فرصت و امکان تحصیل و کسب مهارت برخوردار باشند و معلولیت نباید موجب محرومیت از حق تحصیل دانش و مهارت‌های شغلی شود.

ع- حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار

ماده ۱۱۲-حفاظت از محیط‌زیست -که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند - وظیفه‌ای همگانی است. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن‌که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن همراه باشد، ممنوع است. حفاظت، بهسازی و زیباسازی محیط‌زیست و گسترش فرهنگ حمایت از محیط‌زیست حق شهروندان است و دولت این حق را در برنامه‌ها، تصمیمات و اقدام‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مدنظر قرار می‌دهد و با آلودگی و تخریب محیط‌زیست مقابله می‌کند.

ماده ۱۱۳-هر شهروند حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم، پاک و عاری از انواع آلودگی، از جمله آلودگی هوا، آب و آلودگی‌های ناشی از امواج و تشعشعات مضر و آگاهی از میزان و تبعات آلاینده‌های محیط‌زیست را دارد. دستگاه‌های اجرایی برای کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی به‌ویژه در شهرهای بزرگ تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند.

ماده ۱۱۴-هرگونه اقدام به‌منظور توسعه زیربنایی و صنعتی مانند احداث سدها و راه‌ها و صنایع استخراجی، پتروشیمی یا هسته‌ای و مانند آن باید پس از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی انجام شود. اجرای طرح‌های توسعه‌ای منوط به رعایت دقیق ملاحظات زیست‌محیطی خواهد بود.

ماده ۱۱۵-دولت با ایفای نقش بین‌المللی مؤثر از طریق همکاری‌های اقتصادی، تبادل اطلاعات، انتقال دانش فنی و مبادله فرهنگی برای تحقق توسعه پایدار همه‌جانبه و متوازن و رفع موانع بین‌المللی اقدام خواهد نمود. حق شهروندان است که از مزایا و منافع فن‌آوری‌های نو در کلیه زمینه‌ها از جمله بهداشتی، پزشکی، دارویی، غذایی، اقتصادی و تجاری بهره‌مند شوند.

غ- حق صلح، امنیت و اقتدار ملی

ماده ۱۱۶-حق شهروندان است که از سیاست خارجی شفاف و صلح‌طلبانه در چارچوب منافع و امنیت ملی، برخوردار باشند. دولت با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت، برقراری، حفظ و ارتقای

روابط و مناسبات پایدار با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را دنبال می‌کند و با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و روش‌های خردمندانه برای ترویج و تقویت گفتمان صلح، صیانت از حقوق بشر و کرامت انسان‌ها، مبارزه با خشونت و افراطی‌گری و دفاع از حقوق مظلومان تلاش می‌کند.

ماده ۱۱۷- دولت برای حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور و بهبود وجهه بین‌المللی ایران، برنامه‌ریزی و اقدام خواهد نمود.

ماده ۱۱۸- شهروندان حق دارند از امنیت، استقلال، وحدت، تمامیت ارضی و اقتدار ملی برخوردار باشند.

ماده ۱۱۹- دولت موظف است با برنامه‌ریزی‌های لازم و تخصیص منابع کافی در جهت بازدارندگی راهبردی و ارتقای توانمندی دفاعی کشور اقدامات لازم به ویژه تجهیز و تقویت نیروهای مسلح را به عمل آورد.

ماده ۱۲۰- شهروندان حق دارند از آموزش دفاعی لازم برخوردار باشند. دولت با برنامه‌ریزی و تخصیص امکانات لازم نسبت به تقویت بنیه دفاعی و بسیج عمومی اقدام می‌نماید.

سازوکار اجرا و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی

۱. رئیس‌جمهور برای نظارت، هماهنگی و پیگیری اجرای مناسب تعهدات دولت در این منشور، دستیار ویژه‌ای را تعیین می‌نماید. پیشنهاد برنامه و خط‌مشی مربوط به اجرای کامل منشور حقوق شهروندی از جمله مسئولیت‌های دستیار ویژه است.

۲. دستگاه‌های اجرایی تابع قوه مجریه موظف‌اند با هماهنگی دستیار ویژه در حدود صلاحیت‌های قانونی خود، با جلب مشارکت مردم، تشکل‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی، ضمن جمع‌بندی و مدون سازی حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی و قوانین عادی، در حوزه مسئولیت‌ها و اختیارات خود و شناسایی موارد نقض حقوق شهروندی، تدابیر و اقدامات قانونی لازم را برای تحقق این حقوق به‌ویژه از طریق تدوین و اجرای برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی، آموزش، اطلاع‌رسانی و ظرفیت‌سازی و تقویت مفاهیم، گفتگو و تعامل در حوزه عمومی انجام دهند.

۳. دستگاه‌های تابع قوه مجریه موظف‌اند برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی مربوط به خود را ظرف مدت شش ماه از انتشار این منشور تهیه و در اختیار دستیار ویژه ریاست جمهوری قرار دهند و هر سال گزارش ادواری پیشرفت‌ها، چالش‌ها، موانع و راه‌حل‌های پیشنهادی برای ارتقاء و اجرای حقوق

شهروندی را در حوزه مسئولیت خود ارائه و از طریق اصلاحات نهادی و ساختاری، برای تحقق حقوق شهروندی مندرج در این منشور اقدام کنند.

۴. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای آشنایی هرچه بیشتر دانش آموزان و دانشجویان با آموزه‌های حقوق شهروندی، ترتیبات لازم را اتخاذ می‌نمایند.

۵. رئیس‌جمهور هر ساله گزارش پیشرفت‌ها و راهکارهای رفع موانع تحقق حقوق شهروندی را به ملت ارائه و در صورت نیاز، منشور را روزآمد می‌کند.
حسن روحانی - رئیس‌جمهوری اسلامی ایران

خلاصه فصل چهارم

زندگی مطلوب و توأم با احساس خوشبختی و آرامش، وابسته به بسترها و اقتضاءات اجتماعی متعددی است اما بیش از همه، در جامعه قانونمدار می‌توان آن را تصور نمود. در پناه نظم و امنیت و وجود دولتی مقتدر و اخلاق محور است که شهروندان به سعادت و خود شکوفایی می‌رسند. بهره‌مندی هر شهروندی در جامعه از حقوق اولیه انسانی و مواهب زیست جمعی، وابسته به اصل حاکمیت قانون است. این اصل موبد قوانین و مقرراتی است که تامین کننده و تضمین بخش حقوق و آزادیهای شهروندی می باشد و مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف را برای شهروندان و دولت مقرر می‌نماید.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق شهروندی بر اساس اصل حاکمیت قانون تنظیم و تضمین شده است. هریک از مقامات و نهادهای مسئول در خصوص حمایت از حقوق شهروندی، بخشی از انواع حق‌ها و تکالیف شهروندی را در اسناد و متون قانونی وضع نموده و به مرحله اجرایی رسانده‌اند. در این فصل به اهم قوانین و مقررات مرتبط با حقوق شهروندی اشاره شد که مهمترین آنها قانون اساسی است که اساسی‌ترین حق‌های شهروندی را در فصل «حقوق ملت» و برخی اصول دیگر بیان داشته است. هر چند قانون اساسی، به بنیادی‌ترین حق‌ها پرداخته، اما سایر مقررات وضع شده توسط قوای سه گانه، به گونه‌ای، تشریح و توصیف همان اصول قانون اساسی است ولی با جزئیات بیشتری به مصادیق و نظام حقوق شهروندی پرداخته‌اند. همچنین سازوکارها و روش های تضمین و حمایت از حقوق شهروندی در عرصه اجرایی با درج ضمانت اجراها و شیوه های جبران خسارت را مقرر داشته‌اند، نظیر منشور حقوق شهروندی یا قانون احترام به حقوق شهروندی.

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم

- ۱- منشور حقوق شهروندی توسط کدام نهاد یا مقام تدوین و ابلاغ شده است؟
الف) قوه مجریه-رئیس جمهور
ب) قوه مقننه-رئیس جمهوری
ج) قوه مقننه-رئیس مجلس
د) قوه قضائیه-رئیس قوه قضائیه
- ۲- مهمترین سند قانونی مرتبط با حقوق شهروندی کدام است؟
الف) طرح تکریم ارباب رجوع
ب) قانون احترام به حقوق شهروندی
ج) قانون اساسی
د) نظارت و پیگیری حقوق عامه
- ۳- حق صلح و اقتدار ملی در کدام سند قانونی به صراحت اشاره شده است؟
الف) کلیه اسناد حقوق بشری
ب) اعلامیه شهروندی
ج) نظارت و پیگیری حقوق عامه
د) منشور حقوق شهروندی
- ۴- بر اساس اسناد حقوق شهروندی، تفتیش عقاید در چه صورت مجاز است؟
الف) مطلقاً ممنوع است
ب) در صورت وجود مصلحت نظام
ج) خطر امنیت ملی
د) خطر نظم عمومی
- ۵- در منشور حقوق شهروندی، تامین مسکن شهروندان، تکلیف چه نهادی عنوان شده است؟
الف) شهرداری
ب) دولت
ج) خود شهروند
د) کلیه نهادهای عمومی

پاسخنامه

فصل اول

۱.ب ۲.د ۳.الف ۴.ج ۵.الف

فصل دوم

۱.ب ۲.ج ۳.الف ۴.ج ۵.الف

فصل سوم

۱.ب ۲.الف ۳.د ۴.ج ۵.الف

فصل چهارم

۱.الف ۲.ج ۳.د ۴.الف ۵.ب

کتابنامه

قرآن کریم

- آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید، چ نوزدهم، ۱۳۸۹.
- آماده، غلامحسین، *نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران*، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۷.
- احمدی، محمدامین، «مفهوم و مبانی حقوق بشر»، ۱۳۹۲، در سایت:
www.aihrc.org.af/files/education
- اسمیت، روناک، *قواعد حقوق بین‌المللی بشر*، ترجمه فاطمه کیهانی، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر، نشر گرایش، ۱۳۸۸.
- اشتراوس، لئو، *حقوق طبیعی و تاریخ*، ترجمه باقر پرهام، تهران: آگاه، ۱۳۹۳.
- امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، ج ۶، تهران: انتشارات اسلامی، چ چهاردهم، ۱۳۹۱.
- امین، حسن، *تاریخ حقوق ایران*، تهران: انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی، چ دوم، ۱۳۸۶.
- امیری، سروش، «ریشه‌های ملی و بین‌المللی چالش‌های حقوق شهروندی در ایران»، *فصلنامه سیاست*، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۵.
- انصاری، منصور و نظری، محمدعلی، «مبانی و اصول حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی و تفاوت آن با حقوق شهروندی در غرب»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، شماره ۲، ۱۳۹۲.
- انصاری، باقر، *آزادی اطلاعات*، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۷.
- انصاری، باقر، *حقوق حریم خصوصی*، تهران: سمت، چ سوم، ۱۳۹۱.
- باقرزاده، رضوان و رنجبریان، امیرحسین، «بنیان اجرای حقوق بشردوستانه: تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه»، *پژوهش حقوق عمومی*، سال شانزدهم، شماره ۴۶، ۱۳۹۴.
- باقری، لیلا، «بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه و انتظار مردم از دولت»، *فصلنامه اخلاق زیستی*، سال چهارم، شماره ۱۱، ۱۳۹۳.
- باربالت، جک، «حقوق شهروندی»، ترجمه جواد کارگزاری، *نشریه حقوق اساسی*، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۸۳.

- پارساپور، محمدباقر، «نظریه حقوق طبیعی»، *فصلنامه دانشگاه قم*، سال چهارم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۹.
- پیرهادی، علی اکبر، *حقوق شهروندی*، تهران: سروش ملل، ۱۳۸۵.
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، «اخلاق شهروندی و ارزش‌های اخلاقی»، ۱۳۹۶، در سایت: <https://hawzah.net/fa/LifeStyle>
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، «تفاوت واژه بشر، آدم و انسان»، ۱۳۹۸، در سایت: <https://hawzah.net/fa/Question>
- پورعزت و همکاران، «رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمان‌ها»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۸، ۱۳۸۸.
- تروپه، میشل، *فلسفه حقوق*، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۶.
- جاوید، محمدجواد، *نظریه نسبیت در حقوق شهروندی: تحلیلی مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی*، تهران: نشر گرایش، ۱۳۸۸.
- جاوید، محمدجواد، *نظریه نسبیت در حقوق شهروندی*، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۸۸.
- جاوید، محمدجواد و همکاران، «نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۵۹، ۱۳۹۱.
- جعفری، سیداصغر، *فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، «حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی امام علی (ع)»، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۹۲.
- جعفری، عطیه، «نقش حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در راستای ارتقای مدیریت شهری»، *مطالعات هنر و علوم انسانی*، سال دوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط ترمینولوژی حقوق*، ج ۳، تهران: گنج‌دانش، ۱۳۹۰.
- جوادی آملی، عبدالله، *فلسفه حقوق بشر*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ششم، ۱۳۸۹.
- جهانگیری، مسعود، «نگاهی جامعه‌شناسانه به مفهوم شهروند و شهروندی»، روزنامه همدلی، ۱۳۹۵.
- حاتمی کیا، عبدالرضا و عوض یار، عارف، *حمایت از حقوق مصرف‌کننده*، شیراز: کتیبه نوین، ۱۳۹۵.
- حاجی پور، مرتضی، «تاثیر حقوق بنیادین بشری در آزادی قراردادی»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال ششم، شماره ۲۰، ۱۳۹۶.
- حلبی، علی اصغر، *انسان در اسلام و مکاتب غربی*، تهران: انتشارات اساطیر، چ دوم، ۱۳۷۴.
- امام خمینی، روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.

- خسروی، حسن، *حقوق اساسی (۱)*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور، چ دهم، ۱۳۹۲.
- خسروی، حسن، *حقوق اساسی ۳*، تهران: انتشارات پیام‌نور، ۱۳۹۷.
- درویشی، عباس، *جایگاه پلیس و نیروی انتظامی در حفظ حقوق شهروندی*، تهران: انتشارات قانون-یار، ۱۳۹۷.
- دلخوش، علیرضا، «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی: تفاوت‌ها و اشتراکات»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۲، شماره ۴، ۱۳۸۷.
- دومیشل، آندره و لالومی‌یر، پی‌یر، *حقوق عمومی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶.
- دهخدا، علی‌اکبر، *فرهنگ دهخدا*، تهران: امیرکبیر، چ سوم، ۱۳۹۳.
- ذاکریان، مهدی، *حقوق بشر در هزاره جدید*، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۱.
- راغب‌اصفهان‌ی، حسین‌بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه و تبیین مفردات راغب، ترجمه محمد بندرریگی، سیدعباس حسینی و حسین عسگرلو تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸.
- راسخ، محمد، «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۱، ۱۳۸۴.
- رستمی، ولی‌الله و همکاران، *دادرسی علانیه در مراجع اختصاصی اداری ایران*، تهران: نشرگرایش، ۱۳۸۸.
- رشیدپور، علی، «پاسخگویی و دولت پاسخگو»، *مجله تدبیر*، شماره ۱۶۰، ۱۳۸۴.
- رضایی‌پور، آرزو، *مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی*، تهران: انتشارات سپهر ادب، چ چهارم، ۱۳۸۸.
- روسو، ژان‌ژاک، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، تهران: قاصدک صبا، چ دوم، ۱۳۹۴.
- سلیمان‌زاده، احمدرضا، «اهداف و اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، پژوهشکده باقر العلوم، ۱۳۹۷، در سایت: <http://pajoohe.net/25513>
- شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌الله، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، *فرهنگ مدیریت*، شماره ۴، ۱۳۸۲.
- شریفی، سعید، *حقوق ملت و دولت در قانون اساسی*، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۴.

- شریفی طرازکوهی، حسین، *حقوق بشر (ارزش ها و واقعیت ها)*، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
- شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۲، تهران: انتشارات دراک، چ هفدهم، ۱۳۸۷.
- شهریاری، اکبر، «ابهامات و موانع قانونی حقوق شهروندی»، *فصلنامه قانون یار*، دوره چهارم، ۱۳۹۶.
- شهوری، احمد، *مکتب حقوق طبیعی: سیر تحول تاریخی اندیشه حقوق طبیعی از آغاز تا پایان سده بیستم*، تهران: احمد شهوری، ۱۳۹۲.
- شیانی، ملیحه، «شهروندی و رفاه اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۸۱.
- صانعی، مهدی، «حکمرانی خوب؛ مفهومی نو در مدیریت دولتی»، *ماهنامه تدبیر*، سال هفدهم، شماره ۱۷۸، ۱۳۸۵.
- صانعی، پرویز، *حقوق و اجتماع*، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
- صفاری، نازنین و شریفات محمدی، محمدعلی، *حقوق حمایت از مصرف کننده: (بررسی قوانین حمایت از مصرف کننده ایران و انگلستان)*، تهران: مبین عدالت، ۱۳۹۸.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین الملل عمومی*، تهران: گنج دانش، چ هجدهم، ۱۳۸۲.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه و حقوق بین الملل بشر، بررسی تحولات اخیر حقوق بشر دوستانه بین المللی*، تهران: دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، نشر نسیم، ۱۳۸۲.
- طالبی، محمدحسین، *درآمدی بر فلسفه حق*، تهران: سمت، ۱۳۹۳.
- طالبی، محمدحسین، «حقوق طبیعی بشر (اشتراکات و امتیازات)»، *پژوهشنامه حکمت اسلامی*، دوره ۵، شماره ۱، پیاپی ۱۶، ۱۳۹۷.
- طباطبایی مومنی، منوچهر، *حقوق اداری*، تهران: سمت، چ هفدهم، ۱۳۹۰.
- طباطبایی مومنی، منوچهر، *آزادی های عمومی و حقوق بشر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ششم، ۱۳۹۴.
- طلاکی طرقي، اکبر و عطار، محمدصالح، «الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران (در پرتو قانون اساسی، حقوق بشر اسلامی، اعلامیه پاریس و رویه کشورها)»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، سال ششم، شماره ۱۷، ۱۳۹۶.
- طه، فریده و اشرفی، لیلا، *دادرسی منصفانه*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.

- عباسی، مجید، «نظریه اسلامی حقوق بشردوستانه و صلح بین‌المللی با تاکید بر کرامت ذاتی و ارزش انسانی»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال چهارم، شماره ۱۰، ۱۳۹۵.
- عباسی، بیژن، *مبانی حقوق اساسی*، تهران: جنگل جاودانه، چ چهارم، ۱۳۹۴.
- عباسی، بیژن، *حقوق بشر و آزادهای بنیادین*، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۰.
- عزیزی‌فرد، مهدی، *مبانی حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دادگستر، چ دوم، ۱۳۹۶.
- علیدوستی، ناصر، «پلیس و حقوق شهروندی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره دوم، ۱۳۸۸.
- عیوضی، محمدرحیم و باب‌گوره، سیدحسام‌الدین، «تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی»، *فصلنامه سیاست*، دوه ۴۲، شماره ۳، ۱۳۹۱.
- غائبی، محمدرضا، *نهادهای ملی حقوق بشر*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
- فالكس، کیت، *شهروندی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۱.
- فرهادی، مرتضی، «فضای مفهومی مشارکت هم‌معنایی و نا هم‌معنایی یاریگری (یاوری، تعاون)، با مشارکت (انبازی) و همکاری»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۹، ۱۳۸۱.
- فرانکنا، ویلیام‌کی، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم: موسسه فرهنگی طه، کتاب طه، چ دوم، ۱۳۹۲.
- فضائلی، مصطفی، *دادرسی عادلانه؛ محاکمات کیفری بین‌المللی*، تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۸۷.
- فلاح زاده، علی‌محمد، «نسبت بین حقوق شهروندی و حقوق بشر»، *مجله حقوقی*، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.
- قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد، «نظریات اخلاقی در آیین حقوق»، *نامه مفید*، شماره ۲۹، ۱۳۸۱.
- قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد، *حقوق بشر در جهان معاصر*، ج ۲، تهران: شهر دانش، چ سوم، ۱۳۹۵.
- قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد و نیکویی، مجید، «حقوق طبیعی و حق طبیعی: تحلیل مفهومی و تکامل تاریخی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، شماره ۳، ۱۳۹۶.
- قربان‌نیا، ناصر، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- قلی‌پور، رحمت‌الله، «تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت»، *دانش مدیریت*، سال هفدهم، شماره ۶۷، ۱۳۸۳.

- قوه قضائیه، *ابعاد حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۸۸.
- قیوم‌زاده، محمود و جهانگیری‌مقدم، روح‌الله، «اخلاق‌مداری مبنای ارتقاء حقوق شهروندی»، *پژوهش‌های اخلاق*، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۳.
- کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ هشتاد و چهارم، ۱۳۹۳.
- کاتوزیان، ناصر، «اخلاق و حقوق»، *فصلنامه اخلاق در علوم فناوری*، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲، ۱۳۸۶.
- کاستلز، استفان و دیویدسون، آلیستر، *مهاجرت و شهروندی*، ترجمه فرامز تقی‌لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
- کاظمی، سیدعلی، «موانع و چالش‌های تدوین لایحه حمایت از حقوق شهروندی در ایران»، *مجله حقوقی*، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.
- کمیته ملی حقوق بشردوستانه، *رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی*، ترجمه دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: نشر سیر سیم، ۱۳۸۳.
- کامیار، غلامرضا، *حقوق شهری و شهرسازی*، تهران: انتشارات مجد، چ هشتم، ۱۳۹۵.
- کميجانی، اکبر و سلاطین، پروانه، «بررسی تأثیر حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه»، *فصلنامه مدیریت*، سال هفتم، شماره ۲۰، ۱۳۸۷.
- کانت، ایمانوئل، *فلسفه حقوق*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: نقش و نگار، چ چهارم، ۱۳۹۳.
- کانت، ایمانوئل، *فلسفه فضیلت*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: نقش و نگار، چ چهارم، ۱۳۹۳.
- کنعانی، محمدطاهر و همکاران، *حقوق بین‌الملل بشر دوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)*، تهران: کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، چ دوم، ۱۳۸۳.
- کیویستو، پیتر، *شهروندی؛ گفتمان، تئوری و دیدگاه‌های فراملی*، ترجمه احمد خسروی، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.

- گرجی، علی اکبر و بابایی، مهدی، «آمبودزمان: هم‌سنجی سامانه‌های ایران، فرانسه و انگلستان»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۷، ۱۳۹۱.
- گرجی، علی اکبر، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، *نشریه حقوق اساسی*، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۸۳.
- گروه نویسندگان، *مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، تهران: میزان، ۱۳۸۶.
- لوی‌برول، هانری، *جامعه‌شناسی حقوق*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: نشر دادگستر، چ سوم، ۱۳۸۶.
- محاسب، مهین‌دخت، *حق دادخواهی*، تهران: نشر سحر، ۱۳۸۷.
- محمود، صابر، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۸، شماره ۴، ۱۳۸۸.
- مدرس، علی اکبر، *حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر*، تهران: انتشارات نوبل، ۱۳۷۵.
- مدنی، سیدجلال‌الدین، *مبانی و کلیات علم حقوق*، تهران: انتشارات پایدار، چ نوزدهم، ۱۳۹۲.
- مدنیان، غلامرضا، «گفتاری پیرامون معنا و مفهوم شهروند»، ۱۳۹۰، در سایت: <https://6263479.persianblog.ir>
- مرکز و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی، *مبانی نظری حق برخورداری از امنیت حقوقی*، تهران: کرسی حقوق بشر؛ گروه دموکراسی، ۱۳۸۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، *گزارش حقوق شهروندی و ارتقای آن در برنامه پنجم توسعه*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۸.
- مرکز مال‌میری، احمد، *حاکمیت قانون؛ مفاهیم، مبانی و برداشتها*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، چ دوم، ۱۳۹۴.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، *نظریه حقوقی اسلام*، نگارش محمدمهدی نادری و محمدمهدی کریمی نیا، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۰.
- مظفری، محمدحسین، *منشور حقوق بشر اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹.
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری، *بررسی نهادهای ملی متولی حقوق شهروندی*، *مجموعه مقالات حقوق شهروندی*، تهران: معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰.

- معاونت آموزش قوه قضائیه، کمیسیون های شبه قضایی، قم: نشر قضا، ۱۳۸۷.
- معلوف، لوئیس، ترجمه فارسی المنجد فی اللغة والادب و العلوم، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: صبا، چ چهارم، ۱۳۹۳.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات ناس، ۱۳۹۰.
- مقامی، امیر، «نهاد ملی حقوق شهروندی»، ۱۳۹۴، در سایت: <http://adlpub.com>
- مقیمی، مهدی و بهدین، کبریا، پلیس و حقوق شهروندی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۹۵.
- مک کالوم، جرال دسی، فلسفه سیاسی، ترجمه بهروز جندقی، قم: کتاب طه، ۱۳۸۳.
- موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت، تهران: نشر کارنامه، چ چهارم، ۱۳۹۲.
- موسی زاده، ابراهیم، حقوق بشر در اسلام، با همکاری هادی شکری، تهران: خرسندی، ۱۳۹۳.
- موسویان، سیدابوالفضل، ماهیت حق، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۳.
- مهرپور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات، چ هفتم، ۱۳۹۶.
- مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، چ دوم، ۱۳۸۶.
- میدری، احمد، «حکمرانی خوب»، بررسی های بازرگانی، شماره ۴، ۱۳۸۲.
- میرموسوی، سیدعلی و حقیقت، سیدصادق، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ یازدهم، ۱۳۹۱.
- نادری، محمدمهدی، «حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی» اسلام و پژوهشهای مدیریتی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۰.
- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، تهران: نشر آگاه، چ بیست و سوم، ۱۳۸۹.
- نجابت خواه مرتضی و همکاران، «آسیب شناسی ساختار و صلاحیت های مراجع اختصاصی اداری در حقوق اداری ایران»، دو فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، ۱۳۹۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و رجبی، ابراهیم، پلیس و حقوق شهروندی، تهران: نشر منتهی، ۱۳۸۹.
- نژندی منش، هیبت الله و عبدالهی اصل، سید کمال، «نقش سازمان های مردم نهاد (NGO) در ترویج حقوق شهروندی»، همایش ملی حقوق شهروندی، آذربایجان غربی: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۴.

- نش، کیت، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت*، محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر، چ دوازدهم، ۱۳۹۳.
- نوابخش، مهرداد، «بررسی شهر و مفهوم شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی»، *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۵.
- نوروزی، رضاعلی و کوهی‌اصفهانی، هاجر، «بررسی و تبیین مفهوم انسان متعالی از منظر قرآن کریم»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، دوره ۴، شماره ۱۴، ۱۳۹۲.
- نوری، مختار، «مفهوم شهروندی و سیر تطور آن در فلسفه سیاسی»، *دنیای اقتصاد*، شماره ۴۰۸۶، ۱۳۹۶.
- وکیل، امیرساعد و عسگری، پوریا، *قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: انتشارات مجد، چ چهارم، ۱۳۹۱.
- ویژه، محمدرضا، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، *نشریه حقوق اساسی*، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۸۳.
- هاشمی، سیدمحمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، تهران: میزان، چ نهم، ۱۳۸۸.
- هاشمی، سیدمحمد، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: میزان، چ دوم، ۱۳۹۱.
- هداوند، مهدی و آقایی طوق، مسلم، *دادگاههای اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه*، تهران: انتشارات خرسندی، چ دوم، ۱۳۹۴.
- هکی، فرشید، *گفتمان حقوق بشر برای همه*، تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۸۹.
- همتی، مجتبی، «مفهوم، ارکان و ارتقای حقوق شهروندی جهانی»، *مجله حقوق بشر*، سال دوازدهم، شماره ۱، ۱۳۹۶.
- همتی، مجتبی، «بررسی و تحلیل مبانی نظری عدالت اجتماعی، (حقوق اقتصادی و اجتماعی و حقوق رفاهی و دولت رفاه در پرتو نظریه عدالت جان رالز)»، *نشریه حقوق اساسی*، سال چهارم، شماره ۸، ۱۳۸۶.
- یاروی، اسدالله، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه»، *فصلنامه حقوق اساسی*، شماره ۲، ۱۳۸۳.

-Donnelly, Jack, *Universal Human Rights in Theory and Practice*, Ithaca, N.Y. Cornell University Press, 1989.

- Edwardson, Wiliam A., *An Introduction to Right*, Cambridge: Cambridge University Press, 2004.
- IFAD, Good Governance: an Overview, 2015, <http://docplayer.net /11994515-Good-governance-an-overview.html>.
- Integrated ISA, «Good Governance: Meaning and Concept», 2015, <http://www.gktoday.in/html>.
- Jones, Peter, *Rights*, New York: Macmilan, 1994.
- Kant, Immanuel, *Groundwork of the Metaphysics of Morals*, Translated by Ellington, J. Third ed., Hackle Publishing Company, U.S.A. 1993.
- Kramer, Matthew. H and Simmonds, N.E and Steiner, Hillel, *A Debate over Rights*, Oxford: Oxford University Press, 1998.
- kymlicka, Will, *Citizenship in Diverse Societies*, Oxford University Press, 2000.
- Marchal, Gordon, *A Dictionary of Sociology*, New York: Oxford University Press, 1998.
- Meyer, Michael J. and Parent W.A., *The Constitution of Rights: Human Dignity and American Values*, NewYork: Cornel University Press, 1992.
- Mustafa, Fayzan, *Constitutional Issues in Freedom of Information*, New Dehli: Kaniska Publication, 2003.
- Smith, Rhone K.M, *Human Right's*, (Oxford: Oxford University Press, 2005.
- UN Commission on Human Rights, «The role of good governance in the promotion of human rights », resolution 2000/64, <http://www.ohchr.org /EN/Issues/Development/GoodGovernance/Pages/GoodGovernanceIndex.aspx>.
- UNDP's Human Development Report , Murch 2, 1992, <http://hdr.undp. org/en/global-reports>.